

برگزیده ای از سخنان بسیار مهم امیرالمومنین (ع)





بعد از حمد و سپاس خداوند حکیم و درود و صلوات بر سرور انبیاء حضرت محمد مصطفی و اهل بیت طاهرینش

یکی از نعمتهای بسیار بزرگی که خداوند به بشریت اهدا کرد وجود مبارک امیرالمومنین علی بن ابی طالب است. ای شخصیتی که 63 سال عمر کرد برکات فراوانی برای بشریت داشته است. میلیونها نفر بوسیله ایشان هدایت یافتند و به سعادت رسیدند.

از جمله برکات امیرالمومنین علیه السلام، سخنان پرفایده هدایتگر ایشان است که در کتابهایی چون نهج البلاغه جمع اوری شده است.

ما در اینجا برگزیده ای از سخنان ایشان را می اوریم با این امید که مورد استفاده خوانندگان محترم قرار گیرد.

زمستان 1401- کرمانشاه

فرزند بهترین کنیزان کیست؟

ابو جحیفه، حرث بن عبدالله همدانی و حرث بن شرب، می گویند: روزی در خدمت حضرت علی (علیه السلام) بودیم. حضرت رو به فرزند خود امام حسن (علیه السلام) نموده و فرمود: مرحبا ای پسر پیغمبر! در این حال، فرزند دیگر امام یعنی حسین (علیه السلام) وارد شد. حضرت علی (علیه السلام) به او فرمود: پدر و مادرم قربانت شود ای پدر فرزند بهترین کنیزان! عرض کردیم: یا امیرالمؤمنین! چرا به امام حسن (علیه السلام) آن طور و به امام حسین (علیه السلام) این گونه خطاب کردید؟ فرزند بهترین کنیزان کیست؟ امام (علیه السلام) فرمود: او گم شده ای است که از کسان و وطن دور و مهجور، و نامش (محمد) است، و فرزند حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین می باشد..

شما چگونه به این مقام رسیدید؟

شخصی به حضرت امیر مومنان علی (علیه السلام) عرض کرد شما چگونه به این مقام رسیدید؟ حضرت فرمودند: جلوی در خانه دل نشستم و غیر خدا را راه ندادم.

«النَّاسُ نِيَامٌ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا»

مردم خوابند وقتی می میرند تازه بیدار میشوند!

حکمت ۶۴ نهج البلاغه

قال عليه السلام: أَهْلُ الدُّنْيَا كَرَكَبٍ يُسَارُّ بِهِمْ. وَهُمْ نِيَامٌ

علی (ع) فرمود: مردم دنیا همچون مسافران (در کشتی) اند آنان را می برند و آنان در خوابند

سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي، (به معنای از من پرسید، پیش از آنکه مرا از دست بدهید)، جمله‌ای از امام علی (ع) است. پس از اینکه امام علی (ع) این جمله را در خطبه‌ای بر زبان آورد، سعد بن ابی وقاص از او سؤال کرد چند تار مو در سر و محاسن من است؟ امام علی (ع) در پاسخ او، سوگند یاد کرد که رسول خدا (ص) به او خبر داده بود که تو چنین سؤالی از من خواهی کرد. در سر و محاسن تو تار مویی نیست، مگر آنکه در بیخ آن، شیطانی ساکن است. همچنین در خانه تو بزغاله‌ای است (اشاره به (عمر بن سعد) که فرزندم حسین (ع) را به قتل می‌رساند) ابن قولویه، کامل الزیارات، ۱۳۵۶ ش، ص ۷۴

بهترین ایه از نظر امیرمومنان علی علیه السلام:

-امام علی (علیه السلام)

آیا شما را از پرفضیلت‌ترین آیه در کتاب خداوند عزوجل آگاه سازم؟ رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برای ما نقل کرد آیه: **وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ** (30 شوری) یعنی هر مصیبتی برای شما پیش می‌آید بخاطر اعمالتان می‌باشد... [می‌باشد] و خداوند متعال بزرگوارتر از آن است که در آخرت شخص مصیبت‌زده را دوباره مجازات کند، و خداوند متعال باگذشت‌تر از آن است که گناهی را که در دنیا از آن چشم پوشی کرده است [در آخرت] از عفویش بر گردد.

تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۱۳، ص ۶۴۰

بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۱۸۸ / الدعوات، ص ۱۶۷

حضرت فرمودند بهترین ایه این ایه (ایه 30 شورا) است:

وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ

زیرا خداوند مجازات گناهان را در همین دنیا با مصیبت ها انجام می دهد و دیگر به آخرت نمی کشاند.

هر رگی که پیچ می خورد، هر سنگی که بر فردی فرود می آید، هر پایی که می لغزد و هر زخمی که در اثر ضربه ی چوبی بر تن انسانی وارد می شود، هر کدام به خاطر ارتکاب گناهی است. تعداد گناهانی که خداوند آن ها را می آمرزد بیش از آن تعدادی است که به خاطر آن ها بندگان را مجازات می کند و خداوند برخی را به خاطر گناهشان در دنیا مجازات می کند؛ [بسیاری از گناهان به جهان آخرت کشیده نمی شود و در آنجا مؤاخذه قرار نمی گردد] زیرا خداوند، بزرگ تر و با عظمت تر از آن است که در آخرت او را دوباره مورد مجازات قرار دهد.

تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۱۳، ص ۶۳۶

الکافی، ج ۲، ص ۴۴۵ / مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۲۵ / البرهان / نورالثقلین

منظور از «عالم متهتک» و «جاهل متنسک» در سخن امام علی (علیه السلام) کیست؟

در کتاب غررالحکم، که بخشی از حکمت ها و سخنان حضرت امام علی (علیه السلام) را در خود جای داده، چنین آمده است: **فقط دو شخص کرم را شکستند؛ عالمی که از انجام گناه ابائی ندارد و نادانی که اهل عبادت باشد.** آن عالم با ارتکاب گناهان، مردم را از دینداری فراری می دهد و این نادان، به خاطر جهلش، مردم را به سمت باطل می کشاند.

امام علی علیه السلام: هر کسی سه جمعه پشت سرهم بدون عذر در نماز جمعه حاضر نشود منافق است.

علی (ع) به فرزندش امام حسن علیه السلام فرمود

پسرم! چهار چیز و چهار دیگر از من به خاطر بسپار

که تا بدان ها عمل کنی زیان نبینی

گرانمایه ترین بی نیازی خرد است،

و بزرگترین فقر بی خردی است

و ترسناکترین تنهایی خودپسندی است

و گرامی ترین ارزش خانوادگی، اخلاق نیکوست

پسرم! از دوستی نادان پرهیز

چه او خواهد که تو را سود رساند لیکن دچار زیانت گرداند

و از دوستی بخیل پرهیز،

که از تو دریغ دارد،

آنچه را سخت بدان نیازمندی

و از دوستی بدکار پرهیز

که به اندک بهایت بفروشد

و از دوستی دروغگو پرهیز

که او سراب را ماند،

دور را به تو نزدیک

و نزدیک را به تو دور نمایند

استدراج عذاب الهی

« امام علی (علیه السلام) می فرمایند:

كَمْ مِنْ مُسْتَدْرِجٍ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ وَ مَغْرُورٍ بِالسُّتْرِ عَلَيْهِ وَ مَفْتُونٍ بِحُسْنِ الْقَوْلِ فِيهِ وَ مَا ابْتَلَى اللَّهُ أَحَدًا بِمِثْلِ

الْإِمْلَاءِ لَهُ»؛ [1] چه بسیارند کسانی که به وسیله نعمت، غافلگیر میشوند و بهخاطر پردهپوشی خدا بر گناهان خود مغرور میگردند و بر اثر تعریف و تمجید از آنان فریب میخورند و خداوند هیچکس را به (نهج البلاغه ، خطبه 116) خداوند هیچ کس را به . چیزی مانند «مهلت دادن» آزمایش نکرده است چیزی همانند مهلت دادن به او، آزمایش نکرده است

توضیح: این روایت؛ مربوط به مجازاتهای استدراجی خداوند در دنیا است که یکی از سنتهای الهی در مقابله با بدکاران است. به این معنا که آنها هرچه بد میکنند نعمت بیشتر مییابند و خود نمیدانند که این نعمتها به منظور غوطهور نمودن ایشان در لذت و کامرانی است تا به تدریج استعداد هدایت را از و این از دو حال خارج نیست، . دست میدهند و زمانی فرا میرسد که تمام فرصتها از آنها گرفته میشود یا این نعمتها باعث تنبّه و بیداریشان میشود که در این حال برنامه «هدایت الهی» عملی شده، و یا اینکه بر غرور و بی خبریشان میافزاید

یکی از موارد آزمایش الهی در «ما ابْتَلَى اللَّهُ أَحَدًا بِمِثْلِ الْإِمْلَاءِ لَهُ» بیان شده است؛ یعنی خدای تعالی به وسیله مهلت و فرصت دادن به انسان در زندگی که یکی از نعمتهای بزرگ الهی است، او را مورد آزمایش و امتحان قرار میدهد. که در نهایت به سود افراد با ایمان تمام خواهد شد؛ چون آنها این فرصت و هشدار را درک کرده و اقدام به اصلاح انحرافات احتمالی خویش مینمایند، اما اگر به

شخصی فرصت داده شده و هشدارى به او نرسد، او در دریای غفلت غوطه‌ور شده و ناگهان بدون هشدار قبلى با عذاب نهایی مواجه خواهد شد.

در سخن امام على (عليه السلام)، از اموری که خداوند بدان وسیله بندگانش را می‌آزماید، چهار مورد بیان شده است:

1. نیکی و احسان با انواع نعمتها نسبت به بندهاش

2. پوشاندن نافرمانی و گناه او

3. خوشگویی و مدح و ستایش مردم نسبت به او

4.

به تأخیر انداختن مدّت و مهلت و فرصت دادن به او¹

حضرت على عليه السلام:

هر که نهایت تلاش خود را برای رسیدن به هدف به کار گیرد، به تمام خواسته هایش می رسد ❖

غررالحکم، حدیث 1250 ❖

جَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَيْدِيكُمْ فَإِنْ لَمْ تَقْدِرُوا فَجَاهِدُوا بِأَلْسِنَتِكُمْ فَإِنْ لَمْ تَقْدِرُوا فَجَاهِدُوا بِقُلُوبِكُمْ؛
در راه خدا با دستهای خود جهاد کنید، اگر نتوانستید با زبانهای خود و اگر باز هم نتوانستید با قلب

ابن میثم بحرانی، میثم بن علی، شرح نهج البلاغه، ج 5، ص 303، دفتر نشر الکتاب، بیجا، چاپ دوم، 1362ش¹

خود جهاد کنید.

دعائم الإسلام ج 1، ص 343

حکمت 333: (در توصیف مومن فرمود:) شادی مومن در چهره او، و اندوه وی در دلش پنهان #

است، سینه اش از هر چیزی فراخ تر، و نفس او از هر چیزی خوارتر است، برتری جویی را زشت، و ریاکاری را دشمن می شمارد، اندوه او طولانی، و همت او بلند است، سکوتش فراوان، و وقت او با کار پر است، شکرگزار و شکیبیا و ژرف اندیش است، از کسی درخواست ندارد و نرم خو و فروتن است، نفس او از سنگ خارا سخت تر اما در دینداری از بنده خوارتر است

امام علی (ع) فرمود: اگر ثروتمندان به وظایف خود عمل کنند فقیری باقی نمی ماند!

اميرالمومنين على عليه السلام:

إِنْ كُنْتَ تُرِيدُ مِنَ الدُّنْيَا مَا يَكْفِيكَ فَانْ أَيْسَرَ مَا فِيهَا يَكْفِيكَ وَإِنْ كُنْتَ إِنَّمَا تُرِيدُ مَا لَا □ ◆
يَكْفِيكَ فَانْ كُلَّ مَا فِيهَا لَا يَكْفِيكَ

ای فرزند آدم، اگر از دنیا بقدر کفایت بخواهی اندکی از دنیا تو را کفایت می کند و اگر بیش $\square$ ♦ از کفایت بخواهی همه دنیا هم تو را بس نباشد

کافی ج 2، ص 138

کسانی که امام انها سوسمار است!

ابن شهر آشوب، از اسحاق بن حسان، با اسناد خود از أَصْبَغ بن بُبَاثه روایت کرده است که ².

امیرالمؤمنین علیه السَّلام به ما امر فرمود که از کوفه به مدائن برویم. روز یکشنبه ما به راه افتادیم. در میان راه از میان ما عمرو بن حریث و أشعث بن قیس و جریر بن عبد الله بَجَلی با پنج نفر دیگر جدا شدند و به سوئی رفتند که در حیره بود. و به آن خورنق 1 و سدیر 2 می گفتند. و به ما گفتند: چون روز جمعه فرا رسد ما به مدائن به علی می رسیم و قبل از آنکه مردم برای نماز جمعه مجتمع گردند می آئیم. تا نماز را با علی بخوانیم

آن هشت نفر در خورنق و یا سدیر در وقت ظهر که نشسته بودند مشغول نهار خوردن بودند یک ضَبّ (سوسمار) از جلوی آنها گذشت. آن را صید کردند. عمرو بن حریث دست سوسمار را باز کرد و به همراهان خود گفت: با این سوسمار بیعت کنید، این امیرالمؤمنین شماس است. آن هشت نفر با آن سوسمار بیعت کردند و سپس آن را رها کردند و خودشان از آنجا به مدائن کوچ کردند و گفتند: علی بن

ابی طالب چنین می پندارد که از علم غیب اطلاع دارد. ما اینک او را از امارت مؤمنان خلع کردیم و به جای او با سوسماری بیعت کردیم

حرکت کردند تا روز جمعه به مدائن رسیدند و داخل مسجد شدند در هنگامی که امیرالمؤمنین علیه السَّلام بر بالای منبر خطبه می خواند و فرمود: رسول خدا صَلَّی الله علیه و آله برای من احادیث بسیاری را سرّاً گفته است که در هر حدیثی از آن احادیث دری است که از آن یک در هزار در دیگر گشوده می شود. خداوند تعالی در کتاب عزیز خود می گوید: **يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ اُنْاسٍ بِاِمِّهِمْ** (آیه 71، از سورة 17: اسراء)

«روز قیامت روزی است که ما در آن روز، هر دسته و جمعیتی از مردم را با امام خودشان می خوانیم». و من به خداوند قسم می خورم که در روز قیامت هشت نفر از این امت محشور می شوند که امام آنها ضَبّ (سوسمار) است، و اگر بخواهم نام آنها را ببرم می برم

در این حال رنگ از چهره‌هایشان پرید و بندبند آنها لرزیدن گرفت و عمرو بن حریث از شدت ترس و دهشت مانند شاخهٔ سَعَف (برگ درخت خرما) تکان می‌خورد

در «قاموس» آورده است که: خورنق قصری است که برای نعمان اکبر بوده است و معرب 1) .خورنگاه است یعنی محل خوردن

در «قاموس» گوید: سُدَیر بر وزن زُبَیر زمینی است میان بصره و کوفه و محلی است در دیار غطفان 2) و بر وزن امیر یعنی سدیر، نهری است در ناحیهٔ حیره

نظر امیرالمومنین(ع) درباره اشعث منافق

از حسن بن علی علیه السلام در ضمن حدیثی آمده است که: اشعث بن قیس کندی در خانهٔ خود مأذنه‌ای ساخته بود و هر وقت که صدای اذان را در اوقات نماز از مسجد می‌شنید بر بالای مأذنه می‌رفت و با صیحه و فریاد از بالای مأذنه می‌گفت: یا رَجُلُ إِنَّكَ لَكَاذِبٌ سَاحِرٌ «ای مرد حقاً تو دروغگو و جادوگر هستی»، و پدر من او را عُنُقُ النَّار (گردنهٔ آتش) می‌نامید. و در روایتی عُرْفُ النَّار (موج آتش) می‌نامید.

چون از امیرالمؤمنین علیه السلام راجع به این تسمیه پرسیدند، گفت: چون اشعث بخواهد بمیرد آتشی از آسمان به شکل گردن پائین می‌آید و او را محترق می‌کند و می‌سوزاند، و او را دفن نمی‌کنند مگر به شکل ذغال سیاه

وقتی در آستانه مرگ رسید، چون حاضران نظر کردند دیدند کانه یک گردنه آتش از آسمان تا به زمین کشیده شده است. آن آتش وی را در حالی که صیحه می زد و واویلا و ثوراه می گفت هلاک کرد 1

مناقب» طبع سنگی ج 1، ص 420 و ص 421 و در «بحار الانوار» طبع کمپانی ج 9 ص 578 از «خصال» صدوق ذکر کرده است و نیز از «خراج و جرائع» راوندی و «بصائر الدرجات» و «فضائل» ابن شاذان آورده است

تویخ فرماندار

یکی از نکات مهم در سیره سیاسی امام علی (ع) داستان حضور عثمان بن حنیف در میهمانی اشراف بصره است. حضرت به محض اطلاع از این اقدام، نامه ای تویخ امیز به عثمان می نویسد. این نامه به دلیل دقت امام علی (ع) در رفتار کارگزاران و نظارت بر آنها دارای اهمیت است.

متن این نامه که در نهج البلاغه هم آمده است، تقدیم مخاطبان می شود:

أَمَّا بَعْدُ يَا ابْنَ حَنِيفٍ فَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ رَجُلًا مِنْ فِتْيَةِ أَهْلِ الْبَصْرَةِ دَعَاكَ إِلَى مَا ذُبِّهِ فَأَسْرَعْتَ إِلَيْهَا تُسْتَطَابُ لَكَ الْأَلْوَانُ وَتُنْقَلُ إِلَيْكَ الْجِفَانُ وَمَا ظَنَنْتُ أَنَّكَ تُجِيبُ إِلَى طَعَامِ قَوْمٍ عَائِلُهُمْ مَجْفُوٌّ وَغَنِيَهُمْ مَدْعُوٌّ فَأَنْظِرْ إِلَيَّ مَا تَقْضِمُهُ مِنْ هَذَا الْمَقْضَمِ فَمَا اشْتَبَهَ عَلَيْكَ عِلْمُهُ فَالْفِطْهُ وَمَا أَيْقَنْتَ بِطِيبِ وَجْهِهِ فَقُلْ مِنْهُ أَلَا وَإِنْ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا يَقْتَدِي بِهِ وَيَسْتَضِيءُ بِنُورِ عِلْمِهِ أَلَا وَإِنْ إِمَامَكُمْ قَدْ اكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطِمْرِيهِ وَمِنْ طُعْمِهِ بِقُرْصِيهِ أَلَا وَإِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى ذَلِكَ وَلَكِنْ أَعْيُونِي بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ وَعَقْفٍ وَسَدَادٍ فَوَاللَّهِ مَا كُنْتُ مِنْ دُنْيَاكُمْ تَبْرًا وَلَا ادْخَرْتُ مِنْ غَنَائِمِهَا وَفَرًّا وَلَا أَعْدَدْتُ لِبَالِي ثَوْبِي طِمْرًا وَلَا حُرْتُ مِنْ أَرْضِهَا شَبْرًا وَلَا أَخَذْتُ مِنْهُ إِلَّا كَقُوتِ أَتَانٍ دَبْرَهُ وَلَهِي فِي عَيْنِي أَوْهَى وَأَوْهَنُ مِنْ عَفْصِهِ مَقَرَّهُ بَلَى كَأَنْتَ فِي

أَيَّدِينَا فَدَكَ مِنْ كُلِّ مَا أَظْلَمَتْهُ السَّمَاءُ فَشَحَّتْ عَلَيْهَا نُفُوسُ قَوْمٍ وَ سَخَتْ عَنْهَا نُفُوسُ قَوْمٍ آخَرِينَ وَ نِعَمَ الْحَكَمُ اللَّهُ وَ مَا أَصْنَعُ بِفَدَاكَ وَ غَيْرِ فَدَاكَ وَ النَّفْسُ مَطَانُنْهَا فِي غَدٍ جَدَثٌ تَنْقَطِعُ فِي ظُلْمَتِهِ آثَارُهَا وَ تَغِيبُ أَخْبَارُهَا وَ حُفْرَةٌ لَوْ زِيدَ فِي فَسْحَتِهَا وَ أَوْسَعَتْ يَدَا حَافِرِهَا لَأَضْغَطَهَا الْحَجَرُ وَ الْمَدْرُ وَ سَدَّ فُرْجَهَا التُّرَابُ الْمُتْرَاكُمُ وَ إِنَّمَا هِيَ نَفْسِي أَرُوضُهَا بِالتَّقْوَى لِتَأْتِيَ آمِنَةً يَوْمَ الْخَوْفِ الْأَكْبَرِ وَ تَثْبُتَ عَلَى جَوَابِ الْمَزَلَقِ وَ لَوْ شِئْتُ لَاهْتَدَيْتُ الطَّرِيقَ إِلَى مُصَفَى هَذَا الْعَسَلِ وَ لُبَابِ هَذَا الْقَمْحِ وَ نَسَائِجِ هَذَا الْقَزِّ وَ لَكِنْ هِيَ هَاتِ أَنْ يَغْلِبَنِي هَوَايَ وَ يَقُودَنِي جَشَعِي إِلَى تَخِيرِ الْأَطْعِمَةِ وَ لَعَلَّ بِالْحِجَازِ أَوْ الْيَمَامَةِ مَنْ لَا طَمَعَ لَهُ فِي الْقُرْصِ وَ لَا عَهْدَ لَهُ بِالشَّبْعِ أَوْ أَيْتَ مِبْطَانًا وَ حَوْلِي بُطُونٌ غَرَّتِي وَ أَكْبَادُ حَرَّتِي أَوْ أَكُونَ كَمَا قَالَ الْقَائِلُ : وَ حَسْبُكَ دَاءٌ أَنْ تَبَيْتَ بِيْطَنَهُ * وَ حَوْلَكَ أَكْبَادُ تَحَنُّنٍ إِلَى الْقِدِّ أَقْنَعُ مِنْ نَفْسِي بِأَنْ يَقَالَ هَذَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ لَا أَشَارِ كُهُمْ فِي مَكَارِهِ الدَّهْرِ أَوْ أَكُونَ أَسْوَأَ لَهُمْ فِي جُشُوبِهِ الْعَيْشِ فَمَا خَلِقتُ لِيَشْغَلَنِي أَكْلُ الطَّيِّبَاتِ كَالْبَهِيمَةِ الْمَرْبُوطَةِ هَمُّهَا عَلْفُهَا أَوْ الْمُرْسَلَةِ شُغْلُهَا تَقَمُّمُهَا تَكْتَرِشُ مِنْ أَغْلَافِهَا وَ تَلْهُو عَمَّا يَرَادُ بِهَا أَوْ أَتْرَكَ سُدَى أَوْ أَهْمَلَ عَابِنًا أَوْ أَجَرَّ حَبْلَ الضَّلَالَةِ أَوْ أَعْتَسَفَ طَرِيقَ الْمَتَاهَةِ وَ كَأَنِّي بِقَائِلِكُمْ يَقُولُ إِذَا كَانَ هَذَا قُوتُ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ فَقَدْ قَعَدَ بِهِ الضَّعْفُ عَنْ قِتَالِ الْأَقْرَانِ وَ مُنَازَلَةِ الشُّجْعَانِ أَلَا وَ إِنَّ الشَّجَرَةَ الْبَرِّيَّةَ أَصْلَبُ عُودًا وَ الرِّوَاتِجَ الْخَضِرَةَ أَرْقُ جُلُودًا وَ النَّابِتَاتِ الْعِذِيَّةَ أَقْوَى وَ قُودًا وَ أَبْطَأُ خُمُودًا . وَ أَنَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ كَالضُّوِّ مِنَ الضُّوِّ وَ الذَّرَّاعِ مِنَ الْعُضْدِ وَ اللَّهُ لَوْ تَظَاهَرَتِ الْعَرَبُ عَلَى قِتَالِي لَمَّا وَلَّيْتُ عَنْهَا وَ لَوْ أَمَكُنْتُ الْقُرْصَ مِنْ رِقَابِهَا لَسَارَعْتُ إِلَيْهَا وَ سَاجَهَدْتُ فِي أَنْ أَطَهَّرَ الْأَرْضَ مِنْ هَذَا الشَّخْصِ الْمَعْكُوسِ وَ الْجِسْمِ الْمَرْكُوسِ حَتَّى تَخْرُجَ الْمَدْرَةُ مِنْ بَيْنِ حَبِّ الْحَصِيدِ .

ترجمه

اما بعد از حمد و ثنای خداوندی، ای فرزند حنیف، شنیده ام مردی از جوانان اهل بصره تو را به خوان گسترده ای از طعام دعوت نموده و تو بر سر آن خوان با شتاب حضور یافتی. طعام های رنگارنگ برای تو خوش آمده و کاسه های گوناگون پیاپی بر سر سفره تو آورده شده است. و من گمان نداشتم تو خوردن غذای قومی را بپذیری که فقرای آنان مورد اعراض قرار گیرند و بی نیازانشان بر سر طعام دعوت شوند.

پس بنگر چه چیز خوردنی از این طعام می جوی و می بلعی، پس آنجا که شناسایی غذا برای تو مشکل است، آن را بینداز و در آن مورد که به پاکیزگی اصل و هدفهایش یقین کردی تناول نما.

آگاه باش، برای هر پیروی، پیشروی است که باید از او تبعیت نماید و از علم او کسب نور کند. هشیار باش، امام شما از دنیایش به دو لباس کهنه و از خوراکش به دو قرص کفایت نموده است. بدانید شما قطعاً توانایی این قناعت را ندارید، ولی با اتصاف به پرهیزکاری و کوشش و پاکدامنی و درستکاری مرا یاری کنید.

سوگند به خدا، من از دنیای شما طلایی نیندوختم و از غنیمتها و منافع آن مالی جمع نکردم و برای لباس پوشیده ام، عوضی آماده نمودم و حتی وجبی از زمین این دنیا حیازت نکردم و من از قوت این دنیا نگرفتم مگر به مقدار توشه جاننداری که پشتش مجروح شود و غذایش کم شود. و قطعاً این دنیا در برابر چشمم پست تر و موهون تر از دانه تلخ ناچیزی است که به کار دباغی برآید.

بلی! از همه آنچه که آسمان بر آن سایه انداخته بود فدک در دست ما بود که نفوس گروهی از مردم به آن بخل ورزید و گروهی دیگر سخاوت ورزیده چشم از آن پوشیدند. خدا است بهترین داور میان بندگانش.

و مرا چه کار با فدک و غیر فدک، در حالی که جایگاه نفس فردا گور است که در آن تاریکی آن نشانه های وجودش از بین می رود و اخبارش ناپدید می گردد، آن گوری که اگر بر وسعتش اضافه شود و دو دست حفرکننده اش آن را گسترش دهد، با این حال سنگ و کلوخ آن را بفشارد و خاکهای انبوه رخنه هایش را مسدود کند.

جز این نیست که من نفس خود را با تقوی مشقت و ریاضت می دهم تا در روز ترس بزرگ در امن و امان آید و در کناره های لغزشگاه ها ثابت گردد.

و اگر من بخواهم راه به این غسل صاف و مغز گندم و بافته های این پرنیان بیرم، می توانم. ولی هیئات اگر هوای من، بر من پیروز شود و حرص و آز من به گزینش خوراکیها و ادارم سازد، در حالی که ممکن است در حجاز و یمامه کسی باشد که طمعی در یک قرص داشته و سیری را به یاد

نداشته باشد، با با شکمی پر بخوابم و پیرامون من، شکم هایی گرسنه و جگرهایی سوخته باشد.
یا چنان باشم که گوینده ای گفته است:

و برای تو دردی بزرگ و کافی است این که با شکمی پر بخوابی و در پیرامون تو جگرهایی باشد که
آرزوی شدید داشته باشد به خوردن پوستی دباغی نشده! آیا درباره خودم به این قناعت کنم که گفته
شود:

(این امیرالمومنین است) ولی در ناگواری های روزگار با آنان شرکت نورزم، یا در سختی زندگی
الگوی آنان نباشم؟ زیرا من آفریده نشده ام که خوردن غذاهای گوارا مرا مشغول بدارد مانند
چهارپایی بسته شده که تمام همت او، علفش می باشد یا مانند حیوانی، رها به حال خود باشم که زباله
دان ها را بر هم زند و از علفهای آنها شکم خود را پر کند.
و از آنچه از وی خواسته شده است غفلت بورزد.
یا رهایم سازند، یا برای زندگی بیهوده به حال خودم واگذارند یا طناب گمراهی را بکشم یا در راه
منحرف به کجروی افتم.

گویی می بینم گوینده ای از شما می گوید:
(اگر غذا و توشه فرزند ابیطالب همین است، پس ناتوانی او را از جنگاوری با امثال خود و پیکار با
دلاوران باز داشته است).
اینان بدانند درختی که در بیابان می روید چوب سخت تری دارد در حالی که پوست سبزه های زیبا
نازکتر و بی دوام تر است.
و رویدنی هایی که تنها از آب باران سیراب می شوند درای شعله های قویترند و خاموشی آنان زمانی
طولانی می خواهد.

و من و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مانند دو شاخه از یک درخت هستیم و مانند آرنج به بازو.
و سوگند به خدا، اگر همه عرب به جنگ با من برخیزند هرگز از آنان رویگردان نمی شوم و اگر
فرصتی برای نشاندن آنان به جای خود پیش آید، به طرف آنان با سرعت حرکت خواهم کرد و می

کوشم تا روی زمین را از این شخص معکوس (ضدانسان) و بدنی که عقل درونش سرگشته است پاک کنم تا کلوخ از میان دانه های درو شده جدا گردد.

ترجمه و شرح خطبه 27 نهج البلاغه؛ بخش چهارم: مردان نامرد

البرم بالناس:

يَا أَشْبَاهَ الرِّجَالِ وَلَا رِجَالَ، حُلُومُ الْأَطْفَالِ وَ عُقُولُ رَبَّاتِ الْحِجَالِ، لَوَدِدْتُ أَنِّي لَمْ أَرَكُمُ وَلَمْ أَعْرِفْكُمْ مَعْرِفَةً وَاللَّهِ جَرَّتْ نَدْمًا وَأَعْقَبَتْ سَدَمًا. فَاتْلُكُمُ اللَّهَ لَقَدْ مَلَأْتُمْ قُلُوبِي قِيحًا وَ شَحْنَتُمْ صَدْرِي غَيْظًا وَ جَرَعْتُمُونِي نُغْبَ التَّهْمَامِ أَنْفَاسًا وَ أَفْسَدْتُمْ عَلَيَّ رَأْيِي بِالْعِصْيَانِ وَ الْخِذْلَانِ، حَتَّى لَقَدْ قَالَتْ قُرَيْشُ إِنَّ ابْنَ أَبِي طَالِبٍ رَجُلٌ شُجَاعٌ وَ لَكِنْ لَا عِلْمَ لَهُ بِالْحَرْبِ. لِلَّهِ أَبُوهُمْ! وَ هَلْ أَحَدٌ مِنْهُمْ أَشَدُّ لَهَا مِرَاسًا وَ أَقْدَمُ فِيهَا مَقَامًا مِنِّي؟ لَقَدْ نَهَضْتُ فِيهَا وَ مَا بَلَغْتُ الْعِشْرِينَ وَ هَا أَنَا ذَا قَدْ ذَرَفْتُ عَلَى السَّيْنِ؛ وَ لَكِنْ لَا رَأْيَ لِمَنْ لَا يُطَاعَ.

ای به صورت مردان عاری از مردانگی، با عقل کودکان و خرد زنان به حجله آرمیده، کاش نه شما را دیده بودم و نه می شناختمتان. این آشنایی برای من، به خدا سوگند، جز پشیمانی و اندوه هیچ ثمره ای نداشت.

مرگ بر شما باد، که دلم را مالا مال خون گردانیدید و سینه ام را از خشم آکنده ساختید و جام زندگیم را از شرننگ غم لبریز کردید و با نافرمانیهای خود اندیشه ام را تباه ساختید. تا آنجا که قریش گفتند: پسر ابو طالب مردی دلیر است ولی از آیین لشکرکشی و فنون نبرد آگاه نیست. خدا پدرشان را بیامرزد. آیا در میان رزم آوران، رزمیده تر از من می شناسند، یا کسی را که پیش از من قدم به

میدان جنگ نهاده باشد. وقتی که من به آوردگاه می رفتم، هنوز به بیست سالگی نرسیده بودم و حال آنکه، اکنون از شصت سالگی برگزیده ام. آری، کسی را که از او فرمان نمی برند چه رأی و اندیشه ای تواند بود

امام علی علیه السلام در روایتی به وضعیت برخی از زنان در دوران آخرالزمان اشاره کردند.

روایت زیر را از کتاب من لا یحضره الفقیه منتشر می کند.

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

يُظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَ اقْتِرَابِ السَّاعَةِ وَ هُوَ شَرُّ الْأَزْمِنَةِ نِسْوَةٌ كَاشِفَاتُ عَارِيَّاتٍ مُتَبَرِّجَاتُ
مِنَ الدِّينِ دَاخِلَاتُ فِي الْفِتَنِ مَائِلَاتُ إِلَى الشَّهَوَاتِ مُسْرِعَاتُ إِلَى اللَّذَّاتِ مُسْتَحِلَّاتُ
لِلْمَحْرَمَاتِ فِي جَهَنَّمَ خَالِدَاتُ.

در آخر الزمان و نزدیک شدن روز قیامت که بدترین زمان ها می باشد، زن هایی یافت می شوند که این صفات را دارند: کشف کننده حجاب، عریان، خارج شوندگان از دین، داخل شونده های در فتنه، مائل به شهوات، شتابان به لذت ها، حلال شمارنده محرمات می باشند و مخلد در جهنم هستند .

من لا یحضره الفقیه، جلد ۳، صفحه ۳۹۰

!سلونی قبل أن تفقدونی: قبل از اینکه مرا از دست دهید، از من پرسید

عبارت فوق در موارد مکرر و متعددی از آن حضرت، نقل شده است. با توجه به اطلاق «سلونی»، شمول آن نسبت به علوم غیبی استفاده می شود

عبارت «سلونی قبل ان تفقدونی» ادعایی بس عظیم است که شایسته کسی جز پیامبر و امام نیست. به روایاتی در این موضوع توجه کنید

⁴.الف) الامام علی «ع»: سلونی قبل أن تفقدونی

از من پرسید، پیش از آنکه مرا از دست دهید

⁵.ب) الامام علی «ع»: ایها الناس! سلونی قبل أن تفقدونی، قَبین الجبلین مِنی علمٌ جمٌّ

ای مردم! از من پرسید، پیش از آنکه از دستم دهید که بین دو شانه من علم فراوانی است

⁶.ج) الامام علی «ع»: سلونی قبل أن تفقدونی، فلأنا بطرق السماء أعلم منی بطرق الأرض

از من پرسید پیش از اینکه مرا از دست دهید، چرا که من راه های آسمان را بهتر از راه های زمین می دانم

د) الامام علی «ع»: سلونی عن طرق السماء، فانی أعلم بها من طرق الأرض، سلونی قبل أن تفقدونی،
⁷.فإنّ بین جنبیّ علوماً کثیرةً کالبحار الزواخر

از من درباره راه های آسمان پرسید که آنها را از راه های زمین بهتر می دانم. از من سؤال کنید پیش از آنکه از دستم دهید، به راستی در بین دو شانه من علوم فراوانی چون دریاها پر از آب موجود است

⁸.ه) الامام علی «ع»: سلونی قبل ان تفقدونی، فأنی لا أسأل عن شیءٍ دون العرش الا أخبرتُ عنه

از من پرسید پیش از آنکه از دستم دهید، به راستی از چیزی غیر از عرش الهی سؤال نشوم، مگر اینکه از آن خبر دهم.

⁹ (و) الامام علی «ع»: سلونی عما فوق العرش، سلونی عما تحت العرش، سلونی قبل أن تفقدونی
از من پرسید درباره آنچه بالای عرش و پایین عرش است، سؤال کنید پیش از آنکه از دستم دهید
(ز) الامام علی «ع»: سلونی قبل ان تفقدونی، فوالله لا تسألونی عن شیء مضی و لا عن شیء یکون الا
¹⁰. أنبأتکم به

از من پرسید پیش از آنکه مرا از دست بدهید، به خدا قسم پاسخ هر سؤال شما را درباره گذشته، یا حال و آینده می دهم.

(ح) الامام علی «ع»: فاسئلونی قبل ان تفقدونی، فوالذی نفسی بیده لا تسألونی عن شیء فیما بینکم و بین الساعه، و لا عن فئه تهدی مائه و تضل مائه، إلی أنبأتکم بناعقها و قائدها و سائتها، و مناخ رکابها، و
¹¹. محط رحالها، و من یقتل من أهلها قتلاً و من یموت منهم موتاً

پرسید از من پیش از آنکه مرا از دست دهید. قسم به آنکه جانم در دست اوست سؤال نمی کنید از اموری که بین شما تا روز بازپسین است یا از گروهی که صد فرد را هدایت می کند و صد فرد را به گمراهی می کشاند، مگر اینکه من از او خبر می دهم، هم از کسی که مردم را بدان می خواند و هم از آن کس که رهبری را به عهده دارد و هم از آنکه آنان را سوق می دهد، و هم از محلی که در آنجا فرود می آیند و هم از مکانی که در آنجا بار می اندازند و نیز از کسی که در میان آنان به قتل می رسد و آن کس که فوت می کند.

¹² (ط) الإمام علی «ع»: سلونی قبل أن تفقدونی فإنی عن قلیلٍ مقتولٌ

از من پرسید قبل از اینکه مرا از دست بدهید، به راستی من بزودی به قتل می رسم.

(ی) کان علیّ امیر المؤمنین «ع» کثیراً ما یقول: سلونی قبل أن تفقدونی، فوالله ما من ارض مخصبه و لا
¹³. مجدبه... إلی و أنا اعلم... الی یوم القیامه

امیرالمؤمنین «ع» بسیار می فرمود: از من پرسید پیش از آنکه مرا از دست دهید، به خدا قسم تا روز قیامت هیچ زمین حاصلخیز و خشکی نیست، مگر اینکه من از آن آگاهم

ک) عن زراره: منت عند ابی جعفر «ع» فقال له رجلٌ من اهل الكوفة يسأله عن قول امیرالمؤمنین «ع»: سلونی عما شئتم، فلا تسألونی عن شیءٍ إلا أنبأتکم به. قال: إنه ليس احدٌ عنده علم شیءٍ إلا خرج من «عند امیرالمؤمنین «ع»».¹⁴

زراره می گوید در نزد امام باقر «ع» بودم، مردی از اهالی کوفه از آن حضرت درباره این سخن امیرالمؤمنین توضیح خواست که فرموده است: «از هر چه می خواهید از من پرسید، شما از من درباره هیچ چیزی نمی پرسید مگر اینکه از آن خبر می دهم». امام باقر «ع» فرمود: هیچ کس در هیچ زمینه ای علمی ندارد که از جانب امیرالمؤمنین «ع» حاصل نشده باشد

¹⁵ «ل) عن سعید بن مسیب: ما كان أحدٌ من الناس يقول: «سلونی»، غیر علی بن ابی طالب «ع»

«سعید بن مسیب می گوید: هیچ کسی از مردم جز علی بن ابی طالب «ع» نگفت: «از من پرسید

م) عن أصبغ بن نباته: لما جلس علی «ع» فی الخلافة و بايعه الناس، خرج الى المسجد... ثم قال: يا معشر الناس! سلونی قبل أن تفقدونی... سلونی فانّ عندي علم الأولین و الآخرين، اما والله... لأفتیت اهل التوراة بتوراتهم حتى تنطق التوراة فتقول: صدقَ علی ما کذبَ لقد أفتاکم بما أنزل الله فی، و أفتیت اهل... الإنجیل بإنجیلهم حتى ينطق الإنجیل فيقول: صدق علی ما کذب، لقد أفتاکم بما أنزل الله فی»¹⁶

أصبغ بن نباته می گوید: وقتی علی «ع» بر کرسی خلافت نشست و مردم با او بیعت کردند، به مسجد آمد و گفت: ای گروه مردم! از من پرسید قبل از اینکه مرا از دست بدهید... از من پرسید، که براستی علم اولین و آخرین در نزد من است. آگاه باشید که به خدا قسم... من برای اهل تورات، بر طبق تورات فتوا می دهم به گونه ای که تورات بگوید: علی «ع» راست گفت و دروغ نگفت، به راستی او براساس آنچه در من [تورات] نازل شده برای شما فتوا داد و برای اهل انجیل بر طبق انجیل فتوا می دهم به گونه ای که انجیل بگوید: علی «ع» راست گفت و دروغ نگفت، براستی او براساس آنچه در... من [انجیل] نازل شده برای شما فتوا داد و

اخبار از مغیبات در نهج البلاغه

¹⁷ برخی معتقدند که در نهج البلاغه امام علی «ع»، هفتاد و پنج خبر غیبی آمده است

۱- امام علی «ع» در خطبه ۵۷ خطاب به اصحاب خود می فرماید: أما انه سيظهر عليكم بعدى رجلاً
رحب البلعوم مند حق البطن. يأكل مايجد و يطلب ما لا يجد

آگاه باشید که پس از من مردی بر شما غلبه پیدا می کند که حلقومی گشاده و شکمی فراخ دارد؛ هر
چه پیدا کند می خورد و آنچه را نیابد، می جوید

در اینکه سخن آن حضرت اشاره به چه کسی است، اختلاف است. برخی گفته اند مقصود آن
حضرت، مغیره بن شعبه است. بعضی گفته اند مراد، زیاد بن ابیه است و گروهی معتقدند اشاره¹⁸
حضرت به معاویه بن ابی سفیان بوده است و پاره ای گفته اند که منظور، حجاج بن یوسف است
به هر حال هریک از این موارد که مراد آن حضرت باشد، نوعی پیشگویی و اخبار غیبی از ناحیه آن
حضرت تلقی می شود

۲- امام علی «ع» در خطبه پیشین، از امر به سبّ خود در آینده، خبر می دهد: أما انه سيظهر عليكم بعدى
رجل... ألا و انه سأمركم بسبّی و البرائه منّی¹⁹

آگاه باشید که بزودی کسی بر شما مسلط می شود... که به شما دستور می دهد مرا سبّ کنید (ناسزا
گویید) و از من بیزاری بجوید

²⁰ ۳- امام علی «ع» در خطبه ۹۳ نهج البلاغه می فرماید: وأيم الله لتجدن بنى أمية لكم أرباب سوء بعدى
به خدا قسم، به این حقیقت خواهید رسید که بنی امیه، پس از من، اربابان بدی برای شما خواهند بود

۴- امام علی «ع» در خطبه ۷۳ نهج البلاغه، از حکومت کوتاه مدت مروان بن حکم در بصره خبر می
دهد و چنین می فرماید: أما إن له إمرة كَلْعَقَةِ الْكَلْبِ أَنْفَهُ²¹

آگاه باشید، حکومت وی کوتاه مدت است، چندان که سگ بینی خود را لیسد

۵- امام علی «ع» در همین خطبه از حکومت چهارتن از فرزندان مروان بن حکم در آینده خبر می دهد و او [مروان بن حکم] پدر چهار فرمانرواست²². و می فرماید: و هو ابوالکُبش الاربعه

محمد عبده درباره این چهار نفر می گوید: از فرزندان عبدالملک مروان چهار تن حکومت کردند: یزید، سلیمان، ولید و هشام، و ممکن است مقصود امام از چهار کبش (= مهتر) عبدالملک باشد که به خلافت رسید و عبدالعزیز که حاکم مصر بود، و بشیر که ولایت عراق را داشت و محمد که بر جزیره²³. حکومت می راند

۶- امام علی «ع» در همین خطبه پیشگویی می کند که امت اسلام در زمان حکومت بنی مروان روزگار²⁴. سخت و خونینی خواهد داشت: و ستلقى الأمه منه و من ولده يوماً أحمر

و بزودی امت اسلام از او [مروان] و فرزندانش روزگار خونینی خواهند دید

۷- امام علی «ع» در خطبه ۱۰۲ نهج البلاغه در باره آینده شهر بصره می فرماید: فویلٌ لک یا بصره عند²⁵. ذلك من جيش من نقم الله لا رهج له ولا حساً و سیبلی أهلك بالموت الأحمر و الجوع الأغبر

در آن هنگام وای بر تو ای شهر بصره! از سپاهسانی که جلوه نقت خدایند، نه گرد و خاکی دارند و نه صدایی و بزودی اهالی تو گرفتار مرگی سرخ [طاعون] و گرسنگی شدیدی خواهند شد

برخی گفته اند امام علی در کلام مذکور، اشاره به قیام «صاحب الزنج» دارد که در سال ۲۵۵ خروج²⁶. کرد و بردگانی گرد او را گرفتند و بصره را فتح کرد و چندی با خلیفه «مهتدی» در ستیز بود

۸- امام علی «ع» در خطبه ۱۱۶ خبر از حکومت حجاج بن یوسف ثقفی در آینده می دهد و می فرماید:²⁷. أما والله لیسألنَّ علیکم غلام ثقیف الذیال المیال

آگاه باشید به خدا قسم بر شما کسی از «ثقیف» مسلط شود که سبک سر، گردنکش و هوسران است

نکته: «ثقیف» یکی از طوایف عرب بودند که در طائف سکونت داشتند و گویند از بقایای قوم ثمودند. آنان پس از فتح مکه و پس از نبرد حنین مسلمان شدند. حجاج پسر یوسف در میان این طایفه و در سال ۴۱ قمری متولد شد و در سال ۹۵ وفات یافت

۹- امام علی «ع» درباره آینده خوارج چنین می فرماید: أما إنکم ستلقون بعدی ذلّاً شاملاً و سیفاً قاطعاً و
28. أثره يتخذها الظالمون فيکم سنّه

آگاه باشید که پس از من، با ذلتی فراگیر روبه رو و گرفتار شمشیری برنده و دچار رفتار ظالمانه ای
خواهید شد که ظالمان آن را در مورد شما به عنوان یک سنت اتخاذ خواهند کرد.

۱۰- خبر غیبی دیگر امام علی «ع» درباره خوارج است که سرانجام دست به دزدی خواهند زد: والله
إِنَّهُمْ نُطْفٌ فِي اصْلاب الرجال و قرارات النساء، کَلَّمَا نَجَمَ مِنْهُمْ قُرْنٌ قُطِعَ حَتَّى يَكُونَ آخِرُهُمْ لُصُوصاً
29. سَلَابِينَ

به خدا قسم که آنان، نطفه هایی در پشت مردان و ارحام مادران هستند، هر گاه بزرگی از آنان سر
برآورد، از پایش درآورند تا جایی که آخرین افراد این طایفه دزد و غاصب خواهند بود

۱۱- امام علی «ع» در خطبه ۱۰۱ نهج البلاغه خبر از حکومت معاویه یا عبدالملک بن مروان می دهد و
می فرماید: لَكَأَنِّي أَنْظِرُ أَلَى ضَلِيلٍ قَدْ نَعَقَ بِالشَّامِ وَ فَحَصَ بِرَايَاةِ فِي ضَوَاحِي كُوفَانِ، فَإِذَا فَقَرَتْ فَاغْرَتْ
و اشدّتْ شَكِيمَتُهُ وَ ثَقُلَتْ فِي الْأَرْضِ وَ طَأْتَهُ، عَصَّتِ الْفِتْنَةُ أَبْنَاءَهَا بِأَنْيَابِهَا

گویا می بینم کسی را در ضلالت و گمراهی بسیار که بر شام بانگ زند (و مردم را گرد آورد) و بیرق
های خود را در اطراف کوفه نصب کند، پس چون دهان باز کند (مردم را طعمه شمشیر قرار دهد) و
دهنه لجام او سخت (بسیار سرکش) شود و پا زدنش در زمین سنگین باشد (جورش همه را فرا گیرد)
و فتنه و آشوب به نیش دندان مردان زمانش را بگزد (مردم مبتلا به قتل و غارت و درد و اندوه
31. شوند)

۱۲- امام علی «ع» آن هنگام که آماده جنگ با خوارج می شد فرمود: مصارعهم دون النطفة والله لا
33. يُفْلِتُ مِنْهُمْ عَشْرَةٌ وَ لَا يَهْلِكُ مِنْكُمْ عَشْرَةٌ

قتلگاه آنان این سوی نطفه [آب نهر] است. به خدا که ده کس از آنان نرهد و از شما ده تن کشته
نشود.

ابن ابی الحدید در شرح خود می گوید: «این سخن از معجزات و از اخبار مفصل غیبی آن حضرت³² است.»

۱۳- امام علی «ع» در خطبه ۱۴۷ نهج البلاغه، آینده پس از خود را چنین پیشگویی می کند: «انه سیأتی³⁴... بزودی بر شما زمانی خواهد آمد که³³» «...علیکم من بعدی زمان»

۱۴- امام علی «ع» در خطبه ۱۰۳، آخرالزمان را چنین توصیف می کند: ایها الناس! سیأتی علیکم زمان³⁵. یُکفأ فیہ الاسلام کما یکفأ الإناء بما فیہ

ای مردم! بزودی بر شما روزگاری خواهد آمد که اسلام را از حقیقت آن خالی کنند، همان گونه که ظرف را از آنچه درون آن است خالی کنند.

۱۵- امام علی «ع» در حکمت ۳۶۹ نهج البلاغه درباره آینده اسلام و قرآن می فرماید: یأتی علی الناس زمان لا یبقی فیهم من القرآن الا رسمه و من الإسلام إلا إسمه³⁶.

بر مردم روزگاری بیاید که در میانشان از قرآن جز نشانه ای و از اسلام جز اسمی باقی نماند

۱۶- امام علی «ع» در خطبه ۱۶۶ نهج البلاغه وضعیت زمان بنی امیه را اینچنین پیشگویی می کند:³⁷ «افترقوا بعداً ألفتهم... علی أن الله تعالی سیجمعهم لشرّ یوم لبنی أمیه

پس از الفت، از هم جدا شدند... اما خدا بزودی آنان را برای بدترین روز بنی امیه گردشان خواهد آورد.

۱۷- امام علی «ع» در خطبه ۹۸ نهج البلاغه از ظلم و ستم بنی امیه در آینده خبر می دهد: والله لا یدعوا³⁸... الله محرماً إلا استحلّوه و لا عقداً إلا حلّوه

به خدا قسم آنان بر سر کارند تا آنکه حرامی نباشد جز آنکه آن را حلال شمارند و پیمانی نباشد مگر آنکه آن را نقض کنند.

۱۸- امام علی «ع» در خطبه ۸۷ نهج البلاغه درباره آینده بنی امیه می فرماید: حتی یظن الظان أن الدّیا³⁹ معقولة علی بنی امیه

تا آنجا که گمان کننده چنین پندارد که دنیا همچون شتری زانوبسته در اختیار بنی امیه است.

۱۹- امام علی «ع» در خطبه ۱۰۵ نهج البلاغه درباره دنیای بنی امیه می فرماید: فَأَقْسَمُ بِاللَّهِ يَا بَنِي أُمَيَّةَ عَمَّا⁴⁰ قَلِيلٍ لَتَعْرِفَنَهَا فِي أَيْدِي غَيْرِكُمْ وَ فِي دَارِ عَدُوِّكُمْ

ای بنی امیه! به خدا قسم بزودی دنیا را در دست دیگران و در خانه دشمنان خواهید دید.

۲۰- امام علی «ع» در حکمت ۴۶۴ نهج البلاغه درباره اختلاف و شکست بنی امیه در آینده می فرماید: ⁴¹إِنَّ لِبَنِي أُمَيَّةٍ مِرُوداً يَجْرُونَ فِيهِ، وَلَوْ قَدْ اخْتَلَفُوا فِيمَا بَيْنَهُمْ ثُمَّ كَادَتْهُمْ الضَّبَاعُ لَغَلَبَتْهُمْ

بنی امیه مهلتی خواهند یافت که در آن می تازند، گرچه خود میان خود اختلاف اندازند و سپس کفتارها بر آنان دهان باز کنند و مغلوبشان سازند.

۲۱- امام علی «ع» در خطبه ۱۵۸ نهج البلاغه، آینده خلافت بنی امیه را چنین ترسیم می فرماید: فَأَقْسَمُ⁴² ثُمَّ أَقْسَمُ لَتَنَحْمَتْنَهَا أُمَيَّةٌ مِنْ بَعْدِي كَمَا تَلْفُظُ النِّخَامَةُ ثُمَّ لَا تَذُوقُهَا وَلَا تَطْعَمُ بِطَعْمِهَا أَبَداً مَا كَرَّ الْجَدِيدَانِ

سوگند می خورم باز هم سوگند می خورم که فرزندان امیه پس از من این خلافت را رها سازند، چنان که خلط سینه را بیرون اندازند و از آن پس، چندان که شب و روز از پی هم آید، مزه آن را نچشند.

۲۲- امام علی «ع» در خطبه ۱۷۵ نهج البلاغه، از توانایی خود بر پیشگویی و علم غیب نسبت به حالات و وضعیت افراد یاد می کند و می فرماید: وَاللَّهِ لَوْ شِئْتُ أَنْ أَخْبِرَ كُلَّ رَجُلٍ مِنْكُمْ بِمُخْرَجِهِ وَ مَوْلَجِهِ وَ⁴³ جَمِيعِ شَأْنِهِ لَفَعَلْتُ

به خدا قسم اگر بخواهم می توانم درباره هریک از شما خبر دهم که از کجا آمده و به کجا خواهد رفت و تمامی شئونش چیست.

۲۳- امام علی «ع» در خطبه ۱۲۸، فتنه مغول را پیشگویی می کند: كَأَنِّي أَرَاهُمْ قَوْماً كَأَنَّ وَجُوهَهُمْ⁴⁴ الْمَجَانَّ الْمَطْرُقَةَ

گویا آنان را می بینم که صورت هایشان چون سپرهای تو بر توست

۲۴- امام علی «ع» در خطبه ۱۳ نهج البلاغه از غرق شدن شهر بصره در آب خبر می دهد: و أيم الله،⁴⁵ لتغرقنّ بلدتكم حتى كأني أنظر إلى مسجدها كجؤجؤ سفينة أو نعامه جائمه

به خدا سوگند که شهر شما غرق در آب شود. گویا مسجد آن را می نگرم که چون سینه کشتی از آب بیرون آمده یا همچون شترمرغی که بر سینه روی زمین خفته است

۲۵- امام علی «ع» در خطبه ۱۲۸ راجع به آینده بصره می فرماید: يا أحنف! كآني به وقد سار بالجيش⁴⁶ الذي سيكون له غبار ولا لَجَب

ای أحنف! گویا او را می بینم که با سپاهی می رود که آن را نه گردی است و نه بانگی... [سید رضی در ذیل این کلام می گوید اشاره آن حضرت به صاحب زنج است]

۲۶- امام علی «ع» در حکمت ۲۰۹ از غلبه حق بر باطل در آخرالزمان خبر می دهد و می فرماید: لتعطفنّ الدنيا بعد شماسها عطف الضّروس على ولدها - و تلا عقيب ذلك - و نريد أن نمّن على الذين⁴⁷ استضعفوا في الأرض و نجعلهم أئمة و نجعلهم الوارثين

دنیا پس از سرکشی روی به ما نهد، همچون ماده شتر بدخو که به بچه خود مهربان باشد، سپس این آیه را خواند: و می خواهیم بر آنان که مردم ناتوانشان شمرده اند منت نهیم و آنان را امامان و وارثان⁴⁸ کنیم.

۲۷- امام علی «ع» در خطبه ۱۰۰ نهج البلاغه درباره آینده امت پیامبر اسلام «ص» می فرماید:.. فاذا أنتم⁴⁹ ألّتم له رقابكم و أشرتم إليه بأصابعكم، جاءه الموت فذهب به

پس چون شما گردن در اطاعت او گذاشتید و او را بزرگ داشتید، مرگ او در رسد و زمانش بسر...⁴⁹ رسد.

۲۸- امام علی «ع» در خطبه ۱۳۸ نهج البلاغه درباره رویدادهای آینده می فرماید: يعطف الهوى على⁵⁰ الهدى اذا عطفوا الهدى على الهوى

خواهش نفسانی را به هدایت آسمانی بازگرداند و آن هنگامی است که مردم رستگاری را تابع هوا ساخته اند.

۲۹- امام علی «ع» در خطبه ۱۵۰ درباره حوادث آینده می فرماید: .. یا قوم! هذا إِبّانُ ورودِ کلِّ موعودٍ و دُنُوُّ من طلعهِ ما لا تعرفون.

⁵¹ ای مردم! وقت است که هر وعده نهاده در آیه و آنچه را نمی شناسید نزدیک است از پرده برآید

آگاهی امام علی «ع» از علم الکتاب

علم الکتاب، علم عادی و معمولی نیست، بلکه نوعی از علم غیب است که حضرت علی «ع» از آن برخوردار بوده است

الف) الإمام علی «ع»: فی قول الله تبارک و تعالی: «قل کفی بالله شهیداً بینی و بینکم و من عنده علم»⁵³. «أنا هو الذی عنده علم الکتاب»⁵²، «الکتاب

امام علی «ع» در ذیل قول خدای متعال که: «بگو برای گواهی بین من و شما، شهادت خدا و کسی که علم الکتاب در نزد اوست، کافی است» فرمود: من آن کسی هستم که علم الکتاب در نزد اوست

ب) عبدالله بن عطاء: کنت عند أبي جعفر جالساً إذ مرّ عليه ابن عبدالله بن سلام، قلت: جعلني الله فداك، هذا ابن الذي عنده علم من الكتاب؟ قال: لا، ولكنه صاحبكم علي بن ابي طالب الذي نزلت فيه آيات من كتاب الله عزّ وجلّ الذي عنده علم من الكتاب⁵⁴.

عبدالله بن عطا می گوید: در خدمتِ امام باقر «ع» نشسته بودم که پسر عبدالله بن سلام از آنجا عبور کرد. گفتم: خدا مرا قربان شما کند، آیا همین است پسری که علمی از کتاب در نزد اوست؟ حضرت فرمود: نه، بلکه آن شخص، دوستِ شما علی بن ابی طالب است که در حق او آیاتی از قرآن کریم نازل شده، کسی که در نزد او علمی از کتاب است

امام علی «ع» و علم به گذشته، حال و آینده

علاوه بر روایات مربوط به علم امام علی علیه السلام به شرایع پیشین و بلایا و منایا و انساب روایات متعددی در باب علم امام علی (ع) به گذشته و حال و آینده وارد شده است که به نمونه ای از آنها اکتفا نمی کنیم

امام باقر (ع) می فرماید: سئل علی (ع) عن علم النبی (ص) فقال: علم النبی علم جمیع النبیین و علم ما کان و علم ما هو کائن الی قیام الساعة. ثم قال: والذی نفسی بیده انّی لأعلم علم النبی (ص) و علم ما⁵⁵. کان و ما هو کائن فیما بینی و بین قیام الساعة

از امام علی (ع) درباره علم پیامبر (ص) سؤال شد. آن حضرت فرمود: علم پیامبر اسلام، علم همه انبیای پیشین و علم حوادث گذشته و حوادث آینده تا روز قیامت است. سپس فرمود: به خدایی که جانم به دست اوست، من از علوم پیامبر (ص) آگاهی دارم و به تمام حوادث گذشته و آینده از زمان خودم تا روز قیامت مطلعم.

در پایان یادآوری می شود که در کتاب ارشاد شیخ مفید و جلد یازدهم موسوعه الامام علی (ع) ده ها نمونه دیگر از موارد علم غیب آن حضرت ذکر شده است. که علاقمندان می توانند به آن مراجعه نمایند.

پی نوشت ها

۱- ر.ک: کتاب العین، الخلیل، ماده «غیب»

۲- کسانی که در حق امامان «علیهم السلام»، غلو و افراط می کنند

۳- ر.ک: انعام، ۵۹: - نمل، ۶۵: - یونس، ۲۰: - مائده، ۱۰۹: - هود، ۳۱

۴- موسوعه الامام علی محمدی ری شهری، (چاپ اول، مؤسسه دارالحدیث، ۱۴۲۱ ق)، ج ۱۰، ص ۴

- همان، ص ۳۰۷، به نقل از تاریخ دمشق ۴۲/۴۰۰، التوحید ۹۲/۶ و تفسیر عیاشی ۲/۲۸۲/۲۲. در این 5 دو سند، به جای عبارت «فین الجبلین»، عبارت «فانّ بین جوانحی علماً جمّاً» آمده است و در نسخه دیگری به جای «جبلین»، کلمه «جنین» آورده شده است

- الموسوعة، پیشین، صص ۳۰۷ و ۳۰۸، به نقل از: نهج البلاغه خطبة ۱۸۹، غررالحکم، ۵۶۳۵، عیون 6 الحکم و المواعظ ۲۸۵/۵۱۴۵

.. همان، ص ۳۰۸، به نقل از: ینایع الموده ۳/۲۰۸ و 7۲۲۳

.. همان، به نقل از: کنز العمال، ۱۳/۱۶۵/۳۶۵۰۲ و راجع: ارشاد القلوب، ص 8۳۷۷

.. همان، به نقل از: فضائل از ابن شاذان، ۱۱۷، بحار الانوار 9۴۶/۱۳۵/۲۵

.. همان، به نقل از: امالی صدوق ۱۹۶/۲۰۷، کامل الزیارات 10۱۹۱/۱۵۵

- همان، ص ۳۱۰، به نقل از: نهج البلاغه، خطبه ۹۳، الغارات ۱/۷، شرح الأخبار ۲/۳۹/۴۱۰، مناقب 11 ابن شهر آشوب ۲/۳۹

.. پیشین، به نقل از: تاریخ یعقوبی ۲/۱۹۳، الملاحم و الفتن ۲۲۱/۳۱۹، شرح الأخبار 12۲/۲۸۶/۶۰۱

- همان، ص ۳۱۱، به نقل از: امالی طوسی ۵۸/۸۵، ارشاد ۱/۳۳۰، الاختصاص ۲۷۹، بصائر الدرجات 13 ۲۹۹/۱۳

.. همان، ص ۳۱۲، به نقل از کافی ۱/۳۹۹/۲، بصائر الدرجات 14۱۲/۱

- همان، به نقل از: الاستیعاب ۳/۲۰۶/۱۸۷۵، أسد الغابة ۴/۹۵/۳۷۸۹، جامع بیان العلم ۱/۱۱۴، مناقب 15 ابن شهر آشوب ۲/۳۹

- همان، صص ۳۱۲ و ۳۳ به نقل از: التوحید ۳۰۵/۱، امالی صدوق ۴۲۳/۵۶۰، الاختصاص ۲۳۵، 16 الاحتجاج ۱/۶۰۹/۱۳۸

- رک: مقاله نهج البلاغه و آگاهی از غیب، جعفر سبحانی، مجموعه مقالات کنگره هزاره نهج 17
البلاغه، ص ۱۶۹

- رک: نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، (شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷)، قسمت 18
تعلیقات، ص ۴۶۴

.. همان، خطبه 19۵۷

.. همان، خطبه ۹۳، و رک: موسوعه، پیشین، ج ۱۱، ص 20۱۲۲

.. همان، خطبه 21۷۳

.. همان 22

.. همان، بخش تعلیقات، ص 23۴۶۶

.. همان، خطبه 24۷۳

.. همان، خطبه 25۱۰۲

.. همان، تعلیقه مترجم بر خطبه ۱۰۲، ص 26۴۷۵

.. همان، خطبه 27۱۱۶

.. همان، خطبه 28۵۸

.. همان، خطبه 29۶۰

.. نهج البلاغه ترجمه سید جعفر شهیدی خطبه 30۱۰۱

.. نهج البلاغه، سید جعفر شهیدی، ص ۴۸، خطبه 31۵۹

.. رک: شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ۵/۳ و موسوعه الامام علی بن ابی طالب، ج ۱۱، ص 32۱۱۵

.. همان، ص ۱۴۳، خطبه 33۱۴۷

.. رک: موسوعه، پیشین، ج ۱۱، ص 34۱۱۸

.. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۳ و رک: موسوعه، پیشین، ص 35۱۱۹

.. همان، حکمت ۳۶۹، و رک: موسوعه، پیشین، ص 36۱۱۹

.. همان، خطبه ۱۶۶ و رک: موسوعه، پیشین، ص 37۱۲۱

.. همان، خطبه ۹۸ و رک: موسوعه، پیشین، ص 38۱۲۲

.. همان، خطبه ۸۷ و رک: موسوعه، پیشین، ص 39۱۲۳

.. همان، خطبه ۱۰۵، و رک: موسوعه، پیشین، ص 40۱۲۴

.. همان، حکمت ۴۶۴ و رک: موسوعه، پیشین، ص ۱۲۴ به نقل از نثر الدرّ 41۱/۳۱۱

.. همان، خطبه ۱۵۸ و رک: موسوعه، پیشین، ص 42۱۲۴

.. همان، خطبه ۱۷۵ و رک: موسوعه، پیشین، ص ۱۳۷ و شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید 43۱۰/۱۳

.. همان، خطبه ۱۲۸ و رک: موسوعه، پیشین، ص 44۱۳۸

- همان، خطبه ۱۳ و رک: موسوعه، پیشین، صص ۱۴۱ و ۱۴۲ و رک: شرح نهج البلاغه، پیشین 45
۱/۲۵۳.

.. همان، خطبه ۱۲۸ و رک: موسوعه، پیشین، صص ۱۴۲ و 46۱۴۳

- رک: موسوعه، پیشین، ص ۱۴۳، خصائص الأئمه ۷۰، عیون الحکم و المواعظ ۴۰۵/۶۸۵۵ و ینایع 47
الموده ۳/۲۷۲/۷

.. قصص ۵/، رک: ترجمه سید جعفر شهیدی از نهج البلاغه، ص 48۳۹۶

.. رک: موسوعه، پیشین، صص ۱۴۳ و ۱۴۴ و نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، ص 49۹۲

.. رک: نهج البلاغه، پیشین، ص ۱۳۵ و تعلیقات مترجم، ص ۴۸۴ و موسوعه، پیشین، ص 50۱۴۵

..همان، ص ۱۴۶ و تعلیقات مترجم ص ۴۸۶ و رك: موسوعه، پیشین، ص 51۱۴۶

..سوره رعد، آیه 52۴۳

..موسوعه الإمام علی بن ابی طالب«ع»، ص ۴۹، به نقل از بصائر الدرجات: ۲۱/۲۱۶ عن سلمان53

..پیشین، ص ۲۹، به نقل از مناقب ابن مغازلی: ۳۱۴/۳۵۸، شواهد التنزیل ۱/۴۰۲/۴۲۵ ۱/۴۰۲/۴۲۵

..پیشین، ص ۶۴، به نقل از بصائر الدرجات ۱/۱۲۷، بحار الأنوار ۶/۱۱۰/۲۶ و خصال ۱/۵۵۷۶

..پیشین، ص ۶۵ به نقل از تحف العقول ۱۷۱، بشاره المصطفی ۲۵، بحار الأنوار ۷۷/۲۶۷/56۱^۲

: امیرالمؤمنین امام علی (علیه السلام)

إِلْزَمِ الصَّبْرَ؛ فَإِنَّ الصَّبْرَ حُلُوُّ الْعَاقِبَةِ، مَيْمُونُ الْمَعْبَةِ ﷺ

صبور باش که به راستی صبر سرانجامی شیرین، و عاقبتی فرخنده دارد ❀

غررالحکم، باب صبر

حضرت امام علی سلام الله علیه می فرمایند:

لَيْسَ فِي الْبَدَنِ شَيْءٌ أَقَلُّ شُكْرًا مِنَ الْعَيْنِ، فَلَا تُعْطَوْهَا سُؤْلَهَا فَتَشْغَلَكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ^۳.

^۲ <https://hawzah.net/fa/Magazine/View/89/7624/95214>

در بدن عضوی کم سپاس تراز چشم نیست.

حضرت امیرالمؤمنین (ع) به مردم عراق فرمود: «شنیده ام که زنان شما در راه ها و بازارها با مردان نامحرم به گفتگو می پردازند و شانه به شانه یکدیگر راه می روند! آیا حیا نمی کنید!»⁴

علی (ع) درباره مردانی که زنانشان در بیرون منزل به صورت زنندهای با مردان اختلاط داشتند فرمود: **لَعَنَ اللَّهُ مَنْ لَا يُغَارُ**. خدا لعنت کند کسی را که غیرت ندارد.⁵

امیرمؤمنان (ع) فرمود: **«مَنْ لَا يُغَارُ فَإِنَّهُ مَنكُوسُ الْقَلْبِ؛ كَسَى كَ غَيْرَتِ نَوْرُزِ قَلْبِ** چنین فردی واژگونه است».⁶

شخصی از علی (ع) پرسید کدامیک از فصلهای سال را دوست دارید؟ فرمود بهار را زیرا در بهار پوششی زیبا روی همه چیز را می گیرد درحالی که در زمستان درختان بی پوشش و عریان هستند!

امام علی علیه السلام :

الْحَيَاءُ مِفْتَاحُ كُلِّ خَيْرٍ؛

³. خصال، ج ۱۰، ص ۶۲۹

⁴. ملا احمد نراقی، معراج السعاده، انتشارات دهقان، تهران، ۱۳۷۹ هـ ش، ص ۱۶۳.
⁵. مجلسی، نجف باقر، بحارالانوار، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۰۰، ص ۲۴۸.
⁶. بحار، ج ۷۹، ص ۱۱۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۰۸

حیا کلید همه خوبی هاست.

شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم ج 1، ص 93، ح 340

امام علی علیه السلام :

غَايَةُ الْحَيَاءِ أَنْ يَسْتَحْيِيَ الْمَرْءُ مِنْ نَفْسِهِ؛

اوج حیا این است که آدمی از خودش حیا کند.

تصنیف غررالحکم و درر الکلم ص 236 ، ح 4758

حدیث (8) امام علی علیه السلام :

ثَلَاثٌ لَا يُسْتَحْيَى مِنْهُنَّ: خِدْمَةُ الرَّجُلِ ضَيْفَهُ وَ قِيَامُهُ عَنْ مَجْلِسِهِ لِأَبِيهِ وَ مُعَلِّمِهِ وَ طَلَبُ الْحَقِّ وَ إِنْ قَلَّ؛

از سه کار حیا نباید کرد: خدمت به میهمان، از جا برخاستن در برابر پدر و آموزگار خویش و طلب حق گرچه اندک باشد.

تصنیف غررالحکم و دررالکلم ص 69، ح 978

امام علی علیه السلام :

الْمُؤْمِنُ حَيٌّ غَنِيٌّ مُوقِنٌ تَقِيٌّ

مؤمن، با حیا، بی نیاز، با وقار و پرهیزگار است.

تصنیف غررالحکم و دررالکلم ص 90، ح 1530

حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند: همه چیز محتاج عقل است و عقل محتاج ادب.

حضرت امیر(علیه السلام) می گویند: گروهی خدا را به امید بخشش پرستش کردند که این پرستش تجار است و گروهی او را از روی ترس عبادت کردند که این عبادت بردگان است

و گروهی برای اینکه خدا شایسته عبادت است او را عبادت کردند که این عبادت احرار است

ضربه زبان سخت تر از ضربه سرنیزه است! بحارج 68 ص 286

که نه پستی استوار دارد که بر آن علی (ع) فرمود: به هنگام بروز فتنه چون اشتر دو ساله باش
سوار توان شد و نه پستانی شیرده، که از آن شیر توان دوشید

الحکمه ۱

قال علیه السلام : كُنْ فِي الْفِتْنَةِ كَابْنِ اللَّبُونِ لَا ظَهْرٌ فَيُرْكَبَ وَلَا ضَرْعٌ فَيُحْلَبَ

...امیر المومنین علی (ع): دنیا شگفت است و شگفت تر از آن غفلت ما در آن است

میزان الحکمه، ج ۷، ص ۶۶

فَوَالَّذِي وَسِعَ سَمْعُهُ الْأَصْوَاتَ، مَا مِنْ أَحَدٍ أَوْدَعَ قَلْبًا سُورًا إِلَّا وَخَلَقَ اللَّهُ لَهُ مِنْ ذَلِكَ السُّرُورِ لُطْفًا

حکمت_257#

- هر کس دلی را شاد کند، خداوند از آن شادی لطفی برای او قرار دهد که به هنگام مصیبت چون آب زلالی بر او باریدن گرفته و تلخی مصیبت را بزدايد

ای انسان ایا خیال کردی موجود کوچکی هستی در حالی که جهانی بزرگ در تو قرار داده شده است...

:حضرت علی(ع)(حکمت ۱۹۶)

آنچه از مال تو از دست می رود و مایهء پند و عبرت می گردد در حقیقت از دست نرفته است

لم يذهب من مالك ما وعظك

:امام علی علیه السلام

از خشم بپرهیز که آغاز آن، دیوانگی و فرجام آن، پشیمانی است 🌸

امام علی علیه السلام خطاب به مردی که مورد دشنام قرار گرفت و او خود را برای جواب آماده کرده بود؛ فرمودند: "آرام باش! دشنام گویی را با بی اعتنایی واگذار که با این کار خدا را خشنود و (۲). شیطان را خشمگین می سازی و دشمنت را کیفر می دهی

صرفاً در یک مورد خشم پسندیده است و آن خشمی است که برای خدا باشد. امام علی علیه السلام خشم آنان را که در برابر فاسقان و گناهکاران به خشم آمدند و وظیفه نهی از منکر را فراموش نکردند، می ستاید و کار آنان را بزرگ می شمرد و می فرماید: "کسی که فاسقان را دشمن دارد و برای خداوند در غضب شود، خدا نیز در حمایت از او به خشم می آید و در روز قیامت خشنودش می (۳). "کند

:پی نوشت

آل عمران (۳)، آیه ۱۳۴. (۱)

سفینه البحار، ج ۱، ماده حلم، ص ۳۰۰. (۲)

نهج البلاغه، نامه ۳۱ و ۳۸. (۳)

: امیرالمومنین امام علی (علیه السلام)

هرگاه از سختی کاری ترسیدی در برابر آن سرسختی نشان ده ، رامت می شود. و در برابر ❀
❀ . حوادث روزگار چاره اندیشی کن ، بر تو آسان می شوند

غرر الحکم حدیث ۴۱۰۸

: امیرالمومنین علیه السلام فرمودند

«مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَآنَا أَفْتَحُهُ وَمَا مِنْ سِرٍّ إِلَّا وَالْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَخْتِمُهُ»

هیچ علمی نیست مگر آنکه من آن را افتتاح نمودم و هیچ سرّی نیست مگر اینکه قائم علیه السلام آن را پایان میبخشد

: منابع

بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۲۶۶ □ ▪

: امام علی (علیه السلام)

چون روایتی را شنیدید ، آن را بفهمید و عمل کنید ، نه اینکه بشنوید و نقل کنید. زیرا راویان □ ❀
□ ❀ . علم فراوان و عمل کنندگان آن اندک هستند

امام علی علیه السلام

بدانید آنکه قرآن را دارد چیزی کم ندارد، ✧✧

.آنکه قرآن را ندارد چیزی ندارد ✧✧

پس دوی درد خویش را از قرآن بجوید ✧✧

.و برای غلبه بر مشکلات خود از آن یاری بخواهید ✧✧

نهج البلاغه خطبه ۱۷۶

حَتَّى إِذَا أَنَسَ نَافِرُهَا، وَاطْمَأَنَّ نَاكِرُهَا، قَمَصَتْ بِأَرْجُلِهَا، وَقَنَصَتْ بِأَحْبِلِهَا، وَأَقْصَدَتْ بِأَسْهُمِهَا

فریبندگی دنیا و درخشندگی مواهب آن، سبب می شود که افراد گریزان به آن انس گیرند و ●
منکرانش به آن دل ببندند، ناگهان همانند اسبی چموش که غافلگیرانه پاهای خود را بلند می کند و
سوار را به زمین می افکند، دنیا آنها را به زمین می زند و با دامهای خود آنها را گرفتار می سازد و
«!تیرهای خود را به سوی آنان پرتاب می کند

حضرت می فرماید: «از دست رفتن حاجت بهتر از آن است که آن را از نااهل طلب کنی»؛ (فَوْتُ
الْحَاجَةِ أَهْوَنُ مِنْ طَلَبِهَا إِلَى غَيْرِ أَهْلِهَا)

حکمت ۷ نهج البلاغه

علی (ع) فرمود: صدقه دارویی شفا بخش است و اعمال بندگان در این جهان، در آن جهان مقابل
چشم آنهاست

الحكمة ۷

قال عليه السلام: الصَّدَقَةُ دَوَاءٌ مُنْجِحٌ، وَأَعْمَالُ الْعِبَادِ فِي عَاجِلِهِمْ نُصَبُ أَعْيُنِهِمْ فِي آجِلِهِمْ

«حضرت علی (علیه السلام) در حدیث شریفی می فرماید: «آله الریاسه سعه الصدر

انزار ریایت سعه صدر می باشد.

. نهج البلاغه ، حکمت 176

: امیرالمومنین امام علی (علیه السلام)

آن که کارهایش را نیکو به انجام می‌رساند ، از زیادی خرد خود ، خبر می‌دهد ☀

غررالحکم حدیث ۸۴۱۸ ■

امام علیه السلام در یک گفتار حکیمانه به نکته‌ای اشاره می‌کند که بسیاری از افراد از آن غافلند، می‌فرماید: «آن کس که به شدت به بلا مبتلاست از کسی که مبتلا نیست ولی در هیچ لحظه ایمن از بلا نمی‌باشد، محتاج‌تر به دعا نیست»؛ (مَا الْمُبْتَلَى الَّذِي قَدْ اشْتَدَّ بِهِ الْبَلَاءُ، بِأَحْوَجَ إِلَى الدُّعَاءِ مِنَ الْمُعَافَى الَّذِي لَا يَأْمَنُ الْبَلَاءَ!). اشاره به این که مردم غالباً به افراد گرفتار توجه دارند به خصوص گرفتارانی که به شدت مبتلا شده‌اند؛ یا گرفتاری مالی یا انواع بیماری‌ها یا مسائل مختلف. و کسانی که به آنان علاقه‌مندند دعا می‌کنند که خدا آن‌ها را از گرفتاری‌های بخشد و از کسانی که ظاهراً سالم و بدون گرفتاری هستند غافلند؛ در حالی که آن‌ها نیز به همان اندازه و گاه بیشتر نیاز به دعا دارند، زیرا هر لحظه ممکن است نعمت عافیت، آرامش، غنا و ثروت از آن‌ها گرفته شود یا لغزشی دامن‌گیر آن‌ها گردد و در دام شیطان گرفتار شده، از نظر معنوی سقوط کنند و آلوده گناهانی گردند که تا آخر عمر نیز نتوانند آثار آن را برطرف سازند.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام :

لَا يَهْلِكُ عَلَى التَّقْوَى سِنْخٌ أَصْلٍ وَلَا يَظْمَأُ عَلَيْهَا زَرْعُ قَوْمٍ ☀

آنچه بر اساس تقوی پایه گذاری شود، نابود نگردد، کشتزاری که با تقوی آبیاری شود، تشنگی  ندارد.

خطبه_16

در نهج البلاغه آمده است که امام علی(ع) فرمودند: هر که به کردار عده ای راضی باشد مانند کسی است که همراه آنان، آن کار را انجام داده باشد و هر کس به کردار باطلی دست زند او را دو گناه باشد: گناه انجام آن و گناه راضی بودن به آن.^۷

مباحثه آیت الله آسید رضی تبریزی با #شیاطین ::

در زمان #احتضار | سی سال دیگر عمر خواهی کرد :

: حجه الاسلام سید جواد گلپایگانی از ابوالزوجه خود آیت الله سید نصرالله مستنبط - فرزند مرحوم آقا سید رضی تبریزی و داماد آیت الله خوئی - نقل کرد:

⁷ <https://article.tebyan.net/445530>

در نجف #بیماری_وبا آمد و در آن زمان امکان معالجه این بیماری وجود نداشت. شرایط به گونه‌ای بود که هر کس مبتلا به این بیماری می‌شد از بین می‌رفت.

مرحوم آقا سید رضی مبتلا به این بیماری شد و به حال احتضار افتاد. دوستان وقتی می‌دیدند کار ایشان تمام است، برای آن که جنازه وی زیاد روی زمین نماند و این بیماری به دیگران سرایت نکند، رفتند دنبال تهیه تابوت و امکانات کفن و دفن...

اما ناگهان با شگفتی دیدند ایشان بلند شد و نشست و گفت: من گرسنه‌ام چیزی بیاورید بخورم.

گفتند: آقا شما مریض بودید! گفت: حالا چیزی بیاورید بخورم! پس از خوردن غذا گفت: من خوب شدم شما بروید!

گفتند: چه شد؟

گفت: وقتی به حال احتضار درآمدم، دیدم #شیاطین آمدند و درباره #اعتقاداتم با من وارد #بحث شدند و گفتند:

دین تو باطل است و باید از آن دست برداری، من پاسخ آن‌ها را دادم و گفتم از دینم دست برنمی‌دارم، مدتی این مباحثه طول کشید، تا این که آن‌ها از نظرم ناپدید شدند.

: در این حال دیدم آقا امیرالمؤمنین علیه السلام تشریف آوردند و فرمودند:

«آقا سید رضی! خداوند تبارک و تعالی از #مباحثه تو با شیاطین خوشش آمد و سی سال به عمر تو افزود.»

:این ماجرا گذشت، آقا سید رضی به تبریز آمد و با توجه به نفوذی که در میان مردم داشت، در تبریز حدود الهی را اجرا می کرد، تا این که در زمان اشغال ایران توسط متفقین دستگیر شد.

:می خواستند او و چند تن دیگر را #اعدام کنند، آن ها را به چوبه دار بستند، اما آقا سید رضی آن قدر به #مکاشفه ای که برای وی پیش آمده بود اطمینان داشت که به مأمور چوبه دار می گوید:

: این شتب [چپق] را از جیب من بیرون بیاور و آن را چاق کن می خواهم بکشم!

☹️: مأمور می گوید: تو عجب سید لوده ای هستی! می خواهیم تو را بکشیم می گویی چپق را چاق کن

:

:: آقا سید رضی می گوید: من #کشته نمی شوم!

چپق خود را پای چوبه دار کشید، که دستور آمد وی را اعدام نکنند! و تا همان مدتی که امیرالمؤمنین علیه السلام به او فرموده بود زندگی کرد.^۸

علی(ع) چگونگی حالت احتضار را شرح میدهد

ناگاه سکرات مرگ وحسرت از دست دادن آنچه داشتند، بر آنها هجوم آورد در این حالت، اعضاء بدنشان سست گردید و در برابر آن، رنگ خود را باختند. سپس کم کم مرگ در آنها نفوذ کرده و بین آنها و زبانشان، جدائی افکند!

او همچنان در میان خانواده خود با چشم، نگاه می کند و با گوشش، می شنود! در حالیکه عقلش، سالم است و فکرش باقی است! می اندیشد که عمر را در چه راهی فانی کرده و روزگارش را در چه راهی، سپری نموده است! به یاد ثروتهائی که جمع کرده است، می افتد! همان ثروتی که در جمع آوری آن، چشمها را بهم گذارده بود و از حرام و حلال و مشکوک گرفته، گناه جمع آوری آنها به گردن اوست! حال هنگام جدائی از آن اموال، فرارسیده، در حالیکه این ثروت برای وراثت می ماند و از آن استفاده کرده و بهره می برند! راحتی آن برای دیگران و سنگینی گنااهش، بر دوش اوست و او در گرو این اموال است! دست خود را از پشیمانی به دندان می گزد و این به خاطر صحنه هائی است که در هنگام مرگ، برایش مشخص می گردد. در این حالت، به آنچه در زندگی به آن علاقه داشت بی اعتناست! و آرزو می کند، ای

کاش آن شخصی که در گذشته بر ثروت او، غبطه می خوردم و بر او حسد می بردم، این اموال را جمع کرده بود!

مرگ همچنان بر اعضایش، چیره می شود! تا آنجا که گوشش همچون زبانش، از کار می افتد! بطوریکه در میان خانواده اش، نمی تواند با زبانش سخن بگوید! و با گوشش بشنود، پیوسته به صورت آنان می نگرند و حرکات زبانشان را می بیند، اما صدای آنان را نمی شنود! سپس چنگال مرگ، همه وجودش را فرا می گیرد! چشم او نیز همچون گوشش، از کار می افتد و روح از بدنش، خارج می گردد! و همچون مرداری، بین خانواده اش می افتد! آنچنانکه از نشستن نزدش، وحشت می کنند و از او دور می شوند! او نه سوگواران خود را یاری می کند و نه به آن شخصی که او را صدا می زند، پاسخ می گوید! سپس او را به منزلگاهش در درون زمین، حمل می کند و به دست اعمالش می سپارند و از دیدارش، برای همیشه، چشم می پوشند!

علت سخت جان دادن بعضی از شیعیان در سخن علی علیه السلام

امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: هر شیعه ای که عملی را انجام دهد که ما نهی کردیم، قبل از مردن، به بلایی در مال یا در فرزند و یا در خودش، مبتلا می شود تا از آن گناه پاک شود و اگر باز گناهی به گردن داشت، در هنگام مرگ، جان کندنش، با سختی همراه است تا پاک گردد (بحار

الانوار 157/6)

علی علیه السلام : آن شیعیانی که بسیار به ما علاقه مند هستند، از دنیا رفتنشان، مثل خوردن

آب (خنک) در روز گرم تابستان است که دلهای انسان، از نوشیدن آن لذت می برد. (میزان الحکمه.)

عالم برزخ از زبان امیر مؤمنان!

امیر مؤمنان فرمود: فرزند آدم وقتی که به آخرین روز دنیا و اولین روز آخرت می رسد، مال و فرزندان و اعمالش در نظر او مجسم می شود!

نخست متوجه اموال خود می شود و به او می گوید: بخدا سوگند! من برای جمع آوری و حفظ تو، بسیار حریص بودم و زیاد بخل ورزیدم! حال چه کمکی می توانی به من بکنی؟ ثروتش به او می گوید: فقط می توانی کفن خود را از من برداری!

او متوجه فرزندان خود می شود و به آنها می گوید: بخدا سوگند

من شمارا خیلی دوست داشتم و همواره از شما حمایت می کردم! چه خدمتی می توانید- در این روز بیچارگیم- بمن بکنید؟ می گویند: هیچ!- غیر از اینکه- تو را در قبرت دفن کنیم!

سپس متوجه عمل- عمل صالح- خود می شود و می گوید: بخدا سوگند! من در باره تو بی رغبت بودم و تو بر من گران بودی! تو امروز چه

کمکی به من می کنی؟ می گوید: من در قبر و قیامت، مونس توام! تا آنکه

من و تو را بر پروردگار عرضه بدارند!

آنگاه امام فرمود: اگر آدمی در دنیا ولی خدا باشد، عملش

بصورت خوشبوترین و زیباترین و خوش لباسترین مرد، نزدش می آید و به او می گوید: تورا به روحی از خدا و ریحانی و بهشت پر نعمتی بشارت می دهم که چه خوش آمدنی کردی! او می پرسد: تو کیستی؟ جواب می دهد: من عمل صالح توام که از دنیا به آخرت، کوچ کرده ام!

آدمی در آنروز، غسل خود را می شناسد و با کسانی که جنازه اش

را بر می دارند، سخن می گوید و سوگندشان می دهد که عجله کنند! همینکه داخل قبر شد، دو فرشته نزدش می آیند که همان دو فتان قبرند! موی بدنشان آنقدر بلند است که بر روی زمین کشیده می شود و بانیشهای خود، زمین را می شکافند! صدایی چون رعد و قاصف دارند. چشمانی چون برق خاطف و برقی که چشم را می زند! آنها از او می پرسند: خدایت کیست؟ پیرو کدام پیامبری؟ چه دینی داری؟

او جواب می دهد: خدایم، الله است! پیامبرم، محمد و دینم اسلام است! آنها می گویند: چون در سخن حق، پایدار مانده ای، خدایت بر آنچه دوست می داری و خوشنودی، ثابت بدارد!... در این موقع، قبر او را تا آنجا که چشمش کار می کند، گشاده می کنند و دری از بهشت بر رویش می گشایند و به وی می گویند: با دیده روشن و با خرسندی خاطر بخواب، آنطور که جوان نورس و آسوده خاطر می خوابد!...

ولی اگر دشمن پروردگارش باشد، فرشته اش بصورت زشت ترین

صورت و لباس و بدترین چیز، نزدش می آید و به وی می گوید: بشارت باد تورا به ضیافتی از حمیم دوزخ! و جایگاهی از آتش!

اونیز غسال خود را می شناسد و تشییع کنندگان را قسم می دهد که: مرا
بطرف قبر مبر! و چون او را داخل قبرش کنند، دو فرشته سؤال کننده نزد او می
آیند و کفن او را از بدنش کنار زده، می پرسند: خدا و پیامبرت کیست؟ چه دینی
داری؟

او می گوید: نمی دانم! می گویند: هرگز ندانی و هدایت
نشوی! سپس او را با گرز، آنچنان می زنند که تمام جنبنده هائیکه
خدا آفریده، به غیر از انس و جن، از آن ضربت تکان می خورند! آنگاه دری از
جهنم برویش باز نموده، به او می گویند: با بدترین حال، بخواب! آنگاه
قبرش، آنقدر تنگ

می شود که بر اندامش می چسبد، آنطور که نوک نیزه به غلافش
می چسبد، بطوریکه مغز سرش از بین ناخن و گوشتش، بیرون می
آید! خداوند مار و عقرب زمین و حشرات را بر او مسلط می کند تا
نیشش بزند و او بدین حال خواهد بود تا خداوند او را از قبرش محشور کند!

اموالتان تقسیم شد!

روایت شده است که در بازگشت از جنگ صفین، وقتی امیر مؤمنان به
قبرستانی رسید، فرمود: سلام بر شما، ای ساکنان غریب! سلام بر شما، ای
ساکنان تنها! سلام بر شما، ای اهل وحشت! ما برای شما، این خبرها را
داریم: اموال شما، تقسیم شد! زنان شما، ازدواج کردند!

خانه های شما را، افراد دیگری ساکن شدند! شما چه خبری برای ما دارید؟

سپس فرمود: اگر به آنها اجازه داده می شد که سخن بگویند، می گفتند: بهترین توشه برای سفر آخرت، تقوا است

داستان در باره عذاب افراد فاسد!

عمر دستور داد که غلامیکه ارباب خود را کشته بود، را بکشند.

علی (ع) خبر دار شد. غلام را خواست و به او فرمود: چرا او را کشتی؟ گفت: بزور بامن لواط کرد! علی (ع) از اولیاء مقتول پرسید: او را دفن کردید؟

گفتند: آری! الان او را دفن کردیم. امام فرمود: بروید و سه روز دیگر نزد من

بیایید! و به عمر فرمود: غلام را زندانی کن!

بعد از سه روز، علی (ع) باتفاق عمر بر سر قبر مقتول رفتند و قبر

او را شکافتند. ناگاه کفنش را بدون جسد یافتند! علی (ع) تکییر گفت و فرمود: واللہ دروغ نگفته ام! بخدا سوگند! از رسول خدا (ص) شنیدم که

فرمود: هر شخصی از امت من لواط کند و بدون توبه بمیرد، او را سه روز بعد از دفن مهلت می دهند و سپس زمین او را فرو می برد تا به قوم لوط

رساند و با آنان محشور شود! 16

یعنی: چون عذاب خدا بر آنان واقع شود، دابۀ زمین را بیرون آوریم که
بامردم سخن گوید!

بدرستیکه آن مردم به آیات مایقین ندارند.

که طبق روایات، مراد از دابه، علی(ع) است که نزدیک قیامت، به
دنیا رجعت، خواهد کرد.

دابۀ الارض

اصبغ بن نباته می گوید: معاویه بمن گفت: شما شیعیان گمان می کنید،
دابۀ الارض، علی است؟ گفتیم: تنها ما نمی گوییم، بلکه یهود نیز چنین عقیده ای
دارند! معاویه بدنبال اعلم علماء یهود فرستاد. وقتیکه آمد، پرسید: شما مسئلۀ
دابۀ الارض را در کتب خود دیده اید؟ گفت: آری! معاویه پرسید: آن
چیست؟ گفت: مردی است! پرسید: نامش چیست؟ گفت: الیا! پرسید: الیا به چه
اسمی نزدیک است؟ گفت: علی!

آل عمران 158:

یعنی: اگر در راه خدا، کشته شوید و یا بمیرید، هر آینه بسوی خدا محشور می
شوید.

که روایت های زیادی نقل شده که این آیه در رجعت است. و مراد از
راه خدا، راه ولایت علی(ع) و ذریۀ اوست. و هر که به این آیه ایمان
داشته باشد اگر بمیرد، در رجعت بر می گردد تا در راه اهل بیت کشته گردد
و اگر در دنیا کشته شود، در رجعت بر می گردد تا بمیرد!

مأئده 20:

إِذْ جَعَلَكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا.

یعنی: زمانیکه شما را پیامبر و پادشاه گردانید!

امام صادق (ع) فرمود: پیامبران، حضرت رسول (ص) و ابراهیم (ع) و اسماعیل (ع) و ذریه اویند. و پادشاهان، ائمه اند! راوی گفت: خدا چه پادشاهی بشما داده است؟ فرمود: پادشاهی بهشت و پادشاهی رجعت امیر مؤمنان علی بن ابی طالب!

النازعات 7:

يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ.

یعنی: روزیکه می لرزاند، لرزاننده. در حالیکه لرزاننده دیگری در پی آن در آید.

امام صادق (ع) در تأویل این آیه فرمود: راجفه، حسین بن علی (ع) است و رادفه، علی بن ابی طالب (ع) است. اولین شخصی که از قبر بیرون می آید، حسین بن علی (ع) با هفتاد و پنج نفر می باشند.

امام صادق (ع) فرمود: خلفای جور، خود را امیر المؤمنین می خواندند، در حالیکه این نام مخصوص علی (ع) است. و هنوز معنا و تأویل این نام برای مردم، ظاهر نشده

است! راوی گفت: تاویل آن کی خواهد بود؟ فرمود: آن وقتی که خداوند، پیامبران و مؤمنان را جمع می کند تا علی (ع) رایاری کنند. در آنروز، پیامبر اسلام، علم را بدست علی (ع) می دهد و او امیر مؤمنان، خواهد بود و همهٔ مردم در زیر علم آن حضرت، خواهند بود و او امیر و پادشاه همه خواهد بود.

قیامت در سخن علی (ع):

علی (ع) فرمود: وقتی موعد قیامت فرا رسد، در این هنگام، خداوند آسمان را بحرکت درآورد و از هم بشکافد و زمین را بلرزش آورد و به سختی تکان دهد. کوهها از جا کنده. از هیبت و سطوتش، به یکدیگر کوبیده و متلاشی شوند و با خاک یکسان گردند.

علی (ع): هر که لواط کند، روز قیامت، جُنُب محشور شده و آبهای دنیا و را پاک نکند و خدا بر او غضب و لعنت کند و جهنم را برای او آماده کند!

«علی (ع): جبرئیل به پیامبر گفت: هر که انگشتر را در دست راست نماید و منظورش متابعت از سنت تو باشد، اگر در قیامت او را متحیر ببینم، دستش را بگیرم و بتو و علی (ع) برسانم.» 323

امیرمؤمنان(ع) فرمود: وقتی پیامبر از دنیا رفت از همه امتش ناراحت بود بغیر از شما شیعیان! آگاه باشید که برای هر چیزی شرافتی است و شرافت دین به شیعیان است. بدانید برای هر چیزی دستگیره‌ای است و دستگیره دین شیعه است. بدانید برای هر چیزی امامی است و امام‌زمین، آن زمینی است که شیعه در آن ساکن است. بدانید که برای هر چیزی آقائی است و آقای مجالس، مجالس شیعه است... روز قیامت بعد از ما نزدیکترین افراد به عرش الهی شیعیانند. آنها در حالی از قبرهای بیرون می‌آیند که صورتشان روشن و خوشحال می‌باشند. آنها خوشحالند ولی بقیه مردم ناراحتند. بقیه در هراسند ولی شیعیان در امان هستند...

علی(ع) فرمود: شیعیان ما در قیامت، در حالیکه صورتهای نورانی و بدنی پوشیده بوده و از هر ترسی ایمن می‌باشند، از قبرها بیرون می‌آیند و سختی‌ها و مواقف قیامت، برای آنان آسان است. مردم در هراسند ولی آنان نمی‌ترسند. مردم ناراحتند ولی آنها اندوهی ندارند. برای آنان ناله‌هایی سفید که دارای بالهایی باشند، می‌آورند و آنان سوار شده و در سایه عرش الهی فرود آمده و بر منبرهایی از نور می‌نشینند و تا پایان قیامت و حساب مردم، به خوردن غذاهایی که مقابلشان است، مشغول می‌باشند. «بحار ج 68»

عجله در گناه!

علی(ع): کسیکه در انجام گناه عجله می‌کند، روز قیامت زودتر از دیگران اشک می‌ریزد!

این همان روز است!

عمرو بن شیبه می گوید: به امام پنجم (ع)، عرض کردم: خدا مرا فدایت کند! هنگامیکه قیامت بر پا می شود، پیامبر (ص) و امیر مؤمنان (ع) و شیعیان کجاستند؟ فرمود: بر کثبانی از مُشک اذفر و بر منبرهایی از نور

هستند. مردم در اضطرابند ولی آنان نیستند! مردم بی تابند ولی آنان نیستند! سپس این آیه را تلاوت فرمود: من جاء بالحسنة فله خير منها وهم من فزع يومئذ آمنون. یعنی: کسیکه با حسنه - ولایت علی (ع) - بیاید، از اضطراب در امان است. لا يحزنهم الفزع الاكبر وتلقاهم

الملائكة هذا يومكم الذي كنتم توعدون. یعنی: در آن روزی که روزی تابی بزرگ است، آنها غمگین نیستند و ملائکه با آنان ملاقات کرده و می گویند: این همان روزی است که به شما وعده داده شده بود.

اولین نفری که صدا می زنند

رسول خدا (ص): اولین نفری را که در قیامت، صدا می زنند، من هستم. من از طرف راست عرش بر می خیزم و لباس سبزی از لباسهای بهشت می پوشم. سپس پدرم ابراهیم را می خوانند. او هم از جانب راست عرش بر می خیزد و بر تن او هم لباس سبزی از لباسهای

بهشت می پوشانند. بعد منادی از طرف عرش ندا می دهد: بهترین پدر، پدرت ابراهیم است و بهترین برادر، برادرت علی (ع) است.

صحنه های مختلف قیامت!

شخصی خدمت امیر مؤمنان آمد و گفت: ای امیر مؤمنان! در قرآن دچار شک شده ام! حرت فرمود: مادرت بعزایت بنشیند! چرا در قرآن بشک افتاده ای؟ گفت: زیرا در قرآن آیاتی است که با یکدیگر مخالف هستند! حضرت فرمود: کدام آیات؟ گفت: یکی آیه 28 سوره نبا که می فرماید: روز قیامت، غیر از کسانی که خدا اجازه دهد، احدی سخن نمی گوید! دوم آیه 23 انعام که می فرماید: در قیامت، مشرکین - گویند: قسم بخدا! ما مشرک نبودیم! سوم آیه 25 عنکبوت که می فرماید: روز قیامت،

بعضی ها به بعضی از شما کافر می شوند و بعضی از شما، بعضی دیگر را لعن نمایند! چهارم آیه 64 سوره ص که می فرماید: جهنمیان، شکایت یکدیگر را می کنند! پنجم آیه 28 سوره ق که می فرماید: نزد من شکایت نکنید!

در این آیات، قرآن از سخن گفتن مشرکین سخن می گوید. ولی در آیه 65 یس می فرماید: امروز برده ها، آنان مهر زدیم و دستها و پاهایشان، آنچه را که انجام داده اند، برایمان می گویند!

طبق آیات اولی، آنان سخن می گویند ولی طبق آیه دومی، آنان حق سخن گفتن ندارند. در بعضی آیات است که احدی اجازه سخن

گفتن ندارد ولی در بعضی از آیات می گوید که دست و پا و پوست بدن، سخن می گویند.

ای امیر مؤمنان! علت اختلاف این آیات چیست؟

امیر مؤمنان فرمود: این آیات همه در یک محل قیامت نیست. بلکه هر آیه ای مربوط به یک موقف قیامت است. زیرا روز قیامت، پنجاه هزار سال است! خداوند در آن روز، ابتدا همه را در یک محل جمع می کند.

عده ای که تابعین پیامبران بوده و در دنیا، در کارهای خیر و تقوی، به هم

کمک و یاری می رسانده اند، سخن می گویند و برای یکدیگر، استغفار می کنند. اما آنانکه در دنیا، معصیت می کرده اند و در ظلم و دشمنی، یا و رهمدیگر بوده اند، و مستکبرین و مستضعفینی که ظلم می کرده اند، در قیامت، یکدیگر را لعن می نمایند!

سپس به محلی می روند که عده ای که در دنیا در ظلم، با هم همکاری کرده اند، از عده ای دیگر، فرار می کنند. همانطور که قرآن می فرماید: روزیکه انسان، از برادر و مادر و پدر و رفیق و پسرانش، فرار می کند!

بعد در محلی جمع شده و گریه می کنند که اگر صدای این گریه ها، به اهل زمین می رسید، مردم از زندگی می افتادند. آنقدر گریه می کنند که اشکشان تبدیل به خون می شود. که قرآن در آیه 37 عبس می فرماید: امروز، هر شخصی ب فکر خودش است!

سپس به جای دیگری می روند و سخن می گویند. که در آیه 23 انعام می فرماید: بخدا قسم! ما شرک نوزیدیم!

چون در اینجا به اعمالشان اقرار نمی کنند، بر دهانشان مهر زره می شود و دست و پا و پوست بدنهایشان، سخن می گویند و بر معصیتی که از آن سر زده شهادت می دهند! سپس مهر از دهانشان برداشته می شود و آنان به اعضای بدنشان اعتراض می کنند که چرا علیه ما شهادت می دهید؟

قرآن جواب اعضا را در آیه 21 فصلت، این چنین می گوید: خدایی که هر چیزی را بسخن می آورد، ما را بسخن آورد!

بعد در جای دیگری جمع شده که هیچ شخصی بدون اجازه خدا، سخن نمی گوید. همانطور که در آیه 38 نبا می فرماید: احدی سخن نمی گوید مگر کسیکه خدا به او اجازه دهد و سخن درست بگوید.

سپس در مکان دیگر جمع می شوند که بعضی ها علیه بعضی شکایت و طلب دین می کنند. و همه این ها قبل از حساب است. و قتی که حساب شروع شد، هر کسی بخودش مشغول می شود. ما از خدا می خواهیم که آنروز را برایمان، مبارک گرداند.

امام علی (ع): روز قیامت، مؤمن پولدار را برای حساب می آورند. خدای فرماید: ای بنده ام! جواب می دهد: بلیک ای خدا! پروردگار می فرماید: آیا تورا شنوا و بینا نکردم و مال زیادی بتو ندادم؟ می گوید: آری ای خدا!

خدا می فرماید: برای ملاقات بامن چه آماده کرده ای؟ می گوید: بتو ایمان آوردم. پیامبرت را تصدیق کردم و در راه تو جهاد نمودم. خدا می فرماید: با آنچه بتو دادم چه کردی؟ می گوید: در راه اطاعت تو

انفاق نمودم. خدا می فرماید: برای وراثت چه گذاشتی؟ می گوید: من و آنها را تو خلق کردی! تو به من و آنها رزق دادی! تو قادر بودی که همانطور که بمن رزق دادی به آنها هم روزی بدهی! لذا آنان را بتو سپردم! خدا می فرماید:

راست گفتی! برو که اگر بدانی چه مقامی نزد من داری، زیاد می خندی!

سپس مؤمن فقیر را برای حساب می خوانند. خدا می فرماید: ای فرزند آدم! می گوید: لیسک ای خدا! می فرماید: چه کرده ای؟ می گوید: ای خدا! مرا به دینت هدایت کردی و به من نعمت دادی! باندازه کفایت بمن دادی که اگر روزی زیاد بمن می دادی، شاید مرا از عبادت مشغول می کرد! خدا می فرماید: راست گفتی! اگر بدانی چه مقامی نزد من داری، بسیار می خندی!

سپس کافر پولدار را می آورند! خدا می فرماید: برای ملاقات با من چه آماده کرده ای؟ می گوید: چیزی آماده نکرده ام! خدا می فرماید: پس با آنچه بتو دادم چه کردی؟ می گوید: همه را برای وراثت گذاشتم! خدای فرماید: چه کسی تو را خلق کرد؟ می گوید: تو! می فرماید: چه کسی بتو روزی داد؟ می گوید: تو! خدا می فرماید: چه کسی وراثت تو را خلق کرد؟

می گوید: تو! خدا می فرماید: آیا همانطور که تو را روزی دادم، نمی توانستم وراثت تو را هم روزی بدهم؟ اگر بگوئی فراموش کردم، هلاک هستی! اگر بگویی نمی دانستم، باز هم هلاک هستی! اگر بدانی چه عذابی برایت آماده کرده ام، بسیار می گریستی!

سپس کافر فقیر را می آورند. خدا می فرماید: در باره دستورات من چه کردی؟ می گوید: خدا یا! مرا به بلای دنیا - فقر - دچار کردی، بطوریکه تو را از یاد بردم و این بلا مرا از عبادت تو دور کرد! خدا می فرماید: چرا مرا نخواندی

تا بتو روزی بدهم؟ اگر بگویی فراموش کردم، هلاک هستی! و اگر بگویی نمی دانستم، هلاک هستی! اگر بدانی چه غذای برایت مهیا نموده ام، گریه بسیار می کردی!

علی (ع) در کنار کوثر

امام صادق (ع): ای مسمع! کسیکه شربتی از کوثر بیاشامد، هرگز تشنه نمی شود. کوثر خنکی کافور و بوی مشک و طعم زنجبیل را دارد. از عسل شیرین تر و از کف نرم تر و از اشک چشم صاف تر و از عنبر پاک تر است. کوثر از نهر تسنیم جاری می شود و در کنار نهرهای بهشت روان است. در کنارش ظرفهای آشامیدن، از طلا و نقره و جواهر به عدد ستارگان آسمان قرار دارد. بوی کوثر از مسیر هزار سال بمشام می رسد. وقتی شخصی از آن بیاشامد، بوی همه میوه ها را احساس می کند. و از آشامیدن آن لذتهایی بیشتر از لذتهایی که دشمنان اهل بیت (ع) در دنیایم بردند، می برد. امیرمؤمنان (ع) در کنار کوثر بوده و در دستش عصایی است که با آن دشمنان را دور می کند.

بهشت در نهج البلاغه

علی(ع) در خطبه 109 نهج البلاغه می فرماید: بهشت سرائی است که اقامت کنندگان آن، هرگز کوچ نمی کنند و احوالشان تغییر نمی نماید. خوف و ترسی به آنان روی نمی آورد. بیماری در وجود آنان رخنه نکند. خطرات متوجه آنان نشود و سقری در پیش ندارند تا اجباراً از محلی به محل دیگر کوچ نمایند.

و در خطبه 165 می فرماید: اگر با چشم دلت به آنچه از بهشت برایست توصیف می شود، نظر اندازی، روح از لذات و زخارف دنیا، کناره گیری خواهد کرد و فکرت درباره درختهایی که شاخه هایشان، همواره بهم می خورد و ریشه های آن در دل تپه هائی از مُشک، بر سواحل نهرهای بهشت فرو رفته اند، متحیر می شود! میوه های این درختان، به آسانی و

مطابق میل هر شخص، چیده می شود. میزبانان بهشتی از کسانی که در بهشتند و مقابل قصر آنان فرود آمده اند، با عسلهای مصفا و شرابهای پاکیزه که مستی ایجاد نمی کنند، پذیرائی می نمایند.

هشت در بهشت

امیر مؤمنان، علی(ع): بهشت دارای هشت در است: دری که از آن پیامبران و صدیقین داخل می شوند. دری که از آن شهداء و صالحین وارد می گردند. شیعیان و دوستان ما، از پنج در دیگر داخل می شوند. من همواره بر روی پل صراط دعا می کنم که خدایا! شیعه و یاور مرا و هر شخصی که مرا در دنیا دوست داشت، حفظ کن! و در دیگر دری است

که سایر مسلمانان و گویندگان لا اله الا الله وارد می شوند. بشرط اینکه در دل آنها ذره‌ای دشمنی ما اهل بیت، وجود نداشته باشد.

منزل پیامبر

علی(ع): منزل پیامبر(ص) در بهشت عدن است که وسط همه بهشت‌ها و نزدیکتر از همه به عرش الهی است. کسانی که در این بهشت با رسول خدا(ص) ساکن می شوند، دوازده امام هستند.

یا علی!

رسول خدا(ص): حلقه‌ی درب بهشت از یاقوت قرمز است که بر صفحه‌های طلا نصب شده است. که هر گاه حلقه را بر صفحه بکوبند، صدا می کند: یا علی!

خائن به علی(ع)!

رسول خدا(ص): ای علی! همانا جبرئیل بمن خبر داد که امت من بعد از من بتو خیانت می کنند! پس ویل بر آنها باد! پس ویل بر آنها باد! علی(ع) می

گوید: عرض کردم: یا رسول الله! ویل چیست؟ فرمود: نام وادی در جهنم است که بیشتر اهالی آن از دشمنان و قاتلین ذریه تو و بیعت شکنان تو هستند.

آسیاب جهنم!

علی (ع): در جهنم آسیابی است که 5 دسته را آسیاب می کند! آیا نمی پرسید چه کسانی را آسیاب می کند؟ گفته شد: چه کسانی را؟ فرمود: عالمان فاجر، قاریان فاسق، ستمگران ظالم، وزیران خائن و عارفان دروغگو!

در جهنم ابدی

علی (ع) در خطبه 109 نهج البلاغه: واما گناهکاران را در بد مکانی جای می دهند! دست آنها را با غل و زنجیر به گردنشان می بندند! آنچنان که سرشان را با پاها بهم نزدیک می کند و لباسهائی از موادی که زود آتش می گیرد و لباسهائی از قطعه های آتش بر آنها پیوشاند. در عذابی که حرارت آن بسیار شدید است و درش به روی آنها بسته است. در آتشی که زبانه می کشد و صدایش هراس انگیز است. آنها که در آنند از آن خارج نگردند و برای آزادی اسیرانش غرامت پذیرفته نمی شود و زنجیرهایشان گسسته نمی

گردد. مدتی برای این خانه تعیین نشده تا پایان پذیرد و نه سرآمدی تا تمام گردد.

و من کلام له (علیه السلام) لما بُويعَ في المدينة و فيها يخبر الناس بعلمه بما تنول إليه أحوالهم و فيها يقسمهم إلى أقسام:

ذِمَّتِي بِمَا أَقُولُ رَهِينُهُ وَ أَنَا بِهِ زَعِيمٌ، إِنَّ مَنْ صَرَّحَتْ لَهُ الْعِبْرُ عَمَّا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْمَثَلَاتِ حَجَزَتْهُ التَّقْوَى عَنْ تَقَعُّمِ الشُّبُهَاتِ، أَلَا وَ إِنَّ بَلِيَّتَكُمْ قَدْ عَادَتْ كَهَيْئَتِهَا يَوْمَ بَعَثَ اللَّهُ نَبِيَّهُ (صلى الله عليه وآله)، وَ الَّذِي بَعَثَهُ بِالْحَقِّ لِنَبْلُلَنَّ بَلْبَلَهُ وَ لَنُغْرِبَنَّ غَرْبَهُ وَ لَنَسَاطِنَ سَوَاطِنَ الْقَدْرِ حَتَّى يَعُودَ أَسْفَلَكُمْ أَعْلَاكُمْ وَ أَعْلَاكُمْ أَسْفَلَكُمْ وَ لَيْسَبِقَنَّ سَابِقُونَ كَانُوا فَصَرُّوا وَ لَيَقْصِرَنَّ سَبَاقُونَ كَانُوا سَبَقُوا، وَ اللَّهُ مَا كَتَمْتُ وَ شَمُهُ وَ لَا كَذَبْتُ كِذْبُهُ وَ لَقَدْ بُنْتُ بِهَذَا الْمَقَامِ وَ هَذَا الْيَوْمَ.

:خطبه ای از آن حضرت (ع) هنگامی که در مدینه با او بیعت کردند

آنچه می گویم بر عهده من است و من خود ضامن آن هستم. آن کس که حوادث عبرت آموز روزگار را به چشم ببیند و از آن پند پذیرد، پرهیزگارش او را از آلوده شدن به کارهای شبهه ناک، باز می دارد.

بدانید که بار دیگر همانند روزگاری که خداوند، پیامبران را مبعوث داشت، در معرض آزمایش واقع شده اید. سوگند به کسی که محمد را به حق فرستاده است، در غربال آزمایش، به هم درآمخته و غربال می شوید تا صالح از فاسد جدا گردد. یا همانند دانه هایی که در دیگ می ریزند، تا چون به جوش آید، زیر و زبر شوند. پس، پست ترین شما بالاترین شما شود و بالاترینتان، پست ترینتان. واپس ماندگانتان پیش افتند و پیشی گرفتگانتان واپس رانده شوند. به خدا سوگند، که هیچ سخنی را پنهان نداشته ام و دروغ نگفته ام که من از چنین مقامی و چنین روزی آگاه شده بودم

ترجمه و شرح خطبه 16 نهج البلاغه

از بین آن کتاب‌ها، پنج کتاب برگزیده شد
و تمام اسرار علم ۱۱۴ کتاب در آن جمع شد
و آن کتاب‌ها : صحف ، زبور ، تورات
.انجیل و قرآن بود

از بین پنج کتاب، تمام علم در کتابی
❁ □ ♥! خلاصه شد و آن: قرآن بود +

تمام اسرار قرآن در یک سوره جمع شد
،،♥ و آن سوره: حمد بود ،،

..تمام این علم و سرّ‌ها در آیه‌ای از
: سوره حمد جمع شد و آن آیه
!-یم بود [بسم الله الرحمن الرح-

تمام علوم و اسرار این آیه در حروفی
جمع شد و آن: [ب] اول بسم الله بود

!و آن [ب] من هستم -

:امیرالمومنین امام علی (علیه السلام)

الصَّدَقَةُ دَوَاءٌ مُنْجِحٌ وَأَعْمَالُ الْعِبَادِ فِي عَاجِلِهِمْ نُصَبُ أَعْيُنِهِمْ فِي آجَالِهِمْ ﴿١﴾

صدقه دادن دارویی ثمر بخش است ، و کردار بندگان در دنیا ، فردا در پیش روی آنان جلوه گر ❀
است.

حکمت 7 نهج البلاغه ﴿١﴾

:امام علی علیه السلام

!آرزو را کوتاه کن که عمر کوتاه است، و کار خیر را بسیار کن که کم آن نیز بسیار است

غرورالحکم، باب آرزو ﴿١﴾

: قال علی علیه السلام

ما جالسَ هَذَا الْقُرْآنَ أَحَدًا أَلَّا قَامَ عَنْهُ بِزِيَادَةٍ أَوْ نُقْصَانٍ فِي هُدًى أَوْ نُفْصَانٍ مِنْ عَمَى

هیچ کس با این قرآن همنشین نشد ، مگر آن که چون از نزد آن برخاست با فزونی و کاستی همراه

بود؛ فزونی در هدایت، و کاستی از کوردلی . نهج البلاغه خطبه ۱۷۶

: شرح #حکمت ۵

قسمت ششم ●

:علم اهل بیت (علیهم السلام) ۶,۲,۱۰

▼ امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در بخش ششم از مباحث مربوط به دانش اشاره می کنند به علم اهل بیت (علیهم السلام) و خودشان و مخصوصاً جایگاه انحصاری و اختصاصی ائمه (علیهم السلام) به عنوان معدن علم و تنها منشأ علم مفید. در حکمت ۱۴۷ بعد از اینکه مقدمات بسیار مهمی را به کمیل گوشزد می کنند اشاره به سینه مبارکشان کرده اند و فرموده اند: «بدان که در اینجا دانش فراوانی انباشته است. ای کاش کسانی را می یافتم که می توانستند آن را بیاموزند. آری تیزهوشانی می یابم ولی مورد اعتماد نمی باشند زیرا دین را وسیله دنیا قرار داده با نعمت های خدا بر بندگانش و با برهان های الهی بر دوستان خدا فخر می فروشند. یا گروهی که تسلیم حاملان حق می باشند ولی ژرف اندیشی لازم را در شناخت حقیقت ندارند با اولین شبهه ای شک و تردید در دل شان ریشه می زند ، پس نه آنها که تیزهوشانند و نه اینها ، سزاوار آموختن دانش های فراوان من نمی باشند. یا فرد دیگری که سخت در

پی لذت بوده و اختیار خود را به شهوت داده است. یا کسی که در ثروت اندوزی حریص است. هیچ کدام از آنها نمی‌توانند از دین پاسداری کنند و بیشتر به چهارپایان چرنده شباهت دارند و چنین است که دانش با مرگ دانشمندان می‌میرد.» یعنی ما منشاء علم هستیم و کسی نیست که لیاقت داشته باشد از این منشاء استفاده کنند. یا در خطبه ۲۳۹ اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را مایه حیات علم و مرگ جهل معرفی می‌کنند می‌فرمایند: «آنها یعنی اهل بیت علیهم السلام مایه زندگانی علم و «باعث مرگ جهل و نادانی هستند

در خطبه ۹۱ هم درباره خودشان اینگونه می‌فرمایند: «بدان که انسانهای راسخ در علم کسانی ▼ هستند که اقرار به همه غیب‌های پوشیده، آنها را از گذشتن از سدها و حجاب‌ها و حدودی که خدا میان آنها و حقایقی غیبی برقرار کرده است، بی‌نیاز ساخته است پس خداوند متعال آنها را به جهت اعتراف به نادانی خود، از وصول به آنچه احاطه علمی ندارند مدح فرموده و چشم پوشیدن و رها ساختن تعمق در آنچه را که خداوند آنان را به بحث و تحقیق از حقیقت آن مکلف نکرده، رسوخ نامیده است.» در واقع اشاره است به آیه ۷ سوره آل عمران که اهل بیت علیهم السلام راسخون در علم هستند.

نکته آخر هم درباره علم اهل بیت در نهج البلاغه این نکته بسیار عجیب است که تنها فردی ▼ که در تاریخ با شجاعت تمام بر منبر می‌نشست بارها و مکرر و فریاد می‌زد: «ایّها النَّاسِ سَلُونی قبل اَنْ تَفْقِدُونی» از من بپرسید پیش از آنکه مرا از دست بدهید و من به راه‌های آسمان از راه‌های زمین آشنا تر هستم، مولا امیرالمؤمنین علی علیه السلام بود در خطبه ۱۸۹ نهج البلاغه البته موارد بسیار زیادی از علم مولا علی علیه السلام و اهل بیت در نهج البلاغه است که ما به همین مقدار بسنده می‌کنیم.

:حضرت علی(ع)(حکمت ۲۶۸)

دوست خود را در حد اعتدال دوست بدار، چرا که ممکن است روزی دشمنت شود و با دشمنت نیز در حد اعتدال دشمنی کن، زیرا ممکن است روزی دوست تو شود

:امام علی علیه السلام

. الْعِلْمُ جَمَالٌ لَا يَخْفَى ، وَ نَسِيبٌ لَا يَجْفَى

.دانش، جمالی است که پوشیده نمی ماند و خویشاوندی است که پیوند خویشی نمی بُرد

غرر الحکم : 1463

«مناجات منظوم حضرت امیرالمؤمنین(علیه السلام) به نقل از «صحیفه علویه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

لَكَ الْحَمْدُ يَا ذَا الْجُودِ وَالْمَجْدِ وَالْعُلَىٰ

تَبَارَكَتْ تُعْطِي مَنْ تَشَاءُ وَتَمْنَعُ

ستایش ویژه توست ای صاحب جود و بزرگواری و برتری
فرخنده‌ای تو عطا کنی به هر که خواهی و منع کنی از هر که خواهی

إِلٰهُمَّهِ وَخَلَّاقِي وَحِرْزِي وَمَوْلِي
إِلَيْكَ لَدَى الْإِسَارِ وَالْيُسْرِ أَفْرَعُ

معبودم و آفریدگارم و نگهدارم و پناهم
به جانب تو در سختی و آسانی پناه می‌آورم

إِلٰهُمَّهِ لَئِنْ جَلَّتْ وَجَمَّتْ خَطِيئَتِي
فَعَفُوكَ عَنْ ذَنْبِي أَجَلٌ وَأَوْسَعُ

معبودم، اگر خطایم بزرگ و انبوه است
پس گذشت تو از گناه من بزرگ‌تر و گسترده‌تر است

إِلٰهُمَّهِ لَئِنْ أُعْطِيتُ نَفْسِي سُؤْلَهَا
فَهَا أَنَا فِي رَوْضِ النَّدَامَةِ أَرْتَعُ

معبودم، اگر خواهش نفسم را به نفسم وا گذاشتم

اینک در مرغزار پشیمانی می‌گردم
إِلٰهُمَّهِ تَرَىٰ حَالِي وَفَقْرِي وَفَاقَتِي
وَأَنْتَ مُنَاجَاتِي الْخَفِيَّةَ تَسْمَعُ

معبودم، بد حالی و تهیدستی و نیازم را می‌بینی

و تو مناجات پنهان مرا می‌شنوی

إِلٰهُمَّهِ فَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي وَلَا تُزِغْ
فُؤَادِي فَلِي فِي سَيْبِ جُودِكَ مَطْمَعُ

معبودم، امیدم را قطع مکن و منحرف مساز

قلبم را، که من به باران جودت طمع دارم

إِلٰهِي لَيْنٌ خَيْبَتِي أَوْ طَرَدْتَنِي
فَمَنْ ذَا الَّذِي أَرْجُو وَمَنْ ذَا أَسْفَعُ؟

معبودم، اگر محرومم کنی یا از پیشگاهت برانی

پس به چه کسی امیدوار شوم و چه کسی را شفیع گیرم؟

إِلٰهِي أَجْرَنِي مِنْ عَذَابِكَ إِنِّي
أَسِيرٌ ذَلِيلٌ خَائِفٌ لَكَ أَخْضَعُ

معبودم، از عذابت پناهم ده که من

اسیر و خوار و ترسانم و برایت فروتنی می کنم

إِلٰهِي فَأَنْسِنِي بِتَلْقِينِ حُجَّتِي
إِذَا كَانَ لِي فِي الْقَبْرِ مَثْوًى وَمَضْجَعٌ

معبودم، با تلقین دلیل، همراهم باش

در آن زمان که در قبر منزل و خوابگاهم باشد

إِلٰهِي لَيْنٌ عَذَّبْتَنِي أَلْفَ حِجَّةٍ
فَحَبْلٌ رَجَائِي مِنْكَ لَا يَتَقَطَّعُ

معبودم، اگر هزار سال مرا عذاب نمایی

رشته امید من از تو قطع نمی شود

إِلٰهِي أَذِقْنِي طَعْمَ عَفْوِكَ يَوْمَ لَا
بُنُونَ وَلَا مَالٌ هُنَالِكَ يَنْفَعُ

معبودم، مزه گذشتت را به من بچشان آنگاه که

نه فرزندان و نه مال در آن زمان سود نرساند

إِلٰهِي لَيْنٌ لَمْ تَرْعِنِي كُنْتُ ضَائِعًا

وَإِنْ كُنْتَ تَرْعَانِي فَلَسْتُ أَضِيعُ

معبودم، اگر مرا حمایت نکنی تباه شده‌ام

و اگر حمایت کنی، تباهی نپذیرم

إِلٰهُمَّ إِذَا لَمْ تَغْفُ عَنْ غَيْرِ مُحْسِنٍ
فَمَنْ لِمُسِيءٍ بِالْهَوَىٰ ۖ يَتَمَتَّعُ

معبودم، اگر از غیر نیکوکاران نگذری

پس امید کسی که با هوس کامروایی می کند کیست؟

إِلٰهُمَّ لَئِنْ فَرَّطْتُ فِي طَلَبِ التَّقَىٰ ۖ
فَهَا أَنَا إِثْرَ الْعَفْوِ أَقْفُو وَاتَّبِعُ

معبودم، اگر در طلب تقوا کوتاهی کردم

پس اینک دنبال گذشت توأم و سراغ آن می روم

إِلٰهُمَّ لَئِنْ أَخْطَأْتُ جَهْلًا فَطَالَ مَا
رَجَوْتُكَ حَتَّىٰ ۖ قِيلَ مَا هُوَ يَجْزَعُ

معبودم، اگر از روی جهالت خطا کردم

تا آنجا به تو امید بستم که دربارهام گفته شد باک ندارد

إِلٰهُمَّ ذُنُوبِي بَدَّتِ الطَّوْدَ وَاعْتَلَتْ
وَصَفْحُكَ عَنْ ذَنْبِي أَجَلٌ ۖ وَأَرْفَعُ

معبودم، گناهم بلندتر و بزرگ تر از کوه های برافراشته شده

ولی چشم پوشی تو از گناه من بزرگ تر و بر فراز تر است

إِلٰهُمَّ يُنَحِّي ذِكْرُ طَوْلِكَ لَوْعَتِي
وَذِكْرُ الْخَطَايَا الْعَيْنَ مِنِّي يُدَمِّعُ

معبودم، یاد عطای همیشگی ات آتش دلم را خنکی می بخشد

و یاد گناهان، دید گانم را اشک بار می کند

إِلٰهُمَّ أَقْلِنِيْ عَثْرَتِيْ وَامْحُ حَوْبَتِيْ
فَإِنِّيْ مُقِرٌّ خَائِفٌ مُّتَضَرِّعٌ

معبودم، لغزشم را نادیده گیر و گناهم را پاک کن

من اقرار به گناه دارم و هراسان و نالانم

إِلٰهُمَّ أَنْلِنِيْ مِنْكَ رَوْحاً وَرَاحَةً
فَلَسْتُ سِوَىٰ أَبْوَابِ فَضْلِكَ أَقْرَعُ

معبودم، از سوی خود آسایش و راحتی به من ده

که من جز درهای احسان تو را نمی گویم

إِلٰهُمَّ لَئِنْ أَقْصَيْتَنِيْ أَوْ أَهْتَيْتَنِيْ
فَمَا حِيلَتِيْ يَا رَبِّ أَمْ كَيْفَ أَصْنَعُ

معبودم، اگر مرا دور کنی یا سبکم انگاری

پس چه چاره کنم ای پروردگار و چه سازم؟

إِلٰهُمَّ حَلِيفُ الْحُبِّ فِي اللَّيْلِ سَاهِرٌ
يُنَاجِي وَيَدْعُو وَالْمُغْفَلُ يَهْجَعُ

معبودم، سوگند خورده عشق، در شب بیدار است

راز و نیاز و دعا می کند ولی شخص بی خبر می خوابد

إِلٰهُمَّ وَهَذَا الْخَلْقُ مَا بَيْنَ نَائِمٍ
وَمُتَبَّهِ فِي لَيْلِهِ يَتَضَرَّعُ

معبودم، از این مردم گروهی در خوابند

و گروهی دیگر شب بیدار و زاری می کنند

وَكُلُّهُمْ يَرْجُو نَوَالَكَ رَاجِئاً

لِرَحْمَتِكَ الْعُظْمَىٰ ۚ وَفِي الْخُلْدِ يَطْمَعُ

و همه آنان عطای تو را امید دارند و امیدوار
رحمت بزرگ تواند و به بهشت تو طمع ورزند

إِلٰهِي يُمْنِنِي رَجَائِي سَلَامَةً
وَقُبْحُ خَطِيئَاتِي عَلَىٰ يُشْنَعُ

معبودم، امید من در دلم آرزوی سلامتی می کند
و زشتی گناهانم مرا به رسوایی تهدید می نماید

إِلٰهِي فَإِنْ تَغْفُو فَعَفْوُكَ مُنْقَذِي
وَالْإِلَّا فَبِالذَّنْبِ الْمُدْمَرِ أَصْرَعُ

معبودم، اگر بگذری گذشتت نجات بخش من است
ورنه با گناهم به عرصه نابودی در افتم

إِلٰهِي بِحَقِّ الْهَاشِمِيِّ مُحَمَّدٍ
وَحُرْمَةِ أَطْهَارِهِمْ لَكَ خُضْعُ

معبودم، به حق محمد هاشمی نسب
و به حرمت پاکانی که نزد تو فروتن اند

إِلٰهِي بِحَقِّ الْمُصْطَفَىٰ ۚ وَابْنِ عَمِّهِ
وَحُرْمَةِ أَبْرَارِهِمْ لَكَ خُشْعُ

معبودم، به حق محمد مصطفی و پسر عمویش
و به حرمت نیکوکارانی که برای تو فروتن اند

إِلٰهِي فَأَنْشِرْنِي عَلَىٰ دِينِ أَحْمَدٍ
مُنِيًّا تَقِيًّا قَانِتًا لَكَ أَخْضَعُ

معبودم، مرا در رستاخیز بر دین احمد برانگیز

تائب و پرهیزگار و عابد و فروتن در پیشگاهت

وَلَا تَحْرِمْنِي يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي
شَفَاعَتَهُ الْكُبْرَىٰ فَذَاكَ الْمُسْتَفْعُ

ای خدا و آقا، مرا محروم مساز
از شفاعت بزرگ محمد که شفاعتش پذیرفته است

وَصَلِّ عَلَيْهِمْ مَا دَعَاكَ مُوَحِّدٌ
وَنَاجَاكَ أَخْيَارُ بَبَابِكَ رُكْعٌ

و بر ایشان درود فرست تا هرگاه که موحدی تو را بخواند
و خوبان با تو مناجات کنند و در برابرت به رکوع پردازند

:امام علی علیه السلام ♥♥

خوشا بحال کسی که

عمل و علمش،

دوستی و دشمنیش،

انجام دادن و ترک کردنش،

سخن و سکوتش،

و کردار و گفتارش

.همگی فقط برای خدا باشد.

طُوبَى لِمَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ عَمَلَهُ وَ عِلْمَهُ ، وَ حُبَّهُ وَ بُغْضَهُ ، وَ أَخَذَهُ وَ تَرَكَهُ ، وَ كَلَامَهُ وَ صَمْتَهُ ، وَ فِعْلَهُ وَ قَوْلَهُ .

بحار الأنوار ج ۲۷، ص ۱۱۶

معنای این سخن امام علی (علیه السلام) که می‌فرماید: بنده دیگری مباش در حالی که خداوند تو را

آزاد آفرید! چیست؟

آزادی موضوعی انسانی و به معنای نفی تسلط دیگری بر شخص است. جعل در این جا به معنای «خلق» است؛ یعنی آزادی ودیعه‌ای است الهی که هنگام خلقت، در وجود و سرشت انسان نهاده شده است. از نظر علی (علیه السلام) بنده غیر خدا بودن با آزادی منافات دارد؛ چرا که انسان‌ها در انسانیت مشترک‌اند، و عبودیت و بندگی فقط در برابر خدا است

:امام علی علیه‌السلام می‌فرمایند

مَنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ صَبَا

هر که بچه‌ای دارد؛ بچگی کند. (بااو کودخانه رفتار کند)

الکافی، ج ۶، ص ۵۰

امام علی (ع): بدانید آن کس که از ما خاندان «حضرت مهدی عج» که فتنه‌های آینده را دریابد *
با چراغی روشن‌گر در آن گام می‌نهد و بر همان سیره و روش پیامبر و سایر امامان از آل محمد (ص)
رفتار می‌کند تا گره مشکلات را باز کند و ملت‌های اسیر را آزاد و جمعیت‌های گمراه و ستمگر را
پراکنده و نابود سازد و حق جوین پراکنده را جمع کند. نهج البلاغه خطبه 150

امام علی (ع): حضرت مهدی (عج) سال های طولانی در پنهانی از مردم به سر می برد آنچنان که *
 اثر شناسان اثر قدرتش را نمی شناسند؛ گرچه در یافتن اثر و نشانه ها تلاش فراوان کنند، سپس
 گروهی برای در هم کوبیدن فتنه ها آماده می گردند و چونان شمشیر ها صیقل می خورند دیده
 هاشان با قرآن روشنایی گیرد و در گوش هایشان تفسیر قرآن طنین افکند و در صبحگاهان و
 شامگاهان جام های حکمت سر می کشند. - نهج البلاغه خطبه 150

امام علی (ع): ای مردم بدانید که تکمیل شدن و کمال دین شما در یادگیری علم دینی و الهی و *
 عمل به آن است. بدانید یادگیری علم دینی بر شما از بدست آوردن و تحصیل مال لازم تر است زیرا
 مال و روزی از جانب خدا میان شما تقسیم و تضمین گشته ولی علم دینی نزد اهلش نگه داشته شده و
 شما مامورید که آن را از اهلش طلب نمایید پس جویای آن باشید
 اصول کافی جلد 1 صفحه 35

حضرت علی (ع): 1- همراه می خواهی خدا 2- دنیا می خواهی عبرت از گذشتگان 3 رفیق می *
 خواهی نویسندگان عمل 4- کسب می خواهی عبادت خداوند 5- مونس می خواهی قرآن 6-
 موعظه می خواهی مرگ و اگر مرگ کفایت نکرد آتش جهنم کفایت می کند. نصایح صفحه 271

حضرت علی (ع): هشت کس اگر اهانت دیدند دیگری را ملامت نکنند: 1- آنکه بی دعوت بر *
 سفره ای حاضر شود 2- آنکه بر صاحب خانه حکم کند یا دستور دهد 3- کسی که از دشمنان خیر
 خواهد 4- کسی که از لئیمان کرم طلب کند 5- آنکه بدون اجازه وارد سخن محرمانه مردم شود 6-
 توهین کننده به پادشاهان 7- شرکت کننده در مجلسی که اهلش نیست 8- و آنکه برای کسی سخن
 گوید که گوش نمی کند. نصایح صفحه 281

حضرت علی (ع): روزی امیرالمومنین (ع) خدمت حضرت محمد (ص) شرفیاب شد. پیغمبر *

پرسید؟ در چه حالی هستی ابوالحسن؟ عرض کرد: در حالیکه هشت طلبکار دارم: 1- خدا واجبات طلب می کند 2- شما سنت از من می خواهید 3- نویسندگان عمل راستگویی می خواهند 4- فرشته مرگ از من روح می خواهد 5- خانواده از من غذا می خواهد 6- شیطان از من گناه می خواهد 7- نفس از من لذت می خواهد 8- و دنیا تمایل و رغبت. نصایح صفحه 281

امیرالمومنین (ع): هر کس بخواهد برای دیگران الگو و راهنما و پیشوا باشد ابتدا باید به تعلیم و *

تربیت خویش همت گمارد پیش از آن که به تعلیم و تربیت دیگران مشغول شود؛ و خود سازی را از درون خود شروع کند قبل از آن که زبان خود را با الفاظ نیکو عادت دهد.

بحارالانوار جلد 2 صفحه 56

امام علی (ع): در نامه خود به برخی از استاندارانش می فرمود: قلمهای خود را نازک بتراشید و *

سطرها را به هم نزدیک کنید و زیادی کلمات را حذف کنید و در آوردن معانی صرفه جویی کنید و از زیاده روی پرهیزید که اموال مسلمین تاب و تحمل زیاده روی را ندارد.

الحیاه جلد 2 صفحه 197

امام علی (ع): هر شخصی که با کلامی یا عملی بر ضرر مومنی کاری کند تا به آن مومن آسیب و *

صدمه ای برسد با این کارش از اسلام بیرون گشته و بر کفر داخل شده. میزان الحکمه جلد 4 صفحه

529

امام علی (ع): کسی که نسبت به احکام الهی و دستورات دینی نادان و جاهل باشد مرده است هر *

چند زنده باشد و کسی که نسبت به مسائل و دستورات دینی عالم و فهمیده باشد زنده است گرچه از

دنیا رفته باشد.

امام علی (ع) : من؛ 1- دوستی بهتر از حفظ زبان 2- و لباسی زیبا تر از تقوای الهی 3- و مالی *
ارزنده تر از قناعت و میانه روی در خرج های زندگی 4- احسانی بر تر از گفتار نیکو و حکمت آمیز
5- و غذایی گوارا تر از فرو خوردن خشم نیافتم. نصایح صفحه 223

امیرالمومنین (ع) : سعی و کوشش نما که خداوند تو را در حال نافرمانی اش و ارتکاب گناه نبیند و *
بکوش که خداوند تو را در حال انجام طاعت خود مشاهده کند که اگر اینگونه نباشی از زیانکاران
خواهی بود.

وسائل الشیعه جلد 15 صفحه 79

امام علی (ع) : 1- مسئول و رئیس بی عدالت مانند ابر بی باران است 2- فقیر ناشکیبا همچون *
چراغ بی نور است 3- عالم بی عمل و فاقد تقوای الهی همچون درخت بی میوه است 4- ثروتمند بی
سخاوت همچون زمین بایر بی گیاه و درخت است 5- جوان بی توبه همچون چشمه خشک و بی
آب است 6- زن بی حیا و عفت همچون غذای بی نمک است.

نصایح صفحه 252

امام علی (ع) : نتیجه دوستی با اشرار جذب بدی و شر است مانند باد که از گذرگاه متعفن می *
گذرد با خود بوی تعفن می آورد. نتیجه دوستی بانیکان جذب خیر و نیکی است همچون باد که از
محل خوشبو و عطر داری که می گذرد با خود بوی خوش می آورد.

مستدرک الوسائل جلد 2 صفحه 64

امام علی (ع) : خدا را فرشته ای است که هر روز بانگ می زند بزیاید برای مردن و فراهم آورید *

برای نابود شدن و بسازید برای ویران گشتن

نهج البلاغه حکمت 132

امام علی (ع): علم و دانش مذهبی و معارف دینی از هفت جهت بر مال و ثروت برتری دارد: 1- * اینک علم دین، میراث پیغمبران است و مال میراث فرعون هاست 2- علم با بخشش و انفاق به مردم کم نمی شود ولی مال با خرج کردن کم می شود 3- علم حافظ و نگهدار صاحب خود است ولی مال خود احتیاج به نگهدار دارد 4- مال برای مومن و کافر فراهم می گردد ولی علم دین فقط برای مومن حاصل می شود 5- شخص عالم و فهمیده در امر دین مورد حاجت همه مردم است ولی شخص مالدار و ثروتمند مورد نیاز عموم مردم نیست 6- علم الهی با آدمی وارد قبر می شود ولی مال در دنیا باقی می ماند 7- علم الهی و دینی صاحبش را در عبور از پل صراط نیرو می دهد و کمک می کند ولی مال و ثروت، وبال گردن صاحب خود بر پل صراط است و مانع عبور او از آن می شود.

آثار الصادقین جلد 13 صفحه 552

مولا علی (ع): خوشا به حال آن کس که در نامه عملش در زیر هر گناه یک استغفار ثبت شده * باشد.

بحارالانوار جلد 5 صفحه 329

امام علی (ع): به فرزندش امام حسین (ع) فرمود: پسر جانم هر سختی و بدحالی که به دنبالش * بهشت باشد بدحالی نیست و هیچ خوشی و لذتی که پایانش جهنم باشد خوشی نیست. بدان پسر هر نعمتی و لذتی در دنیا در مقابل بهشت جهنم است و تمام بلاها و سختی های دنیا در مقابل جهنم عافیت است.

تحف العقول صفحه 215

امام علی (ع): خداوند چهار چیز را در چهار چیز مخفی نموده: 1- رضای خود را در طاعت ها؛ *
 پس هیچ عبادتی را کم شمارید شاید همان مورد رضای خدا باشد 2- غضبش را در گناهان؛ پس
 هیچ گناهی را کوچک شمارید شاید همان مورد غضب او باشد 3- استجاب خود را در دعاها؛ پس
 هیچ دعایی را اندک مپندارید شاید همان مستجاب باشد 4- ولی و دوست خود را در میان بندگانش؛
 پس به هیچ بنده ای بی اعتنایی نکنید شاید او ولی خدا باشد و شما شناسیدش. تحف العقول صفحه

182

امیرالمومنین (ع): خداوند به حضرت موسی و حی فرمود: ای موسی سفارش مرا در مورد چهار چیز *
 به خاطر بسپار: 1- تا نفهمیدی که گناهانت را آمرزیده ام به گناه دیگری مپرداز 2- تا ندانی گنج
 های خزائن تمام شده غم روزی مخور 3- تا ندیده ای که مُلک و پادشاهی من از دست رفته به
 دیگری امید مبند 4- تا مرده شیطان را ندیدی از مکرش ایمن مباش

نصایح صفحه 183

امام علی (ع): کسی که شش خصلت داشته باشد همه در های بهشت بر رویش گشوده است و *
 تمام درهای جهنم بر رویش بسته است: 1- خدا را بشناسد و اطاعتش نماید 2- شیطان را بشناسد و
 مخالفتش کند 3- راه حق و اهلش را بشناسد و به دنبالش برود 4- باطل و اهل آن را بشناسد و
 ترکشان گوید 5- دنیای حرام را بشناسد و رهایش سازد 6- آخرت را بشناسد و طلبش کند

نصایح صفحه 248

امام علی (ع): ریا کار چهار نشانه دارد: 1- هنگامی که تنهاست در عبادت خدا و ذکرش و اعمال *
 خیر تنبل و کسل است 2- در میان مردم و جمع، در عبادت خدا و اعمال خیر کوشاست 3- چون از
 او تعریف کنند بیشتر کار می کند 4- هر گاه از عمل او تمجید و تعریفی نکنند کار خیر را ترک

.کند

نصایح صفحه 187

امام علی (ع): به راستی که اهل خیر و شر را نمی توان تشخیص داد مگر به مردم. اگر می خواهی *

اهل خیر را بشناسی کار خیری را شروع کن؛ کسانی که آن کار را تایید می کنند و دنباله روی از آن می کنند اهل خیرند و اگر می خواهی شر و اهلش را بفهمی کار بدی را شروع کن همان کسانی که

از آن پیروی می کنند اهل شرّند

تحف العقول صفحه 215

امام علی (ع): مردی به امام (ع) عرض کرد سفارشی به من نمایند. امام فرمود: سفارش من به تو *

این است که کار خیر و نیک خود را هر قدر زیاد هم باشد هرگز بسیار مشمار و گناه خود را هر قدر

هم کم باشد اندک مشمار

تحف العقول صفحه 202

امام علی (ع): همه خوبی ها در سه عمل جمع شده است: 1- نگاه کردن 2- سکوت نمودن 3- *

صحبت کردن؛ اما هر دیدنی که در آن عبرت و پند آموزی نباشد بیجا و مهمل است و هر سکوتی که

در آن اندیشیدن نباشد بیهوده است و هر سخن گفتنی که در آن ذکر و یاد از خدا و کلامش نباشد

بیهوده است

تحف العقول صفحه 210

امام علی (ع): در سفارش خود به فرزندش امام حسین (ع) فرمودند: پسر جانم عافیت ده جزء *

است؛ نه جزء آن در خاموشی است جز به ذکر خدا و یکی هم در ترک هم نشینی نا بخردان. تحف

العقول صفحه 145

امام علی (ع): از امیرالمومنین (ع) سوال شد: دانشمند تر از همه مردم کیست؟ فرمود: کسی که *

سخن خیر و حکمت را از هر شخصی که شنید قبول کند و آن را به معلومات و دانش خویش

ببافزاید.

خصال شیخ صدوق صفحه 6

مولا علی (ع): هر کس که قرائت قرآن را وسیله اخاذی و گرفتن پول از مردم قرار دهد روز *

قیامت به محشر می آید در حالی که گوشت صورتش ریخته و تنها استخوانهایش باقی مانده و به این

شکل آبرویش در نزد مردم می ریزد.

آثار الصادقین جلد 17 صفحه 321

امام علی (ع): تا وقتی که گرسنه نشدی اقدام به خوردن غذا مکن و وقتی به خوردن اقدام کردی *

قبل از آنکه کامل سیر شوی دست از غذا خوردن بردار، غذا را با آرامش و خوب بجو تا هضم آن

آسان شود و پیش از خوابیدن و به رختخواب رفتن به توالت برو و خود را تخلیه کن چون این

سفارشات را به کار بندی از پزشک بی نیاز شوی.

آثار الصادقین جلد 2 صفحه 387

امام علی (ع): از پرخوری پرهیز کنید زیرا هر که پرخوری کند دردهای درونی اش بسیار گردد و *

خواب های فاسد و پریشان بیند و نیز موجب سنگدلی شخص و سبب کسالت و تنبلی در خواندن نماز

می شود.

آثار الصادقین جلد 9 صفحه 970

امام علی (ع): هیچ مالی در دریا یا خشکی نابود نشد مگر به خاطر نپرداختن حقوق آن مال از قبیل *

خمس یا زکات. پس اموال خود را با پرداخت خمس و زکات از گزند حوادث بیمه نمایید . کلام نور

صفحه 326

امام علی (ع): موقعی که در مورد موضوعی دچار ترس شدی خودت را در آن مسئله بیانداز زیرا *
اضطراب و دلهره ای که در وجودت برای مصون ماندن از آن خطر وجود دارد به مراتب سخت تر
است از ابتلا و درگیریت با آن موضوع . نهج البلاغه حکمت 166

مولا علی (ع): انسان عاقل بوسیله پندیات و اخلاقیات الهی اصلاح می شود و این حیوانات هستند *
که جز از راه کتک و ضرب و شتم مطیع و فرمانبر نمی شوند. اخلاق فلسفی جلد 1 صفحه 131

امام علی (ع): چون دیدی خداوند پیاپی بر تو بلا فرستاد سپاس و شکر او را به جای آور و چون *
. ملاحظه کردی که خداوند در پی گناهانت پی در پی به تو نعمت داد از مکر او با خودت بترس
آثار الصادقین جلد 13 صفحه 210

امام علی (ع): به راستی که بزرگترین افسوس در روز قیامت حسرت و افسوس مردی است که در *
نافرمانی خداوند مالی بدست آورد و آن را برای وارثین خود قرار دهد و شخص وارث آن مال را در
راه فرمان خدای سبحان انفاق کند و به بهشت رود و مرد نخستین که صاحب مال بود به سبب همان
. مال به دوزخ رود

آثار الصادقین جلد 2 صفحه 148

امام علی (ع): هر که دوست دارد بدون ثروت غنی شود و بدون سلطه و قدرت عزّت یابد و بدون *
فامیل و خویشاوند فزونی یابد از ذلت معصیت خدا به سوی عزت طاعت او خارج شود. که اگر این
طور شد همه آن مطالب را خواهد یافت . آثار الصادقین جلد 13 صفحه 251

مولا علی (ع): آن کس که گفتار حکیمانه مومنان دانا را نشنود و از دانش علمای ربانی بهره نگیرد *

رفته رفته عقلش می میرد

گفتار فلسفی جلد 1 صفحه 187

امام علی (ع): در خاتمه تورات پنج جمله است که دوست دارم هر روز بامداد آن را مطالعه کنم: *

1- عالم بی عمل با شیطان برابر است. 2- سلطان بی عدالت با فرعون برابر است. 3- فقیر طمعکاری

که در برابر توانگران خضوع کند با سگ همانند است. 4- ثروتی که از آن در امور خیر سودی نبرند

با سنگ و آجر یکسان است. 5- زنی که بدون ضرورت و نیاز بیرون رود با کنیز برابر است. نصایح

صفحه 223

امام علی (ع): کودکان خود را به زبان نیکو و خوش به خواندن نماز و طهارت گرفتن از ادرار و *

مدفوع امر کنید و چون به هشت سالگی رسیدند آنها را مسئول این امور بدانید و از آن بازخواستشان

کنید .

مجموعه ورام جلد 1 صفحه 358

مولا علی (ع): از جمله حقوق استاد بر شاگرد این است که: 1- چون بر او وارد شدی و گروهی *

نزد او بودند به همه سلام کن و او را به تحیت مخصوص گردان. 2- در محضرش صحبت مکن و با

دست اشاره نکن و مگو فلانی و فلانی بر خلاف نظر او چنین گفته اند. 3- از طولانی شدن مجلسش

دلتنگ مشو زیرا عالم مانند درخت خرماست ؛ باید در انتظار آن باشی که چیزی از آن بر تو فرو ریزد

.

اصول کافی جلد 1 صفحه 46

:حضرت علی(ع)(حکمت ۱۹۲)

ای فرزند آدم هرچه بیش از مقدار خوراک خود بدست آوری (و آن را ذخیره کنی) خزانه دار دیگران در آن خواهی بود.

حفظ کرامت انسانی

در مسیر حرکت مولا علیه السلام به شام، برای جنگ صفین، عده ای از دهقانان شهر انبار به امام علیه السلام رسیدند، از اسبان و اشتران خود پیاده شده و پیشاپیش آن حضرت علیه السلام می دویدند. حضرت علیه السلام فرمود: چرا چنین می کنید؟ گفتند: این در فرهنگ و عادت ما، برای بزرگ داشت و احترام فرمان روایان است. حضرت علیه السلام فرمود:

وَاللّٰهُ مَا يَنْتَفِعُ بِهَذَا امْرَاؤُكُمْ، وَأَنْتُمْ لَتَشَقُّونَ عَلَى أَنْفُسِكُمْ فِي دُنْيَاكُمْ. وَتَشَقُّونَ بِهِ فِي آخِرَتِكُمْ، وَمَا اخْسَرَ الْمَشَقَّةُ وَرَاءَهَا الْعِقَابَ، وَأَرْبَحَ الدَّعَاءُ مَعَهَا الْإِمَانُ مِنَ النَّارِ

به خدا سوگند! امیران شما از این کار سودی نبردند، و شما در دنیا با آن، خود را زحمت می افکنید و در آخرت، دچار رنج و زحمت می گردید، و چه زیان بار است رنجی که عذاب در پی آن باشد و چه سودمند است آسایشی که با آن، امان از آتش جهنم باشد.

در مورد مشابهی، حضرت علیه السلام فرمود:

..ارجع فانّ مشی مثلك مع مثلی فتنه للوالی ومذلة للمؤمن (نهج البلاغه خ 323)

برگرد، که چنین حرکتی از چونان تویی (رئیس قبیله) با چون منی (امام و زمامدار) زمامدار را عامل انحراف خواهد بود و مؤمن را موجب زبونی

بعضی شیطنت را هوش و درایت می دانند و به امیرمومنان می گفتند معاویه از شما باهوش تره! امام فرمود او شیطنت دارد نه هوش و درایت! امام(ع) در جای دیگر، در پاسخ مغیره بن شعبه که بقای معاویه را در «شام»، موافق سیاست روز می دانست، فرمودند

به خدا سوگند! اشتباه می کنید. معاویه از من زیرک تر نیست. او دغل باز و فاسد است. من نمی « خواهم دغل بازی بکنم و از جاده حقیقت منحرف شوم و فسق و جور مرتکب شوم. اگر خدای تبارک و تعالی، دغل بازی را دشمنی نمی پنداشت، در آن وقت می دیدید که زرنگ ترین مردم دنیا، علی(ع) است. دغل بازی، فسق و جور است و این گونه فجورها، کفر است و من می دانم که هر ..فریب کاری در قیامت محشور می شود، در حالی که یک پرچم دارد

:امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند

با مردم آنگونه معاشرت کنید که اگر ❖

مُردید بر شما اشک ریزند، و اگر زنده ماندید

..با اشتیاق سوی شما آیند

نهج البلاغه حکمت ۱۰ ❖

علی علیه السلام و خرابه..

امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام

حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا وَوَازِنُوهَا قَبْلَ أَنْ تُوَازَنُوا

نفسهای خود را محاسبه کنید پیش از آن که از شما حساب خواسته شود و آن را بسنجید پیش از آن که شما سنجیده شوید

غرر الحکم و درر الکلم، ج 1، ص 300

امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام

لَا يَسْلِمُ عَلَى اللَّهِ مَنْ لَا يَمْلِكُ نَفْسَهُ

.کسی که مالک نفس خود نیست، تسلیم خداوند نمی گردد

غرر الحکم و درر الکلم، ج 1، ص 301

امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام

غَايَةُ الْعَدْلِ أَنْ يَعْدِلَ الْمَرْءُ فِي نَفْسِهِ

.نهایت عدالت آن است که مرد درباره خود عدالت ورزد

غرر الحکم و درر الکلم، ج 1، ص 301

علی (ع) فرمود: از این انسان در شگفت شوید، به قطعه ای پیه می بیند و به پاره گوشتی سخن می گوید و به تکه استخوانی می شنود و از شکافی نفس می کشد

الحکمه ۸

!!قال عليه السلام : اغْجَبُوا لِهَذَا الْإِنْسَانِ يَنْظُرُ بِشَخْمٍ وَ يَتَكَلَّمُ بِلَحْمٍ وَيَسْمَعُ بِعَظْمٍ، وَيَتَنَفَّسُ مِنْ خَرَمٍ

امام علی (ع) : 1. دین شخصیت و بزرگی بخشد 2. دانش عظمت بخشد 3. خودخواهی ، سرافکنندگی آورد 4. بخشش رفتار پسندیده است 5. سستی (در همه امور) تباهی فرصت است. 6. فروتنی عظمت آورد. 7. دنیا گذرا است و آخرت پاینده است. 8. عدالت دلپذیر است. 9. عقل نگهبان (انسان) است. غررالحکم صفحه 15

امام علی (ع) : 1. پاکدامنی ، نعمت است. 2. انسان فرومایه ، فریب خورده است. 3. اندیشه و فکر کردن انسان را هدایت میکند. 4. راستگویی رستگاری آورد و دروغگویی زشتی آورد. 5. انسان بخشنده گشاده رو است. 6. دروغگویی خیانت است. 7. دنیا پرستی ، گمراهی آورد. 8. هوس رانی هلاکت آورد. 9. یقین (به خداوند) عبادت است. 10. قناعت و میانه روی ، ثروت آورد. 11. حسادت ، انسان را رنجور و بیمار کند. غررالحکم صفحه 16

امام علی (ع) : 1. تفکر کردن ، عبادت است. 2. ناامیدی (از مردم) ، آزادی است. 3. خودنمایی (ریا) شرک (به خدا) است. 4. خودپسندی ، تباهی است. 5. طمع ، زیان آور است. 6. پیروزی با دور اندیشی است. 7. خواهشهای نفسانی آفت اند. 8. پاکدامنی ، پارسایی است. غررالحکم صفحه 17

امام علی (ع) : 1. صبر و شکیبایی ، بنیاد کارهاست. 2. بخشندگی ، شایسته ترین رفتار است. 3. راستگویی ، ارزشمندی است و دروغگویی ، فرومایگی است. 4. ترس از خدا رستگاری

است. 5. موفقیت ، خواست خداوند است. 6. خودپسندی ، کم خردی است. 7. دانش ، گنج است. 8. ایمان ، رستگاری است. 9. نیکوکاری ، شرافت است. غررالحکم صفحه 18

مولا علی (ع): غضب آتشی است مشتعل ، کسی که خشم خود را فرو نشاند (خشم خود را نگه دارد) ، آن آتش مشتعل را خاموش کرده است و آن کس که غضب را به حال خودش آزاد گذارد ، (خشم خود را نگه ندارد) خود اولین کسی است که در شعله های آن خواهد سوخت . الحدیث جلد 1 صفحه 1

امام علی (ع): دنیا منزل گذران و آخرت مقر جاودان است ، فرصت را غنیمت شمارید و از گذر گاه خویش برای قرار گاه خود ، چیزی (کار نیکی) بگیرید و ذخیره ای بیندوزید. الحدیث جلد 1 صفحه 4

مولا علی (ع): به چیزی که شایسته آن نیستی طمع و تمنی نداشته باش . الحدیث جلد 1 صفحه 9

مولا علی (ع): در ضمن نصایح خود به امام حسن (ع) فرمود: فرزند عزیز پرهیز از اینکه بر آرزوهای نفسانی خویش اعتماد نمائی زیرا تکیه به آرزوها متاع مردم احمق و کم خرد است . الحدیث جلد 1 صفحه 11

مولا علی (ع): آزاد کسی است که بتواند شهوات ناروا را ترک کند . الحدیث جلد 1 صفحه 14

مولا علی (ع): بنده شهوت اسیری است که هرگز آزادی نخواهد داشت . الحدیث جلد 1 صفحه 17

مولا علی (ع): آدمی به گفتارش سنجیده می شود و به رفتارش ارزیابی می گردد ، چیزی بگو که کفه سخت سنگین شود و کاری کن که قیمت رفتارت بالا رود. الحدیث جلد 1 صفحه 19

مولا علی (ع): اگر از آثار معنوی این آیه شریف (آیة الكرسي) آگاه می بودید در هیچ حال ، آنرا ترک نمی کردید ، پیغمبر اکرم (ص) فرمود : آیة الكرسي از گنجینه ای در زیر عرش به من عطا شده است و قبل از من به هیچ پیغمبری چنین عطائی نشده است . الحدیث جلد 1 صفحه 22

امام علی (ع): هیچ عملی از انسان در پیشگاه خداوند مورد قبول واقع نمی شود ، مگر اینکه آن عمل را با خلوص انجام داده باشی . الحدیث جلد 1 صفحه 29

مولا علی (ع): در ضمن وصایای خود به حضرت حسین (ع) فرموده : خوشبخت و رستگار کسی است که علم و عملش ، دوستی و دشمنیش ؛ گرفتن و رها کردنش ، سخن گفتن و سکوتش ، رفتار و گفتارش تنها بر اساس رضای الهی استوار باشد و بر خلاف امر پروردگار قدمی بر ندارد . الحدیث جلد 1 صفحه 30

مولا علی (ع): نفس متجاوز و سرکش خویش را با ترک عادات ناپسند خوار نمائید و با انجام اوامر الهی وادارش سازید و بار غرامتهای تخلفش را بر وی تحمیل نمائید ، با ارتکاب مکارم اخلاق زینتش کنید و از پلیدیهای گناه مصونش دارید . الحدیث جلد 1 صفحه 34

مولا علی (ع): ناتوان ترین مردم کسی است که به اصلاح نقائص معنوی و سیئات اخلاقی خود قادر باشد و اقدام نکند . الحدیث جلد 1 صفحه 36

مولا علی (ع): اگر فرضاً نه به بهشت امیدوار باشیم و نه از آتش جهنم ترسان ، ثواب و عقابی را عقیده نداشته باشیم ، باز شایسته است از پی سجایای اخلاقی برویم زیرا اخلاق پسندیده و ملکات فاضله است که ما را در زندگی به راه رستگاری هدایت می کند . الحدیث جلد 1 صفحه 37

امام علی (ع): پندپذیری انسان عاقل به وسیله ادب و تربیت است ، چهارپایان و حیواناتند که تنها با ضرب و زدن تربیت می شوند . الحدیث جلد 1 صفحه 48

مولا علی (ع) در ضمن نامه خود به فرزندش امام حسن (ع) نوشت : فرزند عزیز در راه ادب آموزی تو از فرصت استفاده کردم و قبل از آن که دل کودکانه ات سخت شود و عقلت با اندیشه های دیگری مشغول گردد به تربیت مبادرت نمودم و وظیفه ی پدری خود را انجام دادم. الحدیث جلد 1 ص 51

امام علی (ع) : در کسب علم و ادب بکوشید ، چه آنکه عالم ، عزیز و گرانقدر است ، اگر چه به خاندان بزرگی منتسب نباشد ، اگر چه فقیر بی بضاعت باشد ، و اگر چه جوان باشد. الحدیث جلد 1 ص 51

مولا علی (ع) : به کمال توصیه فرمود : در هر حالی که هستی به حق سخن بگوئید ، پرهیزگاران را دوست بدارید ، گناهکاران را ترک گوئید ، با منافقان میامیزید و با خیانتکاران رفاقت مکن. الحدیث جلد 1 ص 62

مولا علی (ع) : تکبر کردن با افراد متکبر ، خود عین تواضع است. الحدیث جلد 1 ص 66

علی (ع) : آنکس که شرم و حیاءش کم باشد ، اجتنابش از گناه کم خواهد بود. الحدیث جلد 1 ص 72

مولا علی (ع) : شرم و حیاء آدمی را از کارهای ناپسندیده باز می دارد. الحدیث جلد 1 ص 72

مولا علی (ع) : هیچکس حیا نکند از اینکه اگر چیزی را نمی داند یاد بگیرد. مردان با ایمان چیزی را که نمی دانند با کمال صراحت می گویند نمی دانیم ، و از اینکه به نادانی خود اعتراف نمایند حیاء نمی کنند. الحدیث جلد 1 ص 76

مولا علی (ع) : هیچکس حیا نکند وقتی از او پرسند چیزی را که نمی داند صریحا بگوئید نمی دانم .

اولیاء اسلام در موارد بسیاری مردم را از حیاء احمقانه و وخجالت کشیدنهای بی مورد بر حذر داشته اند. الحدیث جلد 1 ص 76

مولا علی (ع): هر کس به در آمدی که به کفاف زندگیش رسا باشد (زندگیش بگذرد) اکتفا کند از پریشان فکری رهیده و به دین وسیله آسایش خاطر خود را مرتب ساخته است. الحدیث جلد 1 صفحه 91

مولا علی (ع): بهترین عبادت چشم پوشی از گناه است. الحدیث جلد 1 صفحه 95

مولا علی (ع): آزاد مرد کسی است که تمایلات غیر مشروع خود را ترک گوید. الحدیث جلد 1 صفحه 96

مولا علی (ع): با مخاطب خویش پسندیده و مودب سخن بگوئید تا او نیز به شما با احترام جواب گوید. الحدیث جلد 3 صفحه 64

مولا علی (ع) به مالک اشتر توصیه فرمود: از عهد شکنی بر حذر باش، خلف وعده و نقض پیمان باعث خشم خداوند و مردم است. الحدیث جلد 3 صفحه 69

مولا علی (ع): در خردسالی علم بیاموزید تا در بزرگسالی به برتری و سیادت نائل آیید. الحدیث جلد 3 صفحه 91

مولا علی (ع): هیچ پدری به فرزندش تفضل و بخشش ننموده است که عالتر و شریفتر از تربیت خوب باشد. الحدیث جلد 3 صفحه 93

مولا علی (ع): با تحمل رنجهای سخت و زحمتهای سنگین، آدمی به پایه های بلند زندگی و آسایش دائمی نائل می شود. الحدیث جلد 3 صفحه 96

مولا علی (ع): مردم اجتماع دو گروهند : 1 گروه اول کسانی هستند که در تحصیل دانش مدارجی را پیمودند و عالمند ، گروه دوم کسانی هستند که مشغول تحصیل علم هستند و اگر جزو این دو گروه نباشید وحشیان حیوان صفتید . الحدیث جلد 3 صفحه 3

مولا علی (ع): بهترین مطالبی که شایسته است جوانان یاد گیرند چیزهایی است که در بزرگسالی مورد نیازشان باشد و بتوانند در زندگی اجتماعی از آموخته های دوران جوانی خود استفاده نمایند . الحدیث جلد 3 صفحه 4

مولا علی (ع): درباره ارزش علم و تفاوت افراد عالم و غیرعالم فرموده است: کاش می دانستم کسی که از علم بی نصیب مانده چه چیز به دست آورده است، و آن کس که از علم بهره مند شده چه چیز به دست نیاورده است. الحدیث جلد 2 صفحه 1

مولا علی (ع): هر علمی که مورد تأیید و امضای عقل نباشد ، گمراهی و ضلالت است. الحدیث جلد 2 صفحه 5

مولا علی (ع): چه بسا مردم عالمی که علمشان باعث قتل و نابودی آنان شد. الحدیث جلد 2 صفحه 6

مولا علی (ع): تجربه های زندگی ، دانش مفید و ثمربخشی است. الحدیث جلد 2 صفحه 7

مولا علی (ع): کسی که در آموخته های خود بسیار بیندیشد ، دانش خود را استوار ساخته و به فهم مطالبی که نمی فهمد ، نائل می گردد. الحدیث جلد 2 صفحه 9

مولا علی (ع): بهترین مطالبی که شایسته است جوانان یاد بگیرند ، چیزهایی است که در بزرگسالی مورد نیازشان باشد و بتوانند در زندگی اجتماعی از آموخته های دوران جوانی خود استفاده نمایند.

الحديث جلد 2 صفحه 15

مولا علی (ع): مرد با ایمانی را مخاطب ساخت و فرمود: علم و ادب ارزش وجود تو است. در تحصیل علم کوشش نما، چه به هر مقداری که بر دانش و ادب افزوده شود قدر و قیمت افزایش می یابد. الحديث جلد 2 صفحه 18

مولا علی (ع): عادت بد، دشمنی است که با قدرت بر صاحبش حکومت می کند. الحديث جلد 2 صفحه 19

مولا علی (ع): دشمن ترین دشمنان آدمی غضب و شهوت او است. آن کس که بتواند این دو غریزه سرکش را مهار کند و آنها را به فرمان خود درآورد، مقام عظیمی دارد و می تواند به اوج انسانیت برسد. الحديث جلد 2 صفحه 19

مولا علی (ع): هزار دوست و همنشین بسیار نیست، ولی یک دشمن برای آدمی البته زیاد است. الحديث جلد 2 صفحه 22

مولا علی (ع): حسد جسم را فرتوت و فانی می کند و کینه توزی آدمی را افسرده می کند و سرانجام همه چیزش را بر باد می دهد. الحديث جلد 2 صفحه 23

مردی به نام «جمیل» سالیان دراز منشی دربار ساسانیان بود. او عصر علی (ع) را درک کرد و در ایام حکومت آن حضرت سخت فرسوده و پیر شده بود. موقعی که امیرالمومنین علی (ع) به نهر روان آمد و از حال جمیل پرسش فرمود: گفتند در قید حیات است. دستور داد احضارش کنند. وقتی شرفیاب شد، حضرت در اولین برخورد دید که هوش و حواس و ذهن پیرمرد سالم است و تنها چشم خود را از دست داده است. از او سؤال کرد: ای جمیل؛ شایسته است انسان چگونه باشد؟ جواب داد: باید دوستانش کم باشد و دشمنانش بسیار. فرمود: ای جمیل؛ سخن تازه و بی سابقه ای می گویی. همه مردم در این نظریه متفقند که داشتن دوست زیاد بهتر است. عرض کرد: مطلب آن طور نیست که گمان

کرده‌اند و سپس توضیح داد که: دوستان زیاد وقتی به انجام حاجت (کار) آدمی دست می‌زنند آن طور که باید و شاید به انجام وظیفه قیام نمی‌کنند و نتیجه معکوس عاید می‌گردد. مثل آن که زیادی کشتی‌بان باعث غرق کشتی می‌شود. حضرت فرمود: این که می‌گویی صحیح است، چه آن که من آن را آزمایش کرده‌ام. پس از آن، حضرت فرمود: بسیاری دشمن چه فایده دارد؟ جواب داد: وقتی دشمنان انسان زیاد باشند، آدمی همواره مراقب کارهای خویشان است، می‌کوشد تا سخنی نگوید که از وی خرده بگیرند، یا لغزشی از او بروز نکند تا مورد مؤاخذه واقع شود و بر اثر مراقبت‌ها و دقت‌های پی‌گیر برای همیشه از خطا و لغزش مصون خواهد ماند. علی (ع) گفته پیرمرد را پسندید و نیکو شمرد و مورد تأییدش قرار داد. الحدیث جلد 2 صفحه 24

مولا علی (ع): جسم آدمی شش حالت دارد: سلامت و مرض، مرگ و حیات، خواب و بیداری، جان آدمی نیز دارای این شش حالت است: حیات جان علم است و مرگش جهل، مرض جان شک و تردید است و سلامتیش یقین، خواب جان غفلت و بی‌خبری است و بیداریش حفظ و مراقبت است. الحدیث جلد 2 صفحه 30

مولا علی (ع): چه نزدیک است دنیا را، گذران و رفتن و چه نزدیک است جوانی را، پیری و درهم‌شکستن. الحدیث جلد 2 صفحه 33

مولا علی (ع): به حضرت حسین (ع) در ضمن وصایای خود فرموده است: کسی که نسبت به مردم تکبر نماید ذلیل و خوار خواهد شد. الحدیث جلد 2 صفحه 57

مولا علی (ع): گدایی طوق ذلتی است که عزت را از عزیزان و شرافت خانوادگی را از شریفان سلب می‌کند. الحدیث جلد 2 صفحه 63

مولا علی (ع): مرگ، بر زندگی آمیخته به پستی و خواری ترجیح دارد. الحدیث جلد 2 صفحه 66

مولا علی (ع): مردم از ترس خواری به سوی ذلت و خواری می‌شتابند و با اینکار، پستی و حقارت

خویش را افزایش می دهند. الحدیث جلد 2 صفحه 71

مولا علی (ع): ننگ رسوایی، شیرینی لذت را تیره و تار می سازد. الحدیث جلد 2 صفحه 83

مولا علی (ع): کسی که اندرز و نصیحت را بپذیرد از رسوایی مصون خواهد ماند. الحدیث جلد 2 صفحه 83

مولا علی (ع): کسی که رفیق احمق دارد همواره در رنج و ناراحتی است. الحدیث جلد 2 صفحه 90

مولا علی (ع): پیوند دوستی را با برادران دینی خود محکم سازید که آنان ذخائر دنیا و آخرت هستند. مگر نشنیده اید که خداوند در قرآن شریف به تأثیر گمراهان در قیامت اشاره می کند که می گویند در این روز سخت نه شفیع داریم، نه دوستی که در کارمان همت گمارد. الحدیث جلد 2 صفحه 91

مولا علی (ع): مانعی ندارد که با فرد عاقل و خردمندی که دارای طبع بلند و کرامت اخلاق نیست رفاقت نمایی، ولی مراقب باش که در برخورد های دوستانه تنها از فکر روشنش استفاده کنی و به دنائت و پستی اخلاقش متخلق نگردی. الحدیث جلد 2 صفحه 92

مولا علی (ع): داناترین مردم به مقتضیات زمان کسی است که از تحولات آن دچار شگفتی نشود و خویشتن را نبازد. الحدیث جلد 2 صفحه 106

مولا علی (ع): مکتب روزگار به آدمی درس سودمند تجربه می آموزد. الحدیث جلد 2 صفحه 109

مولا علی (ع): امتیاز مرد به عقل او و جمال و زیبایش به مردانگی و فضایل اخلاقی اوست. الحدیث جلد 2 صفحه 121

مولا علی (ع): زیور دانش برای انسان ، جمالی است که پوشانده نمی شود و نسبی است که مورد جفا قرار نمی گیرد. الحدیث جلد 2 صفحه 121

مولا علی (ع): سخن حکما و دانشمندان اگر درست و مطابق با واقع باشد داروی شفا بخش است و اگر خطا و غیر واقعی باشد بیماری است. الحدیث جلد 2 صفحه 130

مولا علی (ع): نصیحت گفتن به فردی در حضور مردم، کوبیدن شخصیت آن فرد است. الحدیث جلد 2 صفحه 130

مولا علی (ع): به فرزندش امام حسن (ع) فرمود: ناخوشی دروغگویی از تمام ناخوشیها قبیح تر و ناپسند تر است. الحدیث جلد 2 صفحه 168

مولا علی (ع): فال بد یک امر واقعی و حقیقی نیست. الحدیث جلد 2 صفحه 176

ناگواری که در بعضی از مواقع پیش می آید در نظام خلقت علل منظمی دارد و مربوط به فال بد نیست، رفتار زشت و اخلاق ناپسند مردم است که باعث پدیدار آمدن پاره ای از حوادث نامطلوب می شود، ولی جهال (نادانان) آنها را به حساب شومی ها و فال های بد می گذارند. الحدیث جلد 2 صفحه 176

مولا علی (ع): ضمن خطبه ای به چند مورد از علم الهی اشاره می کند، خداوند به آواز و ناله حیوانات وحشی در بیابان ها و به گناهان پنهانی بندگان خود در خلوت ها آگاه است. خداوند به آمد و شد ماهی ها در دریا های بزرگ و به تلاطم امواج آب ها که بر اثر وزش بادهای سخت پدید می آید عالم و خیر است. الحدیث جلد 2 صفحه 188

مولا علی (ع): کسی که نفس خویش را در عرصه لذاتش آزاد بگذارد و به صلاح و فسادش توجه ننماید، بدبخت و دور افتاده از فیض الهی خواهد شد. الحدیث جلد 2 صفحه 207

مولا علی (ع): در کشاکش انگیزه‌های شهوت و غضب، عقل بشر تیره و تار می‌شود و فروغ خود را از دست می‌دهد. الحدیث جلد 2 صفحه 208

مولا علی (ع): آن کس که بنده شهوت است از برده زرخرید، خوارتر است. الحدیث، جلد 2 صفحه 211

مولا علی (ع): لذت‌هایی که باعث ندامت و پشیمانی می‌شوند و شهوت‌هایی که درد و رنج به بار می‌آورند، فاقد خیر و خوبی هستند. الحدیث جلد 2 صفحه 212

مولا علی (ع): کسی که شهوات خویش را محدود نماید، ارزش انسانی و شخصیت معنوی خود را محافظت کرده است. الحدیث جلد 2 صفحه 215

مولا علی (ع): آن کس که بر تمایل جنسی خود غلبه کند و عنان شهوت را در اختیار بگیرد، قدر و شرف خود را حفظ کرده است. الحدیث جلد 2 صفحه 217

مولا علی (ع): از تمایلات ناروای خود اعراض کنید و شهوات نفسانی را ترک گویند که شما را به وادی گناهکاران می‌کشاند و به طور غافلگیر در آغوش ناپاکی و سیئاتان می‌افکند. الحدیث جلد 2 صفحه 217

محمد بن مسلم زهری از مردان فهمیده و تحصیل کرده‌ای بود که تمایل مال و مقام، از مسیر پاکی و فضیلت منحرفش ساخت و در کبر (زیادی) سن دچار تیره روزی و بدبختی شد. حضرت علی بن الحسین (ع) به منظور راهنمایی و نصیحت، نامه‌ای به وی نوشته و در ضمن یک جمله کوتاه، نارسایی فکر جوانان و خطرات بیشتری را که بر سر راه آنان وجود دارد خاطرنشان فرموده است. و این است متن نامه: وقتی دنیاپرستی می‌تواند مانند تو کسی را تا این حد درجه به انحطاط و پستی برساند با آنکه عمر بسیاری کرده‌ای و از تحصیلات عمیق علمی بهره‌مند شده‌ای و با مرگ فاصله زیادی نداری، پس یک نفر جوان در برابر تمایلات نفسانی خود چگونه سالم می‌ماند، جوانی که نوحاسته و از دانش

بی بهره است، جوانی که رأیش ضعیف و عقلش نارسا و منحرف است. الحدیث جلد 2 صفحه 36

مولا علی (ع): پرهیز از رفاقت با کسی که اغفالت می کند و فریبت می دهد که سرانجام ، مایه خواری و هلاکت می شود . الحدیث جلد 3 صفحه 234

مولا علی (ع): بردباری و تانی (آرامش) مانند دو کودک یک شکمند و زائیده همت عالی هستند ، یعنی در اثر همت بلند ، دو خوی پسندیده در آدمی آشکار می شود : 1- بردباری 2- خود داری از شتاب زدگی . الحدیث جلد 3 صفحه 232

مولا علی (ع): قبل از تصمیم گرفتن برای انجام کاری ، مشورت کن و پیش از انجام کاری فکر کن (به عاقبت آن) . الحدیث جلد 3 صفحه 224

مولا علی (ع): مرد با ایمان خود را در زحمت و رنج قرار می دهد و مردم در پرتو وی در آسایش و راحتی به سر می برند . الحدیث جلد 3 صفحه 220

مولا علی (ع): کسی که تو را به مطالب باطل خشنود سازد و به بازی و سخنان غیر واقعی گول بزند او حقایق را از تو پنهان داشته و درباره ات خیانت کرده است. الحدیث جلد 3 صفحه 212

مولا علی (ع): کسی که مرگ را با چشم یقین نگاه می کند ، آنرا نزدیک می بیند و کسی که با چشم آرزو می نگرد آنرا دور می پندارد . الحدیث جلد 3 صفحه 202

مولا علی (ع): از گفتارهای غیر ضروری پرهیز کن زیرا آن سخنان عیوب باطنی تو را آشکار می کند و دشمنان آرام را بر ضد تو تهییج می نماید . الحدیث جلد 2 صفحه 234

مولا علی (ع): کمتر خوردن مانع بسیاری از بیماریهای جسم می شود . الحدیث جلد 2 صفحه

مولا علی (ع): کسی که در خوردن غذا پاکیزگی و (بهداشت) را مراعات می کند ، غذا را به خوبی می جود ، با داشتن اشتها از غذا دست می کشد ، و تخلیه روده را موقعی که آماده می شود به تعویق نمی اندازد (دستشویی رفتن را تاخیر نمی اندازد) ، شایسته است همیشه سالم باشد و جز به (مرض) مرگ دچار بیماری دیگری نشود . الحدیث جلد 2 صفحه 240

مولا علی (ع): با مردان آزموده و صاحب تجربه همنشین باش ، چه اینان متاع پر ارج تجربه های خود را به گرانترین بها یعنی فدا کردن عمر خود تهیه کرده اند و تو آن متاع گرانقدر را با ارزانترین قیمت یعنی با صرف چند دقیقه وقت به دست می آوری . الحدیث جلد 2 صفحه 241

مولا علی (ع): پیروزی نیافته آنکس که با گناه و تجاوز پیروز شده است و کسی که با شر و بدکاری قدرت به دست می آورد و غلبه می کند در حقیقت مغلوب است . الحدیث جلد 2 صفحه 234

مولا علی (ع): بالاتر از هر عبادتی به کار انداختن نیروی تفکر و تعقل است . الحدیث جلد 2 صفحه 250

مولا علی (ع): هر کس از وقایع گذشتگان عبرت بگیرد بینا می شود ، کسی که بصیرت و بینایی پیدا کرد می فهمد ، و آنکس که فهمید عالم می شود . الحدیث جلد 2 صفحه 264

مولا علی (ع): تحقیقا گشایش و آزادگی در عدل است و کسی که محیط عدل و داد در نظرش تنگ آید عرصه جور و ستم بر وی تنگتر خواهد بود . الحدیث جلد 2 صفحه 265

مولا علی (ع): در ضمن وصایای خود به حضرت حسن (ع) فرموده است : فرزند عزیز در شئون زندگی و امور عبادی میانه رو باش و از افراط بپرهیز. روشی را انتخاب کن که در حدود توان و طاقت تو باشد و بتوانی همیشه آنرا انجام دهی . الحدیث جلد 2 صفحه 266

مولا علی (ع): گدایی طوق ذلتی است که عزت را از عزیزان و شرافت خانوادگی را از شریفان

سلب می کند . الحدیث جلد 2 صفحه 273

مولا علی (ع): آتش اندوه و غم ، بدن آدمی را می گدازد و مانند فلز مذابی آب می کند . الحدیث
جلد 2 صفحه 280

مولا علی (ع): کسی که از خود راضی است خشم کنندگان به او زیاد خواهند بود . الحدیث جلد
2 صفحه 284

مولا علی (ع): خاموش کردن آتش خشم برای کسی میسر است که از روی حقیقت دشمنهای
درونی را در دل بمیراند و ضمیر خود را از کینه و بد خواهی دیگران پاک کند . الحدیث جلد 2
صفحه 289

مولا علی (ع): افکار عاقلانه ات تو را به راه صواب و هدایت واقعی راهنمایی می کند . الحدیث
جلد 2 ص 305

مولا علی (ع): عقل شمشیر برانی است از آن استفاده کنید و با هوای نفس خود بجنگید . الحدیث
جلد 2 صفحه 307

مولا علی (ع): به کار بستن عقل ، مایه هدایت ، و نجات انسانهاست ، و سرکوب کردن عقل ، باعث
گمراهی و سقوط آدمیان است . الحدیث جلد 2 صفحه 307

مولا علی (ع): عقل را بر هوای نفس برتری و فضیلت ده ، چه آنکه عقل ، تو را مالک و فرمانروای
زمان می سازد و هوای نفس تو را بنده و برده روزگار می کند . الحدیث جلد 2 صفحه 309

مولا علی (ع): تجارب آدمی پایان ندارد و معلومات انسان عاقل به وسیله تجربه همواره در افزایش
و فزونی است . الحدیث جلد 2 صفحه 312

مولا علی (ع): سزاوار نیست انسان عاقل در خوف و نگرانی به سر برد اگر راهی به ایمنی و آرامش داشته باشد . الحدیث جلد 2 صفحه 314

مولا علی (ع): وقتی افراد عاقل ، پیر می شوند نیروی عقل در نهادشان جوان می گردد و موقعی که اشخاص جاهل به پیری می رسند جاهل و نادانی در وجودشان جوان می گردد . الحدیث جلد 2 صفحه 317

مولا علی (ع): بدبخت و زیانکار کسی است که از سرمایه های عقل و تجربه سودی نبرد و از ذخایری که به وی عطا شده است بهره ای بر نگیرد . الحدیث جلد 2 صفحه 318

مولا علی (ع): شایسته انسان است که در پنهان ، خدا ترس باشد ، (در خلوت گناه نکند و از خدا شرم کند) خویشان را از عیوب و نقائص محافظت نماید ، و در ایام پیری بر اعمال خیر و خوب خود بیفزاید . الحدیث جلد 2 صفحه 329

مولا علی (ع): عیادت مریض یکی از بهترین (کارهای خیر) و حسنات است . الحدیث جلد 2 صفحه 338

مولا علی (ع): کسانی که مست غفلت و غرور هستند ، خیلی دیرتر از مست شدگان از شراب ، به هوش می آیند . خود پسندی افراد مغرور و خویشان پرست ، دلیل بر نقص معنوی و غرور اخلاقی آنها است . کسانی که به این بیماری مبتلا هستند و از مردم توقع احترام بیش از حد شایستگی دارند ، بدون تردید با محرومیت و شکست روبرو خواهند شد و بر اثر آن دچار عقده حقارت می شوند . الحدیث جلد 2 صفحه 343

مولا علی (ع): آنکس که به حساب نفس خود رسیدگی کند سود می برد و آنکه در این کار غفلت نماید زیان می کند . الحدیث جلد 2 صفحه 344

مولا علی (ع): کسی که تجربه بسیار دارد کمتر دچار غفلت می شود . الحدیث جلد 2 صفحه 345

مولا علی (ع): فرزندان بد ، آبرو و شرف خانواده را از بین می برند و مایه ننگ و رسوایی پیشینیان خود می شوند . الحدیث جلد 2 صفحه 349

مولا علی (ع): بهترین ارثی که پدران می توانند به فرزندان خویش بدهند ادب و تربیت صحیح است . الحدیث جلد 2 صفحه 350

مولا علی (ع): مواقع تفریح و شادمانی فرصت است ، (افراد عاقل فرصتها را مغتنم می شمارند و از آنها به نفع خوشبختی و سعادت خویش استفاده می کنند) . الحدیث جلد 2 صفحه 367

مولا علی (ع): در ایام سلامت بدن ، سرمایه ای مهیا نکردند و در اولین فرصتهای زندگی و نیرومندی درس عبرتی نگرفتند و درخشنده ترین ایام عمر را به رایگان از کف دادند ، آیا کسی که در جوانی اهل تن پروری بوده می تواند در پیری جز شکستگی و ذلت انتظار داشته باشد ؟ الحدیث جلد 2 صفحه 371

مولا علی (ع): کارهای بزرگ را به مردم پست و فرومایه سپردن باعث زوال دولتها است . الحدیث جلد 2 صفحه 374

مولا علی (ع) ضمن نامه خود به امام حسن مجتبی (ع) فرموده است : دل جوان نو خاسته ، مانند زمین خالی از گیاه و درخت است هر بذری که در آن کاشته شود می پذیرد و در خود می پروراند . سپس فرمود : فرزند عزیز ، من در آغاز جوانیت به ادب و تربیت تو مبادرت نمودم پیش از آنکه عمرت به درازا کشد و دلت سخت گردد. الحدیث جلد 2 صفحه 398

مولا علی (ع): کسی که به اصلاح نفس خویش نپردازد و هر چه زودتر خود را درمان ننماید

بیماریش تشدید می شود و علاجش سخت می گردد و فاقد طبیب معالج خواهد شد . الحدیث جلد 2 صفحه 400

مولا علی (ع): به بازار بصره آمد و مردم را دید آنچنان سرگرم خرید و فروشند که گویی خود را از یاد برده و از هدف انسانی به کلی غافل شده اند . با مشاهده این منظره طوری متاثر گردید که به شدت گریست . و سپس فرمود : ای بندگان دنیا و ای کار گذاران اهل دنیا : شما که روزها سرگرم معامله و سوگند خوردنید و شبها بای خبری در بستر خواب آرمیده اید و بین شب و روز، از آخرت و حساب و کتاب آن غافلید پس چه وقت ، خود را برای سفری که در پیش دارید مجهز می کنید و برای آن توشه بر می دارید و در چه زمان به روز قیامت می اندیشید و به فکر معاد می افتید . الحدیث جلد 2 صفحه 412

امام علی (ع): کوشش شما در دنیا این باشد که از این چند روزه کوتاه برای روزهای بلند آخرت توشه بگیرید. نهج السعاده جلد 3 صفحه 150

امام علی (ع): هر کس دوری سفر (قیامت) را یاد کند آماده راه گردد. نهج البلاغه حکمت 272

امام علی (ع): بدانید که شما در روزهایی به سر می برید که فرصت جمع آوری توشه است و از پس آن، مرگ است. نهج البلاغه خطبه 28

امام علی (ع): ای مردم، بیشتر از همه، از دو چیز بر شما می ترسم، پیروی از هوس، و آرزوی دراز. نهج البلاغه خطبه 42

امام علی (ع): هر گاه دیدی خداوند با وجود گناهان، پیوسته به تو نعمت می دهد، به هوش باش که آنها برای تو نوعی غافلگیری و مرگ ناگهانی است. شرح غرالحکم جلد 3 صفحه 132

امام علی (ع): اعتماد کردن به هر کس پیش از آزمودن و ارزیابی [وی]، نشان ناتوانی است. نهج

البلاغه حکمت 376

امام علی (ع) : هر قدر امتحان و آزمایش بزرگ تر و مشکل تر باشد، ثواب و پاداش، گرانقدرتر و بیشتر خواهد بود. نهج البلاغه خطبه 234

امام علی (ع) : اما خداوند بندگانش را به انواع شداید می آزماید و با انواع مشکلات دعوت به عبادت می کند و به اقسام گرفتاریها مبتلا می نماید تا تکبر را از قلبهایشان خارج سازد و خضوع و آرامش را در آنها جایگزین نماید. نهج البلاغه خطبه 234

امام علی (ع) : پیروزی با دوراندیشی و آینده نگری به دست می آید. نهج البلاغه حکمت 45

امام علی (ع) : عاقل ترین مردم کسی است که بیشتر در عاقبت کارهایش بیندیشد. شرح غرالحکم جلد 2 صفحه 484

امام علی (ع) : آن که در عاقبت کارها دقیق شود از گرفتاری ها مصون می ماند. شرح غرالحکم جلد 5 صفحه 346

امام علی (ع) : زودگذر بودن لذتها [ی نامشروع] و ماندگار بودن بازتاب آن را همواره به یاد داشته باشید. نهج البلاغه حکمت 433

امام علی (ع) : هر کس در عاقبت کار بیندیشد سالم می ماند. شرح غرالحکم جلد 5 صفحه 188

امام علی (ع) : از پیمودن راهی که بیم گمراهی در آن می رود خودداری کن. به یقین، خودداری [از تصمیم و عمل] هنگام حیرت گمراهی، بهتر از اقدام ترس آمیز است. نهج البلاغه نامه 31

امام علی (ع) : [به دیگران] نیکی کن، چنان که دوست می داری به تو نیکی شود. نهج البلاغه نامه

امام علی (ع): منت گذاری، [وزن] احسان و نیکی را سبک می کند. شرح غررالحکم جلد 1 صفحه 178

امام علی (ع): نیکوکار کسی است که کردار او گفتارش را تصدیق کند. شرح غررالحکم جلد 1 صفحه 297

امام علی (ع): نیکوکار باشید و نیکوکاری را کوچک مشمرید، چرا که خرد آن بزرگ و اندکش بسیار است. نهج البلاغه حکمت 414

امام علی (ع): کار خیر هرگز فانی نمی شود. شرح غررالحکم جلد 1 صفحه 229

امام علی (ع) در نصایح خود به امام حسین (ع) فرمود: پسر جانم تو را سفارش میکنم به تقوی از خدا در توانگری و بینوایی و گفتار حق، در حال خشنودی و خشم و میانه روی در حال توانگری و بینوایی و به عدالت نسبت به دوست و دشمن و به کردار (خوب) در حال نشاط و کسالت و به رضای از خدا در سختی و خوشی.

پسر جانم هر بدحالی که دنبالش بهشت باشد بدحالی نیست و هیچ خوشی که دنبالش دوزخ باشد خوشی نیست، هر نعمتی در برابر بهشت کوچک است و هر بلا در برابر دوزخ عافیت است. و بدان پسر جانم که هر که عیب خود دید از عیب دیگران دل برید و هر که جامه ی تقوی نپوشید جامه ای او را

نپوشد و هر که به قسمت خدا خشنود است غم نخورد بر آنچه از دستش رفته، و هر که شمشیر ستم کشد، بدان کشته شود و هر کس چاهی برای برادرش کند، در آن افتد، و هر که پرده دیگری بدرد، عیبهای خانه اش عیان گردد، و هر که خطای خود را فراموش کند، خطای دیگری را بزرگ شمارد، و هر که در همه کار به سختی اندر شود نابود گردد، و هر که در گردابها پرت شود غرقه گردد، و هر که برای خود خودبینی کند گمراه گردد و هر که به عقل خود بی نیازی کند بلغزد، و هر که بمردم گردن فرازی کند زبون شود، و هر که با دانشمندان بیامیزد (رفت و آمد کند) با وقار

گردد و هر که با او باش بیامیزد (رفت و آمد کند) زبون (خوار) شود ، و هر که با مردم نابخردی کند دشنام شنود ، و هر که به جاهای بد رود متهم گردد ، و هر که شوخی کند سبک شود ، و هر که بسیار چیزی را برگیرد بدان شناخته شود و هر که پر گوید (زیاد حرف بزند) پر خطا کند ، و هر که پر خطا کند کم شرم شود و هر که کم شرم باشد کم ورع است و هر که کم ورع باشد دلش بمیرد و هر که دل مرده شد به دوزخ رود. پسر جانم هر که بعیب مردم نگردد و آن را برای خود پسندد خود همان احمق است، و هر که اندیشد عبرت گیرد و هر که عبرت گیرد به گوشه ای نشیند و هر که گوشه نشیند سالم بماند ، و هر که ترک شهوت کند آزاد باشد ، و هر که حسد را وانهد محبوب مردم باشد.

پسر جانم عزت مؤمن بی نیازی او است از مردم ، قناعت مالی است که تمام نشود ، هر که زیاد یاد مرگ کند به اندکی از دنیا خشنود گردد ، و هر که بداند سخنش از کردار او است ، کم سخن گوید مگر در آنچه سودش بخشد.

پسر جانم شگفتا از کسی که از کیفر بترسد و دست باز ندارد و امید ثواب دارد و توبه نکند و کار نکند.

پسر جانم اندیشه روشنی آورد و غفلت تاریکی و جدال گمراهی آورد (شاید تصحیف «الجهالة ضلالة» باشد «مصحح»)، سعید آن کس است که از دیگری پند گیرد، ادب بهترین میراث است، و حسن خلق بهترین همشین است، با قطع رحم فائده و افزونی میسر نیست و با هرزگی توانگری میسر نیست. پسر جانم عافیت ده جزء است و نه جزء آنها در خاموشی است جز به ذکر خدا (به یاد خدا بودن و گناه نکردن) ، و یکی هم در ترک همشینی نابخردانست.

پسر جانم هر که به نافرمانیهای خدا در انجمنها جست گیرد خدایش زبون سازد و هر که دانش جوید دانا شود.

پسر جانم سر دانش نرمش است و آفتش کج خلقی، و صبر بر مصیبتها از گنجینه های ایمان است و پارسائی زیور فقر است و شکر زیور توانگری، بسیار دیدن کردن ملالت آرد ، و آرامش و اعتماد پیش از آزمایش بی احتیاطی است، و خودبینی مرد دلیل سستی عقل او است.

پسر جانم چه بسیار نگاهی که افسوس آورد و چه بسیار سخنی که نعمت را ببرد.

پسر جانم شرافتی برتر از اسلام نیست و کرمی عزیزتر از تقوی و دژی محکمتر از ورع و نه شفيعی مؤثرتر از توبه و نه جامه ای زیباتر از عافیت و نه مالی نیازبرتر از رضای بقوت، هر که به همان گذران روزانه خشنود است زود به آسایش رسیده و به آرامش اندر شده.

پسر جانم آز کلید رنج است و مرکب سختی و باعث پرت شدن در گناهان، و شکم پرستی یا شیفتگی به دنیا هر عیب بدی را در بر دارد، برای ادب یافتن خود تو همان بس آنچه را که از دیگری بد داری، برادرت همان حق بر تو دارد که تو بر او داری، هر که بی عاقبت اندیشی خود را وارد کارها کند در معرض گرفتاریها است، تدبیر پیش از عمل تو را از پشیمانی آسوده کند، هر که دلیل آراء را در نظر آورد مواقع خطاء را بفهمد، صبر سپریست از نیازمندی، بخل روپوش زبونیست، حرص نشانه نیاز است، خویش مهربان ندار بهتر است از ثروتمند جفاکار، هر چیزی را قوتی است و آدمیزاده قوت مرگ است. پسر جانم هیچ گنه کاری را نا امید مکن چه بسیار دلداده گناه که عاقبت به خیر شده و چه بسیار خوش کرداری که در پایان عمر تباه شده و به دوزخ رفته نعوذ باللّه.

پسر جانم بسیار نافرمانی که نجات یافته و بسیار با کرداری که سقوط کرده، هر که دنبال راستی باشد سبک بار است، مخالفت با نفس رشد او است، هر ساعتی که بگذرد عمر را کم کند، وای بر حال ستمکاران از احکم الحاکمین و دانای درون نهان کننده ها.

پسر جانم چه بد نوشته ایست برای معاد تجاوز بر عباد، در هر نوشیدنی گلوگیری امکان دارد و در هر لقمه به گلو ماندن، هرگز به نعمتی نرسی جز با جدائی از نعمت دیگر، چه اندازه آسایش به رنج نزدیک است و تنگدستی به نعمت و مرگ به زندگی و بیماری به تندرستی، خوشا بر کسی که خاص خدا کند کردار و دانش و دوستی و دشمنی و گرفتن و نگرفتن و نهادن و گفتن و خموشی و کردار و گفتار خود را و به به از دانائی که عمل کند و بکوشد و از شیخون مرگ بهراسد و آماده باشد و مهیا گردد، اگرش پرسند اندرز دهد و اگرش وانهند خموش باشد، سخنش درست باشد و خموشیش از درماندگی در پاسخ نباشد، وای بر آنکه گرفتار حرمان و خذلان و نافرمانیست و از خود نیکو شمارد آنچه را از دیگری بد دارد و به مردم عیب گیرد آنچه را خود بعمل آرد.

بدان ای پسر جانم که هر که شیرین سخن شد دوست داشتنی است خدا تو را برای هدایتش موفق

دارد و از اهل طاعتش مقرر سازد بقدرت خود زیرا که او جواد و کریم است. تحف العقول صفحه

83

سخن حضرت علی (ع) با کمیل بن زیاد : راستی که این دلها ظرفهایند و بهترشان آنکه نگهدارنده تر باشد هر چه بتو میگویم خوب حفظ کن.

مردم سه دسته اند : دانشمند ربانی، و دانشجوی راه نجات، و اوباش پیروان هر بانک که به هر بادی بروند در پرتو نور دانش نیستند تا راه بجائی برند و تکیه به رکن محکمی ندارند تا نجات یابند. ای کمیل علم از مال بهتر است، علم پاسبان تو است و تو پاسبان مالی، مال را خرج کنی نابود می شود و علم را هر چه خرج کنی فزون میگردد، علم حاکم است و مال مورد حکم است. ای کمیل بن زیاد محبت عالم کیش مردم است که بدان در زندگی طاعت بدست آید و پس از مرگش یاد بخیر، سود مال بزوالش از میان میرود، مال اندوزان در زندگی هم مرده اند و دانشمندان تا روزگار بپاید پاینده، اعیانشان ناپدید است و نمونه هاشان در دلها موجود است، ها، راستی که در اینجا دانش انبوهی است - اشاره بسینه خود کرد - که دریافت کننده ای برای آن بدست نیاورم، آری فراگیرنده ای غیر امین باشد که ابزار دین را در طلب دنیا بکار برد، حجت های خدا را بر ضرر دوستان خدا کمک خود گیرد، و از نعمت خدا کمک گیرد بر نافرمانی او، یا کسی که دل داده امام بر حق است ولی هوش سرشاری ندارد و باول شبهه های که به او رخ دهد در شک و تردید افتد، بار خدایا نه این و نه آن، یا شاگردی که تشنه لذت و اسیر شهوتست یا کسی که آزمند و فریفته جمع مال و پس انداز است این هر دو دین نگهدار نیستند و بینائی و یقین ندارند و مانند تر بدانها همان چهار پایان بیابان چرند همچنین دانش با مرگ دانشمندش بمیرد.

بار خدایا، آری زمین از وجود امامی که حجت خدا است تهی نماند که یا ظاهر و آشکار باشد و یا ترسان و ناپیدا تا حجت ها و بینات خدا و راویان قرآنش از میان نروند و کجایند آنان؟ آنها شماره کمتری دارند و مقام بزرگتری، بوسیله آنها خداوند حجت های خود را نگهدارد تا به همگنان آنها سپارد و در دل همانندانشان بکارد، علم آنها را تا سر حد حقائق ایمان پرتاب کرده و با روح یقین در آمیخته اند آنچه را نعمت خواره گان دشوار شمارند بر خود آسان و هموار گیرند و به آنچه نادانان در

هراسند مأنوس و آرامند در دنیا باشند با پیکره هائی که جانهاشان بعالم اعلا آویزانند.
ای کامل آنان امینهای خدایند در میان خلقتش و جانشینان اویند در زمینش، و چراغهای اویند در
بلادش، و داعیان بدین اویند، چه مشتاق دیدارشان هستم. از خدا برای خودم و تو آمرزش خواهم.
تحف العقول صفحه 163

نامه ای که مولا علی (ع) به محمد بن ابی بکر و اهالی مصر نوشت : از طرف بنده خدا علی امیر
المؤمنین به محمد بن ابی بکر و اهل مصر، سلام علیکم.
اما بعد نامه ات بمن رسید و آنچه خواستار شدی فهمیدم و خوشم آمد که بدان چه از آن چاره نداری
و مسلمانان را جز آن اصلاح نکند متوجه شدی و پندارم که آنچه تو را بر این واداشت خوش قلبی و
رأی پاک است.

اما بعد بر تو باد ملازمت تقوی از خدا در ایستادن و نشستن و نهان و آشکارت و چون میان مردم
قضاوت کنی فروتن باش و خوشرفتار و با چهره باز و همه را به یک چشم نگاه کن تا بزرگان طمع
بطرفداری تو از آنان نورزند و ناتوانان از عدالت تو نومید نشوند باید از مدعی بینه خواهی و از منکر
قسم و هر که با برادر خود صلح کند صلح او را امضاء کن مگر اینکه قرار صلح موجب حرام شدن
حلال یا حلال شدن حرام باشد، فقهاء و راستگویان و اهل وفاء و حياء و ورع را بر اهل فجور و دروغ
و خیانت برگزین و باید صالحان نیکوکار برادران باشند و نابکاران حيله گر دشمنان، زیرا
محبوبترین برادرانم نزد من کسانند که بیشتر یاد خدا باشند و سخت تر از او بترسند و من امیدوارم تو
از آنها باشی ان شاء الله.

من بشما سفارش میکنم بتقوای خدا در آنچه شما از آن مسئولید و از آنچه بسوی آن گرائید زیرا خدا
در قرآن خود فرموده است (43- المذثر) هر نفسی گرو کار خویش است و فرموده (28- آل
عمران) خدا شما را از خود بر حذر میدارد و سرانجام بسوی خدا است و فرموده (92- الحجر)
سوگند پیروردگارت هر آینه از آنها همه بازرسی کنم از هر آنچه کردند، بر شما باد بتقوی از خدا
که آن فراهم آورد از خوبی آنچه را جز آن فراهم نسازد و خیری از آن بدست آید که از جز آن
بدست نیاید هم خیر دنیا و هم خیر آخرت خدا فرموده است (30- النحل) و گفته شد بدانها که

تقوی دارند چه فرو فرستاده پروردگارتان؟

گفتند خیر برای کسانی که در این دنیا کار خوب کردند و هر آینه خانه آخرت بهتر است و چه خوبست خانه پرهیزکاران. بدانید ای بندگان خدا که پرهیزکاران خیر دنیا و آخرت را بردند، با دنیاداران در دنیاشان شریکند و دنیاداران در آخرت آنان شریک نیند خدا عز و جل فرموده است (32- الاعراف) بگو: چه کسی حرام کرده زیور خدا را که برای بنده هایش برآورد و روزی خوب را الایه (بگو آن برای مؤمنانست در دنیا و خاص آنها است روز قیامت چنین شرح دهیم آیا ترا برای مردمی که گرویدند). در دنیا بهترین وضع و در بهترین منزل نشیمن کردند و بهترین خوراک را خوردند.

بدانید ای بنده های خدا که چون تقوی داشتید و حق پیغمبر خود را در باره خاندانش حفظ کردید او را به بهترین وجهی عبادت کردید و او را به وجه احسن یاد کردید و به برترین وجه شکر نمودید و شما به بهترین وجه صبر و شکر عمل کردید و بالاترین کوشش را نمودید و اگر چه مخالفان شما نماز طولانی تر بخوانند و روزه بیشتری بگیرند و صدقه بیشتری بدهند زیرا شما به خدا وفادار ترید و برای اولیاء خدا بخصوص ولی امر از خاندان رسول خدا (ص) خیر خواه ترید.

ای بنده های خدا از مرگ و نزدیکی و گرفتاریش و سكراتش بر حذر باشید و برای آن آماده شوید زیرا که مرگ وضع مهمی پیش آورد، خیری که با آن شری نیست و یا شریکه با آن هرگز خیری نیست چه کس ببهشت نزدیکتر است از کارگر بهشتی و بدوزخ نزدیکتر است از اهل آن، بسیار یاد مرگ کنید هنگامی که نفس با شما بستیزد، زیرا من شنیدم رسول خدا میفرمود: ویران کن لذتها را بسیار یاد کنید و بدانید که دنباله مرگ برای کسی که خدایش نیامرزد و ترحم نکند از مرگ سخت تر است. ای محمد بدان که من تو را سرپرست مهمترین قشون خودم در نظر خود که اهل مصرند نمودم و تو سزاواری که بر خود بترسی و برای دینت در حذر باشی اگر برای یک ساعت روز هم باشد که توانی پروردگارت را بخاطر رضای یکی از خلقش از خود خشمناک نسازی همان کن زیرا خدا بجای دیگرانست و کسی و چیزی بجای خدا نتواند بود، بر ستمکار سخت گیر و دست او را ببند و خیرمندان را مورد لطف کن و بخود نزدیک ساز و محرمان و برادران خود مقرر دار.

سپس بین نمازت چونست زیرا تو پیشنمازی و پیشنمازی نباشد که برای مردمی نماز بخواند و در

نمازشان تقصیری باشد جز اینکه گناه همه آنها بر او است و از ثواب آنها کم نشود و وضوء را متوجه باش که تمامیت نماز است و نماز ندارد کسی که وضوء ندارد و بدان که هر کارت دنبال نمازت هست و بدان که هر که نماز را ضایع کند شرایع دیگر اسلام را ضایع تر کند. ای اهل مصر اگر توانید گفتار و کردار و نهان و عیانتان یکی باشد و زبانان با کارتان جدا نباشد همان کنید، رسول خدا (ص) فرمود: من بر اتم چه مؤمن باشند و چه مشرک نگران نیم چه مؤمن را خدا بایمانش حفظ کند و مشرک را بهمان شرکش از بن برکند و رسوا کند، ولی بر شما نگرانم از هر منافق شیرین زبان که میگوید آنچه را شما قبول دارید و میکند آنچه را زشت می‌شمارید و نهانی در آن نیست و رسول خدا (ص) فرمود هر که را کردارهای خوبش خوشایند باشد و کردارهای بدش ناپسند او بحق مؤمن است و همیشه میفرمود دو خصلت در منافق جمع نشوند روش خوب و فهم سنت اسلامی. ای محمد بن ابی بکر بدان که بهترین بینائی ورع در دین خدا است و عمل بطاعت خدا، خدا ما را و شما را بشکر و ذکر خود یاری کند و به اداء حق او عمل بطاعتش، زیرا که او شنوا و نزدیک است.

بدان که دنیا خانه بلاء و فناء است و آخرت خانه بقاء و سزا و اگر بتوانی که بیارائی آنچه را باقی است بوسیله فانی همان کن، خداوند بما روزی کند بصیرت از هر چه بینیم و فهم هر چه درک کنیم تا تقصیر در آنچه بما فرمودند نکنیم و بدان چه قدغن شدیم دست نیندازیم زیرا که ناچاری بهره ای از دنیا بدست آری و باز هم به بهره آخرت نیازمندتری اگر دو چیزت پیشامد یکی برای آخرت و دیگری برای دنیا بکار آخرت آغاز کن و اگر توانی به کار خیر راغبتر و خوش نیت باشی همان کن زیرا خداوند به هر بنده به اندازه نیتش عطا کند هر گاه دوست دار خیر و خیرمندان باشد و اگر هم کار خیر نکند ان شاء الله چو کسی باشد که آن را بکند.

سپس من تو را سفارش کنم بتقوی از خدا سپس به هفت خصلت که جوامع اسلامند از خدا بترس و از مردم در باره خدا مترس زیرا بهترین گفته آنست که عمل مصدقش باشد، در یک موضوع دو حکم صادر مکن تا کارت پریشان گردد و از حق بلغزی و برای همه رعیت خود بخواه آنچه برای خود و خاندانت میخواهی و برای آنها بخواه آنچه برای خود و خاندانت نخواهی، و به حجت در نزد خدا بچسب و رعیت را اصلاح کن، و در گردابها بسوی حق فرو شو، و در باره خدا از سرزنش هیچ

کس مهراس و خود را استوار دار و اگر مرد مسلمانی با تو مشورت کرد او را نصیحت کن و برای خویش و بیگانه از مسلمانان نمونه باش امر بمعروف کن و نهی از منکر نما و بدان چه تو را رسد صبر کن که این از کارهای محکم است، و السلام علیک و رحمه الله و برکاته. تحف العقول صفحه 172

خطبه حضرت (علی (ع)) هنگامی که مردمی تقسیم، برابر بیت المال را بر او خرده گرفتند: اما بعد ای مردم راستی که ما سپاسگزاریم پروردگار خودمان را و معبود خود را و ولی نعمت خود را از درون و برون بی توان و نیروی از خود جز به منت و تفضلی که خدا بما کرده تا ما را بیازماید که سپاس گزاریم یا ناسپاسیم پس هر که سپاسگزاری کرد فرودش و هر که ناسپاسی کرد عذابش نمود و گواهم که نیست شایسته پرستش جز خدا، تنها است، شریک ندارد یگانه است و بی نیاز و گواهم که محمد (ص) بنده و فرستاده او است او را رحمت بر عباد و بلاد و بهائم و انعام فرستاده است. نعمتی است که بخشیده و منت و تفضلی است که بر ما نهاده و صلی الله علیه و آله و سلم.

آیا مردم بهتر مردم در مقام پیش خدا و با ارزش ترین آنان نزد خدا فرمانبرترین آنها است برای فرمان خدا و کارکن تریشان به طاعت خدا و پیروترینشان برای روش رسول خدا (ص) و آنان که قرآن خدا را زنده تر دارند، برای هیچ کدام خلق خدا نزد ما فضلی نیست جز به طاعت خدا و طاعت رسول خدا و پیروی از قرآن خدا و سنت رسولش (ص) این کتاب خدا است در میان ما همه و فرمان پیغمبر خدا و روش او است در میان ما و جز جاهل و مخالف و معاند آن را نادیده نگیرد که از خدای عز و جل است و میفرماید (14- الحجرات).

آیا مردم ما شما را از نر و ماده آفریدیم و شما را تیره تیره و قبیله قبیله قرار دادیم تا همدیگر را بشناسید راستی گرامیترین شماها نزد خدا باتقوی ترین شماها است - هر که تقوی دارد شریف محترم است و دوست داشتنی و همچنین است اهل طاعت خدا و طاعت رسول خدا (ص) خدا در کتاب خود میفرماید: (31- آل عمران) اگر شما هستید که خدا را دوست دارید مرا پیروی کنید تا خدا شما را دوست دارد و گناهان شما را بیامرزد و خدا آمرزنده و مهربانست و فرموده (32- آل عمران) قریب بدین مضمونست) خدا را اطاعت کنید و رسول خدا را اطاعت کنید و اگر رو گردانید راستی که خدا کافران را دوست ندارد. (1) سپس به آواز بلند فریاد زد ای گروه مهاجرین و انصار، ای گروه

مسلمانان آیا بر خدا و رسولش منت دارید که مسلمانید، خدا و رسولش بر شماها منت دارند اگر راست بگوئید.

سپس فرمود: هلا راستش اینست که هر که رو بقبله ما دارد و ذبیحه ما را میخورد و معتقد است که نیست شایسته پرستشی جز خدا و به اینکه محمد بنده و فرستاده او است ما احکام قرآن و بهره های اسلام در حق او اجراء میکنیم، کسی را بر دیگری برتری نیست جز بتقوی از خدا و طاعت او، خدا ما را و شما را از پرهیزکاران سازد و از دوستان و اولیاء خودش که ترسی بر آنها نیست و نه غمنده میشوند.

سپس فرمود: هلا راستی این دنیا که شماها آرزوی آن را دارید و بدان شیفته اید و آن هم به شما پند میدهد و شما را پرت میکند خانه شما نیست و منزلی که برای آن آفریده شدید و بدان دعوت شدید نیست، هلا این دنیا برای شما نماند و شماها برای آن نمانید، مبادا نقد بودن آن شما را بفربید محققا از آن بر حذر شدید و برای شما معرفی شده و آن را آزمودید و خود شما هم سرانجام آن را نمی پسندید، خدایتان رحمت کند، سبقت جوئید بدان منازل خود که فرمان دارید آبادشان کنید و همانها آبادانی هستند که هرگز ویران نشوند و بمانند و نابود نگردند خدا شما را بدانها تشویق کرده و دعوت کرده و ثواب شما را در آنها مقرر داشته. ای گروه های مهاجر و انصار و اهل دین خدا تأمل کنید در آنچه قرآن خدا برای شما شرح داده و مقامی که نزد رسول خدا (ص) داشتید و بر سر آن مبارزه و جهاد کردید، در چه بر یک دیگر برتری یافتید آیا بخاندان و نژاد؟ یا بعمل و طاعت؟ نعمت خدا را بر خود بکمال رسانید، خدایتان رحمت کند، بوسیله صبر و محافظت بر کسانی که خدا برای حفظ قرآن خود برای شما گماشته است، هلا پائین آمدن سطح دنیای شما بر شما زیانی ندارد پس از اینکه سفارش خدا و تقوی را نگهدارید و هر آنچه از دنیای خود حفظ کنید به شما سودی ندهد پس از اینکه آنچه از تقوی را که دستور دارید ضایع گذارید، ای بنده های خدا بر شما باد که تسلیم فرمان خدا باشید و قرین رضا بقضای او و صبر بر بلای او اما این دارائی بیت المال برای همه است و کسی را بر کسی در آن تخصیصی نیست خدای عز و جل قسمت آن را مقرر داشته آن مال خدا است و شماها همه بنده های مسلمان خدائید این هم قرآن خدا که بدان اعتراف داریم و بر آن گواهییم و بدان تسلیم شدیم و این عهد پیغمبر ما است که در برابر ما است (خدایتان رحمت کند)، همه آن را بپذیرید

و هر که آن را نپسندد هر طور خواهد روی برگرداند زیرا آنکه بطاعت خدا عمل کند و بحکم خدا حکومت کند هراسی ندارد آنانند که بر آنها نگرانی نیست و نه غمزه میشوند، آنانند که رستگارانند و از خدا پروردگارمان و معبودمان خواستاریم که ما را و شما را از اهل طاعت خود سازد و رغبت ما و شما را بدان چه نزد او است متوجه کند، میگوییم آنچه را شنیدید و برای خود و شما آمرزش میخواهم. تحف العقول صفحه 179

سخن آن حضرت (علی (ع)) در بجا مصرف کردن مال و بودجه (بیت المال): چون جمعی أصحاب آن حضرت در صفین دیدند معاویه به طرفداران خود اموال فراوان میدهد و مردم هم دنیا طلبند گفتند یا امیر المؤمنین از این مال عمومی عطا بده و باشراف و کسانی که بیم میرود بمخالفت برخیزند بیشتر بده تا چون کار تو آماده و خوب شد به بهترین روشی که داشتی از عدالت میان رعیت و تقسیم برابر باز گردد. فرمود (ع): شما بمن میگوئید بوسیله جور بر مسلمین یاری و پیروزی جویم بخدا سوگند پیرامون آن نگردم تا در روزگار داستانسرائی است و تا اختری در آسمان بدنبال اختر دیگریست و اگر مال مسلمانان از خودم هم بود بآنها برابر تقسیم میکردم با اینکه مال از آن خود آنها است سپس لحظه ای دم بست و خموشی گرفت - و باز فرمود: هر که مالی دارد مبادا تباه کند زیرا دادن تو مال را در مصرف بیوجه تبذیر است و اسراف، و آن نام صاحب مال را پیش مردم بلند میکند و پیش خدا پست میسازد هیچ کس مال خود را بناحق و نااهل مصرف نکند جز اینکه از قدردانی آنان محروم گردد و خیرش برای دیگری است و اگر کسی از آنها برای او بماند که دوستی و قدردانی آنان محروم گردد و خیرش برای دیگری است و اگر کسی از آنها برای او بماند که دوستی و قدردانی بچشمش کشد همانا که چاپلوسی و دروغ است و همانا مقصودش از رفیقش اینست که بار دیگر عطائی از او ستاند و اگر رفیقش را لغزشی رسد و نیازمند کمک و پاداش او گردد او بدترین دوست و دردناکترین قرین باشد، سر زبان یک مشت نادانست تا بر آنها نعمت بارد و نسبت بخدای خود دریغ ورزد، چه بهره ای نابودتر و پست تر از این بهره است؟ و کدام احسان ضایع تر و کم بهره تر از این احسانست؟ هر که را مالی بدست افتاد باید صله رحم کند و بخوشی مهمانی کند، و بینوا و اسیب را بدان آزاد سازد، و بوام داران و ماندگان در راه و فقراء و مهاجران کمک دهد، و خود را

بثواب و حقوق انسانی وادارد زیرا باین خصال شرافت دنیا را بدست آورد و بفضائل آخرت برسد.

تحف العقول صفحه 181

سخن مولا علی (ع) درباره راویان حدیث : سلیم بن قیس به او گفت: راستی من از سلمان و ابا ذر و مقداد احادیثی در تفسیر قرآن و احادیث و روایات از رسول خدا (ص) میشنوم و سپس از شما تصدیق آن را میشنوم و در دست مردم مطالب بسیاری از تفسیر قرآن و احادیث و روایات از رسول خدا (ص) هست که با آنها مخالف است آیا مردم عمدا به رسول خدا (ص) دروغ بندند و قرآن را بنظر خود تفسیر کنند؟ امیر المؤمنین (ع) فرمود: پرسش کردی پاسخ را بفهم راستی در دست مردم حق هست و باطل و راست هست و دروغ و ناسخ هست و منسوخ و عام هست و خاص و محکم هست و متشابه و آنچه درست حفظ کردند و آنچه غلط درک کردند و در زمان خود رسول خدا (ص) هم بر آن حضرت بسیار دروغ بستند تا به سخنرانی برخاست و فرمود: آیا مردم دروغ زنان بر من فراوان شدند هر که عمدا به من دروغ بندد نشیمنش (جایگاهش) در آتش باشد. و نیز دروغ بستند بر او بعد از رحلتش همانا آنان که حدیث برای تو گویند چهار صنفند و پنجمی ندارند:

1- مردی منافق که اظهار ایمان کند و اسلامش ظاهر سازيست نه گناه میداند و نه باکی دارد که عمدا دروغ بر رسول خدا (ص) بندد، اگر مردم میدانستند که او منافق و دروغگو است از او نمی پذیرفتند و باورش نمیکردند ولی مردم میگویند او صحابه رسول خدا است آن حضرت را دیده و از او شنیده و از او اخذ حدیث کردند و باطلش را ندانستند و خداوند عز و جل از منافقان آنچه را بایست گزارش داده و بشایسته ترین وضعی آنها را وصف کرده و فرموده: و چون آنها را بینی ظاهرشان ترا بشگفت افکند و اگر لب بگفتار بگشایند سخنشان را بشنوی. سپس بعد از پیغمبر پراکنده شدند و زنده ماندند و با پیشوایان گمراهی و داعیان دوزخ رفت و آمد کردند و بدانها تقرب جستند بناحق و دروغ، پس آنان را بکار گماشتند و قاضی کردند و بگردن مردم سوار کردند و به کمک آنها دنیا را خوردند و تو میدانی مردم با پادشاهانند و پیرو دنیایند و این دنیا هدف آنها است جز کسی که خدایش نگهدارد؛ این یکی از چهار تا. 2- مردی که از رسول خدا (ص) چیزی شنیده و غلط یاد گرفته و درست درک نکرده و به عمد دروغ نگفته و آن شنیده غلط بدست او است آن را بکار میندد و میگوید که

از رسول خدا (ص) شنیده ام و اگر مردم میدانستند که غلط یاد گرفته از او نمی پذیرفتند و اگر خودش هم میدانست غلط است آن را ترک میکرد و بکار نمی بست ، این هم دومی.

3- کسی که شنیده رسول خدا (ص) فرمانی داده سپس از آن نهی کرده و او نهی را ندانسته یا اینکه پیغمبر از چیزی نهی کرده سپس بآن امر کرده و او امر را ندانسته، منسوخ را یاد گرفته و ناسخ را یاد نگرفته اگر مردم میدانستند که آن منسوخ است ترکش میکردند و خود او هم ترکش میکرد این هم مرد سوم.

4- کسی که بر خدا و رسولش دروغ نبندد و از ترس خدا دروغ را دشمن دارد و هم برای احترام پیغمبر (ص) و غلط هم یاد نگرفته و فراموش هم نکرده بلکه هر چه شنیده حفظ کرده و همان طور که بوده نقل کرده نه در آن افزوده و نه از آن کاسته ناسخ را حفظ کرده و بدان عمل کرده و منسوخ را دانسته و ترک کرده زیرا امر رسول (ص) هم بمانند قرآن ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه دارد، رسول خدا (ص) امری میفرمود که دو وجه داشت عام و خاص و کلام خصوصی داشت مانند قرآن و به تحقیق خدا عزوجل فرموده (7-الحشر) هر چه را رسول خدا (ص) بشما داد بگیرید و هر چه را بر شما غلقن کرد باز ایستید. و کسی بود که گفته او را میشنید و نمیفهمید و نمیدانست مقصود خدا و رسولش از آن چیست، و حفظ میکرد و نمیفهمید و هر کدام اصحاب رسول خدا (ص) این چنین نبودند که از آن حضرت پرسند و مقصود او را بفهمند برخی از آن حضرت پرسش میکردند و نمیفهمیدند تا آنکه دلشان میخواست یک عرب بیابانی یا تازه رسیده یا ذمی بیاید و پرسد تا جواب را بشنوند و بفهمند. ولی من هر روز یک بار شرف حضور داشتم و با من خلوت میکرد و هر چه میخواستم با او میگفتم اصحاب او همه میدانستند که با من چنین میکند و با هیچ کس دیگر چنین نمیکند، و بسا میشد که خودش بخانه من می آمد و چون بمنازل او میرفتم با من خلوت میکرد و زنان خود را از جا بلند میکرد و جز من کسی با او نبود، هر وقت پرسش میکردم بمن پاسخ میداد و هر گاه خاموش میشدم و مسائل تمام میشد آغاز سخن میکرد، و آیه ای بر او نازل نشد در شب و نه در روز و نه در باره آسمان و نه زمین و نه دنیا و آخرت و نه بهشت و دوزخ و نه دشت و کوه و نه روشنی و تاریکی جز اینکه همی بر من بر خواند و بمن دیکته کرد تا آنها را بدست خود نوشتم و تأویل و تفسیر و ناسخ و منسوخ محکم و متشابه و خاص و عامش را بمن آموخت، و یادم داد که در کجا نازل

شده و در باره چه نازل شده تا روز قیامت. تحف العقول صفحه 189

سخن حضرت علی (ع) در قواعد اسلام و حقیقت توبه و استغفار : کمیل بن زیاد گوید: از امیر المؤمنین (ع) پرسیدم قواعد اسلام چیستند؟ فرمود: قواعد اسلام هفت شمارند :

1- خردمندی که بنیاد شکیبائی است 2- آبرومندی و راستگوئی 3- قرآن خواندن بجا و توجه (به معنی اش) 4- دوستی در راه خدا و دشمنی در راه خدا 5- حق خاندان محمد (ص) و معرفت ولایت آنان 6- حق برادران و حمایت از آنان 7- خوش همسایگی با مردم.

کمیل - یا امیر المؤمنین بنده ای دچار گناه می شود و از آن آمرزش میخواهد، اندازه آمرزش خواستن چیست؟

علی (ع) فرمود : یا ابن زیاد توبه است، گفتم همین؟ فرمود: نه گفتم پس چگونه است؟ فرمود: هر گاه بنده گناه کرد بگوید: استغفر الله، و بجنباند، گفتم جنبانیدن چیست؟ فرمود دو لب و زبان را بقصد اینکه حقیقت دنبالش باشد، گفتم حقیقت چیست؟ فرمود از روی دل باشد و در نهاد گیرد که بگناهی که از آن استغفار کرده باز نگردد.

کمیل - چون چنین کردم از مستغفرین هستم؟ فرمود: نه.

کمیل - پس این چگونه است؟ فرمود برای اینکه تو هنوز باصل و ریشه نرسیدی.

کمیل - پس بن استغفار چیست؟

علی (ع) - برگشت بتوبه از گناهی که از آن استغفار کردی و آن اول درجه عابدانست و ترک گناه. استغفار یک نام است برای شش معنی 1- پشیمانی از گذشته 2- تصمیم بر بازنگشتن بدان گناه تا هرگز 3- پرداخت حق هر مخلوقی که باو بدهکاری 4- ادای حق خدا در هر واجبی 5- آب کنی هر گوشتی که از ناروا و حرام بر تنت روئیده تا پوستت باستخوان بچسبد و سپس گوشت تازه میان آنها بروید 6- بتنت بچشانی درد طاعت را چنانچه باو چشاندی لذت گناه را. تحف العقول صفحه

192

سفارش حضرت علی (ع) پسرش حسن (ع) در هنگام وفاتش : بمؤمنان سفارش کرده که نیست شایسته پرستشی جز خدا، تنها است، شریک ندارد، و باینکه محمد (ص) بنده و فرستاده او است او را

به رهبری و دین حق فرستاده تا بر همه دینهایش چیره سازد و گر چه مشرکان را بد آید و صلی الله علی محمد و سلم سپس راستی نمازم، عبادتم، زندگیم و مرگم از آن خداوند پروردگار جهانیانست، شریک ندارد، بدین فرماندارم و من نخست مسلمانم. سپس ای حسن من تو را سفارش میکنم، با همه فرزندان و خاندان خود و هر که نامه ام بدو رسد از مؤمنان بتقوی از خدا پروردگارتان، و از دنیا نروید جز اینکه مسلمان باشید، همه برشته خدا بچسبید و از هم جدا نشوید، زیرا من شنیدم رسول خدا (ص) میفرمود: صلح و سازش میانه مردم بهتر است از همه نماز و روزه، و راستی که هلاکت بار و دین برانداز همانا اختلاف است و لا قوة الا بالله. بخویشاوندان خود متوجه باشید و با آنها پیوندید تا خدا حساب را بر شما آسان کند.

خدا را، خدا را در باره یتیمان در حضور و اطلاع شما از میان نروند و بی سرپرست نمانند زیرا من شنیدم رسول خدا (ص) میفرماید: هر که یتیمی را کفالت کند و نان بدهد تا بی نیاز گردد خدا باین عمل بهشت را بر او واجب کند چنانچه برای خورنده مال یتیم دوزخ را واجب کرده. خدا را، خدا را در باره قرآن مبدا دیگران در فهم آن بر شما پیشی گیرند.

خدا را، خدا را در باره همسایگانان زیرا رسول خدا (ص) در باره شان سفارش کرده و پیوسته سفارش میکرد تا گمان کردیم که آنها را وارث میکند.

خدا را، خدا را در باره خانه پروردگارتان که تا زنده اید آن را بی حاج نگذارید زیرا اگر بکلی متروک گردد مهلت نیابید و کمتر بهره کسی که قصد او کند اینست که گناهان گذشته او آمرزیده شود خدا را، خدا را در باره نماز که بهترین عمل است، و ستون دین شما است. خدا را، خدا را در باره زکاة که آتش خشم پروردگارتان را خاموش کند.

خدا را، خدا را در باره روزه ماه رمضان که روزه آن سپر است از دوزخ.

خدا را، خدا را، در باره بینوایان، آنها را در زندگی خود شریک کنید.

خدا را، خدا را، در باره جهاد با دارائی و جانتان و زبانان، همانا دو مرد جهاد کنند امام بر حق و یا مطیع و پیرو او.

خدا را، خدا را، در ذریه پیغمبرتان مبدا میان شما ستم بکشند در حالی که بتوانید از آنان دفاع کنید.

خدا را، خدا را، در اصحاب پیغمبر خود که بدعتی نگزارند و بدعتگری را پناه ندادند زیرا رسول

خدا (ص) سفارش آنها را کرده و هر کدام را بدعت گذارند از ایشان لعنت کرده و بدعت گزار غیر ایشان را هم لعنت کرده و هر که بدعت گذاران را پناه دهد نیز لعنت نمود.

خدا را، خدا را، در باره زنان و کسانی که زیر دست و مملوک شمایند که آخرین سخن نبی شما این بود که فرمود: شما را بدو ناتوان سفارش کنم زنان و مملوکان.

نماز، نماز، نماز در زمینه خدا از سرزنش هیچ سرزنش کننده مهراسید تا هر که قصد بد بشما دارد و یا بشما ستم روا دارد از شما باز دارد، و با مردم خوشزبان باشید چنانچه خدا بشما فرموده، امر بمعروف و نهی از منکر را وانگذارید تا بدان شما سرپرست یا زمامدار شما شوند و سپس دعا کنید و اجابت نشود.

ای فرزندانم بر شما لازم است با هم پیوست کنید و بهم بخشش کنید و بسوی هم بشتابید، مبادا از هم بیرید و بهم پشت کنید و پراکنده شوید، و بنیکی و تقوی همدست باشید و به گناه و تجاوز همدست نباشید و از خدا پرهیزید که خدا سخت کیفر است، خدا شما خانواده را حفظ کند و حرمت پیغمبرتان را در باره شما نگهدارد، شما را بخدا میسپارم و بشما درود میفرستم و رحمت و برکت خدا را، سپس پیوسته می گفت لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تا در گذشت. تحف العقول صفحه 193

برتری دادن دانش از سخن مولا علی (ع): آیا مردم بدانید که کمال دین در طلب علم است و بکار بستن آن، و راستی که دانش جستن بر شما از طلب مال لازم تر است زیرا مال دنیا میان شما تقسیم است و برای شما ضمانت شده، دادگری او را میان شما قسمت کرده و بزودی وفا کند برای شما بدان. و دانش برای شما نزد اهلش ذخیره است و مأمورید بطلب علم از آنها، بدنبالش بروید و بدانید که مال بسیار دین را فاسد کند، دلها را سخت گرداند و علم بسیار توأم با عمل دین را اصلاح کند، و وسیله رفتن ببهشت باشد، و خرج کردن مال را بکاهد، و علم با خرج کردنش (به دیگران گفتن) بیفزاید و خرج کردن علم اینست که آن را در میان حافظان و راویانش منتشر کنی، و بدانید که همراهی با دانش و پیروی از آن دینی است که برای خدا با آن دینداری شود، و طاعت آن موجب کسب کردارهای نیک گردد، و بدکرداریها را از میان ببرد و ذخیره مؤمنانست، و مایه سربلندی آنان در زندگی، و یاد بخیر پس از مردن آنها، راستی علم صاحب فضائل بسیارست، سرش تواضع است، و

چشمش بر کناری از حسد، و گوشش فهم، و زبانش راستی، و حفظش بررسی، و دلش خوش بینی، و عقلش معرفت اسباب امور، و دستش رحمت، و همتش سلامت، و پایش دیدار دانشمندان، و حکمتش ورع، و قرارگاهش نجات، و جلودارش عافیت، و مرکبش وفا، و سلاحش سخن نرم و دلنشین، و شمشیرش خشنودی و رضا، و کمانش مدارا، و قشونش گفتگو با دانشمندان، و مالش ادب و ذخیره اش اجتناب از گناهان، و توشه اش احسان کردن، و جایگاهش سازش و صلح، و رهنمایش هدایت و رفیقش صحبت با نیکان. تحف العقول صفحه 196

400 پند از مولا علی (ع)

1. خون گرفتن بدن را سالم و عقل را محکم میکند.
2. عطر به شارب (محاسن) زدن از اخلاق پیامبر است و احترامی برای نویسندگان اعمال است.
3. مسواک موجب خشنودی خداست سنت پیغمبر (ص) است و دهان را خوشبو میکند.
4. روغن زدن پوست را نرم و قوای دماغی را زیاد میکند مجاری عرق را باز میکند خشکی را برطرف مینماید و رنگ را روشن میکند.
5. شستن سر چرک را میبرد و گردو خاک را پاک میکند.
6. آب در دهان گرداندن و شستن بینی سنت است و دهان و بینی را پاک میکند.
7. انفیة سر را سالم و بدن را نظیف مینماید تنقیه بدن است همه دردهای سر را رفع میکند.
8. نوره نشاط آور و تمیز کننده تن است.
9. کفش نیکو نگهدار بدن است و کمک وضو و نماز است.
10. ناخن گرفتن درد بزرگ را جلو میگیرد و روزی را زیاد میکند.

11. برطرف کردن موی زیر بغل بوی بد را رفع میکند و پاک کننده است و سنتی است که پیغمبر پاک (ص) دستور داده.
12. شستن دستها پیش از غذا و بعد از آن روزی را فراوان کند مانع چربی لباس است و دیده را روشنی بخشد.
13. شب زنده داری (یعنی اواخر شب را) موجب سلامتی بدن و خشنودی خدا است در معرض رحمت خدا در آمدن و عمل به سنت و اخلاق پیغمبران است.
14. سیب معده را شستشو دهد و نظیف کند.
15. کندر جویدن دندانها را محکم و بلغم را رفع کند و بوی دهان را برطرف کند.
16. نشستن در مسجد پس از طلوع فجر تا طلوع آفتاب از مسافرت در زمین در طلب روزی موثر تر است.
17. به قلب ضعیف را تقویت میکند معده را پاکیزه و قوت قلب را زیاد میکند ترسو را پر دل و فرزند را زیبا نماید.
18. خوردن بیست و یک دانه مویز سرخ هر روز ناشتا هر مرضی را غیر از مرگ جلوگیری کند.
19. مستحب است مسلمان شب اول ماه رمضان با عیال خود همبستر شود چون خدا فرموده: رفت با زنها در شب روزه برای شما حلال شد . و رفت کنایه از جماع است.
20. انگشتر غیر نقره بدست نکنید که پیغمبر (ص) فرمود دستی که انگشتر آهن دارد پاک نمی شود.
21. انگشتری که نام خدای عزوجل بر آن نقش است هنگام تطهیر از دست چپ در آورید.
22. چون کسی در آینه نگاه کند بگوید: الحمد لله الذی خلقنی فاحسن خلقی و صورنی و زان منی ماشان من غیری و اکرمنی بالاسلام یعنی شکر خدایی را که مرا آفریده و خلقتم را نیکو کرد صورت

بندی کرد و صورتم را زیبا قرار داد قیافه مرا از عیوب و زشتیهای قیافه دیگر سالم داشت و مرا به آیین اسلام کرامت داد.

23. برای ملاقات برادر مسلمان خود را بیارایید چنانکه برای ملاقات بیگانگانی میارائید که میخواهید شما را به بهترین قیافه ببینند.

24. روزه سه روز از هر ماه پنجشنبه اول و پنجشنبه آخر و چهار شنبه وسط و روزه ماه شعبان و سواس سینه و اضطراب قلب را از بین میبرد.

25. طهارت گرفتن با آب سرد بواسیر را قطع میکند.

26. شستن لباس غم و قصه را زایل کند و شرط نماز است.

27. موی سفید را سیاه نکنید که نور مسلمان است.

28. هر که مویش در اسلام سفید شود روز قیامت نورانی است.

29. مسلمان نباید جنب بخوابد.

30. باید وقت خواب طاهر باشید اگر آب پیدا نکرد بزمین تیمم کند که روح وی بجانب پروردگار پرواز میکند خدا آنرا میپذیرد و برکت میدهد اگر مرگش رسیده باشد او را در گنجهای رحمت خود قرار دهد و اگر عمرش باقی باشد با فرشتگان امین آنرا به بدن برگرداند.

31. مومن رو به قبله آب دهان نیندازد اگر سهوا انداخت استغفار کند.

32. محل سجده را نباید فوت کرد.

33. در خوراک و آب نباید دمید.

34. در بازوبند نباید فوت کرد.

35. تکیه به عصا نخواهید.

36. از پشت بام در هوا بول نکنید.

37. در آب جاری بول نکنید اگر کردید و آسیبی دیدید دیگری را ملامت نکنید چه آب و چه هوا ساکن دارد.

38. کسی به رو ن خوابد اگر دیدید کسی چنین خوابیده بیدارش کنید نگذارید به این حال بماند.

39. با کسالت و چرت به نماز نیاستید.

40. در نماز بفکر خود نباشید که بنده در آنحال برابر خدای عزوجل ایستاده و سهم او از نماز مقداری است که حضور قلب دارد.

41. ریزه های غذا که از سفره می ریزد بخورید که هر کس به قصد شفا بخورد باذن خدا از هر دردی شفا مییابد.

42. پس از غذا انگشتان خود را بلیسید که خداوند به شما برکت دهد.

43. لباس پنبه بپوشید که لباس پیغمبر (ص) است رسول الله جامه موین یا پشمین نمی پوشید مگر در حال ضرورت و میفرمود: خدا جمیل است زیبایی و جمال را می پسندد دوست دارد آثار نعمتش در بندگان دیده شود.

44. با خویشاوندان پیوند کنید ولو با یک سلام خدا میفرماید: از آنخدایی که بنام وی از یکدیگر تقاضا میکنید و از (بریدن) از خویشاوندان بترسید که خدا مراقب شماست.

45. روز را با نقل سرگذشت و شرح جریانهای گذشته نگذارانید که ما و شما نگهبانانی داریم. (که اعمال را ضبط میکنند)

46. همه جا خدا را یاد کنید که همیشه با شماست.

47. بر محمد و آلش صلوات بفرستید که هرگاه پیامبر و آلش را یاد کنید و در حق آنها دعا نمایید و حقوق آنجناب را رعایت کنید خدا دعایتان را مستجاب فرماید.

48. غذا را بگذارید سرد شود هر وقت غذای گرم نزد پیغمبر می آوردند میفرمود: بگذارید سرد و قابل خوردن شود خدا نخواسته ما حرارت آتش را بچشیم برکت در غذای سرد است.

49. بطرف بالا و رو به باد بول نکنید.

50. معارف دینی سودمند به کودکان بیاموزید مبدا طائفه ((مرجئه)) در تفسیر عقیده آنها خلاف است بعضی میگویند: قائل بجبراند. عقیده خود را بر آنها تحمیل کنند.

51. زبان خود را نگه دارید.

52. به یکدیگر سلام کنید تا غنیمت یابید.

53. امانت را به صاحبش بسپارید ولو از کشنده اولاد پیامبران باشد

54. هنگام ورود به بازار و موقع سرگرمی مردم (به کسب و کار) زیاد خدا را یاد کنید که موجب کفاره گناهان و زیادی حسنات است و نامتان در غافلان ثبت نمیشود.

55. سزاوار نیست کسی در ماه مبارک رمضان سفر کند چون خدا میفرماید هر که در ماه رمضان در وطن بود باید روزه بگیرد.

56. شراب خوردن و مسح کشیدن روی کفش تقيه بردار نیست.

57. مبدا در حق ما غلو (گرافگوئی) کنید ما را بنده خدا بدانید و هر چه خواهید در فضیلتان بگویید.

58. هر که ما را دوست دارد مثل ما عمل کند و از پرهیزگاری استمداد جوید که بهترین مددکار در امر دنیا و آخرت تقوی است.

59. با کسانی که عیب ما کنند ننشینید در حضور دشمنان ستایش ما را نکنید و محبت خود را ظاهر نسازید تا در نظر پادشاهانتان خوار نشوید.

60. از راستی دست نکشید که مایه نجات است

61. در آنچه نزد خدا است رغبت کنید.

62. به دنبال طاعت روید.

63. و رنج آنرا تحمل کنید

64. چه زشت است مومن رسوا وارد بهشت شود.

65. روز قیامت ما را بتکلف و رنج گناهانتان دچار نکنید یعنی گناه چندان نباشد که شفاعتش میسر نشود عبارت احتمال معنای دیگر هم دارد) روز قیامت خود را در برابر دشمنان رسوا نکنید شما که دعوی دارید ما نزد خدا رتبه و مقام داریم با آلودگی به این دنیای بی مقدار خود را دروغگو معرفی نکنید.

66. دستورهای خدا را رها نکنید که بین شما و خوشی (دائم) و دیدار محبوب فاصله ای نیست جز اینکه پیغمبر(ص) حاضر شود و شما را از وضع آینده آگاه کند و بشارت از جانب بیاید و دیده ها روشن گردد و عاشق دیدار حق شوید(یعنی فاصله غیر از مرگ نیست) و البته آنچه نزد خدا است بهتر و پایدار تر است.

67. دستورهای خدا را رها نکنید که بین شما و خوشی دائم و دیدار محبوب فاصله ای نیست جز اینکه پیغمبر حاضر شود و شما را از وضع آینده آگاه کند و بشارت از جانب خدا بیاید و دیده ها روشن گردد و عاشق دیدار حق شوید (یعنی فاصله غیر از مرگ نیست) و البته آنچه نزد خداست بهتر و پایدارتر است.

68. ضعیفان را تحقیر نکنید هر که مومنی را حقیر شمارد خدا او را با آن مومن در بهشت جمع نکند (یعنی او را به بهشت نبرد) مگر اینکه توبه کند.

69. اگر مومنی حاجت برادرش را فهمید او را وادار به اظهار نکند (پیش از اظهار حاجتش را روا کند) به یکدیگر کمک و مهربانی و بخشش کنید. به سان منافقان نباشید که میگویند ولی عمل نمی کنند.

70. ازدواج کنید که سنت پیغمبر (ص) است آنجناب مکرر میفرمود هر که خواهد از سنت من متابعت کند ازدواج نماید که از جمله سنتهای من است.
71. و در طلب فرزند باشید که من فردا به کثرت جمعیت شما بر سایر امتها افتخار کنم شیر زناکار و دیوانه به فرزندانان ندهید که شیر موجب سرایت است.
72. از گوشت پرندگان که سنگدان و خارپشت پا و چینه دان ندارند اجتناب کنید.
73. از خوردن گوشت درندگان نیشدار و پرندگان چنگال دار پرهیز کنید.
74. سپرز (دمبلان گوسفند) نخورید که خون را فاسد میکند.
75. سیاه پوشید که لباس فرعون است.
76. از غده های گوشت اجتناب کنید که رگ خوره را تحریک میکند.
77. در دین قیاس نکنید که بسیاری از احکام دینی قیاسی نیست جمعیت هایی بیایند که قیاس را به کار برند اینان دشمن دین اند اول کسی که قیاس کرد شیطان بود.
78. کفشهای هموار نپوشید که کفش فرعون است او اول کسی بود که اینگونه کفش پوشید
79. با میخواران مخالفت کنید.
80. خرما بخورید که شفای هر دردی است
81. از گفتار پیغمبر (ص) پیروی کنید که فرمود: هر که یک در سوال بر روی خود بگشاید خدا یک دراز فقر برویش باز کند
82. زیاد استغفار کنید که موجب وسعت رزق است
83. هر چه بتوانید عمل خیر جلو فرستید که فردا می یابید
84. از مجادله پرهیزید که تولید شک میکند.

85. هر که به خدا حاجتی دارد در سه وقت بخواند: یکی در روز جمعه و هنگام ظهر یکی موقع وزیدن باد و باز شدن درهای آسمان و فرود آمدن رحمت و آواز دادن پرندگان سوم آخر شب نزدیک طلوع فجر که دو فرشته صدا میزنند آیا توبه کننده ای هست که توبه اش را قبول کنند؟ آیا سائلی هست که خواسته اش را بدهند؟ آیا آمرزش خواهی هست که او را بیامرزند؟ آیا حاجتمندی هست که حاجتش را روا کنند؟ منادی خدا را جواب دهید.
86. بین سپیده دم و طلوع خورشید به دنبال روزی روید که از گذشتن روی زمین در تحصیل معاش موثرتر است این ساعتی است که خدا رزق بندگان را قسمت میکند.
87. همیشه منتظر فرج و گشایش باشید هیچگاه از رحمت خدا نا امید نشوید که هیچ عملی را خدا مانند انتظار فرج دوست ندارد.
88. بعد از نماز صبح بر خدا توکل کنید که این وقت بر آمدن حاجتها است.
89. با شمشیر به جانب حرم (مکه) نروید.
90. در نماز شمشیر پیش رو نگذارید که قبله امن است.
91. هنگام مسافرت مکه به زیارت پیغمبر (ص) روید که دستور خدا است و ترکش جفا و ناسپاسی است.
92. به زیارت قبرهایی که خدا رعایت حقش را لازم کرده بروید و آنجا طلب روزی کنید.
93. گناه کم را کوچک نشمارید که کم کم زیاد میشود.
94. سجده را طول دهید که هیچ عملی برای شیطان از این سخت تر نیست که ببیند پسر آدم در سجده است چه او مامور به سجده شد و نافرمانی کرد و این دستور را اطاعت میکند و رستگار میشود.
95. مرگ و موقع خروج از قبر و ایستادن برابر خدا را بسیار یاد کنید تا مصیبتها بر شما آسان شود.

96. اگر به درد چشم مبتلا شدید آیه الکرسی بخوانید و به خود تلقین کنید که خوب شدم انشاء الله بهبودی پیدا می کنید.

97. از گناه اجتناب کنید که هر گرفتاری و تنگی رزق در اثر گناه است حتی خراش بدن و زمین خوردن و مصیبت خدا فرموده: ((هر مصیبتی به شما رسد نتیجه کردار خود شما است و بسیاری را هم خدا می بخشد)).

98. بر سر سفره غذا نام خدا ببرید و طغیان نکنید که نعمت و روزی خدا است میخورید.

99. با نعمت خوش رفتاری کنید که نعمت از دست می رود و هر عملی به آن کرده باشید شهادت میدهد.

100. هر که به رزق کم قانع شود خدا هم به عمل اندک او راضی میشود.

101. از تقصیر پرهیزید که روزی حسرت میخورید که حسرت فایده ندارد.

102. در میدان جنگ رو به دشمن کمتر سخن گوئید و بسیار یاد خدا کنید و پشت به دشمن نکنید که موجب غضب خدا هست.

103. اگر در میدان دیدید یکی از برادرانتان مجروح شده یا عقب نشینی کرده یا دشمن در او طمع بسته با جان خود در حفظ او بکوشید.

104. هر چه بتوانید کار خیر کنید که از مرگ بد جلوگیری میکند.

105. هر که میخواهد بداند مقامش نزد خدا چگونه است به بیند مقام خدا هنگام گناه در نظر او چگونه است؟ اگر خدا در نظرش عظمت دارد و گناه را به احترام فرمان او ترک میکند او هم نزد خدا مقامی دارد.

106. هیچکس چیزی با برکت تر از گوسفند برای عائله اش در منزل تهیه نکرده هر که یک گوسفند در خانه داشته باشد روزی یک مرتبه ملائکه برایش تقدیس و تسبیح میکنند و هر که دو تا داشته باشد دو مرتبه و هر که سه تا داشته باشد سه مرتبه میگویند مبارک باشد.
107. هرگاه مسلمانی ضعیف شد گوشت و شیر بخورد که خدا در آنها قوت نهاده .
108. برای سفر حج لوازم سفر را قبلاً تهیه کنید خداوند میفرماید : اگر خیال حرکت داشتند وسائلی تهیه کرده بودند . (این دستور برای این است که گاهی آماده نبودن موجب ترک حج میشود).
109. در آفتاب پشت به خورشید بنشینید که خورشید هر درد خفته ای را بیدار میکند.
110. در سفر حج به خانه خدا زیاد بنگرید که خدا آنجا صدو بیست رحمت دارد شصت تا برای طواف کنندگان چهل تا برای نماز گزاران بیست تا برای نگاه کنندگان.
111. میان در خانه و حجر الاسود به گناهایی که در نظر دارید اقرار کنید هر کس آنجا گناهانش را بشمارد و اقرار کند و از خدا آمرزش خواهد بر خدا حق است که او را بیامرزد.
112. پیش از آمدن بلا دعا کنید.
113. پنج وقت درهای آسمان باز است : وقت آمدن باران هنگام جنگ موقع اذان در حال قرائت قرآن ظهر و سپیده دم .
114. کسی که میت را غسل میدهد باید بعد از کفن کردن او غسل کند.
115. کفن را با عود معطر نکنید جز کافور عطری به مردگان ننزید که میت مثل حاجی در احرام است.
116. به بستگانتان سفارش کنید با لای سر مرده سخنان مناسب گویند . زنان بنی هاشم پس از مرگ پیغمبر ص به همدردی حضرت زهرا س آمدند (و به شمردن فضائل پیغمبر ص و گریه زاری پرداختند) حضرت فرمود : شماره را رها کنید و به دعا پردازید.

117. به زیارت مردگان بروید که به دیدار شما خرسند میشوند و سر قبر پدر و مادر اول در حق آنها دعا کنید و بعد حاجت خود را (از خدا) بخواهید.

118. مسلمان آینه مسلمان است اگر لغزشی از مسلمانی دیدید بضد او قیام نکنید به نفعش کار کنید با رفاقت و مدارا ارشاد و نصیحتش کنید از اختلاف پرهیزید که موجب پراکندگی است راست گوئید تا مقرب شوید و اجر ببرید.

119. هر که با حیوان سواری سفر کند در وقت پیاده شدن اول با آب و علف حیوان پیردازید.

120. در صورت حیوان نزنید چه به شکر خدا تسبیح میگوید .

121. هر کس در مسافرت گم شد یا جانش در مخاطره افتاد فریاد زند یا صالح اغثنی : ای صالح بفریادم برس. در برادران جنی شما شخصی به نام صالح است که برای رضای خدا به منظور نجات شما روی زمین گردش میکند چون صدا را بشنود اجابت کند گمشده را راهنمایی کند و حیوانش را نکه دارد.

122. هر که از شیر بترسد جانش یا گوسفندش در خطر افتد دایره ای دور خود رسم کند و بگوید : ای خدای دانیال و چاه و خدای هر شیر درنده مرا و گوسفندم را حفظ کن.

123. هر که از عقرب بترسد این آیه ها را بخواند : سلام علی نوح فی العالمین انا کذلک نجزی المحسنین انه من عبادنا المومنین.

124. هر که از غرق شدن بترسد بگوید : بسم الله مجریها و مرساها ان ربی لغفور رحیم بسم الله الملك القوى و ما قدروا الله حق قدره و الارض جميعا قبضته يوم القيامة و السماوات مطويات بيمينه سبحانه و تعالى عما يشركون.

125. روز هفتم برای نوزادان قربانی کنید و هم وزن موی سرشان نقره صدقه دهید پیغمبر ص در میلاد حسن و حسین (ع) و سایر فرزندان چنین کرد.

126. وقتی چیزی به سائل دادی بگویند برای شما دعا کند دعای او در حق شما مستجاب است اما در حق خودش اثری ندارد چون غالبا دروغ میگوید.
127. بعد از احسان به فقیر دست خود را ببوسید که صدقه را پیش از آنکه بدست سائل برسد خدا میگیرد چنانکه در قرآن است مگر نمیدانید آن خدا است که توبه بندگان را میپذیرد و صدقات را میگیرد.
128. شب صدقه دهید صدقه شبانه غضب خدا را خاموش میکند.
129. گفتارتان را جزء اعمالتان حساب کنید تا در غیر کارهای خیر کمتر سخن گویند.
130. از آنچه خدا روزی شما کرده انفاق کنید که انفاق کننده مثل مجاهد در راه خداست هر که بداند خدا عوض میدهد سخاوت مندانه میبخشد.
131. هر که اول یقین داشت بعد شک کرد به یقین سابق عمل کند شک یقین را نمیشکند.
132. شهادت ناحق ندهید.
133. بر سر سفره ای که در آن شراب میخورند ننشینید کسی نمیداند کی خدا او را میگیرد (شاید در همان مجلس عذاب یا مرگ فرا رسد)
134. بر سر سفره مثل غلامان بنشینید چهار زانو ننزید که خدا اینگونه نشستن و این نشیننده را خوش ندارد.
135. پیغمبران پس از نماز عشاء شام میخورند.
136. بدون شام نخوابید که بدن ویران میشود.
137. تب پیش در آمد مرگ و زندان خدا در زمین است خدا هر بنده ای را بخواهد باین زندان می افکند اما تب گناه را میریزد چنانکه کرک از گرده شتر میریزد.
138. هر دردی از داخل بدن است بجز زخم و تب که (از خارج) به بدن میرسد .

139. سوزش تب را با بنفشه و آب خنک فرو نشانید که حرارت تب گوئیا از نفس جهنم است.
140. تا مرض بر صحت غلبه نکند نباید مسلمان درمان کند.
141. دعا قضا و قدر محکم را بر گرداند آنرا سپر خود قرار دهید.
142. وضو بعد از طهارت ده حسنه دارد خود را طاهر کنید.
143. از تنبلی بر حذر باشید که تنبل حق خدا را ادا نمیکند.
144. بوی ناراحت کننده بدن را با آب برطرف کنید.
145. همیشه خود را وارثی کنید (کثیف نباشید) خدا بنده کثیفی را که موجب آزار هم نشین است دشمن دارد.
146. در نماز با ریش خود بازی نکنید و به کاری که شما را مشغول کند نپردازید.
147. پیش از آنکه به کار دیگر سر گرم شوید به عمل خیر پردازید.
148. مومن جانش از وی در عذاب است و مردم از او در آسایش.
149. گفتارتان ذکر خدا باشد.
150. از گناه بترسید که مانع روزی میشود.
151. بیماران را با صدقه درمان کنید.
152. اموال را با زکات بیمه کنید.
153. نماز مایه تقرب پرهیز گاران است.
154. حج جهاد مردم ناتوان است.
155. جهاد زن خوب شوهر داری کردن است.

156. فقر بزرگترین مرگ است.
157. کمی عائله خود ثروتی است.
158. اندازه گیری نصف زندگی است.
159. غصه نصف پیری است.
160. هر که میانه روی کند تهی دست نشود.
161. هر که مشورت کند هلاک نشود.
162. احسان جز با مردم شرافتمند یا دیندار شایسته نیست.
163. هر چیز میوه ای دارد میوه احسان تعجیل در آن است.
164. هر که بداند خدا عوض میدهد سخاوتمندانه بخشش کند.
165. هر که در مصیبت دست بر رانش زند اجرش پامال شود.
166. بهترین اعمال انتظار فرج از خداست.
167. هر که پدر و مادر را اندوهگین کند بر آنها ستم کرده.
168. با صدقه روزی را فرود آرید.
169. امواج بلا را پیش از رسیدن با دعا از خود بگردانید به آن خدایی که دانه را شکافته و بندگان را آفریده هجوم بلا به جانب مومن از سرازیر شدن سیل از بالای تپه و دویدن اشتر سریعتر است.
170. از خدا عافیت از سختی بلا را بخواهید که شدت بلا دین را بر باد میدهد.
171. خوشبخت آن است که از دیگران پند گیرد

172. با ریاضت اخلاق نیک را در خود پرورش دهید که انسان با خوی خوش به درجه روزه دار شب بیدار میرسد.
173. هر که بداند شراب حرام است و بخورد خدا او را از چرک و خون دوزخیان بخوراند هر چند آمرزیده شود.
174. نذر گناه صحیح نیست.
175. قسم برای قطع رحم صحیح نیست.
176. دعا کننده بی عمل مثل تیر انداز بی زه است.
177. زن مسلمان باید خود را برای شوهر خوشبو کند.
178. آن که در راه دفاع از مالش کشته شود شهید است.
179. مغبون نه ستوده است نه اجری دارد.
180. قسم فرزند بدون اجازه پدر و قسم زن بی اجازه شوهر صحیح نیست.
181. یک روز تا شب ترک سخن روا نیست مگر به ذکر خدا مشغول باشد.
182. پس از مهاجرت به شهر اسلامی بازگشت به وطن کفر جایز نیست و بعد از فتح (مکه) هجرت واجب نیست.
183. به تجارت پردازید که از مال مردم بی نیاز شوید خدا کاسب امین را دوست دارد.
184. هیچ کاری نزد خدا محبوب تر از نماز نیست هیچ کار دنیا شما را از نماز به وقت باز ندارد که خدا گروهی را مذمت کرده که از نماز سهو میکنند یعنی غافل میشوند و وقت نماز را سبک می گیرند.

185. بدانید که دشمنان شما در کارهای نیک تظاهر و ریا میکنند و خداوند توفیق عمل خالص به آنان نمی دهد جز عمل خالص را هم نمی پذیرد.
186. نیکی کهنه نشود و گناه فراموش نگردد خداوند جلیل با کسانی است که پرهیزگار و نیکو کارند.
187. مومن به برادرش تقلب و خیانت نکند او را وانگذازد متهمش نکند به وی نگوید من از تو بیزارم.
188. برای کارهای بدنمای برادرت عذری بجوی اگر عذری نیافتی پرده پوشی کن.
189. از جا کردن کوهها از برانداختن سلطنتی که عمرش سر نیامده آسانتر است از خدا کمک خواهید و صبر کنید که زمین مال خداست به هر یک از بندگان بخواهد واگذار می کند و سرانجام (نیک) از پرهیزگاران است.
190. پیش از وقت به کاری دست نزنید که موجب پشیمانی است مبدا طول مدت و مرور زمان دلهای شما را سخت کند.
191. بر ناتوانان ترحم کنید و بدین وسیله رحمت خدا را جلب کنید.
192. از غیبت مسلمان پرهیزید خدا فرموده : از یکدیگر غیبت نکنید هیچ یک از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده اش را بخورد؟ با این آیه مسلمانی حاضر به غیبت نمیشود.
193. مسلمان نباید در نماز دستها را مثل مجوسیان روی هم بگذارد.
194. مانند بندگان سر سفره بنشینید و روی زمین غذا بخورید.
195. ایستاده آب نخورید.
196. اگر در نماز گزنده ای یافتید یا دفنش کنید و بر آن آب دهن افکنید یا در لباسان به پیچید تا فارغ شوید.

197. رو گرداندن زیاد از قبله نماز را باطل میکند اگر کسی چنین کرد اذان گوید و نماز را از سر گیرد.

198. هر که صبح گاه یازده مرتبه قل هو الله و انا انزلناو آیه الکرسی بخواند مالش را از گزند حفظ کرده هر که پیش از آفتاب قل هو الله و انا انزلنا بخواند آنروز دچار گناه نشود هر چند شیطان بکوشد.

199. از انحراف دین و غلبه مردان (به دین) به خدا پناه ببرید هر که از ما تخلف کند هلاک شود.

200. بالا زدن لباس پاک نگهداشتن آن است خداوند فرموده : (لباسهای را پاک کن) یعنی بالا بزن.

201. با انگشت (یا زبان) عسل خوردن درمان هر دردی است خداوند فرموده : (از شکم زنبورها نوشابه ای رنگارنگ بیرون آید که در آن برای مردم شفا است) عسل خوردن و قرآن خواندن و کندر جویدن بلغم را آب کند.

202. پیش از غذا نمک بخورید اگر مردم از خواص نمک خبر داشتند آنرا بر باز هر مجرب ترجیح میدادند. هر که قبل از غذا نمک بخورد هفتاد بلا و آفتهایی که جز خدا نمی داند از جانش دور شود.

203. در تابستان بر بدن تب دار آب سرد بریزید که حرارت را خاموش میکند.

204. ماهی سه روز روزه بگیرید که ثواب روزه یک عمر را دارد ما پنجشنبه اول و آخر و چهارشنبه وسط را روزه میگیریم زیرا جهنم چهارشنبه خلق شده.

205. کسی که حاجتی دارد صبح زود پنجشنبه به دنبالش رود پیغمبر (ص) دعا کرد : خدایا صبح پنجشنبه را برای امت من مبارک کن.

206. و چون از خانه درآید آیات سوره آل عمران و انا انزلنا و سوره حمد و آیه الکرسی را بخواند که موجب بر آمدن حاجتهای دنیا و آخرت است.

207. لباس ضخیم بپوشید هر کس جامه اش نازک است دینش هم نازک است در برابر خدا با لباس بدن نما نه ایستید

208. توبه کنید به خدا بر گردید و در محبت او وارد شوید که خدای عزوجل توبه کنندگان و پاکیزگان را دوست دارد مومن زیاد توبه میکند.

209. هرگاه مومنی به برادرش بگوید اف بر تو میان آنها جدایی افتد (و رشته برادری آنان بگسلد) اگر بگوید تو کافری حتما یکی از آن دو کافر است (اگر است بگوید شنونده و اگر دروغ بگوید گوینده)

210. اگر بوی تهمت زند اسلام در دلش مثل نمک آب شود.

211. در توبه به روی هر که بخواهد باز است به سوی خدا باز گردید توبه نصوح کنید (که دیگر به گناه نگردید) امید است خدا از کردارهای بدتان عفو کند.

212. به پیمانها وفا کنید هیچگاه نعمت و خرمی زندگی از دست نرود مگر در اثر گناه خدا در حق بندگان ستمکار نیست اگر پیش از بلا دعا و توبه کنند نازل نمی شود و اگر پس از گرفتاری و زوال نعمت هم با نیت صادق به خدا پناهنده شوند و سستی و اسراف نکنند خدا همه مفاسدشان را اصلاح میکنند و هر نعمتی که گرفته باز گرداند.

213. چون کار بر مسلمانی سخت شد به پروردگارش شکایت کند که کلید کارها و تدبیر امور بدست اوست.

214. هیچکس از یکی از سه خصلت خالی نیست: کبر فال بد و آرزوهای بیجا اگر فال بد زدید اعتنا نکنید نام خدا را ببرید و کار را انجام دهید برای علاج کبر با غلامتان غذا بخورید و بدست خود گوسفندتان را بدوشید برای جلوگیری از آرزو بیجا دعا کنید بدرگاه خدا تضرع و زاری نمایید مبادا نفس اماره شما را بگناه کشد.

215. با مردم مطالبی را در میان نهید که قبول دارند از اظهار آنچه منکرند خود داری کنید مردم را بر گردن ما و خودتان سوار نکنید امر ما (قضیه ولایت ائمه (ع) و معارف آنها) سخت و دشوار است تاب و تحملش را ندارد مگر فرشته مقرب یا پیغمبر مرسل یا بنده ای که خدا قلبش را برای ایمان آزموده باشد.

216. هرگاه شیطان در دل شما وسوسه کرد به خدا پناه برید و بگویید به خدا و پیغمبرش از روی اخلاص ایمان دارم.

217. چون خداوند به کسی لباس نو عطا کند وضو بگیرد و دو رکعت نماز با حمد و آیه الکرسی و قل هو الله و انا انزلنا بخواند و شکر خدا کند که عورتش را پوشانده و در میان مردم زینتش داده و بسیار بگوید: لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم. تا در آن لباس دچار گناه نشود و به عدد هر نخی فرشته ای برای او تقدیس و استغفار و طلب رحمت کند.

218. بد گمانی را دور اندازید که خدا نهی کرده.

219. من با پیغمبر (ص) و خاندان و فرزندانم کنار حوض کوثرم هر که ما را خواهد گفتار ما را بکار بندد و مثل ما عمل کند هر خاندانی فرد گزیده ای دارند ما حق شفاعت داریم دوستان ما حق شفاعت دارند برای دیدار ما کنار حوض کوثر سبقت گیرید که ما دشمنان را میرانیم و دوستان را آب میدهیم هر که جرعه ای از آن بنوشد هرگز تشنه نشود حوض ما دو مجری از بهشت دارد یکی از (چشمه) تسنیم و دیگری از (معین) دو طرفش زعفران و دانه های لو لو و یاقوت است این همان حوض کوثر است.

220. کارها به دست خدا است نه بندگان اگر به دست آنان بود کسی را بر ما ترجیح نمی دادند ولی خدا هر که را خواهد به رحمت مخصوص خود کند خدا را بر نخستین نعمتی که به شما داده یعنی حلال زادگی شکر کنید.

221. هر چشمی در قیامت گریان و بی خواب است مگر چشمی که به کرامت خداوندی ممتاز شده باشد و برای مصائب حسین و آل محمد (ص) گریسته باشد.

222. بخدا شیعیان ما چون زنبور عسل اند اگر مردم بدانند چه در دل دارند همه را میخورند.

223. کسی را که بر سر غذا نشسته شتابزده نکند تا فارغ شود و همچنین کسی را که مشغول قضای حاجت است.

224. چون از خواب بیدار شوید بگویید : لا اله الا الله الحليم الكريم الحى القيوم و هو على كل شى قدیر سبحان رب النبین و اله المرسلین و رب السماوات السبع و ما فیهن و رب الارضین السبع و ما فیهن و رب العرش العظیم و الحمد لله رب العالمین و چون پس از خواب بنشینید پیش از برخاستن بگویید : حسبی الرب من العباد حسبی الله الذی هو حسبی منذ کنت. حسبی الله و نعم الوکیل.

225. چون شب از خواب برخیزید به اطراف آسمان نگاه کنید و آیات آخر سوره آل عمران را از ((ان فی خلق السماوات و الارض - تا - انک لا تخلف المیعاد)) بخوانید.

226. سر کشیدن در چاه زمزم دردها را میبرد. از آب آن که در سمت حجر الاسود است بنوشید.

227. در رکاب پادشاهی که اطمینانی به حکم او نیست و دستور خدا را در غنیمت جنگ اجرا نمیکند به جنگ نروید اگر کسی رفت و در این راه مرد دشمنان ما را در غصب حقوق و پامال کردن خون ما کمک کرده و به شیوه جاهلیت مرده است.

228. یاد ما خانواده برای دردها و وسواس سینه ها شفاست و دوستی ما رضایت پروردگار است.

229. کسی که به ولایت ما معتقد باشد فردا در ((حظیر القدس)) (بهشت) با ما است هر که منتظر فرج ما باشد مثل کسی است که در راه خدا در خون خود بغلطد.

230. هر که در میدان جنگ ما حاضر باشد یا صدای دادخواهی ما را بشنود و ما را یاری نکند خدا او را در آتش افکند.

231. ما در وقتی که مردم ستم بیند و راه چاره بر آنها بسته شود دری هستیم از یاری و فریاد رسی (که بر روی آنها گشوده شود) ما ((باب حطه ایم)) (باب حطه : دری بوده که بنی اسرائیل مامور بودند از آن وارد بیت المقدس شوند و تقریباً راه نجات آنها بوده و در احادیث بسیار ائمه (ع) به آن

در تشبیه شده اند) این در مسلمانان است هر که وارد شود نجات یابد و هر که خود داری کند هلاک شود.

232. خدا به وسیله ما آغاز کند و بوسیله ما محو و اثبات فرماید و زمانه سخت را برطرف کند و باران بیارد مبادا فریبندگان شما را مغرور کنند.

233. از روزی که خدا درهای آسمان را بسته قطره ای باران نباریده اگر قائم ما قیام کند آسمان بارانش را بیارد زمین گیاهش را بروید کینه از دلها برخیزد درندگان و حیوانات صلح کنند چنان امن و آرامش برقرار گردد که زنی از عراق به شام رود و زیور بر سرش باشد کسی به او کاری نداشته باشد.

234. اگر بدانید صبر و مقاومت در برابر دشمن و تحمل سخنان ناهنجار آنها چه اجری دارد دیدگانتان روشن شود.

235. پس از مرگ من از دست منکران حق و دشمنان و ثروت اندوزانی که حق خدا را سبک شمردند کارهای ناشایسته و ناپسندی ببینید که تمنای مرگ کنید چنان ناامنی ایجاد شود که جانها در خطر افتد در آن دوران به ریسمان الهی چنگ (قرآن) چنگ بزنید متفرق نشوید و صبر و نماز و تقیه را از دست ندهید.

236. بدانید که خدای متعال مردم متلون و بوقلمون صفت را دوست ندارد.

237. از حق جدا نشوید از ولایت اهل حق دست نکشید هر که بجای ما امام دیگری انتخاب کند هلاک شود و دنیا را هم از دست دهد و بمیرد.

238. هنگام ورود به خانه به اهل آن سلام کنید بگوئید : السلام علیکم اگر اهلی نداشت بگوئید : السلام علینا من ربنا.

239. وقت ورود به خانه قل هو الله بخوانید که فقر را برطرف میکند.

240. کودکان را در هشت سالگی به نماز وادارید و آداب نماز را به آنان بیاموزید.

241. از سگ فاصله بگیرید اگر تصادفاً با آن تماس پیدا کردید اگر با رطوبت بود جامه را بشوید و اگر خشک بوده آب بر آن پاشید.

242. اگر حدیثی از قول ما شنیدید که تفسیرش را نفهمیدید به ما برگردانید و منکر نشوید توقف کنید و تسلیم باشید تا وقتی که مطلب روشن شود.

243. سر فاش کن و شتابزده نباشید.

244. غلو کنندگان (گزارفگویان) باید به ما برگردند و مقصرانی هم که در حق ما کوتاه آمده اند باید به ما ملحق شوند.

245. هر که راه ما را بیماید بما برسد و هر کس به راه دیگر رود غرق شود.

246. دوستان ما فوجهایی از رحمت خدا دارند و دشمنانمان افواجی از غضب

247. طریقه ما میانه روی و عدالت است و مسلک ما هدایت.

248. چهار نماز شک بر نمیدارد: نماز وتر (یک رکعتی آخر نماز شب) نماز جمعه دو رکعت اول هر نماز صبح و مغرب.

249. بی وضو قرآن نخوانید.

250. حق هر سوره ای را ادا کنید رکوع و سجود آنرا بجا آورید.

251. در نماز دامن لباس را از زیر بقل بطرف شانه برنگردانید که این عمل قوم لوط است.

252. مرد میتواند در یک جامه نماز بخواند دو طرفش را بگردن به بندد و یا در یک پیراهن ضخیمی که دکمه هایش را به بندد.

253. روی فروشی که عکس دارد نماز نخواند اما اگر عکس زیر پا باشد ممکن است چیزی روی آن انداخت و نماز خواند.

254. کسی در حال نماز سکه های عکس دار را در لباس گره نزند اما اگر خائف باشد میتواند سکه ها را در کیسه یا دستمالی بگذارد و به پشت ببندد.
255. روی تل گندم و جو و سایر خوراکیها و نان به نماز نایستید.
256. بدون بسم الله وضو نگیرید پیش از وضو بگویید : بسم الله و بالله اللهم اجعلنی من التوابین و اجعلنی من المتطهرین.
257. بعد از وضو بگویید : اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله. چون این دعا بخواند مستحق آمرزش شود.
258. هر که نماز گزارد و حق آن را بشناسد خدا وی را بیامرزد.
259. بدون عذر در وقت نماز واجب نماز مستحب نخوانید ممکن است نافله را بعد قضا کنید خدا فرموده : ((آنان که بر نماز مداومت دارند)) یعنی قضای نماز شب را روز میگذارند و قضای روز را شب.
260. قضای نافله را در وقت نماز واجب نخوانید اول واجب را ادا کنید سپس هر چه خواهید نماز بخوانید.
261. یک نماز در حرم مکه و مدینه معادل هزار نماز است و یک درهم در راه حج برابر هزار درهم است.
262. شخص باید در نماز قلبش خاشع (نرم) باشد اگر قلب خاشع شد اعضای دیگر هم خاشع شود و در نماز به بازی نپردازد.
263. قنوت نماز جمعه پیش از رکوع است در رکعت اول هم بعد از حمد سوره جمعه خوانده شود و در رکعت دوم منافقون.
264. در هر رکعت پس از سجده بنشینید تا بدن تن آرام بگیرد آنگاه برخیزید شیوه ما چنین است.

265. چون از نماز برخیزید دست برابر سینه گیرید و چون در نماز برابر خدا ایستید سینه را پیش دارید کمر را راست گیرید و خم نشوید بعد از نماز دست به جانب آسمان بردارید و در دعا بکوشید عبدالله سبا گفت یا امیرالمومنین مگر خدا همه جا نیست؟ فرمود چرا گفت پس چرا باید دست به آسمان بلند کرد؟ فرمودند: مگر قرآن نخوانده ای که میفرماید (روزی شما و آنچه به شما وعده میدهند در آسمان است خدا دستور نداده روزی را از غیر محلش طلب کنند محل روزی و وعده های خدا آسمان است).

266. هیچکس از نماز رو نگرداند تا از خدا بخواهد بهشت را نصیبش کند و از جهنم پناهش دهد و حورالعین قسمتش کند.

267. چون به نماز ایستید مثل کسی نماز گزارید که با نماز وداع میکند.

268. لبخند نماز را قطع نمیکند و قهقهه نماز را قطع میکند.

269. وقتی که خواب بر دل مستولی شد وضو باطل است.

270. اگر در نماز خواب بر چشم غالب شد نماز را قطع کن و بخواب چه در آن حال نمیدانی بنفع خود دعا میکنی یا به ضرر خود.

271. هر که با دل ما را دوست دارد و با زبان یاری کند و با دست در نبرد دشمنان بجنگد در بهشت با ما در یک درجه است.

272. و هر که به دل ما را دوست دارد و به زبان یاری کند و در جنگ با دشمنان ما مبارزه نکند یک درجه پایین تر است.

273. و هر که در دل دوست ما باشد و با دست و زبان پشتیبانی نکند دو درجه پایین تر است.

274. و هر که در دل دشمن ما باشد و با دست و زبان یاری ما نکند اهل جهنم است.

275. هر کس در دل ما را دشمن دارد و با دست و زبان دشمنان ما را یاری کند در دوزخ با دشمنان ما باشد.

276. بهشتیان به منازل ما و شیعیانمان مینگرند چنانکه اهل زمین به ستارگان آسمان نگاه میکنند.

277. چون از سوره هایی که اول آن (سبح) یا (یسبح) است فارغ شوید بگوئید سبحان الله الاعلی.

278. چون آیه ((ان الله و ملائکته یصلون علی النبی)) را بخوانید صلوات بفرستید چه در نماز باشد چه خارج نماز.

279. هیچ عضوی در بدن شکر گزاریش از چشم کمتر نیست خواسته های آن را انجام ندهید که از یاد خدا بازمانید.

280. چون سوره ((والتین)) را خواندید در آخرش بگوئید و نحن علی ذلک من الشاهدین : ما بر مضمون این سوره گواهیم.

281. چون (در سوره بقره آیه 136 و در عنکبوت آیه 46) این جمله را بخوانید : ((قولوا آمنا بالله)) یعنی بگویید بخدا ایمان آورده ایم دستور خدا را انجام دهید (بگوئید : آمنا بالله و نحن له مسلمون.

282. اگر در تشهد آخر بگوئید : اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمد عبده و رسوله و ان الساعه آتیه لا ریب فیها و ان الله یبعث من فی القبور. سپس وضویتان باطل شود نماز تمام است (این حدیث مورد عمل نیست و حدث قبل از سلام را علما مبطل میدانند)

283. عبادتی سخت تر از پیاده رفتن به خانه خدا نیست.

284. خیر را از سم و گردن شتران بجوئید آنگاه که به آبشخور میروند و بر میگردند.

285. چاه زمزم را به این جهت قرآن ((سقایه)) (یعنی آب دادن حجاج نامیده که پیغمبر (ص) دستور داد برای رفع تلخی آب زمزم مقداری خرما که از طائف برای او آورده بودند در حوض آن بریزند و اگر خرما در آن ماند کهنه شد نخورید (که مسکر میشود)

286. چون کسی برهنه شود شیطان به او نظر اندازد و در وی طمع کند خود را بیوشانید.

287. کسی حق ندارد لباسش را از رانش عقب کند و در مجلس بنشیند.

288. هر که چیزی بخورد که بوی آزار دهنده دارد نزدیک مسجد نرود.

289. مرد در سجده نماز واجب پشتش را بلند کند.

290. قبل از غسل دستها را تا مرفق بشوئید.

291. چنان نماز بخوانید که قرائت و تکبیر و تسبیح خود را بشنوید.

292. چون از نماز فارق شوی به سمت راست توجه کن.

293. از دنیا توشه گیرید بهترین توشه دنیا تقوی است.

294. دو دسته از اسرائیلیان گم شدند (بعد از مسخ) یکی در خشکی و دیگر در دریا پس از گوشت حیوانی که نمیدانید حلال است نخورید.

295. کسی که سه روز بیماری را به کسی اظهار نکند و تنها به خدا درد و دل کند بر خدا حق است که او را شفا بخشد.

296. دورترین حالات بنده به خدا وقتی است که همه همتش در فرج و شکم صرف شود.

297. سفری که دین و نماز در آن به خطر باشد نباید رفت.

298. چهار موجود گوش شنوا دارند: پیغمبر (ص)، بهشت، جهنم حورالعین چون بنده ای از نماز فارغ شود صلوات فرستد از خدا بهشت را مسالت کند و از آتش به او پناه برد و تقاضا کند حورالعین

نصیبش فرماید زیرا هر که صلوات فرستد پیغمبر (ص) گفتار او را بشنود و دعایش مستجاب شود هر که بهشت را درخواست کند بهشت گوید خدایا خواسته این بنده را بده هر که از دوزخ پناه برد جهنم گوید: خدایا بنده ات را پناه ده هر که تقاضای حورالعین کند حوریان گویند خداوندا خواهش بنده ات را بپذیر.

299. سرود نوحه سرائی شیطان از فراق بهشت است.

300. هنگام خواب دست راست زیر گونه راست نهید و بگوئید: بسم الله وضعت جنبی لله علی مله ابراهیم و دین محمد (ص) و ولایه من افترض الله طاعته ماشاء الله کان و مالم یشالم یکن. هر که وقت خواب این دعا را بخواند از دزد غارتگر و زیر آوار رفتن محفوظ ماند و ملائکه برای او طلب آمرزش کنند.

301. هر که هنگام خواب قل هو الله خواند خدای عزوجل پنجاه هزار فرشته به نگهبانی او بگمارد.

302. چون خواستید بخوابید پیش از اینکه پهلوی بر زمین نهید بگوئید: (اعین نفسی و دینی و اهلی و مالی و ولدی و خواتیم عملی و ما رزقنی ربی و خولنی بعزه الله و عظمه الله و جبروت الله و سلطان الله و رحمه الله و رافه الله و غفران الله و قوه الله و قدره الله و بجلال الله و بضع الله و ارکان الله و برسول الله و بجمع الله و بقدره الله علی ما یشاء من شر السامه و الهامه و من شر الجن و الانس و من شر ما یدب فی الارض و ما یدخرج منها و من شر کل دابه انت آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم و هو علی کل شی قدیر و لاحول و لا قوه الا بالله العلی العظیم. پیغمبر (ص) این دعا را برای حفظ حسن و حسین میخواند و به ما هم دستور داد بخوانیم.

303. مائیم خزانه داران دین خدا مائیم کلیدهای علم و دانش هرگاه چراغی از ما خاموش شود چراغ دیگری بیفروزید هر که پیروی ما کند گمراه نشود هر که منکر ما شود راه نیابد هر که با دشمنان به ظلم ما برخیزد روی رستگاری نه بیند هر که ما را واگذارد مدد کاری نیابد پس به طمع دنیا و کالای بی ثبات آن از ما کناره نگیرید چه هر کس آخرت بدنیا فروشد و عالم فانی را بر ما ترجیح دهد فردا

حسرتش بسیار باشد چنانکه خدا فرماید : (از بهترین چیزی که بر شما نازل شده پیروی کنید پیش از آنکه ...) کسی بگوید ای دریغ از آن تقصیرها که درباره خدا کردم و از مسخره کنان بودم.

304. بوی زننده گوشت را از کودکان بشوئید که شیطان آنها را می بوید و کودک در خواب می ترسد علاوه که دو فرشته نویسنده اعمال از آن اذیت میشوند.

305. نخستین نگاه به زن نامحرم (که چشم بیفتد) مانعی ندارد از فتنه پرهیزید و دوباره نگاه نکنید.

306. شرابخوار مانند بت پرست از دنیا رود. حجر بن عدی پرسید شرابخوار کیست : فرمود : آنکه هر وقت پیدا کرد بخورد.

307. هر که نوشابه مست کننده بنوشد چهل روز نمازش قبول نیست.

308. هر کس به منظور عیجی و آبروریزی سخنی به مسلمانی بگوید خدا او را در چرکی که از بدن زنان زناکار آید حبس کند تا از عهده جواب بر آید.

309. دو مرد زیر یک لحاف نخواستند اگر خوابیدند باید تادیب شوند.

310. کدو بخورید که قوای دماغی را زیاد میکند پیغمبر (ص) به کدو علاقه داشت.

311. قبل و بعد غذا ترنج بخورید آل محمد چنین میکنند.

312. گلابی قلب را جلا میبخشد و دردهای داخلی را تسکین می دهد.

313. چون کسی به نماز ایستد ابلیس از روی حسد به او بنگرد چون می بیند نعمت خدا (سراپای) او را فرا گرفته.

314. بدترین کارها بدعتهای تازه است و بهترین کارها آن است که خدا از آن راضی باشد.

315. هر که دنیا پرستد و آنها را بر آخرت مقدم دارد عاقبتش وخیم است.

316. آب را به جای بوی خوش بکار برید.

317. هر که به داده خدا رضا دهد و راضی باشد تنش آسایش یابد.

318. آنکه زندگی را در کارهائی که موجب دوری از خداست بگذرانند زیان کرده.

319. اگر نماز گزار بداند چه جلالی از جانب خدا او را فرا گرفته دوست ندارد هرگز سر از سجده بردارد.

320. مبدا کار خیر را تاخیر اندازید تا بتوانید در انجامش پیشدستی کنید.

321. آن رزقی که مقدر است با ضعف و ناتوانی هم میرسد و آن بلائی که تقدیر شده چاره ندارد.

322. امر به معروف و نهی از منکر کنید و در مصیبت صابر باشید.

323. چراغ مومن معرفت ما است بدترین کور کسی است که فضائل ما را نبیند و بی جرم و گناه با ما دشمنی ورزد صرفاً برای اینکه ما او را به حق دعوت میکنیم و دیگران به فتنه و دنیا بیچاره دنیا و فتنه را میگزینند و نسبت به ما بیزاری میجوید و دشمنی میکند.

324. پرچم حق به دست ما است هر که به آن پناه برد سایه بر سرش افکند هر که به جانب آن شتابد رستگار شود هر که تخلف جوید هلاک گردد هر که از آن جدا شود سقوط کند و هر کس بدان چنگ زند نجات یابد.

325. من سالار مومنانم و مال سالار ستمگران.

326. به خدا جز مومن مرا دوست ندارد و جز منافق با من دشمنی نورزد.

327. هنگام ملاقات برادران مصافحه کنید و با خوشروئی و خرمی با هم مواجه شوید تا چون جدا شوید گناھانتان بریزد.

328. چون یکی عطسه کند بگوئید: یر حمکم الله او هم جواب دهد: یرحمک الله لکم و یرحمکم خدا فرموده: چون به شما درود گویند بهتر از آن جواب دهید یا همان را باز گوئید.

329. با دشمن دست بده و مصاحفه کن ولو او مایل نباشد این دستور خداست در قرآن فرموده : بدی را به بهترین وجه از خود بگردان آنگاه کسی که بینتان دشمنی بوده چون دوستی مهربان خواهد شد اما این رویه را جز مردان صابر و صاحبان بهره فراوان به کار نبندند.

330. کیفری بالاتر از این برای دشمن نیست که درباره او فرمان خدا را اطاعت کنی (و مرتکب گناهی نشوی) این بس که بینی دشمن بمعصیت خدا مشغول است.

331. دنیا دست به دست میگردد تو به نیکوترین وجه به دنبال بهره خویش باش تا نوبت برسد.

332. مومن بیدار و مترصد و بیمناک است همیشه منتظر یکی از دو خیر است (یا وصول به رحمت الهی در آخرت یا بهره مندی از لطف او در دنیا) از بلائی که مجازات گناه او است میترسد و به رحمت خدا امید وار است.

333. مومن از بیم و امید خالی نیست از کرده های خود بیمناک است از وعده های خدا غافل نیست و از تهدیدهای او ایمنی ندارد.

334. شما آباد کنندگان زمین اید خدا شما را جانشین امتهای گذشته کرده تا معلوم دارد چه میکنید؟ در کارهایی که خدا می بیند مراقب او باشید.

335. از شاهراه خارج نشوید مبادا دیگران بجای شما آنرا بپیمایند.

336. هر که عقلش کامل باشد نیک رفتار و دین نگهدار است.

337. برای رسیدن به آمرزش پروردگار و بهشتی که به پهنای آسمانها و زمین است سبقت گیرید که جز بوسیله تقوی به آن نمیرسید.

338. هر کس شیفته گناه شود از یاد خدا بی خبر ماند.

339. هر که از پیشوای بر حق دریافت وظیفه نکند خدا شیطانی بر او بگمارد که دست از او بر ندارد.

340. چرا مخالفان شما در گمراهی خود بصیرترند و در بذل ما سخاوتمندتر؟! این نیست جز برای اینکه شما به زندگی پست دنیا ساخته اید بظلم و ستم تن داده اید و بی ارزش دنیا بخل می ورزید در آنچه مایه عزت و سعادت و غلبه بر دشمن است کوتاهی و قصور دارید. نه از خدا شرم میکنید و نه به فکر خویشتن اید.

341. هر روز ستمی تازه میکشید و از خواب گران سربر نمیدارید و سستی شما تمام نمیشود.

342. نمی بینید! دین و دیار شما روز به روز فرسوده تر میشود و بغفلت میگذرانید؟ خدا به شما فرموده: ستمکاران را به پشتیبانی نگیرید که آتش شما را فرا گیرد و جز خدا یاوری ندارید و کسی به یاری شما بر نخیرد.

343. بچه ها را در شکم مادر نامگذاری کنید اگر نمیدانید پسر است یا دختر دو نام بر او بگذارید چه اگر سقط شود و نامی نداشته باشد در قیامت از پدر مواخذه کند پیغمبر (ص) جنین زهرا ص را پیش از تولد محسن نامید.

344. ایستاده آب نخورید که باعث درد بی درمان است مگر اینکه خدا علاج کند.

345. چون سوار چهارپا شوید نام خدا برید: بگوئید سبحان الذی سخر لنا هذا و ما کناله مقرنین و انا الی ربنا لمنقلبون.

346. هنگام حرکت برای سفر بگوئید: اللهم انت الصاحب فی السفر و الحامل علی الظهر و الخلیفه فی الاهل و المال و الولد.

347. چون در منزلی فرود آئید بگوئید: اللهم انزلنا منز لا مبارکاو انت خیر المنزلین.

348. چون برای خرید جنس به بازار روید بگوئید: اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله اللهم انی اعوذ بک من صفقه خاسره و یمین فاجره و اعوذ بک من بوار الایم.

349. کسی که پس از نمازی به انتظار وقت نماز دیگر در مسجد بنشیند زوار خدا محسوب میشود و بر خدا لازم است که زوارش را احترام کند و حاجتش را بر آورد.

350. آنکه به سفر حج یا عمره می‌رود همان خدا است و بر خدا لازم است که مهمانش را گرامی دارد و مشمول عفو خود قرار دهد.
351. هر که به کودک بی خبری شراب دهد که مستش کند خدا او را در چرک بدن زنان زناکار حبس کند تا از عهده جواب این جنایت برآید.
352. صدقه برای مومن سپر بزرگی است در برابر آتش و برای کافر مانع اتلاف مال است در دنیا عوض میگیرد مانع بلا است و در آخرت نصیبی ندارد.
353. دوزخیان را زبان در آتش افکنده.
354. نوریان را زبان نورانی کرده زبان را نگه دارید و به ذکر خدا مشغولش کنید.
355. پلیدترین کارها آنست که گمراهی آورد و بهترین دست رنج کار خیر است.
356. از صورتگری پرهیزید که روز قیامت بازخواست کنند.
357. اگر کسی خار و خاشاکی از تو دور کرد بگو خدا آنچه را نمیپسندی از تو دور کند.
358. اگر موقع بیرون آمدن از حمام برادرت گفت گوارا باد آب گرم (عافیت باشد) بگو : آسوده خاطر باشی.
359. اگر گفت درود خدا بر تو بگو درود خدا بر تو جایز بهشت باشد.
360. در راه قضای حاجت نکن.
361. تقاضا بعد از مدح و ثنا است اول مدح خدا گوئید بعد حاجت خواهید.
362. ای دعا کننده مطلب حرام و نشدنی درخواست مکن.
363. اگر خواستید میلاد پسری را به پدر تبریک گوئید بگوئید خدا این موهبت را مبارک کند او را نیرومند کند و احسان وی را قسمت تو نماید.

364. چون کسی از مکه باز گردد میان چشمانش را ببوس که به خانه خدا افتاده دهانش را بوسه ده که با آن حجرالاسود را بوسیده که پیغمبر (ص) هم بر آن بوسه زده پیشانی و صورتش را ببوس برای عرض تبریک بگو خدا حجت را قبول کند بر کوششت ترحم فرماید آنچه خرج کردی عوض دهد این سفر را آخرین زیارت قرار ندهد.

365. از فرومایگان بترسید اینها مردمی هستند که از خدا نمیترسند کشتن گان پیمبران و دشمنان ما در این طبقه اند.

366. خداوند متعال توجهی به زمین کرد و ما را انتخاب فرمود و برای ما هم شیعیانی گزید که ما را یاری کنند در شادی ما شاد باشند و در اندوه ما غمگین و مال و جانشان را در راه ما دریغ ندارند اینها از ما هستند و ما از اینهائیم.

367. هر یک از شیعیان ما که عملی بر خلاف دستور ما انجام دهد پیش از مرگ بلائی به جان یا مال یا اولادش برسد که از گناه پاک و هنگام لقای پروردگار گناهی نداشته باشد اگر باز چیزی مانده باشد در دم مرگ بر او سخت گیرند تا آمرزیده شود.

368. شیعیان ما چون بمیرند صدیق و شهید در شمار آیند چه ولایت ما را تصدیق کرده اند و در راه ما برای خدا و رسول دوستی و دشمنی کرده اند خدا فرموده: (آنها که به خدا و پیغمبر ایمان آرند آنان نزد خدا صدیقان (راستی پیشه گان) و شهیدان اند و اجر و نور خویش دارند)

369. بنی اسرائیل هفتاد و دو فرقه شدند این امت هفتاد و سه فرقه شوند و تنها یک فرقه بهشتی اند.

370. هر که سر ما را فاش کند خدا (حرارت) آهن را به او بچشانند.

371. نوزاد را روز هفتم ختنه کنید از سرما و گرما هم نترسید چه آنکه ختنه پاک کننده بدن است.

372. و زمین از بول ختنه نشده به خدا می نالد.

373. مستی چهار گونه است مستی شراب مستی ثروت مستی خواب و مستی سلطنت

374. هنگام خواب دست راست زیر گونه راست نهید کسی نمیداند از خواب برمیخیزد یا نه.
375. من دوست دارم مومن پانزده روز یک بار نوره بکشد.
376. ماهی کم بخورید که بدن را آب میکند بلغم را زیاد و خون را غلیظ مینماید.
377. سر کشیدن شیر ، خوردن شیر درمان هر دردی است بجز مرگ.
378. انار را با پیه آن بخورید که معده را دباغی میکند.
379. هر دانه انار که در معده قرار گیرد تا چهل شب دل را زنده کند و جان را از امراض امان بخشد و وسوسه شیطان را براند.
380. سرکه نان خورش خوبی است صفرا بر و حیات بخش قلب است.
381. کاسنی بخورید که در هر صبحگاه قطره ای شبنم بهشتی بر برگ آن مینشیند.
382. آب باران بخورید که بدن را پاک کند و مرض را براند خدا فرموده : (از آسمان باران فرود آورد تا شما را پاک کند و آلودگی شیطان را از جانتان دور کند و دلها را محکم و قدمها را استوار نماید)
383. سیاه دانه دوی هر دردی است مگر زهر آگین باشد.
384. گوشت گاو درد است.
385. و شیرش دوا
386. و روغنش شفا
387. برای زن آبستن دوا و غذایی بهتر از خرما ی تازه نیست خدای متعال به مریم فرمود : (درخت خرما را به جانب خود تکان ده خرما ی تازه برای تو فرو ریزد بخور و بنوش و چشم روشن دار)
388. با خرما کام نوزادان را بردارید پیغمبر (ص) با حسن و حسین (ع) چنین کرد.

389. چون کسی اراده کند با زن خود بیامیزد شتاب نکند زنان هم کارهائی دارند.
390. اگر کسی زن بیگانه ای دید که از او خوشش آمد با زن خویش همبستر شود که او هم خواسته او را دارد مبادا شیطان را بدل راه دهد چشم از نامحرم بگراند.
391. اگر زن ندارد دو رکعت نماز بگزارد و بسیار شکر خدا کند و صلوات بر پیغمبر ص فرستد سپس از فضل خدا طلب کند البته از رافت و مهربانی خود بی نیازش کند.
392. هنگام مباشرت با زن سخن کوتاه کنید که موجب گنگی (فرزند) است.
393. کسی بداخل فرج همسرش نگاه نکند ممکن است چیز ناپسندی به بیند علاوه باعث کوری (فرزند) است.
394. هنگام جماع بگویید: اللهم انی استحلک فرجها بامرک و قبلتها باماتک فان قضیت لی منها ولدا فاجعله ذکرا سويا و لا تجعل للشیطان فیہ نصیبا و لا شریکا.
395. اماله یکی از چهار درمان است پیغمبر (ص) فرمود: بهترین دارو اماله است شکم را بزرگ کند درد درون را برطرف نماید و بدن را نیرو دهد.
396. با بنفشه انفیة بسازید.
397. حجامت را از دست ندهید.
398. اول و نیمه ماه جماع نکنید که شیطان در فرزند شرکت میکند.
399. از نوره کشیدن و حجامت چهارشنبه اجتناب کنید که چهارشنبه روز نحس دائمی است و جهنم آنروز خلق شده.
400. در روز جمعه ساعتی است که هر که حجامت کند بمیرد.

(کتاب نصایح باب چهارصد از صفحه 373 تا 404)

از سفارشات مولا علی (ع) به کمیل

ای کمیل : برکت در مال کسی است که زکات بپردازد و به مومنان یاری و مواسات کند و به خویشان و بستگان صله و احسان نماید.

ای کمیل : هیچ درخواست کننده ای را بی بهره برمگردان هرچند به نصف حبه انگور یا نصف دانه خرمایی باشد که صدقه نزد خدای متعال می بالد و رشد می کند.

ای کمیل : نیکوترین زیور مومن فروتنی است و زیبایی او در پاکدامنی و عفت ورزیدن و شرف او فهم و دانائی (یا فقاہت و بصیرت در دین) و سربلندی او ترک حرفهای بیهوده و یاوه است.

ای کمیل : تنگدستی خود را به مردم ابراز مکن و با عزت و آبرومندی جهت نیل به ثواب الهی بر فقر و درویشی خود صبر کن.

ای کمیل : در همه حال حق بگو و با پرهیزکاران دوستی و از فاسقان دوری کن و از منافقان کناره بگیر و با خائنان معاشرت مکن.

ای کمیل : مومن آئینه مومن است زیرا در او می نگرد و دقت می کند و کمبودش را برطرف و وضعش را نیکو میسازد.

ای کمیل : مهم نیست که نماز میخوانی و روزه می گیری و صدقه می دهی . مهم آن است که نماز با دلی پاک و کرداری پسندیده نزد خدا و با خشوع و فروتنی درست باشد و بنگر در چه و بر چه نماز میخوانی اگر (آنها) از راه صحیح و حلال نباشد (نماز) پذیرفته نیست. (نصایح صفحه 391 الی 397)

مولا علی (ع) : در هر روزی که نافرمانی خدا نکنی (گناه نکنی) آن روز عید تو است. نهج البلاغه

حکمت 428

مولا علی (ع): اگر میخواهی سلامت باشی از حسادت ورزیدن دوری کن و حسادت نکن. نهج
البلاغه حکمت 256

مولا علی (ع): (مردی را در مرگ یکی از خویشاوندانشان چنین تسلیت گفت) مردن از شما آغاز
نشده و به شما نیز پایان نخواهد یافت. این دوست شما (منظور کسی که فوت شده است) به سفر می
رفت اکنون پندارید که به یکی از سفرها رفته اگر او باز نگردد شما به سوی او خواهید رفت. نهج
البلاغه حکمت 357

مولا علی (ع): هیچ کس شوخی بی جا نکند جز آنکه مقداری از عقل خویش را از دست بدهد. نهج
البلاغه حکمت 450

مولا علی (ع): عبرت ها چقدر فراوانند و عبرت پذیران چه اندک؟! نهج البلاغه حکمت 297

مولا علی (ع): حسادت بر دوست از آفات دوستی است. نهج البلاغه حکمت 218

مولا علی (ع): بزرگترین و سخت ترین گناهان گناهی است که گناهکار آن را کم و سبک شمارد.
نهج البلاغه حکمت 477

از امیر المومنین علی (ع) روایت شده که رسول خدا (ص) فرموده: خدا حرام کرده است بهشت را بر
هر فحاش بی آبرو و کم شرمی که باک ندارد از آنچه درباره کسی بگوید یا درباره اش بگویند ندارد
زیرا اگر بازرسی از حالش بکنی یا از راه زنا است یا از راه شرکت شیطان اصحاب عرض کردند: ای
رسول خدا (ص) آیا در میان مردم شرکت شیطان هم است (از راه اولاد)؟ فرمودند: بله آیا گفتار
خدای عزوجل را نخوانده ای که (به شیطان فرمود: (و شرکت کن با ایشان در مالها و فرزندان)
سوره اسراء آیه 64. اصول کافی جلد 4 صفحه 14 شرح: کسانی که بی باک پشت سر مردم
حرف میزنند (غیبت میکنند) یا فحاشی میکنند یا از راه زنا هستند یا از راه شرکت شیطان اصحاب

پرسیدند یا رسول الله از راه شرکت شیطان؟ فرمودند بله از راه شرکت شیطان مگر نخوانده ای سوره اسراء آیه 64 که خدا میفرماید: ای شیطان شرکت کن در مال و اولادشان.

مولا علی (ع): موسیقی و آوازه خوانی باعث فقر است و کسی که زیاد به صدای موسیقی گوش می دهد عاقبت به فقر و نداری مبتلا میشود. عین الحیوة صفحه 230

مولا علی (ع): هرکسی که از قبرستانی بگذرد مردگان به او می گویند: ای غافل اگر میدانستی (از احوال قبر و قیامت و) آنچه را که ما میدانیم هر لحظه گوشتهای بدنت از ترس و وحشت فرو می ریخت. ارشاد القلوب جلد 2 صفحه 229

نوف بکالی گوید در مسجد کوفه خدمت امیرالمومنین (ع) رسیدم و سلام کردم و ایشان جواب سلام را دادند گفتم یا امیرالمومنین (ع) پندی به من بدهید فرمود ای نوف خوبی کن تا با تو خوبی شود. گفتم یا امیرالمومنین (ع) باز هم بفرمایید: امام (ع) فرمود: رحم کن تا با تو رحم کنند (به مردم رحم کن تا آنها هم به تو رحم کنند). خوب بگو تا به خوبی یادت کنند. (سخن خوب و درست بگو تا تو را مردم به خوبی یاد کنند) از غیبت اجتناب کن و غیبت مکن که غیبت کننده خورشت سگهای دوزخ است. سپس فرمود: ای نوف دروغ گفته کسی که فکر می کند حلال زاده است و به غیبت کردن گوشت مردم را میجوید. دروغ گفته کسی که گمان دارد حلال زاده است و دشمن من و امامان از اولاد من است. دروغ گفته کسی که گمان دارد حلال زاده است و زنا را دوست دارد یا بر نافرمانی خدا در شب و روز دلیر است. (در شب و روز بی باک گناه میکند) ای نوف صله رحم کن تا خدا عمرت را زیاد کند (صله رحم با افراد مومن و دین دار) ای نوف خوش اخلاق باش تا حسابت را سبک گیرند. ای نوف اگر می خواهی روز قیامت با من باشی به ستمکاران کمک مکن. ای نوف هر که ما را دوست دارد روز قیامت با ما است و اگر مردی سنگی را دوست بدارد در قیامت با او محشور گردد (یعنی در این دنیا هر کسی را دوست داشته باشی و با کارهایش موافق باشی در قیامت با او محشور میشوی) ای نوف مبادا خود را در میان مردم خوب جلوه دهی و در پنهان و خلوت خدا را نافرمانی کنی (مبادا در میان مردم خود را انسان خوب و مومن نشان دهی ولی در خلوت و

تنهایی گناه کنی) تا آنکه خدا در روزیکه ملاقاتش می کنی رسوایت کند. ای نوف آنچه را که به تو
گفتم نگهدار و عمل کن تا به خیر دنیا و آخرت برسی . امالی شیخ صدوق مجلس 37 صفحه 209
الی 210

مولا علی (ع): تاریخ گذشتگان و آیندگان و برنامه زندگی شما در قرآن است. بحارالانوار جلد 92
صفحه 32

مولا علی (ع): روزی جابر (بن عبدا... انصاری) به حضرت علی (ع) عرض کرد: چگونه صبح کرده
اید؟ حضرت فرمودند: در حالی که به این همه گناه نعمتهای زیادی از پروردگارمان داریم و نمی
دانیم کدام یک را شکر بگذاریم (شکر کنیم) خویبهائی که برملا (پدیدار) می کند و زشتیهائی را
که از ما می پوشاند. تحف العقول صفحه 210

مولا علی (ع): مردی از امام علی (ع) سوال کرد: محبوبترین اعمال پیش خدا کدام است؟ امام (ع)
فرمود: انتظار فرج. بحارالانوار جلد 52 صفحه 122

مولا علی (ع) همواره می فرمود: اهل بهشت به جایگاه شیعیان ما به گونه ای که انسان به ستارگان
نگاه می کنند نظر می کنند. بحارالانوار جلد 8 صفحه 147 حدیث 77

مولا علی (ع): از غیبت پرهیز که غیبت کردن تو را با خدا و مردم دشمن می کند و اجر و پاداش
کارهای تو را از بین می برد. غررالحکم حدیث 2632

مولا علی (ع) فرمودند: خدای تبارک و تعالی به موسی (ع) گفت: سفارش مرا در چهار امر گوش
کن: 1. تا وقتی که گناهان خود را آمرزیده ندانی به عیوب دیگران نپرداز. (تا وقتی که مطمئن نشدی
گناهانت را بخشیده ام از دیگران عیب یابی نکن) 2. تا وقتی که می دانی گنج های من تمام نشده ،
غم روزی مخور. 3. تا سلطنت من بر جا است به دیگری امیدوار مباش. (در تمام امور امیدت به من
باشد و به کس دیگر امید نداشته باش) 4. تا شیطان نمرده از مکرش (وسوسه) آسوده مباش. (تا

وقتی که شیطان زنده است از وسوسه اش آسوده و راحت مباش (خصال الصدوق جلد 1 صفحه 206

مولا علی (ع): برنامه ریزی درست (اقتصادی) مال اندک را افزایش می دهد ، و برنامه ریزی نادرست مال فراوان را نابود میکند. غررالحکم

مولا علی (ع): هر روز را که نافرمانی خدا نکنی (گناه نکنی) آن روز عید تو است. نهج البلاغه حکمت 428

امام علی (ع): هیچ کس شوخی بی جا نکند ، جز آن که مقداری از عقل خویش را از دست بدهید. نهج البلاغه حکمت 450

مولا علی (ع): هیچ مالی سودمندتر از عقل نیست و هیچ عقلی چون تدبیر (تدبیر یعنی : ترتیب ، نظم ، سنجیده کاری ، کاردانی ، همه جوانب امری را با دقت سنجیدن و برنامه ریختن ، سپس آغاز کردن) نیست. نهج البلاغه

مولا علی (ع): بیچاره فرزند آدم! اجلش پنهان ، بیماریهایش پوشیده ! اعمالش همه نوشته ! پشه ای او را آزار می دهد ! جرعه ای گلوگیرش شده و او را از پای در می آورد ، و عرق کردنی او را بدبو سازد !!! نهج البلاغه حکمت 419

مردی خدمت امیرالمومنین (ع) آمد و عرض و کرد : سنت و بدعت و جماعت و فرقت را برایم توضیح دهید : فرمود : سنت روشی است که پیغمبر (ص) آنرا گذاشته و بدعت چیزی است که بعد از آنحضرت به وجود آمده و جماعت اهل حق هستند اگرچه کم باشند و فرقت اهل باطلند اگرچه بسیار باشند. اصول کافی جلد 2 صفحه 261

مولا علی (ع): تقوا در راس همه ارزش های اخلاقی است. نهج البلاغه حکمت 410

مردی از امام (ع) راجع به قول خدای تعالی : ((هر کس از هدایت من پیروی کند گمراه نشود و بدبخت نگردد)) (123 سوره 20) پرسید : حضرت فرمودند : یعنی هر کس به ائمه (ع) معتقد باشد و از فرمانشان پیروی کند و از اطاعتشان بیرون نرود. اصول کافی جلد 2 صفحه 279

مولا علی (ع) : هیچ بنده مزه ی ایمان را نمی چشد تا دروغ را ترک کند چه شوخی باشد و چه جدی. اصول کافی جلد 4 صفحه 37

مولا علی (ع) : نیکو ترین سیاستها اجرای عدالت است. الحیاء جلد 6 صفحه 606

مولا علی (ع) : شهرها با هیچ چیز بهتر از عدالت آباد نمیشود. الحیاء جلد 6 صفحه 611

مولا علی (ع) : پست ترین علم آن است که بر زبان بآیستد (عمل نشود) ، وبالاترین علم آن است که در اندامها آشکار گردد (عمل شود) نهج البلاغه

مولا علی (ع) : بشنوید و بفهمید و باور کنید و بعد به کار بیندید. اصول کافی جلد 4 صفحه 194

مولا علی (ع) : آن کس که علم خود را به کار نبندد ، چیزی نمی داند. غررالحکم حدیث 308

مولا علی (ع) : هر کس دامنه آرزوهایش گسترده باشد ، عملش کوتاه و ناچیز گردد. ارشاد شیخ مفید صفحه 144

مولا علی (ع) : هر کس خود رای شد (با کسی مشورت نکرد) به هلاکت رسید ، و هر کس با دیگران مشورت کرد ، در عقلهای آنان شریک شد. نهج البلاغه حکمت 161

مولا علی (ع) : انسان شکیا (صابر) ، پیروزی را از دست نمی دهد ، هر چند زمان آن طولانی شود. نهج البلاغه حکمت 153

مولا علی (ع): تقوا در راس همه ارزش های اخلاقی است. نهج البلاغه حکمت 410

مولا علی (ع): بزرگی پروردگار نزد تو، پدیده ها را در چشمت کوچک می نماید. نهج البلاغه حکمت 129 (کسی که خدا را شناخت، دیگر بزرگی در نظرش وجود ندارد)

مولا علی (ع): از خودراضی ابله است، و خود محور زیانکار. غرالحکم حدیث 48

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده: درهم و دینار (و دوستی آنها) آنان را که پیش از شما بودند هلاک کردند، و همان دو هلاک کننده شمايند. اصول کافی جلد 4 صفحه 4

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: جز این نیست که من بر شما از دو چیز می ترسم: پیروی هوای نفس، و درازی آرزو، اما پیروی هوای نفس پس همانا که از حق باز می دارد و اما درازی آرزو آخرت را فراموش سازد. اصول کافی جلد 4 صفحه 31

ابی مفرای خصاف در حدیث مرفوعی از امیرالمؤمنین علیه السلام حدیث کند که فرمود: هر کس خدای عزوجل را در نهان یاد کند (از جمله کسانی است که) ذکر خدا را بسیار کرده، زیرا منافقان را شیوه این بود که آشکارا (پیش مسلمانان) ذکر خدا می کردند ولی در نهان ذکر خدا نمی کردند، پس خدای عزوجل فرمود: ((خود نمائی کنند به مردم و یاد نکنند خدا را جز اندکی)) (سوره نساء آیه 142). اصول کافی جلد 4 صفحه 262

بکیر گوید: شنیده از امیرالمؤمنین علیه السلام که می فرمود: رسول خدا (ص) به من فرمود: ای علی آیا به تو بیاموزم کلماتی؟ هر گاه در ورطه (امری که خلاصی از آن دشوار باشد) یا بلائی افتادی پس بگو: ((بسم الله الرحمن الرحيم و لا حول و لا قوة الا بالله العظيم)) زیرا خدای عزوجل به برکت این دعا آنچه خواهد از اقسام بلا از تو دور کند. اصول کافی جلد 4 صفحه 363

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: خانه ای که در آن قرآن خوانده شود و ذکر خدای عزوجل (و یاد او) در آن بشود، برکتش بسیار گردد، و فرشتگان در آن بیایند و شیاطین از آن دور شوند، و برای اهل آسمان می درخشد چنانچه ستارگان برای اهل زمین می درخشد، و خانه ای که در آن قرآن خوانده نشود و ذکر خدای عزوجل در آن نشود برکتش کم شود، و فرشتگان از آن دور شوند و شیاطین در آن حاضر گردند. اصول کافی جلد 4 صفحه 413

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: رسول خدا (ص) فرمود: بنگرید: که با چه کسی هم صحبت هستید؟ زیرا هیچکس نیست که مرگش فرا رسد جز آنکه یارانش در پیش خدا برایش مجسم شوند، اگر از نیکان باشد نیکانند (و بدانها شاد شود) و اگر از بدان باشد بد هستند (و بدانند که بسرنوشت آنان دچار شود) و هیچکس نیست که بمیرد و هنگام مرگش برابر او مجسم نشود. اصول کافی جلد 4 صفحه 451

امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیث مرفوعی فرمود: هر کس چون عطسه کند دنبال آن بگوید: ((الحمد لله رب العالمین علی کل حال)) درد گوش و دندان نبیند. اصول کافی جلد 4 صفحه 475

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: چون عدی بن حاتم (که هم خود از بزرگان قبیله طی بوده و هم پدرش حاتم طائی معروف است) به پیغمبر (ص) وارد شد آنحضرت (ص) او را بخانه خود برد، و در خانه جز تیکه حصیری و بالشی از پوست چیزی نبود، رسول خدا (ص) آنها را برای عدی بن حاتم پهن کرد (و خود روی زمین نشست) اصول کافی جلد 4 صفحه 479

مولا علی (ع): لغزش و گناه انسان عاقل را با کنایه تذکر دادن برای او موثر تر و درد ناک تر است از سرزنش و توبیخ علنی. الحدیث جلد 3 صفحه 133

مولا علی (ع): پناه به خدا می برم از این که شرائطی پیش آید که عقل به خواب فرو رود و از راهنمایی و هدایت باز ماند و در نتیجه آدمی به زشت ترین گناهان و لغزش ها دچار گردد. الحدیث جلد 3 صفحه 136

مولا علی (ع): مصیبت دنیا عقل را فاسد می کند و گوش دل را از شنیدن مطالب حکیمانه ناشنوا میسازد. اگر علاقه به مال دنیا از حد مصلحت تجاوز نماید و به صورت تمایل عصبی درآید و مانند عشق سوزانی در نهاد آدمی مستقر شود و شخص را دلباخته و مجذوب خود سازد در نظر اولیاء گرامی اسلام ناپسند و مذموم است. چنین علاقه ای می تواند عقل را تیره کند دیده دل را نابینا و گوش دل را ناشنوا سازد و آدمی را به پرتگاه سقوط و تباهی بکشاند. الحدیث جلد 3 صفحه

149

مولا علی (ع): کسی که مرگ را با چشم یقین نگاه می کند آنرا نزدیک می بیند و کسی که با چشم آرزو می نگرد آنرا دور می بیند. الحدیث جلد 3 صفحه 202

مولا علی (ع): کسی که تو را به مطالب باطل خشنود سازد و به بازی و سخنان غیر واقعی گول بزند او حقایق را از تو پنهان داشته و درباره ات خیانت کرده است. الحدیث جلد 3 صفحه 212

مولا علی (ع): مرد با ایمان خود را در زحمت و رنج قرار میدهد و مردم در پرتوی وی در آسایش و راحتی به سر می برند. الحدیث جلد 3 صفحه 220

مولا علی (ع): قبل از تصمیم گرفتن برای انجام کاری، مشورت کن و پیش از انجام کاری فکر کن (به عاقبت آن). الحدیث جلد 3 صفحه 224

مولا علی (ع): بردباری و تانی (آرامش) مانند دو کودک یک شکمند و زائده همت عالی هستند یعنی در اثر همت بلند دو خوی پسندیده در آدمی آشکار می شود: بردباری 2- خود داری از شتاب زدگی. الحدیث جلد 3 صفحه 232

مولا علی (ع): پرهیز از رفاقت با کسی که اغفالت می کند و فریبت میدهد که سر انجام مایه خواری و هلاکت می شود. الحدیث جلد 3 صفحه 234

مولا علی (ع): در ضمن وصایای خود به حضرت امام حسن (ع) فرمود: فرزند عزیز در کارهای زندگی و امور عبادی میانه رو باش و از افراط پرهیز روشی را انتخاب کن که در حد و توان و طاقت تو باشد و بتوانی همیشه آنرا انجام دهی .
الحديث جلد 3 صفحه 263

مولا علی (ع): دو رویی و نفاق آدمی ناشی از حقارت و ذلتی است که در درون خود احساس مس کند .
الحديث جلد 3 صفحه 258

مولا علی (ع): تحقیقا گشایش و آزادگی در عدل است و کسی که محیط عدل و داد در نظرش تنگ آید عرصه جور و ستم بر وی تنگ تر خواهد بود .
الحديث جلد 3 صفحه 256

مولا علی (ع): خشونت و تندخویی نوعی دیوانگی است، زیرا تندخو و انسان خشمگین پس از آرام شدن و تسکین خاطر و به خود آمدن پشیمان می شود، اگر کسی پس از تندی و برانگیختگی و عصبانیت پشیمان نشد دیوانگیش ثابت شده است.
الحديث جلد 3 صفحه 270

مولا علی (ع): علم مایه زندگی و حیات است و ایمان باعث رستگاری و نجات. علم و دین به منزله دو بال نیرومندند که بشر را به اوج سعادت و کمال لایقش می رسانند. علم، آدمی را در راه ترقی و تعالی به پیش می راند و دین او را به صفات انسانی متصف می سازد. علم، آدمی را بر جهان طبیعت مسلط می کند و ایمان، وی را بر جهان درونی و هوای نفس مسلط می نماید.
الحديث جلد 3 صفحه 265

مولا علی (ع): از نعمتهایی که در اختیار دارید خوب استفاده نمایید پیش از آنکه شما را ترک گویند، چه آنکه نعمت های زودگذر از دست می روند و شهادت می دهند که صاحبانشان با آنان چگونه رفتار نموده اند.
الحديث جلد 3 صفحه 272

مولا علی (ع): دو چیز است که قدر و قیمتش را نمی شناسند مگر کسی که آن دو را از دست داده باشد، ۱- جوانی و ۲- تندرستی و عافیت.
الحديث جلد 3 صفحه 275

مولا علی (ع): آن کس که تمایلات و هواهای نفسانی اش بر عقلش مسلط شود، رسوائی هایش آشکار خواهد شد. الحدیث جلد 3 صفحه 285

مولا علی (ع): کسی که به اصلاح نفس خویش پردازد و هر چه زودتر خود را درمان ننماید بیماریش تشدید می شود و علاجش سخت تر می گردد و فاقد طبیب معالج خواهد شد. الحدیث جلد 3 صفحه 285

مولا علی (ع): شرف و فضیلت آدمی به همتهای بلند و اراده های نیرومند است نه به استخوانهای پوسیده و اجساد متلاشی شده در گذشتگان. در ایام جاهلیت در روزگار قبل از اسلام، مردم بی خرد به آباء و اجداد خود افتخار می نمودند و به جای آنکه به علم و دانش و به سعی و کوشش خویش تکیه کنند، به پدران مرده و اجداد در گذشته خود تکیه می کردند و آنها را پایه های اساسی افتخارات خود قرار می دادند، پیشوای گرامی اسلام در تعالیم عالیه خود با این روش غلط که عامل بزرگ بدبختی جامعه بود به شدت مبارزه کرد و با کوششهای پی گیر خود مردم را از مسیر نادرست اتکا به غیر برگرداند و به راه سعادت بخش اعتماد به نفس سوق داد. اسلام صریحاً به همه مردم خاطر نشان نمود که افتخار هر انسانی وابسته به اراده شخصی و همت عالی خود اوست. الحدیث جلد 3 صفحه 298

مولا علی (ع): برای آدمی دو فضیلت و برتری است. 1- عقل 2- منطق، با عقل خود استفاده علمی می کند و به درک حقایق نائل می گردد و با منطق معلومات خویش را برای دیگران بازگو می کند و آنان را بهره مند می سازد. خداوند، زبان و قلم را در دسترس بشر قرار داده تا دانشمندان از راه گفتن و نوشتن، علم خود را به دیگران منتقل کنند و نسلهای بعد، از نتایج معلومات و تحقیقات گذشتگان بهره مند گردند. و در واقع زبان و قلم به منزله ی دو پل ارتباط است که مغزهای نسل سابق را به نسل لاحق پیوند می دهد و دانش انسانها را که محصول عمر دانشمندان است از خطر نابودی محافظت می نماید. الحدیث جلد 3 صفحه 292

مولا علی (ع): قلبهای خود را از کینه‌های نهانی پاک کنید، چه آنکه یک بیماری مهلکی همانند وباست. الحدیث جلد 3 صفحه 300

مولا علی (ع): پیروی شهوت از تمام گناهان نیرومندتر است. به اطاعتش تن در ندهید که فکر شما را از خدا باز میدارد. الحدیث جلد 3 صفحه 325

مولا علی (ع): خداوند دوست دارد که مردم درباره هم خوب فکر کنند و خیر خواه یکدیگر باشند. الحدیث جلد 3 صفحه 336

مولا علی (ع): در نظر انسان شریف و کریم النفس، نیکو کاری و حسن عمل دینی است ذم او است و خویشتن را به اداء آن موظف می داند. الحدیث جلد 3 صفحه 332

مولا علی (ع): هوای نفس تو دشمن ترین دشمنان تو است، کوشش کن که بر آن غالب و پیروز گردی و گرنه تو را هلاک خواهد کرد. الحدیث، جلد 3، صفحه 384

مولا علی (ع): پرهیز از رفاقت با کسی که اغفالت می کند و فریبت می دهد که سرانجام مایه خواری و هلاکت تو خواهد شد. الحدیث جلد 3 صفحه 383

مولا علی (ع): لازم است از اختلافات و تفاوتهای طبیعی بشر استفاده شود و هر کس را مطابق استعداد درونی و ساختمان فطریش پرورش دهند، تا جامعه از تمام ذخائر خداداد که در نهاد آدمیان به ودیعه گذارده شده، استفاده نماید. الحدیث، جلد 3، صفحه 385

مولا علی (ع): پیروی از هوای نفس و اطاعت از تمنیات ناسنجیده در مورد زنان، از خلق و خوی مردان احمق است. الحدیث، جلد 3، صفحه 393

مولا علی (ع): طفل یتیم را مانند فرزند خودت تربیت کن و هر دو را به طور یکسان از وسایل

پرورش و برنامه‌های تأدیب بهره مند نما. الحدیث، جلد 3، صفحه 400

حبیب بن ابی ثابت می گوید: مقداری غسل به بیت المال آوردند. حضرت علی (ع) دستور داد یتیمان را حاضر کردند. در موقعی که غسل را بین مستحقین تقسیم می فرمود خود شخصاً به دهان یتیمان غسل می گذارد. عرض کردند این عمل برای چیست؟ حضرت علی (ع) فرمود: امام پدر یتیمان است، غسل به دهان یتیمان می گذارم و به جای پدران از دست رفته آنها عطوفت پدری می کنم. الحدیث، جلد 3، صفحه 398

مولا علی (ع): با ترک گناهان بر نفس سرکش خود غلبه کنید تا عنانش را در دست گیرید و به آسانی در راه اطاعتش بکشانید. الحدیث جلد 3 صفحه 304

مولا علی (ع): عقل شمشیر برانی است، از آن استفاده کنید و با هوای نفس خود بجنگید. الحدیث جلد 3 صفحه 308

مولا علی (ع): آنکس که به حساب نفس خود رسیدگی کند بر عیوب و نواقص خویش آگاه می شود و از گناهان خود مطلع می گردد، در آن موقع است که می تواند خویش را درمان کند، گناهان را ترک گوید، و عیوب خود را اصلاح نماید. الحدیث جلد 3 صفحه 309

مولا علی (ع): بهترین و بزرگترین جنگ و مبارزه این است که آدمی با نفس سرکش خود پیکار نماید. الحدیث جلد 3 صفحه 308

علی (ع): ارزش شخصیت هر فردی وابسته به روشی است که اتخاذ می کند، اگر نفس خود را از پستی و دنائت بر کنار نگاهداشت به مقام رفیع انسانی نائل می شود و اگر عزت و حیثیت معنوی خویش را ترک گفت به پستی و ذلت می گراید. الحدیث جلد 3 صفحه 318

مولا علی (ع): کسانی که شخصیت و شرف معنوی دارند شهوات و تمایلات نفسانی در نظر آنها

پست و کوچک است . الحدیث جلد 3 صفحه 317

مولاعلی (ع) : خداوند دوست دارد که مردم درباره هم خوب فکر کنند و خیر خواه یکدیگر باشند
الحدیث جلد 3 صفحه 336 .

مولاعلی (ع) می فرمایند : کسی که جان خود را از زشتیهای اخلاقی پاک نسازد عادات ناپسندش
اورا رسوا خواهد ساخت. الحدیث جلد 3 صفحه 174

مولاعلی می فرمایند: اگر طالب نجات ورستگاری هستید بی خبری و غلفت را ترک گوید و پیوسته
ملازم کوشش و جهاد باشید. الحدیث جلد 3 صفحه 173

مولاعلی (ع) به فرزندش امام حسین (ع) می فرمایند : نفس خویش را بین خود و مردم میزان قرار بده،
آنها برای مردم دوست بدار که برای خود دوست می داری ، درباره دیگران به چیزی بی میل باش که
نسبت به خود بی میلی (آنچیزی را که برای خود نمی خواهی برای دیگران هم نخواه) به مردم ستم
نکن همانطور که نمی خواهی به تو ستم شود ، به مردم نیکی کن همانطور که مایلی درباره ات نیکی
کنند ، از خودت قبیح شناس چیزی را که از دیگران قبیح می شناسی . الحدیث جلد 3 صفحه
193

مولاعلی (ع) می فرمایند: مردم در روشهای اخلاقی و صفات اجتماعی، به حکومت های خود بیشتر
شباهت دارند تا به پدران خویش. الحدیث جلد 3 صفحه 189

مولاعلی (ع) : به خدا اگر شب را تا صبح مرا روی خارهای تیز و برنده مقلان در حالی که دست و
پای مرا غل و زنجیر بسته اند به این سو و آن سو بکشند ، نزد من بهتر است از اینکه در قیامت ، خدا و
رسولش را ملاقات نمایم با وضعی که پاره یی از بندگان خدا ستم نموده و چیزی از اموال این و آن را
غصب کرده باشم. الحدیث جلد 3 صفحه 152

به حضرت علی (ع) عرض شد : معنی آمادگی برای مرگ چیست؟ امام می فرمایند : انجام واجبات، ترک محرمات، و فراگیری مکارم اخلاق، انسان واجد این مزایا ترس ندارد از اینکه او در آغوش مرگ رود یا مرگ او را در بر گیرد.

الحديث جلد 3 صفحه 199

مولا علی (ع) می فرمایند : شجاع ترین مردم کسی است که بر تمایلات (نفسانی) خود مسلط باشد .

الحديث جلد 3 صفحه 195

مولا علی (ع) می فرمایند : شایسته است انسان عاقل ، خویشتن را از مستی ثروت و قدرت از مستی علم و دانش از مستی تمجید و تملق و از مستی جوانی مصون نگه دارد. زیرا هریک از این مستی ها بادهای مسموم و پلیدی دارد که عقل را زائل می کند و آدمی را خفیف و بی شخصیت می نماید.

الحديث جلد 3 صفحه 159

مولا علی (ع) می فرمایند : در ضمن حدیث مفصلی دریان علائم مومن فرموده اند: مومن در مقام داوری ستم نمی کند، و در آنچه می داند ظلم نمی نماید، ایمان به خدا آمده اش را آنچنان نیرومند نموده که گوئی روانش از سنگ سخت محکمتر است، حجب و حیا ایمانی شهوتش را مهار نموده و راه سرکشی و تجاوز را بر او بسته است، مودت و محبت روحانی بر حسدش غلبه کرده و به کسی رشک نمی برد خصلت عفو و اغماض اخلاقی حسن و کینه توزی و انتقام جویی را در مرامش خاموش نموده است.

الحديث جلد 3 صفحه 163

مولا علی (ع) می فرماید: سرلوحه کتاب سعادت بشر ملکات پاک و سجایای اخلاقی اوست .

الحديث جلد 3 صفحه 163

مولا علی (ع): ای فرزند آدم تو در اموال خود وصی نفس خویشتن باش و آنچه را که دوست داری دیگران بعد از تو در مالت انجام دهند تو خود در ایام زندگیت انجام ده .

الحديث جلد 3 صفحه

مولا علی (ع): کسی که ریشه خانوادگی‌ش شریف است در حضور و غیاب و در هر حال دارای فضیلت و صفات پسندیده است .
الحديث جلد 3 صفحه 366

از وصایای علی (ع): به فرزندش امام حسن (ع) این بود که می فرمود: ناخوشی دروغ‌گویی از تمام ناخوشیها قبیح تر و ناپسند تر است .
الحديث جلد 3 صفحه 373

علی (ع): در ضمن نامه خود به امام حسن (ع) فرمود: عقل حفظ تجربیت زندگی است .
الحديث جلد 3 صفحه 373

مولا علی (ع): به کار بستن عقل مایه هدایت و نجات انسانها است و سرکوب کردن عقل باعث گمراهی و سقوط آدمیان است .
الحديث جلد 3 صفحه 378

مولا علی (ع): ننگ رسوائی و شیرینی لذت را تیره و تار میسازد .
الحديث جلد 3 صفحه 128

مولا علی (ع): اگر کار کردن مایه زحمت و خستگی است ، بیکاری دائم نیز باعث نادرستی و فساد است .
الحديث جلد 3 صفحه 28

مولا علی (ع): لذتهایی که باعث ندامت و پشیمانی می شوند و شهوتهایی که درد و رنج به بار می آورند فاقد خیر و خوبی هستند .
الحديث جلد 3 صفحه 129

مولا علی (ع): عجب دارم از آنکسی که عواقب بد لذت های مضر را میداند و چگونه از آنها دست نمی کشد.
الحديث جلد 3 صفحه 128

مولا علی (ع): خویشتن را از آلودگی لذات پلید و عوارض بد شهوات منزّه و پاک نگه دارید
الحديث جلد 3 صفحه 127 .

مولا علی (ع): از توبیخ و سرزنش مکرر گناه کار پرهیز کن چرا که تکرار سرزنش ، گناهکار را در اعمال نا پسندش جری و جسور میکند ، به علاوه ملامت را پست و بی اثر می سازد . الحدیث جلد 3 صفحه 126

امام علی (ع): موقعی که جوانی را به سبب گناهای که مرتکب شده است نکوهش و سرزنش می کنی مراقب باش که قسمتی از لغزشهای او را نادیده گیری و از تمام جهات مورد اعتراض و توبیخش قرار ندهی تا جوان به عکس العمل وارد نشود و نخواهد از راه عناد و لجاجت بر شما پیروز گردد . الحدیث جلد 3 صفحه 125

مولا علی (ع): بهره ی تو از عقلت همین بس که راههای ضلالت را از هدایت روشن می سازد . الحدیث جلد 3 صفحه 122

مولا علی (ع): هر آن علمی که مورد تایید و امضاء عقل نباشد گمراهی و ضلالت است . الحدیث جلد 3 صفحه 121

مولا علی (ع): در ضمن وصایای خود به امام حسن مجتبی (ع) فرموده است : از مراکز بد نام پرهیز ، از مجالسی که مورد سوء ظن است دوری کن و بدانکه رفیق بد دوست خود را فریب می دهد و میل او را به کارهای ناپسند تحریک می کند و سرانجام آلوده اش می سازد . الحدیث جلد 3 صفحه 116

مولا علی (ع): در ضمن وصایای خود به حضرت حسین (ع) فرمود : خوشبخت و رستگار کسی است که علم و عملش ، دوستی و دشمنیش ؛ گرفتن و رها کردنش ، سخن گفتن و سکوتش ، رفتار و گفتارش ، تنها بر اساس رضای الهی استوار باشد و بر خلاف امر پروردگار قدمی بر ندارد . الحدیث جلد 3 صفحه 115

مولا علی (ع): سخن حق را از گمراهان و اهل باطل فرا گیرد و سخن باطل را از اهل حق نیاموزید و

مانند صرافهای پول شناس نقاد باشید و سکه قلبی را از سکه حقیقی تشخیص دهید . الحدیث جلد 3 صفحه 115

مولا علی (ع): گفتار حکیمانه را از هر کس یاد بگیرید ، ولو که گوینده ی آن از نظر مذهبی گمراه باشد . الحدیث جلد 3 صفحه 114

مولا علی (ع): گفتار صحیح را از هر که که است قبول کنید. الحدیث جلد 3 صفحه 114

تایید قرآنی این حدیث آیه 18 سوره زمر : آنانکه میشوند گفتار را و پیروی میکنند نیکوترین آنها را و عمل می کنند به گفتاری که راهنمای به حق است آن گروهند که راه نمود ایشان را خدا و آن گروهند صاحبان حق.

مولا علی (ع): چه عجیب و حیرت آور است کار بشر ؛ اگر در موردی امیدوار باشد طمع خوارش خواهد کرد ؛ اگر طمع او را به جنبش آورد ، حرص هلاکش می کند اگر دچار ناامیدی شود غصه و غم او را میکشد ؛ اگر به خوشبختی و سعادت رسد نگاهداری آنرا فراموش می کند ، اگر دچار خوف و هراس شود از ترس حیرت زده می گردد ؛ اگر در گشایش امنیت قرار گیرد غافل می شود ؛ اگر نعمت بر او تجدید شود دچار گردن کشی و بلند پروازی می گردد ؛ اگر دچار مصیبتی شود تاثر و حزن او را رسوا می کند ، اگر ثروتی به دست آورد دچار طغیان مالی می گردد ؛ اگر فقر گریبان گیرش شد غرق اندوه می شود ، اگر دچار تعب و گرسنگی شد از ناتوانی زمین گیر می گردد ؛ و اگر در خوردن زیاده روی کند از فشار شکم ناراحت می شود ، پس کندرویها در زندگی بشر مضر است و تندرویها نیز مایه ویرانی و فساد ، هر خیری را شری و هر نویی را نیشی است . الحدیث جلد 3 صفحه 111

مولا علی (ع): آداب و رسوم زمان خودتان را با زور و فشار به فرزندانان تحمیل نکنید زیرا آنان برای زمانی غیر از زمان شما آفریده شده اند . الحدیث جلد 3 صفحه 110

حضرت علی (ع): عدل سپری است که کشور را از حوادث نامطلوب و ویرانی و سقوط مصون می دارد. عدل بهشتی است که همواره ثابت و پایدار است. الحدیث جلد 3 صفحه 20

مولا علی (ع): در عهدنامه مالک اشتر فرموده است: حاکم بر هوای نفسانی و تمایلات خود باش، و در انجام خواهشهای غیر مشروع نفس خویش بخل کن، زیرا با بخل به تمایلات نفسانی خویشتن، به عدل موفق می شوی و به آنچه مایلی یا بی میلی، میتوانی منصفانه عمل کنی. دل خود را به وظیفه رحمت و محبت نسبت به مردم آگاه کن و درباره آنان مهربان باش. مبدا روش معاشرت با مردم مانند جانور درنده ای باشد که خوردن آنها را غنیمت بشمری. الحدیث جلد 3 صفحه 14

حضرت علی (ع): زاهدان در دنیا گروهی میباشند که پند داده میشوند و پند میگیرند و ترسانده میشوند و میترسند، دانشمند میشوند و عمل به دانش خویش میکنند، اگر در آسایش و راحتی قرار گیرند سپاسگذاری کنند و اگر در تنگنای سختی قرار گیرند صبر و شکیبایی کنند. ارشاد القلوب جلد 1 صفحه 35

به مولا علی (ع) عرض کردند: ای جانشین رسول خدا (ص) ما امر به معروف نمی کنیم تا خودمان عمل به آن کنیم و نهی از منکر نمی کنیم تا تمام آنها ترک نکنیم، حضرت فرمود: نه، بلکه شما امر به معروف کنید اگرچه به تمام گفته های خود عمل نمی کنید و نهی از منکر کنید اگرچه تمام آنچه را که نهی می کنید عمل نمی کنید. ارشاد القلوب جلد 1 صفحه 35

مولا علی (ع): بیاموزید هرچه میخواهید، همانا شما بهره ای نمی برید (از علم تان) مگر اینکه عمل به علمتان کنید، بواسطه اینکه همت علماء عمل است و همت سفیهان یاد گرفتن. ارشاد القلوب جلد 1 صفحه 35

مولا علی (ع): همانا مردم طلب علم و دانش را ترک کردند، به واسطه آنچه که از عالم بی عمل دیدند. ارشاد القلوب جلد 1 صفحه 37

مولا علی (ع): دنیا آخرین دیدگاه و هدف کوردل است ، کوردل جز دنیا چیزی نمی بیند ، ولی روشن دل بینا دیده اش را باز میکند و میداند که در پس این دنیا سرای آخرت است ، بینا از دنیا دوری میکند ، اما کوردل به سوی دنیا میشتابد ، انسان بینا و دانا از دنیا توشه نیک برای آخرت جمع میکند ، و کوردل برای دنیایش توشه جمع میکند. ارشاد القلوب جلد 1 صفحه 46

مولا علی (ع): زهد در دنیا کوتاهی ایده ها و آرزوها و سپاسگذاری بر نعمتها و دوری از محرمات است ، اگر این خصلت از شما دور شد زینهار که حرام بر صبر شما پیروز شود و مبادا آنکه سپاسگذاری را در وقت نعمت فراموش کنید ، زیرا که خدای تعالی به واسطه پیامبران و امامان که حجت‌های آشکارايند (که پابرجا هستند) و نیز به وسیله کتابهای آسمانی روشن و ظاهر ، عذری برایتان باقی نگذاشته است. ارشاد القلوب جلد 1 صفحه 47

مولا علی (ع): ای گروه مردمان همانا دنیا جایگاه گذر و عبور است اما آخرت خانه ثابت و پابرجاست ، پس از این دنیا به نفع آخرت خویش کار نیک انجام دهید پیش از آنکه شما را از این دنیا بیرون برند ، قلبهای خویش را از این دنیا خارج کنید زیرا که شما برای سرای آخرت آفریده شده اید ولی در دنیا زندانی شده اید همانا مرد هنگامی که بمیرد فرشتگان گوید چه چیز پیش از خود فرستاد (چه کار یا اعمالی برای آخرت خود انجام داد) ولی مردم گویند از او چقدر ثروت و مال باقی مانده است، پس به سوی خداست برگشت شما ، چیزی پیش از مرگ برای آخرت خود بفرستید که به نفع شما باشد ، نه آن که چیزی بفرستید که بر ضرر و زیان شما باشد ، همانا دنیا مانند زهر است که نادان آنرا میخورد. ارشاد القلوب جلد 1 صفحه 47

مولا علی (ع): چه می کند با مال و فرزند کسی که از دنیا بیرون میرود (می میرد) و بر آنها حسابش را می کشند ، برهنه وارد دنیا شدید و برهنه از آن بیرون می شوید ، همانا دنیا پلی است از آن بگذرید ، آن را پشت سر اندازید. ارشاد القلوب جلد 1 صفحه 47

مولا علی (ع): بدبخت ترین مردم کسی است که بر او گرد آید تهیدستی دنیا و عذاب و مجازات

آخرت. ارشاد القلوب جلد 1 صفحه 48

مولا علی (ع): پارسایان در دنیا پادشاهان آخرت و دنیايند ، آن کس که در دنیا پارسا نباشد و ميل به دنیا کند فقير دنیا و آخرت است ، هر کس در دنیا پارسایی کند مالک دنیا گردد و هر کس ميل به دنیا کند ، دنیا او را مالک شود. ارشاد القلوب جلد 1 صفحه 48

مولا علی (ع) فرمود : به خدا سوگند آن قدر اين لباس را وصله و پينه زدم ، که از آنکه آنرا وصله میکرد خجالت کشيدم و کسی به من گفت يا علی اين لباس را دور نمی اندازی . ارشاد القلوب جلد 1 صفحه 48

حضرت علی (ع): طالب دنیا مانند کسی است که با مشّت آب را برداشته و از میانه انگشتانش می ریزد. ارشاد القلوب جلد 1 صفحه 57

مولا علی (ع) در تفسیر گفته خدای تعالی (ولا تنس نصيبك من الدنيا) (و فراموش مکن بهره خویش را از دنیا) (سوره قصص آیه 77) فرموده است : فراموش مکن تندرستی ، نیرو ، جوانی ، بی نیازی ، آمادگی خود را فراموش مکن که به فکر آخرت باشی و آن سرای را طلب کنی. ارشاد القلوب جلد 1 صفحه 62

مولا علی (ع): خدای تعالی همانا گرفتار میکند بندگانش را وقتی که گناهشان طولانی شد به کمی میوه ها و حبس برکتها و بستن درهای گنجینه های خوب را تا توبه کنند و برگردد و خودداری از گناه کند و معصیت را ریشه کن نماید و به یاد خدا بیفتد یاد کننده و خویشان را مانع از گناه شود ؛ همانا خدا استغفار و طلب آمرزش را سبب از برای آمرزش و فزونی رزق و رحمت از برای آفریدگان قرار داده. ارشاد القلوب جلد 1 صفحه 80

حضرت امام علی (ع) در طی خطبه ای بعد از ستایش خدا فرمود : همانا دنیا پشت کرده به اهلش و به جدایی آنها اعلان کرده و همانا آخرت رو آورده است و نزدیک شده آگاه باشید که امروز روز

آماده شدن و فردا روز پیشی گرفتن ، پیشی گرفتن به سوی بهشت و پایانش آتش است پس آیا توبه کننده ای از گناه پیش از مرگ نیست و آیا نیست کسی که پیش از رسیدن سختی و بدبختی برای نجات خویشتن چاره ای کند ، آگاه باشید شما در روزگار و امید باشید که پشت سر این روز مرگ است و بس ، پس هرکس در روزگار امیدواریش پیش از رسیدن مرگش کاری کرد ، کردارش او را بهره بخشد مرگش زبانی به او نرساند و هرکس در روزگار پیش از مرگ کوتاهی کند ، کردارش زیان آورد و هلاکش کند و مرگ زیان آورد. آهای هنگام راحتی عمل و (کار خیر) کنید ، همانطور که هنگام ترس و بیم عمل میکنید ، آگاه باشید که همانا من طالبی را مانند بهشت خوابیده (در حال غفلت) ندیدم و عذابی را مانند دوزخ ندیدم که گریزان از آن در خواب غفلت باشد ، هرکس که حق به او فایده نرساند مسلم باطل به وی زیان خواهد رساند و هرکس به واسطه حق به راه راست نیامد گمراهی او را به سوی پستی و هلاکت برگرداند. آگاه باشید که همانا شما مامور به کوچ کردن و حرکت و راهنمایی به توشه برداشتن شده اید و همانا دو چیز مهم است که بر شما ترسان و بیمناک هستم : یکی پیروی هوای نفس و دیگری آرزوی دراز ، پس از دنیا (توشه نیک) بگیرید ، در همین دنیا چیزی را که در قیامت شما را نجات دهد بگیرید. ارشاد القلوب جلد 1 صفحه 85

مولا علی (ع): به دنیا مانند نگاه پارسایانی که دوری از آن کرده اند نگاه کنید ، زیرا که به خدا سوگند دنیا به زودی ساکنانش را نابود میکند و صاحبان نعمت را غمگین و افسرده خاطر میسازد آنچه که از دست انسان گرفته شده بر نمی گردد و از آینده دنیا خبر ندارد ، باید انتظار داشت که شادمانی دنیا آمیخته به غمهاست ، نیرو و قدرت مردان دنیا به سستی و ناتوانی میرسد. ارشاد القلوب جلد 1 صفحه 86

مولا علی (ع): کسی که بداند برگشت او به مرگ است ، جایگاه ورودش قبر است ، در حضور پروردگار می ایستد و اعضای بدنش بر کردارش گواهی می دهند ، اندوهش طولانی و گریه اش فراوان و اندیشه و فکرش همیشگی میگردد. ارشاد القلوب جلد 1 صفحه 120

حضرت مولا علی (ع): شنید که مردی می گوید (استغفرالله) ، سپس فرمود : ساکت شو مادرت به

عزایت بنشیند ، تو حد و اندازه استغفار را میدانی ؟ استغفار درجه و جایگاه علین و بلند پایگانست و شش شرط دارد : 1. پشیمانی بر افعال و کردار گذشته . 2. تصمیم اینکه دیگر برگشت به آن کردار ناپسند نکنی . 3. حقوق مردم را بدهی تا خدا را پاک و پاکیزه ملاقات کنی . 4. هر واجبی که انجام نداده ای قضایش را به جای آوری . 5. گوشتی که از حرام و معصیت روییده بر بدنت ، قصد کنی که به ناراحتی عبادت آبش کنی . 6. بچشانی بدنرا الم و زحمت اطاعت را همانطوریکه شیرینی گناه و معصیت را چشانده ای . ارشاد القلوب جلد 1 صفحه 116

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: پادشاهی نیست که خدا به او قدرت و سلطنت و نعمت عطا کند و سوء استفاده از قدرت نماید و بر بندگان ستم کند مگر اینکه خدا سلطنت را از او زوال بیاورد مگر نمی بینی گفته ی خدای تعالی را که میفرماید : «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» «سوره رعد آیه 11» همانا خدا نعمت مردمی را عوض نمیکند تا زمانی که مردم خود را عوض کنند و نافرمانی خدا کنند. ارشاد القلوب جلد 1 صفحه 167

حضرت امیر المؤمنین علی (ع) فرمود : از شیعیان و پیروان من نیست کسی که مال مؤمن را بعنوان حرام بخورد. ارشاد القلوب جلد 1 صفحه 163

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام به ابی ذر فرمود: همیشه دلت را وادار بفکر کردن و زبانت را مأمور ذکر گفتن خدا و تنت را وادار بعبادت و چشمت را مأمور گریه کردن از خوف خدا کن و روزی فردا را اهمیت مده و همیشه در مسجدها باش که همانا آباد کنندگان مساجد اهل خدایند، و بویژه آنان که در مسجدها قرآن می خوانند و عمل به آن میکنند. حضرت علی (ع) فرمود : جوانمردی در شش چیز است سه تای آن در سفر و سه ی دیگر در حضر است آن سه که در حضر است: خواندن قرآن، آباد کردن مسجد و مردم را برادر گرفتن در راه خدا، و اما آن سه که در سفر است بخشیدن زاد و توشه به همراهان، اخلاق نیکو، خوش رفتاری با همراهان. خدای تعالی فرموده است مسلم اعلان جنگ با من کرده است کسی که اذیت کند یا بترساند مؤمنی را. و چنین بود عیسی بن مریم که میفرمود: ای گروه همراهان من خویشتن را دوست خدا کنید بوسیله دشمن داشتن اهل

معصیت و بخدا نزدیک شوید با دوری از (اهل معصیت) و رضای خدا را بدست آورید در خشمگین شدن با آنها (اهل معصیت) و هر گاه می نشینید با کسی هم نشینی کنید که در مجالست آنان کردار نیک شما از سخنان او زیادتیر شود و دیدنش شما را بیاد خدا اندازد و مایل بآخرت کند شما را عمل آن کس . ارشاد القلوب جلد 1 صفحه 189

مولا علی (ع) فرمود : خدای سبحان فرموده است هر گاه کسی که معرفت به من دارد و نافرمانی مرا بکند من هم بر او چیره گردانم کسی را که مرا نشناسد. ارشاد القلوب جلد 1 صفحه 204

مولا علی (ع) : دنیا خواب و خیالست و آخرت بیداریست و ما در بین دنیا و آخرت خواب و بیدار هستیم. ارشاد القلوب جلد 1 صفحه 204

از مولا علی (ع) از معنی پارسائی پرسیده شد فرمود: زاهد کسی است که بیش از قوت روزانه اش نخواهد و آماده ی برای مرگ باشد. ارشاد القلوب جلد 1 صفحه 204

مولا علی (ع) فرمودند : که همانا دشمن من حاجتش را از من میخواهد و من هم حاجت او را بزودی بر آورم از ترس اینکه مبدا دیگری حاجت او را بر آورد یا اینکه او بی نیاز شود و ثوابش از من فوت شود. ارشاد القلوب جلد 1 صفحه 204

مولا علی (ع) : مؤمن سخنش ذکر است ، سکوتش فکر است و نگاهش عبرت است. ارشاد القلوب جلد 1 صفحه 204

از مولا علی (ع) از معنی پارسائی پرسیده شد فرمود: زاهد کسی است که بیش از قوت روزانه اش نخواهد و آماده ی برای مرگ باشد. ارشاد القلوب جلد 1 صفحه 204

حضرت امیر المؤمنین فرموده است همانا خدا را بندگانی است که دلهایشان از خوف خدا شکسته بطوری که هیچ سخن نمیگویند با اینکه آنان سخنسرایان فصیح میباشند، نجیب مردانند که بسوی

اعمال شایسته پیشی می گیرند با اینکه مردان شایسته اند خود نمائی بشایستگی نمیکنند کردار نیک زیاد دارند ولی اندک می شمارند و خویشان را از بدان می شمارند با اینکه از خوبانند. ارشاد القلوب جلد 1 صفحه 232

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرموده: هیچ مؤمنی روز و شب را سپری نمیکنند مگر اینکه نفسش در پیش او متهم است به گمانهای بد و او را بشک و تردید می اندازد. ارشاد القلوب جلد 1 صفحه 239

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام به کمیل بن زیاد نخعی فرمود گوشه گیری اختیار کن خویش را مشهور مگردان و شخصیت خود را از مردم پنهان بدار نام خود را بر سر زبانها مینداز بیاموز و عمل کن، خاموش باش که سلامت بمانی ، خوبان را شاد و شادمان کن گرچه فاجران خشمگین شوند و با کی بر تو نیست هر گاه احکام دین خویش را آموختی مردم ترا نشناسند یا تو آنان را نشناسی. و هر کس همیشه دلش در فکر و اندیشه و زبانش بذکر خدا مشغول باشد دلش را از ایمان و رحمت و حکمت و نور پر کند و همانا اندیشه کردن و عبرت گرفتن از دیگران از دل مؤمن سخنان حکمت آمیز بیرون آورد که دانشمندان میشنوند خوشنود میشوند و خردمندان فروتن میگردند و حکیمان در شگفت آیند. ارشاد القلوب جلد 1 صفحه 242

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام به کمیل بن زیاد نخعی فرمود گوشه گیری اختیار کن خویش را مشهور مگردان و شخصیت خود را از مردم پنهان بدار نام خود را بر سر زبانها مینداز بیاموز و عمل کن، خاموش باش که سلامت بمانی ، خوبان را شاد و شادمان کن گرچه فاجران خشمگین شوند و با کی بر تو نیست هر گاه احکام دین خویش را آموختی مردم ترا نشناسند یا تو آنان را نشناسی. و هر کس همیشه دلش در فکر و اندیشه و زبانش بذکر خدا مشغول باشد دلش را از ایمان و رحمت و حکمت و نور پر کند و همانا اندیشه کردن و عبرت گرفتن از دیگران از دل مؤمن سخنان حکمت آمیز بیرون آورد که دانشمندان میشنوند خوشنود میشوند و خردمندان فروتن میگردند و حکیمان در شگفت آیند. ارشاد القلوب جلد 1 صفحه 242

حضرت علی علیه السلام به قبر میفرمود: مژده باد تو را و تو هم بدیگران مژده ده بآنها بگو بدیگران مژده دهند که بخدا سوگند رسول خدا از دنیا رفت و او بر تمام امتش خشمگین بود غیر از گروه شیعیان آگاه باشید که برای هر چیزی پیشوائیست و پیشوای زمینها زمینست که شیعیان در آن جای گزینند و برای هر چیزی آبروئیست آبروی دین شیعیانند بخدا سوگند اگر شما نبودید زمین اهلش را فرو می کشید. و کسی که با آنها که مخالف ما هستند اگر چه کوشش در عبادت هم داشته باشند مشمول این آیه خواهند بود: «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ تَصْلَى نَارًا حَامِيَةً» «سوره غاشیه آیه 4» صورتهائی که درین روز بیمناکند عمل کننده و رنج کشیده اند وارد می شوند در آتش بسیار گرم << بخدا سوگند هر دعای خیری که مخالف ما بکند در باره ی شما مستجاب میشود ، و نیست دعای خیری از شما مگر اینکه خدا برای او صد برابر آن دعا عنایت فرماید و سؤال نمی کند از شما مسأله ای مگر اینکه چند برابرش برای او حاصل می شود بخدا سوگند روزه دار شما در بوستان بهشت میچرد.

بخدا سوگند حاجی و انجام دهنده ی عمره ای از شما از مقربین و خواص پیشگاه خدایند و شما تمامتان دعا کنندگانی هستید که دعایتان مستجاب است ترس و بیم بر شما نیست غمگین و افسرده خاطر م باشید تمام شما در بهشتید پس جای بگیری در درجات بهشت بخدا کسی از شیعیان ما نزدیکتر بعرض پروردگار نیست خوشا بحال شیعیان ما چقدر صنع خدا در باره ی آنان نیکوست.

بخدا سوگند حضرت امیر المؤمنین فرموده که شیعیان ما از قبرها بیرون آیند در حالی که رویشان میدرخشد دیدگانشان روشن است که امان بآنان داده شده مردم همه در آن روز بیمناکند آنان را ترس و بیمی نیست بخدا سوگند هیچ یک از شما برای نماز کوشش نمی کند مگر اینکه فرشتگان او را در بگیرند خدا را بخوبی در باره ی او میخوانند تا وقتی که از نماز فارغ شوند.

آگاه باشید که برای هر چیزی جوهریست و جوهر فرزندان آدم حضرت محمد صلی الله علیه و اله و ما و شما باشیم و خداوند بسوی موسی وحی فرستاد، که بهیچ وسیله ای کسی بسوی من نزدیک نمی شود مگر بورع و دوری کردن از محرمات. ارشاد القلوب جلد 1 صفحه 246

حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) فرمود: که همیشه مرد مسلمان سالم است تا زمانی که خاموش (ساکت) است پس هر گاه سخن گفت در نامه ی عملش یا ثواب و یا گناه نوشته می شود. ارشاد القلوب جلد 1 صفحه 248

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود در وصیتی که به فرزندش محمد حنفیه کرد بدان که زبان سگی است درنده اگر او را رها کنی اذیت می کند تو را و چه بسا سخنی گوید که نعمتی را از تو سلب کند و بلائی را بسوی تو بکشانند زبانت را نگهداری کن آنچنان که طلا و نقره ی خود را نگهداری می کنی و هر کس در سخن گفتن شتاب کرد زبانش او را بسوی بدیها کشاند. ارشاد القلوب جلد 1 صفحه 248

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام چنین بود هر گاه میفرمود: «وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ» «سوره انعام آیه 79» صورتش تغییر میکرد و رنگ مبارکش زرد میشد بطوری که همه می دانستند از خوف خدا این حالت به وی دست داده و حضرت یک هزار بنده از دسترنج خود در راه خدا آزاد کرد ، کارش این بود که نهال درخت میکاشت بعد میفروخت و از پول آن بنده میخرید و در راه خدا آزاد میکرد و با همین حالت آنان را چیزی از مال خود می بخشید که نیازی به مردم نداشته باشند. ارشاد القلوب جلد 1 صفحه 252

بعضی از غلامان به حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) خبر دادند که چشمه ای در یکی از باغها آبش چنان میجوشد مانند گردن شتر از آن چشمه آب بیرون می آید حضرت چند گواه طلب کرد و آنان را گواه گرفت که این چشمه را در راه خدا وقف کردم تا پایان دنیا و فرمود: این کار را کردم تا آتش را از چهره ی من دور کند. ارشاد القلوب جلد 1 صفحه 253

حضرت امیر المؤمنین به یارانش فرمود: اگر می توانید سخت از خدا بترسید و گمان خود را به او نیکو نمائید بین این دو صفت جمع کنید زیرا که گمان خوب بنده به پروردگارش باندازه ی ترس از خداست و همانا خوش گمانترین مردم پروردگار همانهاییند که سخت بیمناکند پس آرزوها را

واگذارید فعالیت و کوشش کنید تا بتوانید حق خالق و مخلوق را ادا کنید و هر کس که حق خدا را ادا کند برایش دوری از آتش باشد و نیست برای کسی بر خدا حجتی و نه بین خدا و کسی خویشاوندیست.

خدا داستان گناه آدم را مثل نزده مگر برای بیداری شما. ارشاد القلوب جلد 1 صفحه 260

روایت شده که حضرت علی علیه السلام به قصابی گذشت که گوشت‌های چاق و فربه ای در دکان داشت مرد قصاب عرضکرد: ای امیر المؤمنین از این گوشت‌های چاق خریداری کنید حضرت فرمود: پول همراه من نیست. قصاب گفت: نسیه میدهم فرمود من به نخوردن گوشت صبر می کنم و نسیه نمی برم. ارشاد القلوب جلد 1 صفحه 284

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: صبر و شکیبائی نسبت به ایمان به منزله سر است در بدن انسان و کسی که صبر ندارد ایمان ندارد. ارشاد القلوب جلد 1 صفحه 305

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که حسد نورزید زیرا که حسد ایمان را میخورد همچنان که آتش هیزم را میخورد پس هر گاه که پیغمبر و حضرت امیر المؤمنین گواهی دهند به اینکه حسد ایمان و کردار نیک را میخورند چه چیز بعد از رفتن ایمان و کردار نیک برای بنده بجا و باقی می ماند پس دوری کنید از حسد تا دلها و چشمهای شما در آسایش باشد از رنج و گناه. ارشاد القلوب جلد 1 صفحه 313

مولا علی (ع) فرمود: کسی که یقین دارد خدا عوض انفاقش (کمک کردن به دیگران) را به او میدهد از انفاق کردن (از کمک کردن به دیگران) خودداری نمی کند. ارشاد القلوب جلد 1 صفحه 333

حضرت علی (ع) فرمود: که توجه کنید به کارهای خوب و بشتابید بسوی آنچه که برای شما منفعت دارد. بدانید که نیازمندی های مردم بسوی شما از نعمت های خدای تعالی است بر شما (به

علت اینکه نیازمندی خلق الله را برطرف کنی و خداوند هم نیازمندی تو را برطرف میکند (و کریمترین مردم کسی است که عطا کند به کسی که به او امیدی ندارد و هر کس یک گرفتاری از مؤمنی برطرف کند خدا از او هفتاد و دو گرفتاری از گرفتاریهای دنیائیش برطرف کند و هفتاد و دو گرفتاری از گرفتاریهای آخرتش را و هر کس به کسی نیکی نماید خدا به او نیکی کند و خدا نیکوکاران را دوست دارد. ارشاد القلوب جلد 1 صفحه 333

روایت شده که همانا حضرت امیر المؤمنین به کمیل بن زیاد فرمود: ای کمیل اهل و عیالت را فرمانده که به طرف خوینها بروند و شبها پی حاجت خوابیدگان بروند ، سوگند به آن خدائی که تمام صداها را می شنود هر کس دلی را شاد کند خداوند به جای آن شادی مهربانی بیافریند که هر گاه مصیبت و بلائی بر او رو آورد آن مهربانی مانند سیل بسوی او سرازیر شود پس آن مصیبت را از او دور کند مانند شتر غریبی را که از گله شتران دور کنند. ارشاد القلوب جلد 1 صفحه 333

و روایت شده که امیر المؤمنین حضرت علی (ع) هر گاه حاجتمندی خدمتش می رسید به او میفرمود که حاجت خود را بر زمین بنویس زیرا که من خوش ندارم که ذلت و پستی سؤال را در صورت سائل ببینم. ارشاد القلوب جلد 1 صفحه 329

مولا علی (ع) فرمودند: نخستین مرحله حکمت و دانایی ترک لذتها و سرانجام آن دشمن داشتن امور ناپایدار است. غررالحکم جلد 2 حدیث 3052

مولا علی (ع) فرمودند: اولین وظیفه واجب بر شما در مقابل خداوند سپاسگذاری از نعمتهای او و جستجوی خشنودی اوست. غررالحکم جلد 2 حدیث 3329

مولا علی (ع) فرمودند: نخستین گام در جوانمردی فرمانبرداری از خدا و پایان آن دوری جستن از پستیهاست. غررالحکم جلد 2 حدیث 3195

مولا علی (ع) فرمودند: سرآغاز اخلاص ، نا امیدی از چیزی است که در دست مردم است.

مولا علی (ع) فرمودند: سرآغاز بیهودگی، بازی است و آخرش درگیری. غرالحکم جلد 2 صفحه 825 حدیث 3132

امیرالمومنین (ع) فرمود: ما خاندان پیامبر، هیچ کس با ما مقایسه نمیشود. قرآن در شان ما نازل شده، و معدن رسالت در میان ما است. عیون الاخبار الرضا (ع)، مسند امام رضا (ع) جلد 1 صفحه 133 حدیث 147

امیرالمومنین (ع) فرمود: نهمین از فرزندان - ای حسین (ع) - همان قائم بالحق است که پیروزی دهنده دین و گستراننده عدل است... اما بعد از غیبت و سرگردانی، که در این غیبت، هیچ کس ثابت بر دین نمی ماند، مگر مخلصانی که با روح یقین مباشرت دارند. کمال الدین و تمام النعمه، مسند امام رضا (ع) جلد 1 صفحه 221 حدیث 386

حضرت موسی بن جعفر (ع) از پدرانش از حضرت امام حسین (ع) روایت میکند که یکی از روزها امیرالمومنین (ع) با گروهی از یاران خود نشسته و آنها را برای جنگ آماده میکرد، در این هنگام پیرمردی که گرد و غبار سفر در چهره اش بود وارد شد. مرد مسافر پرسید: امیرالمومنین کجاست؟ حضرت را به آن مرد نشان داد، و او سلام کرد و بعد گفت: یا امیرالمومنین من از طرف شام می آیم و پیرمرد هستم، شنیده ام در وجود فضائل بسیاری هست، و من گمان میکنم که به زودی کشته خواهی شد و اینک آنچه را خداوند به تو تعلیم داده به من تعلیم فرما. حضرت علی (ع) فرمود: آری ای پیرمرد هر که دو روزش مساوی باشد در زندگی خود زیان دیده است، و هر کس کوشش خود را برای رسیدن به دنیا متمرکز کند از ادبار دنیا حسرت خواهد خورد، و هر آنکس که دو روز از ایام زندگیش در شر و فساد بگذرد از مواهب الهی محروم میگردد. هر کس به امور آخرت بی اعتنا باشد و از دنیایی که به او رو آورده استفاده کند و توجه نداشته باشد که از کجا به دست میآورد این چنین آدمی از تبه کاران به شمار میآید، کسی که به نواقص اخلاقی و اجتماعی خود متوجه نباشد، هوای

نفس بر او غلبه خواهد کرد. ای پیر مرد برای مردم بپسند آنچه را برای خود می پسندی ، و با مردم آنطور رفتار کن که میل داری با تو آن گونه رفتار کنند ، پس از این امیرالمومنین (ع) صورت خود را متوجه یارانش کرد و فرمود : ای مردم مگر مشاهده نمی کنید که اهل دنیا با حالات مختلف صبح را به شب و شب را به روز میآورند ، یکی زمین میخورد و از درد بر خود می پیچد و دیگری از وی عیادت میکند و از دیدن رنج بیمار ناراحت میگردد ، یکی از فرط ناراحتی و شدت مرض با جان خود تلاش میکند و دیگری امید به زندگی ندارد ، و یکی در بستر مرض افتاده و نزدیک است جان دهد ، یکی طالب دنیا است در صورتیکه مرگ او را دنبال میکند ، و دیگری غافل از همه چیز همواره در تلاش است در صورتیکه از دید حقیقت هرگز دور نبوده است. **کِتَابُ الْمَوَاعِظِ** شیخ صدوق صفحه 55 الی 58

سوالات زید بن صوحان از شاه ولایت امیرالمومنین مولا علی بن ابیطالب (ع)

زید بن صوحان عبدی عرض کرد : یا امیرالمومنین کدام سلطان قوت و قدرتش بیشتر است ؟ حضرت فرمود : مرگ.

عرض کرد : کدام چیز دلتش بیشتر است ؟ فرمود : حرص بر جمع مال دنیا.

عرض کرد : کدام فقر از همه سخت تر است ؟ فرمود : کفر بعد از ایمان.

عرض کرد : کدام دعوت از همه گمراه تر است ؟ فرمود : کسی که مردم را به طرف موهومات (یا به طرف خلاف) دعوت میکند.

عرض کرد : کدام عمل افضل است ؟ فرمود : پرهیزکاری.

عرض کرد : کدام عمل رستگاریش بیشتر است ؟ فرمود : طلب کردن از آنچه در نزد خداوند است.

عرض کرد : کدام مصاحب (هم صحبت) از همه بدتر است ؟ فرمود : آن کسی که معصیت ها را در نظر انسان جلوه دهد و آدمی را به نافرمانی خداوند وادارد.

عرض کرد: کدام یک از مردم شقاوتش بیشتر است؟ فرمود: کسی که دین خود را به دنیای دیگری بفروشد.

عرض کرد: کدام یک از مخلوقات از همگان نیرومندتر است؟ فرمود: آن کس که بردباریش از همه بیشتر است.

عرض کرد: کدام یک از مردم بخلش بیشتر است؟ فرمود: آن کسی که از راه حرام مالی بدست آورد.

عرض کرد: کدام یک از مردم زرنگیش بیشتر است؟ فرمود: کسی که به حالات خود بنگرد و رستگاری خود را از گمراهی درک کند و بنگرد راه سعادت در چیست و بطرف آن گرایش پیدا کند.

عرض کرد: با حلم ترین مردم کیست؟ فرمود: آن کسی که به خشم نیاید.

عرض کرد: کدام یک از مردم ثبات رای بیشتری دارند؟ فرمود کسی که فریب مردم را نخورد و دنیا نیز با زرق و برق خود او را از راه بیرون نکند.

عرض کرد: کدام یک از مردم از همه نادان ترند؟ فرمود: کسی که گول دنیا را بخورد، در صورتیکه مشاهده میکند دنیا با دیگران چگونه بازی کرد.

عرض کرد: کدام یک از مردم حسرت و پشیمانی بیشتری دارند؟ فرمود: کسی که از دنیا و آخرت محروم شده باشد و این خود زیان آشکاری است.

عرض کرد: کدام یک از مردم کور هستند؟ فرمود: آنکس که برای خداوند عملی انجام نداده و از خداوند انتظار ثواب دارد.

عرض کرد: کدام قناعت از همگان افضل است؟ فرمود: آنکس که به آنچه خداوند به وی عطا کرده قناعت کند، و حرص و آز نداشته باشد.

عرض کرد: کدام مصیبت از همه دردناکتر است؟ فرمود: مصائب در امور دین از همه ناراحت کننده و آزار دهنده تر است.

عرض کرد: کدام یک از اعمال عبادی نزد خداوند بیشتر مورد علاقه است؟ فرمود: انتظار فرج.

عرض کرد: کدام یک از مردمان نزد خداوند ارج و اعتبار دارند؟ فرمود: آنکه بیشتر از همه از خداوند میترسد، و تقوای بیشتر و زهد زیادتری دارد.

عرض کرد: کدام سخن در نزد خداوند بهتر است؟ فرمود: زیاد در یاد خدا بودن و عجز و لابه و دعا نمودن.

عرض کرد: کدام گفته از همه راست تر است؟ فرمود: گواهی دادن به وحدانیت خداوند متعال.

عرض کرد: کدام یک از کارها در نزد خداوند بزرگتر است؟ فرمود: تسلیم در برابر خداوند و ترس از معاصی و پرهیزکاری از گناه.

در این هنگام امیرالمومنین (ع) متوجه پیرمرد شامی شد و فرمود: خداوند متعال بندگانی را آفرید و دنیا را بر آنها تنگ گرفت، و با نظر مخصوصیکه به آنان نگریست آنها نسبت به دنیا بی میل شدند و به طرف آخرت متمایل گردیدند، و به سختی معیشت صبر کردند و در شدائد و گرفتاریها شکیبائی به خرج دادند. این جماعت همواره مشتاق بودند که زود از جهان رخت بپوشند و به سرای جاودانی بشتابند تا به کرامت و الطاف خداوندی برسند، این گروه مردم همواره دنبال رضای خداوند بودند و در نتیجه پایان زندگی آنها به شهادت انجام گرفت و خداوند را در حالیکه از آنها راضی بود ملاقات کردند. بدانید که مرگ راه گذشتگان است و همه باید این راه را بگذرانند، این مردم باید برای آخرت خود زاد و توشه بردارند و این زاد و توشه طلا و نقره نیست، این جماعت لباسهای درشت پوشیدند و در طول زندگی خود در شدائد صبر کردند و به فضیلت خدمت نمودند. این مردم در محبت و دوستی و یا بغض و دشمنی فقط خداوند را در نظر گرفتند، اینان چراغهای هدایت کننده اند و در آخرت از نعمتهای پروردگار برخوردار میگردند. پیرمرد گفت: من اکنون کجا روم و بهشت را واگذارم در صورتیکه با چشم خود بهشت را می نگرم، و مشاهده میکنم که اهل بهشت با تو هستند،

یا امیرالمومنین اینک به من اسلحه جنگی مرحمت کن تا با دشمنانت جنگ کنم ، امیرالمومنین (ع) اسلحه جنگ به آن مرد شامی مرحمت کردند و او را بر اسب سوار کرده و به طرف میدان جنگ روانه ساختند ، مرد شامی مقابل حضرت به جنگ پرداخت و آن حضرت از مجاهدت آن شامی (در میدان جنگ) به شگفت آمده بود. هنگامی که جنگ شدت گرفت با اسب خود را به لشگر زد و سرانجام کشته شد ، یکی از یاران امیرالمومنین (ع) او را روی زمین مشاهده کرد در حالیکه به شهادت رسیده بود ، و اسبش هم در کنارش کشته شده بود ، پس از اینکه گرد و غبار جنگ فرو نشست ، امیرالمومنین (ع) در حالیکه سوار بر اسب بود و سلاح جنگی در تن داشت نزد او آمد و بر بدنش نماز گذارد و فرمود : به خدای سوگند این مرد خوشبخت بود و برای برادر خود طلب آمرزش (از خدای تعالی) کنید. کِتَابُ الْمَوَاعِظِ شیخ صدوق صفحه 58 الی 64

امیرالمومنین (ع) فرمودند : حکیمان و دانشمندان پیشین چون به یکدیگر نامه می نوشتند سه جمله می نوشتند که چهارمی نداشت : 1- آنکه همتش را به کار آخرت گماشت خداوند کار دنیای او را کفایت میکند 2- آنکه باطن خود را اصلاح کند خداوند ظاهرش را اصلاح فرماید 3- آنکه کارهای میان خود و خدا را اصلاح کند خداوند کارهای میان او و مردم را اصلاح فرماید. خصال شیخ صدوق جلد 1 صفحه 147

امیرالمومنین (ع) فرمود خدای تبارک و تعالی به حضرت موسی (ع) فرمود : ای موسی سفارش مرا درباره چهار چیز نگهدار ، اولش آنکه تا گناهان خود را آمرزیده ندیده ای به عیب دیگران نپرداز ، دوم تا پایان یافتن خزینه های مرا ندیده ای غم روزی خود مخور ، سوم تا زوال سلطنت مرا ندیده ای به کسی جز من امیدوار مباش چهارم تا شیطان را مرده ندیده ای از مکرش آسوده خاطر مباش. خصال شیخ صدوق جلد 1 صفحه 240

امیرالمومنین (ع) فرمود : تمام نیکیها در سه چیز جمع شده است : نگریستن ، سکوت ، و سخن ، هر نگریستن که در آن پند و عبرت نباشد در آن فائده نیست ، هر سخنی که در آن یاد خدا نباشد لاهو است ، و هر سکوتی که در آن اندیشه نباشد غفلت است ، پس خوشا به حال آنهاييکه نظرشان از

روی عبرت و سکوتشان موجب فکر و اندیشه و سخنانشان ذکر خدا باشد و به گناهانیکه از وی سر زده گریه کند و مردم از وی در امان باشند. **کِتَابُ الْمَوَاعِظِ** شیخ صدوق 100

امیرالمومنین (ع) فرمود: جبرئیل بر حضرت آدم (ع) فرود آمد و گفت: ای آدم خداوند تو را مخیر کرده که یکی از سه چیز را اختیار کنی و اینک یکی از آنها را برگزین و بقیه را رها کن، آدم گفت آن سه چیز که خداوند فرموده چیست؟ جبرئیل گفت: عقل، حیاء، و دین آدم گفت: من عقل را پذیرفتم، جبرئیل به حیاء و دین گفت: شما بروید، آن دو گفتند: ای جبرئیل ما ماموریت داریم هر جا عقل باشد با آن باشیم جبرئیل گفت: پس باشید و بعد به آسمان بالا رفت. **کِتَابُ الْمَوَاعِظِ** شیخ صدوق صفحه 125

امیرالمومنین سلام الله علیه فرمود: هر کس به اندازه کفایت زندگی از دنیا قناعت کند اندکی از دنیا هم او را کفایت میکند، و هر کسی در دنیا قناعت نداشته باشد هیچ چیز او را کفایت نمیکند. **کِتَابُ الْمَوَاعِظِ** شیخ صدوق 127

امیرالمومنین (ع) فرمود: حضرت رسول (ص) میفرمود: خداوندا خلفای مرا پیامرز؛ گفته شد: یا رسول الله خلفای شما چه افرادی هستند؟ فرمود: کسانی که بعد از من بیایند و روش مرا با گفتارم برای مردم بازگو کنند. **کِتَابُ الْمَوَاعِظِ** شیخ صدوق 128

اصبغ بن نباته از امیرالمومنین (ع) روایت کرده که آن حضرت در یکی از خطبه هایش فرمود: ای مردم گفتار مرا بشنوید و خوب از من دریافت کنید، جدائی بین ما و شما نزدیک است، من امام مردم و وصی بهترین آفریده خدا، و همسر سیده زنان، و پدر خاندان طهارت و پیشوایان هدایت، و برادر رسول خدا، و وزیر، و مصاحب، و دوست و برگزیده او هستم. منم امیرمومنان و پیشوای سپید چهره گان؛ و سید اوصیاء، جنگیدن با من جنگ با خداوند است، و صلح با من صلح با خداوند است، و اطاعت از من اطاعت از خداوند است، و دوستی با من دوستی با خداوند است، و شیعیان من دوستان خداوند هستند، و یاوران من یاوران خداوند هستند، سوگند به خدائی که مرا آفرید و

چیزی نبودم ، نگهدارندگان اسرار از آل محمد (ع) میدانند که ناکشین و قاسطین ، و مارقین مورد لعنت حضرت رسول اکرم (ص) قرار گرفته اند ، و زیان کار است آنکسی که دروغ به رسول خدا (ص) ببندد. کِتَابُ الْمَوَاعِظِ شیخ صدوق 133

امیرالمومنین (ع) در ضمن وصایایی به فرزندش محمد حنفیه فرمود : ای فرزند من از آمال و آرزوها دوری کن ، آرزوهای دور و دراز از حماقت سرچشمه گرفته و موجب میشود که آدمی امور آخرت را به تعویق اندازد ، یکی از بهترین لحظه های انسان در زندگی هم نشینی با مردمان شایسته است. با اهل خیر مجالست کن تا در زمره آنان محسوب گردی ، و از اهل شر و فساد دوری کن و با کسانی که تو را از یاد خدا و مرگ غافل میکنند ارتباط برقرار مکن و از آنان دوری گزین. سوء ظن و بدگمانی بر تو غلبه نکند ، و اگر چنانچه سوء ظن بر تو غلبه کرد ، با هیچ دوستی نمی توانی زندگی کنی و باب ارتباط با خلق خدا را روی خود خواهی بست. قلب خود را با ادب پاکیزه نگه دار ، همان طور که هیزم به وسیله آتش پاکیزه میگردد ، بهترین یاور آدمی ادب است ، تجربه های نیک را باید از اشخاص عاقل آموخت ، نظریات مردم را با یکدیگر بسنج و سپس نیکوتر آنها را که به حق نزدیک است برگزین ، و آنچه را که موجب شک و تردید است دور بیفکن. ای فرزند من شرفی بالاتر از اسلام نیست ، عزتی بالاتر از تقوی و پرهیزکاری و پناهگاهی بهتر از ورع و شفیع رستگارت از توبه ، و لباسی زیباتر از عافیت ، و سلاحی نگهدارنده تر از سلامتی ، و گنجی بهتر از قناعت نیست و ثروتی که فقر را ببرد و انسان را با قناعت راضی نگه دارد. هر کس با اندکی از زندگی کفایت کند در آسایش منظمی خواهد بود (یعنی در زندگی به اندک هم راضی باشد و کفایتش کند) ، و در زندگی آرام و لذت بخشی فرو خواهد رفت ، حرص و آز آدمیان را در گرداب گناه گرفتار خواهد کرد ، غم و اندوه را با صبر و متانت و بردباری از خود دور ساز ، اگرچه زندگی دنیا تو را گرفتار سازد و اندوه شما را فرا گیرد. رستگار شدند آن کسانی که اعمال شایسته به جا آوردند و در پیشگاه خداوند با کارهای نیک حاضر شدند ، در همه امور زندگی خود به پروردگار قادر قهار پیوستگی پیدا کن و به آن ساحت مقدس پناه ببر. زیرا خداوند بهترین پایگاه و محل اعتماد انسانی است ، هرچه خواهی از خداوند بخواه که کلید خیر و شر و بخشش و عطاء و منع (بازداشتن از دادن و باز داشتن کسی را از

کاری) و ناامیدی در دست خداوند است. ای فرزند من روزی بر دو قسم است ، یک روزی تو را طلب میکند و یک روزی تو در دنبال آن هستی ، و آن روزی که تو را دنبال میکند به تو خواهد رسید اگرچه در طلب آن نباشی کوشش نداشته باش که روزی یکسال را در یک روز فراهم آوری ، و خداوند روزی هر روز از ایام زندگانیت را به تو خواهد رسانید ، و اگر چنانچه مقدر باشد که تو یکسال عمر کنی خداوند روزی هر روز را به تو میرساند ، اگر عمرت یکسال مقدر نباشد پس کوشش زیاد فایده ندارد. بدان هیچ کس به روزی تو دسترسی پیدا نخواهد کرد و تو را مغلوب نخواهد ساخت ، و آنچه برای تو تقدیر شده است از تو پوشیده نمیگردد ، چه اشخاصیکه شب و روز در تلاش معاش هستند و خود را گرفتار مشقت میکنند ولی هم چنان در فشار زندگی گرفتارند و چه افرادی میانه رویی هستند زندگی آنان با خوشی و لذت میگذرد. امروز متعلق به توست و فردا نیمیانی چه خواهد شد ، چه اشخاصیکه به امید فردا کوشش کردند ولیکن فردا را درک نکردند ، و چه اشخاصیکه زندگی آنان در اول شب مورد غبطه دیگران بود ولیکن در پایان شب مرگ گریبان او را گرفت و گریه و ضجه از منزلش برآمد پس از فراخ زندگی وسعه رزق نباید فریب خورد ، و از تاخیر عذاب خداوند نباید خوشحال شد ، زیرا خداوند همواره مردم را در نظر دارد و تعجیل نمیکند و در روز باز پسین او را مکافات میکند. ای فرزند از حکیمان پند بیاموز ، و از گفته ها نصیحت و پند بگیر و دقت کن ، و از آنچه مورد استفاده است به خوبی فراگیر و از آنچه تو را باز میدارد اجتناب کن و نفس خود را از مشتهیات باز دار. امر به معروف را پیشه ساز تا از اهل معروف قرار گیری و بانیکان محشور گردی ، زیرا تکمیل همه امور در نزد خداوند امر به معروف و نهی از منکر است ، مسائل و احکام دین را به خوبی فراگیر که علما وراث انبیاء هستند ، پیامبران درهم و دینار به ارث نمی گذارند ، و میراث آنها علم و فضیلت است ، هر کس از علم بهره گیرد ، بهره زیادی برده است. بدان که برای طالب علم کسانی که در آسمانها و زمین هستند استغفار میکنند ، پرندگان آسمان ها و ماهیان دریا نیز برای آنها دعا می نمایند ، فرشتگان بالهای خود را برای طلاب علوم پهن میکنند و از این عمل خود اظهار رضایت و خوشنودی دارند. در طلب علم و فضیلت شرافت دنیا و آخرت و رستگاری در دین و رسیدن به فیوضات خداوندی هست ، زیرا فقهاء و دانایان علوم دین مردم را به طرف خداوند و بهشت دعوت میکنند ، به همه مردم نیکی کن همانطور که انتظار داری مردم با تو نیکی کنند. برای مردم به

پسند آنچه برای خود می پسندی ، و زشت بشمار آنچه را از مردم زشت میشماری ، با همه مردم با خُلق نیکو آمیزش کن که هرگاه دور شدی باز آنها میل و رغبت به تو داشته باشند ، و هرگاه در گذشتی برای تو گریه کنند و کلمه استرجاع ((انا لله و انا الیه راجعون)) بر زبان جاری سازند ، و از کسانی نباش که هرگاه مُرد بگویند : الحمد لله رب العالمین. بدان که کمال عقل و خرد بعد از ایمان به خداوند متعال محبت و احسان به مردم است آنکسی که با مردم به نیکی معاشرت نکند در او خیر و انسانیت نیست ، خداوند متعال چیزی را بهتر از سخن گفتن نیافریده است ، و از آن زشت تر نیز چیزی خلق نکرده است ، به وسیله سخن صورت ها سپید و سیاه میگردند. بدان که زبان و سخن در اختیار تو هست تا آنگاه که سخن نگفته باشی در سلامت هستی ، و هرگاه حرف زدی و زبان گشودی در گرو سخنان خود هستی و باید از عهده آن برآیی ، زبان را نگهدار همان طور که طلا و نقره و درهم و دینارت را حفظ میکنی. زبان مانند سگ درنده است و اگر جلو آنرا آزاد بگذاری به هر کس نیش میزند ، چه بسا سخنی که از زبان آدمی بیرون شود و نعمتی را از انسان سلب کند ، هر آن کسی که زبان خود را بدون اختیار رها کرد و آن چه خواست گفت ، و اباء و امتناعی نداشت به پریشانحالی و رسوائی خواهد افتاد و سقوط خواهد کرد و سرانجام گرفتار عذاب خداوند و مورد ملامت و سرزنش مردم قرار خواهد گرفت. کسی که مستبد به رای خود باشد و به دیگران اعتناء نکند در مخاطره خواهد افتاد و هر آن کس که در امور جاریه و حوادث واقعه با دیگران مشورت کند موارد لغزش را خواهد شناخت ، کسی که بدون دقت در عواقب کارها وارد آن شود و بدون صلاح اندیشی کاری انجام دهد در مشکلات و سختیها گرفتار خواهد شد ، و راه نجات پیدا نخواهد کرد. قبل از شروع هر کاری در موضوع آن دقت و بررسی کن تا موجبات پشیمانی فراهم نگردد ، و ضرر و زیان متوجه تو نشود ، خردمند آن کسی است که از تجارب پند گیرد ، و تجربه علمی است که انسان از آن نتیجه خوب میتواند بگیرد ، در گردش روزگار و گذشت حوادث حقیقت مردان آشکار میگردد ، و راست گو از دروغ گو تمیز داده میشود ؛ روزگار و گردش شب و روز اسرار نهانی را آشکار میسازد ، و حقائق را جلوه گر میکند ، اینک وصیت مرا نیکو دریاب و از آن زود نگذر ، و بهترین عقل ها آن عقلی است که سود دهد و به صاحبش نفع رساند. بدان ای فرزند که تو همواره در جستجو و طلب روزی هستی ، با این بدن ضعیف و لاغری که داری به هیچ وقت بیش از اندازه باری را بر دوش

نکش که در نتیجه سنگین باری پشت خم گردد و در روز قیامت نتوانی از زیر بار گران خلاص گردی ، و بدترین توشه در روز قیامت دشمنی با بندگان خداوند است. بدان و متوجه باش که در مقابل تو جاده های مخوف و خطرناک و پرتگاه های زیادی هست که در آن گردنه ها و فراز و نشیب فراوانی است که باید از آن بگذری ، و راه بهشت و دوزخ از آن گردنه ها عبور میکند ، و مواظب باش با احتیاط قدم برداری. قبل از اینکه در آن راه های خطرناک قدم بگذاری برای خود وسائل و اسباب فراهم کن ، و اگر مردمان محتاجی را دیدی که زاد و توشه تو را بر میدارند و در روز قیامت به تو بر میگردانند از این موقعیت استفاده کن و زاد و توشه خود را در دنیا به مردمان نیازمند بده ، و اگر به این دستور عمل نکردی روز قیامت پشیمان میگردی. مواظب باش زاد و توشه خود را به دست کسی بسپاری که تقوی و پرهیزکاری داشته باشد ، و اگر در این مورد دقت نکردی مانند تشنه ای خواهی بود که فریب سراب را میخورد و از فعالیت خود نتیجه نمی گیری ، و کاری نکن که در روز قیامت دست از همه جا کوتاه گردد. و در ضمن همین وصیت فرمود : ای فرزند من ستم کردن و تعدی نمودن آدمی را گرفتار هلاکت میسازد ، هر کسی قدر و مقام خود را درک کرد و از حدود خود تجاوز ننمود در سلامتی خواهد ماند ، هر کس خود را نگهداشت مقام خود را حفظ خواهد کرد ، ارزش هر انسان بستگی به اخلاق و صفاتی دارد که از او ظهور و بروز میکند و او را نیکنام میگرداند ، ارزش و اعتبار آدمی موجب رستگاری او خواهد بود. بهترین ثروت برای انسان ترک آمال و آرزوهاست ، حرص و آزمندی فقری است که انسان در هر حال گرفتار آن است ، دوستی و محبت مانند خویشاوندانی است که آدمی از آن استفاده میکند ، دوست تو مانند برادر ابویی است ، و هر برادر ابویی دوست تو نخواهد بود. دشمن دوست را دوست نگیرد ، که موجب دشمنی دوست با تو خواهد شد ، چه افراد دوری که با تو از افراد نزدیک ، نزدیک ترند ، توانگر بخشنده که فقیر شده باشد بهتر است از نیکوکاری که همتش جمع مال باشد ، پند و اندرز پناهگاهی است برای کسی که از سخنان پند گیرد و آنرا به کار بندد ، اشخاص بد اخلاق همیشه معذب هستند ، و مردم همواره او را مبعوض میدارند. از عدالت نیست که انسان به مجرد سوء ظن اعتماد خود را از کسی سلب کند ، چه اندازه زشت است که آدمی در هنگام گناه و معصیت و نافرمانی خداوند نشاط داشته باشد ، و در هنگام بروز حادثه ناگوار از خود ناراحتی و اندوه زیاد نشان دهد ، و برای رسیدن

به جاه و مقام قساوت قلب و ظلم و ستم نشان دهد ، و با دوستان خود مخالفت ورزد. بسیار زشت است که مردمان آبرومند و با شخصیت سوگند بخورند و بعد سوگند خود را بشکنند ، و یا با حکومت عادلانی که با آنها به خوبی رفتار میکند غدر و مکر (حيله) داشته باشند کفران نعمت از نادانی است ، و هم نشینی با احمق شوم است ، هر کس به تو کلمه حقی را عرضه کرد از وی بپذیر اگرچه آنکس از افراد گمنام جامعه باشد. هر کس اقتصاد و میانه روی را ترک کرد ، از راه حق منحرف خواهد شد ، هر کس حق را زیر پا گذاشت راه زندگی به روی تنگ خواهد شد ، چه اشخاص مریضی که بهبودی یافتند و مردان تندرستی که جان خود را از دست دادند ، گاهی نومییدی سبب نجات و موفقیت انسان میگردد ، و طمع موجب هلاک و خسران میشود ، از کسی که انتظار داری تو را در برابر اعمال مورد عتاب قرار دهد قبلاً از خشم و غضب او بترس و موجبات خشم او را فراهم نیاور ، کسی که مردم را امر به مکر و حيله کند پاداش نیکی نخواهد داشت. فریب و نیرنگ بدترین لباس مسلمان است ، کسی که مکر و حيله انجام داد شایسته است که در حق او نیکی نشود ، فساد و تباهی موجب هلاکت مردم و زندگی میگردد ، هر کس جود و بخشش داشته باشد به ریاست می رسد ، هر آن کسی که دنبال فهمیدن و یاد گرفتن برود به علم و دانش او افزوده میگردد. برادران دینی خود را پند و اندرز بده و آنها را در هر حال مساعدت و دستگیری کن تا آنگاه که تو را به نافرمانی خداوند متعال وادار نکنند ، و همواره با او باش و هر جا رفت او را ترک مکن ، با سوء ظن و بدگمانی برادر دینی خود را ترک مکن و با او قطع ارتباط منما پیش از آنکه در موضوع مورد نظر تحقیق کنی و عذر دوستت را گوش نمایی. عذر کسی را که از تو معذرت میخواهد بپذیر تا شفاعت شفیعان تو را دریابد ، کسانی که تو را در برابر دشمن مدد میکنند و به تو کمک و مساعدت می نمایند گرامی بدار ، و تا جان در بدن داری و سالم هستی به آنها احترام کن و در تعظیم و تکریم آنان بکوش ، پاداش کسی که مقام تو را حفظ کرده این نیست که حق او ضایع گردانی و یا در برابر پرده پوشیهای او با او بدرفتاری کنی. با هم نشینت تا آنجا که توانایی داری به نیکی معاشرت کن که در هنگام احتیاج از او استفاده خواهی کرد ، هر کس لباس حیا و شرم در تن کرد ، عیش از چشمهای مردم پنهان میشود ، هر کس در زندگی میانه روی را پیشه خود سازد ، امور زندگی به روی سبک خواهد شد ، هر آن کس که شهوات خود را مهار کرد در زندگی خوشبخت خواهد شد. هر سختی و

مصیبت به آسایش و راحتی تبدیل می‌گردد ، هر غذایی که از گلوی انسان پایین می‌رود با غم و اندوه توأم است ، انسانی به هیچ نعمتی نمی‌رسد مگر اینکه مدتی رنج و اذیت بکشد ، با کسانی که تو را به خشم نگریستند با ملایمت رفتار کن تا به موفقیت برسی. هنگامیکه اندوه و غم انسان را فرا می‌گیرد از کفارات (کفاره گناه) محسوب می‌شود ، هر ساعتی که بر انسان می‌گذرد و لحظه ای از عمرش سپری می‌شود ، لذت و عیش و نوشی که در دنبال خود آتش جهنم داشته باشد در آن خیری نیست ، و هیچ خیری که دنباله اش آتش جهنم باشد خیر محسوب نمی‌گردد ، شری که دنباله اش بهشت باشد و انسان را سعادتمند سازد شر محسوب نمی‌شود ، هر نعمتی جز نعمتهای بهشتی حقیر و ناچیز است ، و هر بلایی غیر از بلاء دوزخ و عذاب آن موجب آسایش است ، حقوق برادران دینی را ضایع مکن خصوصاً آن حقوقی را که با صداقت و اعتماد به همدیگر پیدا کرده اید ، و اگر حق کسی را ضایع کردی برادر او به حساب نمی‌آیی. اگر یکی از برادرانت کوشش کرد که با تو قطع رابطه کند ، تو در عوض کوشش داشته باش که با او ارتباط برقرار کنی ، و اگر تصمیم گرفت که با تو دشمنی کند تو کوشش داشته باش که با وی نیکی کنی. ای فرزند من هرگاه قوی شدی و نیرومند گردیدی از قوت و نیروی خود در اطاعت خداوند استفاده کن ، و هرگاه ناتوان شدی از معصیت و نافرمانی خداوند ناتوان باش ، و اگر توانایی داشته باشی که زن را جز در امور زندگی خود در کارهای دیگر اختیار ندهی بهتر است جلو او را بگیری ، زیرا این محدودیت برای حفظ زیبایی و آرامش خاطر در زندگی او مناسبتر است. زنان مانند گل هستند و آنها را باید حفظ کرد و مانند مردان قهرمان نیستند که هر جا خواهند بروند ، و در هر صورت با زنان مدارا کنی و با آنها به نیکی رفتار نمایند ، تا زندگی و کانون خانوادگی شما صفا و رونق بگیرد ، قضاء پروردگار را با رضایت و خشنودی بپذیر و جزع و فزع نکن. اگر میل داری خیر دنیا و آخرت را جمع کنی طمع خود را از آنچه در دست مردم است قطع کن. ((پایان وصیت امیرالمومنین (ع) به فرزندش محمد حنفیه)) کِتَابُ الْمَوَاعِظِ شیخ صدوق صفحه 65 الی صفحه 80

امام علی (ع) : از روزی که ولایت ما آل محمد (ص) غصب گشته خدا درهای آسمان را بسته و قطره ای باران به معنای واقعی نباریده اگر قائم ما قیام کند آسمان بارانش را ببارد زمین گیاهانش را برویاند

کینه از دلها بر خیزد درندگان و حیوانات صلح کنند و چنان امن و آرامش در جهان برقرار گردد که اگر زنی تنها از عراق به شام رود و بر روی سرش طبقی از جواهرات باشد هیچ کسی به او آسیب نرساند. نصایح صفحه 391

حکمت‌های نهج البلاغه

حکمت 10 (روش زندگی با مردم) : امام علی (ع) : با مردم آن گونه معاشرت کنید ، که اگر مُردید بر شما اشک ریزند ، و اگر زنده ماندید ، با اشتیاق سوی شما آیند.

حکمت 30 (پرهیز از غفلت زدگی) : امام علی (ع) : هشدار ! هشدار ! به خدا سوگند ! خداوند چنان پرده پوشی کرده که می پنداری تو را بخشیده است !

حکمت 34 (راه بی نیازی) : امام علی (ع) : بهترین بی نیازی ، ترک آرزوهاست.

حکمت 36 (آرزوهای طولانی و بزهکاری) : کسی که آرزوهایش طولانی است ، کردارش نیز ناپسند است.

قالَ علی علیه السلام:

لَا قُرْبَةَ بِالتَّوَافِلِ إِذَا أَضْرَّتْ بِالْفَرَائِضِ.

□ امام علی علیه السلام:

عمل مستحب انسان را به خدا نزدیک نمی گرداند، اگر به واجب زیان رساند.

□ نهج البلاغه، حکمت ۳۹

حکمت 46 (ارزش پشیمانی و زشتی غرورزدگی) : امام علی (ع) : گناهی که تو را پشیمان کند ، بهتر از کار نیکی است که تو را به خودپسندی وا دارد.

حکمت 60 (ضرورت کنترل زبان) : امام علی (ع) : زبان تربیت نشده ، درنده ای است که اگر رهایش کنی می گزد !

حکمت 66 (روش خواستن) : امام علی (ع) : از دست دادن حاجت ، بهتر از درخواست کردن از نااهل است.

حکمت 71 (نشانه کمال عقل) : امام علی (ع) : چون عقل کامل گردد ، سخن اندک شود.

حکمت 72 (رابطه دنیا و انسان) : امام علی (ع) : دنیا بدن ها را فرسوده ، و آرزوها را تازه میکند ، مرگ را نزدیک و خواسته ها را دور و دراز میسازد ، کسی که به آن دست یافت خسته میشود ، و آن که به دنیا نرسید رنج میبرد.

حکمت 74 (ضرورت یاد مرگ) : امام علی (ع) : انسان با نفسی که می کشد ، قدمی به سوی مرگ می رود.

حکمت 79 (ارزش حکمت و بی لیاقتی منافق) : امام علی (ع) : حکمت را هر کجا که باشد ، فراگیر ، گاهی حکمت در سینه منافق است و بی تابی کند تا بیرون آمده و با همدمانش در سینه مومن آرام گیرد.

حکمت 80 (مومن و ارزش حکمت) : امام علی (ع) : حکمت گمشده مومن است ، حکمت را فراگیر ، هر چند از منافقان باشد.

حکمت 81 (میزان ارزش انسانها { ارزش تخصص و تجربه }) : امام علی (ع) : ارزش هر کس به مقدار دانایی و تخصص اوست. { این از کلماتی است که قیمتی برای آن تصور نمیشود ، و هیچ حکمتی هم سنگ آن نبوده و هیچ سخنی ، والایی آن را ندارد }

حکمت 83 (روش برخورد با چاپلوسان) : امام علی (ع) : (به شخصی که در ستایش امام افراط کرد ، و آنچه در دل داشت نگفت) ، فرمود : من کمتر از آنم که بر زبان آوردم ، و برتر از آنم که در دل داری.

حکمت 85 (پرهیز از ادعاهای علمی) امام علی (ع) : کسی که از گفتن ((نمی دانم)) روی گردان است ، به هلاکت و نابودی می رسد.

حکمت 86 (برتری تجربه پیران از قدرتمندی جوانان) امام علی (ع) : اندیشه پیر در نزد من از تلاش جوان خوشایندتر است (و نقل شده که تجربه پیران از آمادگی رزمی جوانان برتر است)

حکمت 87

ارزش استغفار (طلب بخشش از خدا)
(اخلاقی، معنوی) و درود خدا بر او ، امام علی (ع) فرمود: در شگفتم از کسی که می تواند استغفار کند و ناامید است.

حکمت 89

راه اصلاح دنیا و آخرت
(اخلاقی، تربیتی، اجتماعی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: کسی که میان خود و خدا اصلاح کند، خداوند میان او و مردم را اصلاح خواهد کرد، و کسی که امور آخرت را اصلاح کند، خدا امور دنیای او را اصلاح خواهد کرد، و کسی که از درون جان واعظی دارد، خدا را بر او حافظی است.

حکمت 90

شناخت عالم آگاه
(علمی، اعتقادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: فقیه کامل کسی است که مردم را از آموزش خدا مأیوس، و از مهربانی او نومید نکند، و از عذاب ناگهانی خدا ایمن نسازد.

حکمت 91

راه درمان روان (روانکاوی، روانشناسی بالینی)
(علمی، اخلاقی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: همانا این دل ها همانند بدن ها افسرده می شوند، پس برای شادابی دلها، سخنان زیبای حکمت آمیز را بجوید.

حکمت 92

والا ترین دانش

(علمی، تربیتی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: بی ارزش ترین دانش، دانشی است که بر سر زبان است، و برترین علم، علمی است که در اعضا و جوارح آشکار است.

حکمت 94

شناخت نیکی ها و خوبیها

(اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: (از امام پرسیدند «خیر» چیست فرمود) خوبی آن نیست که مال و فرزندان بسیار شود، بلکه خیر آن است که دانش تو فراوان، و بردباری تو بزرگ و گران مقدار باشد، و در پرستش پروردگار در میان مردم سر فراز باشی، پس اگر کار نیکی انجام دهی شکر خدا به جا آوری، و اگر بد کردی از خدا آمرزش خواهی. در دنیا جز برای دو کس خیر نیست. یکی گناه کاری که با تو به جبران کند، و دیگر نیکوکاری که در کارهای نیکو شتاب ورزد.

حکمت 95

تقوی و ارزش اعمال

(اخلاقی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: هیچ کاری با تقوا اندک نیست، و چگونه اندک است آنچه که پذیرفته شود

حکمت 96

ارزش علم و بندگی

(اخلاقی، علمی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: نزدیک ترین مردم به پیامبران، داناترین آنان است، به آنچه که آورده اند. سپس این آیه را تلاوت فرمود: «همانا نزدیک ترین مردم به ابراهیم آنانند که پیرو او گردیدند، و مؤمنانی که به این پیامبر خاتم پیوستند» (سپس فرمود) دوست محمد صلی الله علیه و آله و سلم کسی است که خدا را اطاعت کند هر چند پیوند خویشاوندی او دور باشد، و دشمن

محمد صلی الله علیه و آله و سلم کسی است که خدا را نافرمانی کند، هر چند خویشاوند نزدیک او باشد.

حکمت 98

ضرورت عمل کردن به روایات

(علمی، اجتماعی، تربیتی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: چون روایتی را شنیدید، آن را بفهمید عمل کنید، نه بشنوید و نقل کنید، زیرا راویان علم فراوان، و عمل کنندگان آن اندکند.

حکمت 99

تفسیر الذین إذا أصابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا (علمی، تفسیری، اعتقادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: (شنید که شخصی گفت الذین إذا أصابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا) این سخن ما که می‌گوییم «ما همه از آن خداییم» اقراری است به بندگی، و اینکه می‌گوییم «بازگشت ما به سوی او است» اعترافی است به نابودی خویش.

حکمت 98

ضرورت عمل کردن به روایات

(علمی، اجتماعی، تربیتی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: چون روایتی را شنیدید، آن را بفهمید عمل کنید، نه بشنوید و نقل کنید، زیرا راویان علم فراوان، و عمل کنندگان آن اندکند.

حکمت 101

روش بر طرف کردن نیازهای مردم

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: بر آوردن نیازهای مردم پایدار نیست مگر به سه چیز، کوچک شمردن آن تا خود بزرگ نماید، پنهان داشتن آن تا خود آشکار شود، و شتاب در بر آوردن آن، تا گوارا باشد.

حکمت 102

آینده و مسخ ارزش‌ها

(سیاسی، علمی، تاریخی) و درود خدا بر او امام علی (ع) فرمود: روزگاری بر مردم خواهد آمد که محترم نشمارند جز سخن چین را، و خوششان نیاید جز از بدکار هرزه، و ناتوان نگردد جز عادل. در آن روزگار کمک به نیازمندان خسارت، و پیوند با خویشاوندان منت گذاری، و عبادت نوعی برتری طلبی بر مردم است، در آن زمان حکومت با مشورت زنان، و فرماندهی خردسالان، و برتری خواجگان اداره می‌گردد.

حکمت 103

روش برخورد با دنیا

(اخلاقی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: (پیراهن و صله داری بر اندام امام بود شخصی پرسید چرا پیراهن و صله دار می‌پوشی) دل با آن فروتن، و نفس رام می‌شود، و مؤمنان از آن سر مشق می‌گیرند. دنیای (حرام) و آخرت، دو دشمن متفاوت، و دو راه جدای از یکدیگرند، پس کسی که دنیا پرست باشد و به آن عشق ورزد، به آخرت کینه ورزد و با آن دشمنی خواهد کرد. و آن دو همانند شرق و غرب از هم دورند، و رونده به سوی آن دو، هر گاه به یکی نزدیک شود از دیگری دور می‌گردد، و آن دو همواره به یکدیگر زیان رسانند.

حکمت 104

1- وصف زاهدان

(اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: (از نوف بگالی) نقل شده، که در یکی از شب‌ها، امام علی علیه السلام را دیدم برای عبادت از بستر برخاست، نگاهی به ستارگان افکند، و به من فرمود: خوابی یا بیدار گفتم: بیدارم. فرمود: ای نوف خوشا به حال آنان که از دنیای حرام چشم پوشیدند، و دل به آخرت بستند، آنان مردمی هستند که زمین را تخت، خاک را بستر، آب را عطر، و قرآن را پوشش زیرین، و دعا را لباس روئین خود قرار دادند، و با روش عیسای مسیح با دنیا برخورد کردند.

2- ارزش سحرخیزی

ای نوف همانا داوود پیامبر (که درود خدا بر او باد) در چنین ساعتی از شب بر می خاست، و می گفت: «این ساعتی است که دعای هر بنده‌ای به اجابت می‌رسد، جز با باج گیران، جاسوسان، شبگردان و نیروهای انتظامی حکومت ستمگر، یا نوازنده طنبور و طبل»

حکمت 106

ره آورد شوم دین گریزی

(اخلاقی، اعتقادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: مردم برای اصلاح دنیا چیزی از دین را ترک نمی گویند، جز آن که خدا آنان را به چیزی زیانبارتر دچار خواهد ساخت.

حکمت 107

علل سقوط عالمان بی عمل

(اخلاقی، علمی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: چه بسا دانشمندی که جهلش او را از پای در آورد و دانش او همراهش باشد اما سودی به حال او نداشته باشد.

حکمت 108

شگفتی‌های روح آدمی

(علمی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: به رگ‌های درونی انسان پاره گوشتی آویخته که شگرف‌ترین اعضای درونی اوست، و آن قلب است، که چیزهایی از حکمت، و چیزهایی متفاوت با آن، در او وجود دارد. پس اگر در دل امیدی پدید آید، طمع آن را خوار گرداند، و اگر طمع بر آن هجوم آورد حرص آن را تباه سازد، و اگر نومیدی بر آن چیره شود، تأسف خوردن آن را از پای در آورد، اگر خشمناک شود کینه توزی آن فزونی یابد و آرام نگیرد، اگر به خشنودی دست یابد، خویشتن داری را از یاد برد، و اگر ترس آن را فراگیرد پرهیز کردن آن را مشغول سازد. و اگر به گشایشی برسد، دچار غفلت زدگی شود، و اگر مالی به دست آورد، بی نیازی آن را به سرکشی کشاند، و اگر مصیبت ناگواری به آن رسد، بی صبری رسوایش کند، و اگر به تهیدستی مبتلا گردد،

بلاها او را مشغول سازد، و اگر گرسنگی بی تابش کند، ناتوانی آن را از پای درآورد، و اگر زیادی سیر شود، سیری آن را زیان رساند، پس هر گونه کند روی برای آن زیانبار، و هر گونه تندروی برای آن فساد آفرین است.

حکمت 113

ارزش‌های والای اخلاقی

(اخلاقی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: سرمایه‌ای از عقل سودمندتر نیست، و تنهایی ترسناک‌تر از خودبینی، و عقلی چون دوراندیشی، و بزرگواری چون تقوی، و همنشینی چون اخلاق خوش، و میراثی چون ادب، و رهبری چون توفیق الهی، و تجارتی چون عمل صالح، و سودی چون پاداش الهی، و پارسائی چون پرهیز از شبهات، و زهدی چون بی‌اعتنائی به دنیای حرام، و دانشی چون اندیشیدن، و عبادتی چون انجام واجبات، و ایمانی چون حیا و صبر، و خویشاوندی چون فروتنی، و شرافتی چون دانش، و عزتی چون بردباری، و پشتیبانی مطمئن‌تر از مشورت کردن نیست.

حکمت 115

توجه به پایان‌پذیری دنیا

(اخلاقی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: (شخصی از امام پرسید حال شما چگونه است فرمود:) چگونه خواهد بود حال کسی که در بقایای خود ناپایدار، و در سلامتی بیمار است، و در آنجا که آسایش دارد مرگ او فرا می‌رسد.

حکمت 118

استفاده از فرصت‌ها

(اخلاقی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: از دست دادن فرصت، اندوهبار است.

حکمت 119

ضرورت شناخت دنیا

(اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: دنیای حرام چون مار سمّی است، پوست آن نرم ولی سمّ کشنده در درون دارد، نادان فریب خورده به آن می گراید، و هوشمند عاقل از آن دوری گزیند.

حکمت 117

پرهیز از افراط و تفریط در دوستی با امام علی علیه السّلام (اعتقادی، اخلاقی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: دو تن به خاطر من به هلاکت رسیدند: دوست افراط کننده، و دشمن دشنام دهنده.

حکمت 121

ارزیابی عمل‌ها (اخلاقی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: چقدر فاصله بین دو عمل دور است: عملی که لذّتش می رود و کیفر آن می ماند، و عملی که رنج آن می گذرد و پاداش آن ماندگار است.

حکمت 122

عبرت از مرگ یاران

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: (در پی جنازه‌ای می رفت و شنید که مردی می خندد.) گویی مرگ بر غیر ما نوشته شده، و حق جز بر ما واجب گردید، و گویا این مردگان مسافرانی هستند که به زودی باز می گردند، در حالی که بدن‌هایشان را به گورها می سپاریم، و میراثشان را می خوریم. گویا ما پس از مرگ آنان جاودانه ایم آیا چنین است، که اندرز هر پند دهنده ای از زن و مرد را فراموش می کنیم و خود را نشانه تیرهای بلا و آفات قرار دادیم.

حکمت 123

الگوهای کامل انسانیت

(اخلاقی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: خوشا به حال آن کس که خود را کوچک می‌شمارد، و کسب و کار او پاکیزه است، و جانفش پاک، و اخلاقش نیکوست، که ما زاد بر مصرف زندگی را در راه خدا بخشش می‌کند، و زبان را از زیاده‌گویی باز می‌دارد و آزار او به مردم نمی‌رسد، و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم او را کفایت کرده، بدعتی در دین خدا نمی‌گذارد.

حکمت 125

امام و شناساندن اسلام

(معنوی، اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: اسلام را چنان می‌شناسانم که پیش از من کسی آنگونه معرفی نکرده باشد. اسلام همان تسلیم در برابر خدا و تسلیم همان یقین داشتن، و یقین اعتقاد راستین، و باور راستین همان اقرار درست، و اقرار درست انجام مسئولیت‌ها، و انجام مسئولیت‌ها همان عمل کردن به احکام دین است.

حکمت 126

شگفتی ضد ارزش‌ها

(اخلاقی، اجتماعی، اعتقادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: در شگفتم از بخیل: به سوی فقری می‌شتابد که از آن می‌گریزد، و سرمایه‌ای را از دست می‌دهد که برای آن تلاش می‌کند. در دنیا چون تهیدستان زندگی می‌کند، اما در آخرت چون سرمایه‌داران محاکمه می‌شود. و در شگفتم از متکبری که دیروز نطفه‌ای بی‌ارزش، و فردا مرداری گندیده خواهد بود و در شگفتم از آن کس که آفرینش پدیده‌ها را می‌نگرد و در وجود خدا تردید دارد و در شگفتم از آن کس که مردگان را می‌بیند و مرگ را از یاد برده است، و در شگفتم از آن کس که پیدایش دوباره را انکار می‌کند در حالی که پیدایش آغازین را می‌نگرد، و در شگفتم از آن کس که خانه نابود شدنی، را آباد می‌کند اما جایگاه همیشگی را از یاد برده است.

حکمت 128

تأثیر عوامل زیست محیطی در سلامت

(عملی، بهداشتی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: در آغاز سرما خود را بپوشانید، و در

پایانش آن را دریابید، زیرا با بدن‌ها همان می‌کند که با برگ درختان خواهد کرد: آغازش می‌سوزاند، و پایانش می‌رویاند.

حکمت 130

توجّه به فنا پذیری دنیا

(اخلاقی، معنوی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: (امام علیه السلام، وقتی از جنگ صفین برگشت و به قبرستان پشت دروازه کوفه رسید رو به مردگان کرد.) ای ساکنان خانه‌های وحشت زاء، و محله‌های خالی و گروهای تاریک، ای خفتگان در خاک، ای غریبان، ای تنها شدگان، ای وحشت زدگان، شما پیش از ما رفتید و ما در پی شما روانیم، و به شما خواهیم رسید. اما خانه‌هایتان دیگران در آن سکونت گزیدند و اما زنانتان با دیگران ازدواج کردند، و اما اموال شما در میان دیگران تقسیم شد این خبری است که ما داریم، حال شما چه خبر دارید (سپس به اصحاب خود رو کرد و فرمود) بدانید که اگر اجازه سخن گفتن داشتند، شما را خبر می‌دادند که: بهترین توشه، تقوا است.

حکمت 131

و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: (شنید مردی دنیا را نکوهش می‌کند.) (اخلاقی، اجتماعی) 1- توبیخ نکوهش کننده دنیا:

ای نکوهش کننده دنیا، که خود به غرور دنیا مغروری و با باطل‌های آن فریب خوردی خود فریفته دنیایی و آن را نکوهش می‌کنی آیا تو در دنیا جرمی مرتکب شده‌ای یا دنیا به تو جرم کرده است کی دنیا تو را سرگردان کرد و در چه زمانی تو را فریب داد آیا با گورهای پدرانت که پوسیده‌اند (تو را فریب داد) یا آرامگاه مادرانت که در زیر خاک آرمیده‌اند آیا با دو دست خویش بیماران را درمان کرده‌ای و آنان را پرستاری کرده و در بسترشان خوابانده‌ای درخواست شفای آنان را کرده، و از طبیبان داروی آنها را تقاضا کرده‌ای در آن صبحگاهان که داروی تو به حال آنان سودی نداشت، و گریه تو فایده‌ای نکرد، و ترس تو آنان را سودی نرساند، و آنچه می‌خواستی به دست نیاوردی، و با نیروی خود نتوانستی مرگ را از آنان دور کنی. دنیا برای تو حال آنان را مثال زد، و با گورهایشان، گور، خودت را به رخ تو کشید.

2- خوبیها و زیباییهای دنیا:

همانا دنیا سرای راستی برای راست گویان، و خانه تندرستی برای دنیا شناسان، و خانه بی نیازی برای توشه گیران، و خانه پند، برای پندآموزان است. دنیا سجده گاه دوستان خدا، نمازگاه فرشتگان الهی، فرودگاه وحی خدا، و جایگاه تجارت دوستان خداست، که در آن رحمت خدا را به دست آوردند، و بهشت را سود بردند. چه کسی دنیا را نکوهش می کند و جدا شدنش را اعلام داشته، و فریاد زد که ماندگار نیست، و از نابودی خود و اهلش خبر داده است و حال آن که (دنیا) با بلای خود بلاها را نمونه آورد، و با شادمانی خود آنان را به شادمانی رساند. در آغاز شب به سلامت گذشت، اما در صبحگاهان با مصیبتی جانکاه بازگشت، تا مشتاق کند، و تهدید نماید، و بترساند، و هشدار دهد، پس مردمی در بامداد با پشیمانی، دنیا را نکوهش کنند، و مردمی دیگر در روز قیامت آن را می ستایند، دنیا حقائق را به یادشان آورد، یاد آور آن شدند، از رویدادها برایشان حکایت کرد، او را تصدیق کردند، و اندرزشان داد، پند پذیرفتند.

حکمت 133

اقسام مردم و دنیا

(اخلاقی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: دنیا گذرگاه عبور است، نه جای ماندن، و مردم در آن دو دسته اند: یکی آن که خود را فروخت و به تباهی کشاند، و دیگری آن که خود را خرید و آزاد کرد.

حکمت 134

حقوق دوستان

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: دوست، دوست نیست مگر آن که حقوق برادرش را در سه جایگاه نگهبان باشد: در روزگار گرفتاری، آن هنگام که حضور ندارد، و پس از مرگ.

حکمت 136

فلسفه احکام الهی

(اخلاقی، معنوی)

و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: نماز، موجب نزدیکی هر پارسایی به خداست، و حج جهاد هر ناتوان است. هر چیزی زکاتی دارد، و زکات تن، روزه، و جهاد زن، نیکو شوهر داری است.

حکمت 137

صدقه راه نزول روزی

(اخلاقی، اقتصادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: روزی را با صدقه دادن فرود آورید.

حکمت 138

نقش یا دانش الهی در انفاق

(اخلاقی، اقتصادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: آن که پاداش الهی را باور دارد، در بخشش سخاوتمند است.

حکمت 140

قناعت و بی‌نیازی

(اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: آن که میانه روی کند تهیدست نخواهد شد.

حکمت 141

راه آسایش

(اجتماعی، اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: اندک بودن تعداد زن و فرزند یکی از دو آسایش است.

حکمت 142

دوستی‌ها و خردمندی

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: دوستی کردن نیمی از خردمندی است.

حکمت 143

غمها و پیری زودرس

(اخلاقی، بهداشت روانی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: اندوه خوردن، نیمی از پیری است.

حکمت 144

تناسب بردباری با مصیبت‌ها

(اخلاقی، معنوی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: صبر به اندازه مصیبت فرود آید، و آن که در مصیبت بی تاب بر رانش زند، اجرش نابود می گردد.

حکمت 146

ارزش دعا، صدقه و زکات دادن

(اخلاقی، اقتصادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: ایمان خود را با صدقه دادن، و اموالتان را با زکات دادن نگاه دارید، و امواج بلا را با دعا از خود برانید.

حکمت 147

(علمی، اخلاقی، اعتقادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: (کمیل بن زیاد می گوید: امام دست مرا گرفت، و به سوی قبرستان کوفه برد، آنگاه آه پردردی کشید و فرمود) ای کمیل بن زیاد این قلب‌ها بسان ظرف‌هایی هستند، که بهترین آنها، فراگیرترین آنهاست، پس آنچه را می گویم نگاه دار:

1- اقسام مردم (مردم شناسی)

مردم سه دسته اند، دانشمند الهی، و آموزنده ای بر راه رستگاری، و پشه های دست خوش باد و طوفان و همیشه سرگردان، که به دنبال هر سر و صدایی می روند، و با وزش هر بادی حرکت می کنند، نه از روشنایی دانش نور گرفتند، و نه به پناهگاه استواری پناه گرفتند.

2- ارزش های والای دانش

ای کمیل: دانش بهتر از مال است، زیرا علم، نگهبان تو است، و مال را تو باید نگهبان باشی، مال با بخشش کاستی پذیرد اما علم با بخشش فزونی گیرد، و مقام و شخصیتی که با مال به دست آمده با نابودی مال، نابود می گردد. ای کمیل بن زیاد شناخت علم راستین (علم الهی) آیینی است که با آن

پاداش داده می شود، و انسان در دوران زندگی با آن خدا را اطاعت می کند، و پس از مرگ، نام نیکو به یادگار گذارد. دانش فرمانروا، و مال فرمانبر است.

3- ارزش دانشمندان

ای کمیل ثروت اندوزان بی تقوا مرده گرچه به ظاهر زنده اند، اما دانشمندان، تا دنیا برقرار است زنده اند، بدن هایشان گرچه در زمین پنهان اما یاد آنان در دل ها همیشه زنده است.

4- اقسام دانش پژوهان

بدان که در اینجا (اشاره به سینه مبارک کرد) دانش فراوانی انباشته است، ای کاش کسانی را می یافتم که می توانستند آن را بیاموزند آری تیز هوشانی می یابم اما مورد اعتماد نمی باشند، دین را وسیله دنیا قرار داده، و با نعمت های خدا بر بندگان، و با برهان های الهی بر دوستان خدا فخر می فروشند. یا گروهی که تسلیم حاملان حق می باشند اما ژرف اندیشی لازم را در شناخت حقیقت ندارند، که با اولین شبه های، شک و تردید در دلشان ریشه می زند پس نه آنها، و نه اینها، سزاوار آموختن دانش های فراوان من نمی باشند. یا فرد دیگری که سخت در پی لذت بوده، و اختیار خود را به شهوت داده است، یا آن که در ثروت اندوزی حرص می ورزد، هیچ کدام از آنان نمی توانند از دین پاسداری کنند، و بیشتر به چهارپایان چرنده شباهت دارند، و چنین است که دانش با مرگ دارندگان دانش می میرد.

5- ویژگی های رهبران الهی

آری خداوند زمین هیچ گاه از حجت الهی خالی نیست، که برای خدا با برهان روشن قیام کند، یا آشکار و شناخته شده، یا بیمناک و پنهان، تا حجت خدا باطل نشود، و نشانه هایشان از میان نرود. تعدادشان چقدر و در کجا هستند به خدا سوگند که تعدادشان اندک ولی نزد خدا بزرگ مقدارند، که خدا به وسیله آنان حجت ها و نشانه های خود را نگاه می دارد، تا به کسانی که همانندشان هستند بسپارد، و در دل های آنان بکارد، آنان که دانش، نور حقیقت بینی را بر قلبشان تابیده، و روح یقین را دریافته اند، که آنچه را خوشگزاران ها دشوار می شمارند، آسان گرفتند، و با آنچه که ناآگاهان از آن هراس داشتند انس گرفتند. در دنیا با بدن هایی زندگی می کنند، که ارواحشان به جهان بالا پیوند

خورده است، آنان جانشینان خدا در زمین، و دعوت کنندگان مردم به دین خدايند. آه، آه، چه سخت اشتياق دیدارشان را دارم کميل هر گاه خواستی باز گرد.

حکمت 148

نقش سخن در شناخت انسان (رفتار شناسی)

(اخلاقی، علمی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: انسان زیر زبان خود پنهان است.

حکمت 149

ضرورت خودشناسی

(اخلاقی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: نابود شد کسی که ارزش خود را ندانست.

حکمت 150

ضد ارزش‌ها و هشدارها

(اخلاقی، اجتماعی، سیاسی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: (مردی از امام در خواست اندرز کرد.) از کسانی مباش که بدون عمل صالح به آخرت امیدوار است، و توبه را با آرزوهای دراز به تأخیر می اندازد، در دنیا چونان زاهدان، سخن می گوید، اما در رفتار همانند دنیا پرستان است، اگر نعمت‌ها به او برسد سیر نمی شود، و در محرومیت قناعت ندارد، از آنچه به او رسید شکر گزار نیست، و از آنچه مانده زیاده طلب است. دیگران را پرهیز می دهد اما خود پروا ندارد به فرمانبرداری امر می کند اما خود فرمان نمی برد، نیکوکاران را دوست دارد، اما رفتارشان را ندارد گناهکاران را دشمن دارد اما خود یکی از گناهکاران است، و با گناهان فراوان مرگ را دوست نمی دارد، اما در آنچه که مرگ را ناخوشایند ساخت پافشاری دارد، اگر بیمار شود پشیمان می شود، و اگر تندرست باشد سرگرم خوشگذرانی هاست در سلامت مغرور و در گرفتاری نا امید است اگر مصیبتی به او رسد به زاری خدا را می خواند. اگر به گشایش دست یافت مغرورانه از خدا روی بر می گرداند، نفس به نیروی گمان ناروا، بر او چیرگی دارد، و او با قدرت یقین بر نفس چیره نمی گردد. برای دیگران که گناهی کمتر از او دارند نگران، و بیش از آنچه که عمل کرده امیدوار است. اگر بی نیاز گردد مست

و مغرور شود، و اگر تهیدست گردد، مأیوس و سست شود. چون کار کند در آن کوتاهی ورزد، و چون چیزی خواهد زیاده روی نماید، چون در برابر شهوت قرار گیرد گناه را بر گزیده، توبه را به تأخیر اندازد، و چون رنجی به او رسد از راه ملت اسلام دوری گزیند، عبرت آموزی را طرح می کند اما خود عبرت نمی گیرد در پند دادن مبالغه می کند اما خود پند پذیر نمی باشد. سخن بسیار می گوید، اما کردار خوب او اندک است برای دنیای زود گذر تلاش و رقابت دارد اما برای آخرت جاویدان آسان می گذرد سود را زیان، و زیان را سود می پندارد از مرگ هراسناک است اما فرصت را از دست می دهد گناه دیگری را بزرگ می شمارد، اما گناهان بزرگ خود را کوچک می پندارد، طاعت دیگران را کوچک و طاعت خود را بزرگ می داند مردم را سرزنش می کند، اما خود را نکوهش نکرده با خود ریاکارانه برخورد می کند خوشگذرانی با سرمایه داران را بیشتر از یاد خدا با مستمندان دوست دارد، به نفع خود بر زیان دیگران حکم می کند اما هرگز به نفع دیگران بر زیان خود حکم نخواهد کرد، دیگران را هدایت اما خود را گمراه می کند، دیگران از او اطاعت می کنند، و او مخالفت می ورزد، حق خود را به تمام می گیرد اما حق دیگران را به کمال نمی دهد، از غیر خدا می ترسد، اما از پروردگار خود نمی ترسد

می گویم: (اگر در نهج البلاغه جز این حکمت وجود نداشت، همین یک حکمت برای اندرز دادن کافی بود این سخن، حکمتی رسا، و عامل بینایی انسان آگاه، و عبرت آموز صاحب اندیشه است)

حکمت 151

ضرورت آینده نگری

(اخلاقی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: هر کس را پایانی است، تلخ یا شیرین.

حکمت 152

توجه به فنا پذیری

(اخلاقی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: آنچه روی می آورد، باز می گردد، و چیزی که باز گردد گویی هرگز نبوده است

حکمت 153

صبر و پیروزی

(اخلاقی، سیاسی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: انسان شکیبا، پیروزی را از دست نمی دهد، هر چند زمان آن طولانی شود.

حکمت 154

اهمیت نیت ها

(اخلاقی، سیاسی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: آن کس که از کار مردمی خشنود باشد، چونان کسی است که همراه آنان بوده و هر کس که به باطلی روی آورد، دو گناه بر عهده او باشد، گناه کردار باطل، و گناه خشنودی به کار باطل.

حکمت 158

روش برخورد با دوستان بد

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: برادرت را با احسانی که در حق او می کنی سرزنش کن، و شر او را با بخشش باز گردان.

حکمت 159

پرهیز از مواضع اتهام

(اخلاق اجتماعی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: کسی که خود را در جایگاه تهمت قرار داد، نباید جز خود را نکوهش کند

حکمت 161

ارزش مشورت و پرهیز از خودمحوری

(اخلاقی، سیاسی، اجتماعی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: هر کس خود رأی شد به هلاکت رسید، و هر کس با دیگران مشورت کرد، در عقل های آنان شریک شد.

حکمت 162

ضرورت راز داری

(اخلاقی، سیاسی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: آن کس که راز خود را پنهان دارد، اختیار آن در دست اوست.

حکمت 163

فقر و نابودی

(اقتصادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: فقر مرگ بزرگ است

حکمت 165

پرهیز از نافرمانی خدا

(اخلاقی، اعتقادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: هیچ اطاعتی از مخلوق، در نافرمانی پروردگار روا نیست.

حکمت 167

خود پسندی و محرومیت‌ها

(اخلاقی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: خود پسندی مانع فزونی است.

حکمت 168

توجه به فنا پذیری دنیا

(اخلاقی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: آخرت نزدیک، و زمان ماندن در دنیا اندک است.

حکمت 170

ضرورت ترک گناه

(اخلاقی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: ترک گناه آسان‌تر از درخواست توبه است.

حکمت 173

ارزش مشورت‌ها

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: آن کس که از افکار و آراء گوناگون استقبال کند، صحیح را از خطا خوب شناسد.

حکمت 175

راه درمان ترس

(اخلاقی، علمی، تربیتی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: هنگامی که از چیزی می ترسی، خود را در آن بیفکن، زیرا گاهی ترسیدن از چیزی، از خود آن سخت تر است.

حکمت 178

روش نابود کردن بدی ها

(اخلاقی، سیاسی، اجتماعی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: بدی را از سینه دیگران، با کنندن آن از سینه خود، ریشه کن نما

حکمت 179

لجاجت و سستی اراده

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: لجاجت تدبیر را سست می کند.

حکمت 181

ارزش دورانندیشی و پرهیز از کوتاهی

(اخلاقی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: حاصل کوتاهی، پشیمانی، و حاصل دورانندیشی، سلامت است.

حکمت 182

شناخت جایگاه سخن و سکوت

(اخلاقی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: آنجا که باید سخن درست گفت، در خاموشی خیری نیست، چنانکه در سخن نا آگاهانه نیز خیری نخواهد بود.

حکمت 188

ضرورت حق گرایی

(اخلاقی، اعتقادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: هر کس که با حق در آویزد نابود می گردد.

حکمت 189

ارزش صبر و خطر بی تابي

(اخلاقی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: کسی را که شکیبایی نجات ندهد، بی تابي او را هلاک گرداند.

حکمت 191

مشکلات دنیا

(اخلاقی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: همانا انسان در دنیا تخته نشان تیرهای مرگ، و ثروتي است دستخوش تاراج مصیبت‌ها: با هر جرعه نوشیدنی، گلو رفتنی، و در هر لقمه ای، گلوگیر شدنی است، و بنده نعمتی به دست نیورد جز آن که نعمتی از دست بدهد، و روزی به عمرش افزوده نمی گردد جز با کم شدن روزی دیگر پس ما یاران مرگیم، و جان‌های ما هدف نابودی‌ها، پس چگونه به ماندن جاودانه امیدوار باشیم. در حالی که گذشت شب و روز بنایی را بالا نبرده جز آن که آن را ویران کرده، و به اطراف پراکند

حکمت 196

عبرت آموزی از إتلاف اموال

(اخلاقی، اقتصادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: مالی که نابودی آن تو را پند می دهد، از دست نرفته است.

حکمت 197

روش درمان روح (روانشناسی بالینی)
(اخلاقی، علمی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: این دل‌ها همانند تن‌ها خسته می شوند، برای نشاط آن به سخنان تازه حکیمانه روی بیاورید.

حکمت 201

امدادهای الهی و حفظ انسان
(اعتقادی، معنوی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: با هر انسانی دو فرشته است که او را حفظ می کنند، و چون تقدیر الهی فرا رسد، تنهایش می گذارند، که همانا زمان عمر انسان، سپری نگهدارنده است.

حکمت 203

یاد مرگ و پرهیزکاری
(اخلاقی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: ای مردم از خدایی بترسید که اگر سخنی گویند می شنود، و اگر پنهان دارید می داند، و برای مرگی آماده باشید، که اگر از آن فرار کنید شما را می یابد، و اگر بر جای خود بمانید شما را می گیرد، و اگر فراموشش کنید شما را از یاد نبرد.

حکمت 205

گنجایش نامحدود ظرف علم
(علمی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: هر ظرفی با ریختن چیزی در آن پر می شود جز ظرف دانش که هر چه در آن جای دهی، وسعتش بیشتر می شود.

حکمت 206

ره آورد حلم و بردباری

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: نخستین پاداش بردبار از بردباری اش آن که مردم در برابر نادان، پشیمان او خواهند بود.

حکمت 208

مراحل خودسازی

(اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: کسی که از خود حساب کشد، سود می برد، و آن که از خود غفلت کند زیان می بیند، و کسی که از خدا بترسد ایمن باشد، و کسی که عبرت آموزد آگاهی یابد، و آن که آگاهی یابد می فهمد، و آن که بفهمد دانش آموخته است

حکمت 209

خبر از ظهور حضرت مهدی علیه السلام

(اعتقادی، سیاسی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: دنیا پس از سرکشی، به ما روی می کند، چونان شتر ماده بد خو که به بچه خود مهربان گردد. (سپس این آیه را خواند) «و اراده کردیم که بر مستضعفین زمین، منت گذارده آنان را امامان و وارثان حکومت ها گردانیم»

حکمت 215

اختلاف آفت اندیشه

(اخلاقی، سیاسی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: اختلاف نابود کننده اندیشه است.

حکمت 217

دگرگونی روزگار و شناخت انسان ها

(اخلاقی، علمی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: در دگرگونی روزگار، گوهر شخصیت مردان شناخته می شود.

حکمت 218

حسادت آفت دوستی

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: حسادت بر دوست، از آفات دوستی است.

حکمت 221

آینده دردناک ستمکاران

(اخلاقی، سیاسی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: بدترین توشه برای قیامت، ستم بر بندگان است.

حکمت 223

حیاء و عیب پوشی

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: آن کس که لباس حیاء بپوشد، کسی عیب او را نبیند.

حکمت 224

برخی از ارزش های اخلاقی

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: با سکوت بسیار، وقار انسان بیشتر شود، و با انصاف بودن، دوستان را فراوان کند، و با بخشش، قدر و منزلت انسان بالا رود، و با فروتنی، نعمت کامل شود، و با پرداخت هزینه ها، بزرگی و سروری ثابت گردد، و روش عادلانه، مخالفان را درهم شکنند، و با شکیبایی در برابر بی خردی، یاران انسان زیاد گردند.

حکمت 225

حسادت و بیماری

(اخلاقی، بهداشتی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: شگفتا که حسودان از سلامتی خود غافل مانده اند.

حکمت 226

طمع‌ورزی و خواری

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: طمعکاری همواره زبون و خوار است.

حکمت 227

ارکان ایمان

(اعتقادی، معنوی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: (از ایمان پرسیدند). ایمان، بر شناخت با قلب، اقرار با زبان، و عمل با اعضا و جوارح استوار است.

حکمت 228

ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: کسی که از دنیا اندوهناک می باشد، از قضاء الهی خشمناک است، و آن کس که از مصیبت وارد شده شکوه کند از خدا شکایت کرده، و کسی که نزد توانگری رفته و به خاطر سرمایه اش برابر او فروتنی کند، دو سوّم دین خود را از دست داده است و آن کس که قرآن بخواند و وارد آتش جهنّم شود حتماً از کسانی است که آیات الهی را بازیچه قرار داده است، و آن کس که قلب او با دنیا پرستی پیوند خورد، همواره جانش گرفتار سه مشکل است، اندوهی رها نشدنی، حرصی جدا نشدنی، و آرزویی نیافتنی.

حکمت 231

تعریف عدل و احسان

(اخلاقی، اقتصادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: در تفسیر آیه 90 سوره نحل «خدا به عدل و احسان فرمان می دهد» فرمود) عدل، همان انصاف، و احسان، همان بخشش است.

حکمت 232

ره آورد انفاق

(اخلاقی، اقتصادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: آن کس که با دست کوتاه ببخشد، از دستی بلند پاداش گیرد.

می گویم: (معنی سخن این است که آنچه انسان از اموال خود در راه خیر و نیکی انفاق می کند، هر چند کم باشد، خداوند پاداش او را بسیار می دهد، و منظور از «دو دست» در اینجا دو نعمت است، که امام علیه السلام بین نعمت پروردگار، و نعمت از ناحیه انسان، را با کوتاهی و بلندی فرق گذاشته است که نعمت و بخشش از ناحیه بنده را کوتاه، و از ناحیه خداوند را بلند قرار داده است، بدان جهت که نعمت خدا همیشگی و چند برابر نعمت مخلوق است، چرا که نعمت خداوند اصل و اساس تمام نعمتها است، بنا بر این تمام نعمتها به نعمتهای خدا باز می گردد، و از آن سرچشمه می گیرد).

حکمت 233

پرهیز از آغازگری در مبارزه

(اخلاق اجتماعی، سیاسی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: (به فرزندش امام مجتبی علیه السلام فرمود) کسی را به پیکار دعوت نکن، اما اگر تو را به نبرد خواندند بپذیر، زیرا آغازگر پیکار تجاوزکار، و تجاوزکار شکست خورده است.

حکمت 234

تفاوت اخلاقی مردان و زنان

(اخلاقی، علمی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: برخی از نیکوترین خلق و خوی زنان، زشت ترین اخلاق مردان است، مانند، تکبر، ترس، بخل، هر گاه زنی متکبر باشد، بیگانه را به حریم خود راه نمی دهد، و اگر بخیل باشد اموال خود و شوهرش را حفظ می کند، و چون ترسان باشد از هر چیزی که به آبروی او زیان رساند فاصله می گیرد.»

حکمت 235

نشانه خردمندی

(اخلاقی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: (به امام گفتند، عاقل را به ما بشناسان، پاسخ داد:) خردمند آن است که هر چیزی را در جای خود می نهد. (گفتند پس جاهل را تعریف کن فرمود) با معرفّی خردمند، جاهل را نیز شناساندم. (یعنی جاهل کسی که هر چیزی را در جای خود نمی گذارد، بنا بر این با ترک معرفّی مجدد، جاهل را شناساند)

حکمت 236

زشتی دنیای حرام

(اخلاقی، اعتقادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: به خدا سوگند این دنیای شما که به انواع حرام آلوده است، در دیده من از استخوان خوکی که در دست بیماری جذامی باشد، پست تر است

حکمت 237

اقسام عبادت

(عبادی، معنوی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: گروهی خدا را به امید بخشش پرستش کردند، که این پرستش بازرگانان است، و گروهی او را از روی ترس عبادت کردند که این عبادت بردگان است، و گروهی خدا را از روی سپاسگزاری پرستیدند و این پرستش آزادگان است.

حکمت 238

مشکلات تشکیل خانواده

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: زن و زندگی، همه اش زحمت و دردسر است و زحمت بارترا اینکه چاره ای جز بودن با او نیست».

حکمت 239

زشتی سستی و سخن چینی

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: هر کس تن به سستی دهد، حقوق را پایمال کند، و هر کس سخن چین را پیروی کند دوستی را به نابودی کشاند.

حکمت 240

غصب و ویرانی

(اقتصادی، سیاسی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: سنگ غصبی در بنای خانه، مایه ویران شدن آن است.

(این سخن از رسول خدا نقل شده است، و اینکه سخن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام شبیه یکدیگرند جای شگفتی نیست برای اینکه هر دو از یک جا سر چشمه گرفته و در دو ظرف ریخته شده است).

حکمت 241

آینده دردناک ستمکاران

(سیاسی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: روزی که ستمدیده از ستمکار انتقام کشد، سخت تر از روزی است که ستمکار بر او ستم روا می داشت.

حکمت 242

ارزش ترس از خداوند

(اخلاقی، اعتقادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: از خدا بترس هر چند اندک، و میان خود و خدا پرده ای قرار ده هر چند نازک

حکمت 243

روش صحیح پاسخگویی

(علمی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: هرگاه پاسخ‌ها همانند و زیاد شد، پاسخ درست پنهان گردد.

حکمت 244

مسئولیت نعمت‌های الهی

(اعتقادی، اجتماعی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: خدا را در هر نعمتی حقی است، هر کس آن را پردازد، فزونی یابد، و آن کس که پردازد و کوتاهی کند، در خطر نابودی قرار گیرد.

حکمت 245

کاستی قدرت و کنترل شهوت

(اخلاقی، علمی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: هنگامی که توانایی فزونی یابد، شهوت کاستی گیرد.

حکمت 246

هشدار از پشت کردن نعمت‌ها

(معنوی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: از فرار نعمت‌ها بپرهیزید، زیرا هر گریخته‌ای باز نمی‌گردد.

حکمت 247

ره آورد سخاوت

اقتصادی، اجتماعی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: بخشش بیش از خویشاوندی محبت

آورد.

حکمت 248

تقویت خوشبینی ها

(اخلاق اجتماعی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: چون کسی به تو گمان نیک برد، خوشبینی او را تصدیق کن.

حکمت 249

بهترین عمل ها

(اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: بهترین کارها آن است که با ناخشنودی در انجام آن بکوشی.

حکمت 250

خداشناسی در حوادث روزگار

(اعتقادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: خدا را از سست شدن اراده های قوی، گشوده شدن گره های دشوار، و درهم شکسته شدن تصمیم ها، شناختم

حکمت 251

تلخی های و شیرینی های دنیا و آخرت

(اخلاقی، اعتقادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: تلخکامی دنیا، شیرینی آخرت، و شیرینی دنیای حرام، تلخی آخرت است.

حکمت 252

فلسفه احکام الهی

(اخلاقی، اجتماعی، اعتقادی)

و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: خدا «ایمان» را برای پاکسازی دل از شرک، و «نماز» را برای پاک بودن از کبر و خودپسندی، و «زکات» را عامل فزونی روزی، و «روزه» را برای آزمودن اخلاص بندگان، و «حج» را برای نزدیکی و همبستگی مسلمانان، و «جهاد» را برای عزت اسلام، و «امر به معروف» را برای اصلاح توده های ناآگاه، و «نهی از منکر» را برای بازداشتن بی خردان از زشتی ها، «صله رحم» را برای فراوانی خویشاوندان، و «قصاص» را برای پاسداری از خون ها، و اجرای «حدود» را برای بزرگداشت محرمات الهی، و ترک «می گساری» را برای سلامت عقل، و دوری از «دزدی» را برای تحقق عفت، و ترک «زنا» را برای سلامت نسل آدمی، و ترک «لواط» را برای فزونی فرزندان، و «گواهی دادن» را برای به دست آوردن حقوق انکار شده، و ترک «دروغ» را برای حرمت نگهداشتن راستی، و «سلام» کردن را برای امنیت از ترس ها، و «امامت» را برای سازمان یافتن امور امت، و «فرمانبرداری از امام» را برای بزرگداشت مقام رهبری، واجب کرد.

حکمت 253

روش سوگند دادن ستمکار

(سیاسی، اعتقادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: آنگاه که خواستید ستمکاری را سوگند دهید از او بخواهید که بگوید (از جنبش و نیروی الهی بیزار است) زیرا اگر به دروغ سوگند خورد، پس از بیزاری، در کیفر او شتاب شود، اما اگر در سوگند خود بگوید «به خدایی که جز او خدایی نیست» در کیفرش شتاب نگیرد، چه او خدا را به یگانگی یاد کرد.

حکمت 254

تلاش در انفاقهای اقتصادی

(اقتصادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: ای فرزند آدم خودت وصی مال خویش باش، امروز به گونه ای عمل کن که دوست داری پس از مرگت عمل کنند.

حکمت 255

تندخویی و جنون

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: تندخویی بی مورد نوعی دیوانگی است، زیرا که تندخو پشیمان می شود، و اگر پشیمان نشد پس دیوانگی او پایدار است.

حکمت 256

حسادت و بیماری

(اخلاقی، بهداشتی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: سلامت تن در دوری از حسادت است.

حکمت 257

راه شاد کردن دیگران (اخلاق خانواده)

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: ای کامل خانواده ات را فرمان ده که روزها در به دست آوردن بزرگواری، و شبها در رفع نیاز خفتگان بکوشند. سوگند به خدایی که تمام صداها را می شنود، هر کس دلی را شاد کند، خداوند از آن شادی لطفی برای او قرار دهد که به هنگام مصیبت چون آب زلالی بر او باریدن گرفته و تلخی مصیبت را بزدايد چنان که شتر غریبه را از چراگاه دور سازند.

حکمت 258

صدقه و توانگری

(اخلاقی، اقتصادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: هر گاه تهیدست شدید با صدقه دادن، با خدا تجارت کنید.

حکمت 259

شناخت جایگاه وفاداری

(اخلاقی اجتماعی، سیاسی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: وفاداری با خیانتکاران نزد خدا نوعی خیانت، و خیانت به خیانتکاران نزد خدا وفاداری است.

حکمت 260

پرهیز از مهلت دادن های خدا

(اعتقادی، معنوی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: بسا احسان پیایی خدا، گناهکار را گرفتار کند و پرده پوشی خدا او را مغرور سازد، و با ستایش مردم فریب خورد، و خدا هیچ کس را همانند مهلت دادن، مورد آزمایش قرار نداد.

می گویم: (این سخن امام علیه السلام در کلمات گذشته آمده بود، اما چون در اینجا عبارات زیبا و مفیدی اضافه بر گذشته وجود داشت آن را نقل کردم).

بخش حکمت های شگفتی آور از سخنان امیر المؤمنین علیه السلام
(در این فصل برخی از سخنان برگزیده شگفتی آور امام را می آوریم که احتیاج به تفسیر و تحلیل دارد).

1- روایتی از امام اشاره به ظهور امام زمان علیه السلام

چون آنگونه شود، پیشوای دین قیام کند، پس مسلمانان پیرامون او چونان ابر پاییزی گرد آیند.

(«يعسوب» یعنی بزرگ مسلمانان، و «قزع» یعنی ابرهای پاییزی)

2- روایتی دیگر از امام سخنوری این سخنران، زبردست ماهر است.

(«شحشح» یعنی مهارت دارد، به کسی که خوب حرف می زند یا خوب راه می رود گویند، ولی در

موارد دیگر «شحشح» یعنی فردی بخیل)

3- روایتی دیگر از امام پرهیز از دشمنی کردن دشمنی، رنج ها و سختی هایی هلاک کننده دارد.

(«قحم» یعنی مهلکه ها، زیرا دشمنی آنان را به هلاکت می رساند، و به معنی سختی ها نیز آمده که می

گویند «قحمة الاعراب»، یعنی روزگار سختی و گرسنگی عرب ها به گونه ای که اموالشان تمام می

شود، و معنی «تَقَحَّم» همین است که می گویند خشکسالی روستاییان را به سرزمین های سبز و آباد کشانده است).

4- روایتی دیگر از امام سرپرستی زنان چون زنان بالغ شوند، خویشاوندان پدری برای سرپرستی آنان سزاوارترند.

منظور از «نصّ» آخرین درجه هر چیز است، مانند «نصّ» در سیر، که به معنی آخرین مرحله توانایی مرکب است، هنگامی که می گوییم، «نصصت الرجل عن الأمر» آنقدر سؤال از کسی بشود که آنچه می داند بیان کند، بنا بر این «نصّ الحقائق» بمعنی رسیدن به مرحله بلوغ است که پایان دوره کودکی است، این جمله از فصیح ترین کنایات و شگفت آورترین آنها است، منظور امام این است، هنگامی که زنان باین مرحله برسند «عصبه»: مردان خویشاوند پدری که محرم آنان هستند، مانند برادر، و عمو، به حمایت آنها سزاوارتر از مادرند، و هم چنین در انتخاب همسر برای آنها، و منظور از حقائق مخالفت و درگیری مادر، با عصبه، در مورد این زن است، به طوری که هر کدام به دیگری می گوید: من از تو احقّ هستم، گفته می شود: «حاققه حقاقا» بمعنی رشد عقلی است، یعنی به مرحله ای برسد که حقوق و احکام در باره او اجرا شود، اما آن کس که نصّ الحقائق نقل کرده منظورش از حقایق، جمع «حقیقت» است. این بود معنایی که «ابو عبید قاسم بن سلام» (۱) برای این جمله کرده است، اما نظر من این است که منظور از «نصّ الحقائق» این است که زن به مرحله ای برسد که جائز باشد تزویج کند، و اختیاردار حقوق خود شود، این در حقیقت تشبیه به «حقاق» در شتر است چرا که «حقاق» جمع حقّه و «حق» است به معنی شتری که سه سالش تمام و آماده بهره برداری است. «حقائق» نیز جمع حقّه است، بنا بر این هر دو تعبیر به یک معنی باز می گردد، هر چند معنی دوم به روش عرب شبیه تر است.

5- روایتی دیگر از امام تأثیر ایمان در روح ایمان نقطه ای نورانی در قلب پدید آورد که هر چه ایمان رشد کند آن نیز فزونی یابد.

(لمظّه نقطه سیاه یا سفید است، می گویند فرس المظ، یعنی اسبی که در لب او نقطه سپیدی باشد)

6- روایتی دیگر از امام ضرورت پرداخت زکات هر گاه انسان طلبی دارد که نمی داند وصول می شود یا نه، پس از دریافت آن واجب است زکات آن را برای سالی که گذشته، بپردازد. می گویم: (بنا بر این «دین ظنون» آن است که طلب کار نمی داند آیا می تواند از بدهکار وصول کند

یا نه گویا طلب کار در حال ظنّ و گمان است، گاهی امید دارد که بتواند آن را بستاند، و گاهی امید دارد که بتواند آن را بستاند، و گاهی نه، این از فصیح ترین سخنان است، همچنین هر کاری که طالب آن هستی و نمی دانی در چه موضعی نسبت به آن خواهی بود، آن را «ظنون» گویند. و گفته اعیانی شاعر عرب از همین باب است، آنجا که می گوید: «چاهی که معلوم نیست آب دارد یا نه، و از محلی که باران گیر باشد دور است، نمی شود آن را همچون فرات، که پر از آب است، و کشتی و شناگر ماهر را از پا در می آورد، قرار داد» «جدّ» چاه قدیمی بیابانی را گویند، و ظنون آن است که معلوم نیست آب دارد یا نه).

7- روایتی دیگر از امام (وقتی لشکری را در راه جنگ مشایعت می کرد فرمود) اخلاق نظامی تا می توانید از زنان دوری کنید

می گویم: (معنی این سخن آن که از یاد زنان و توجّه دل به آنها در هنگام جنگ، اعراض کنید، و از نزدیکی با آنان امتناع ورزید، چه اینکه این کار بازوان حمیت را سست، و در تصمیم شما خلل ایجاد می نماید، و از حرکت سریع، و کوشش در جنگ باز می دارد، هر کس که از چیزی امتناع ورزد گفته می شود «عذب عنه» و «عازب» و «عذوب» به معنی کسی است که از خوردن و آشامیدن امتناع می ورزد).

8- روایتی دیگر از امام امید به پیروزی مسلمان چونان تیراندازی ماهری است که انتظار دارد، در همان نخستین تیراندازی پیروز گردد. می گویم: (یاسرون، کسانی هستند که با تیرها بر سر شتری مسابقه می دهند، و فالج، یعنی چیره دست پیروز، می گویند. قد فلج علیهم و فلجهم. یعنی بر آنان پیروز شدند، و آنان را مغلوب کردند، و راجز) می گوید: چیره دستی را دیدم که پیروز شد).

9- روایتی دیگر از امام جهاد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم هر گاه آتش جنگ شعله می کشید، ما به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم پناه می بردیم، که در آن لحظه کسی از ما همانند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم به دشمن نزدیک تر نبود.

(وقتی ترس از دشمن بزرگ می نمود، و جنگ به گونه ای می شد که گویا جنگجویان را می خواهد در کام خود فرو برد، مسلمانان به پیامبر پناهنده می شدند، تا رسول خدا شخصا به نبرد پردازد، و خداوند به وسیله او نصرت و پیروزی را بر آنان نازل فرماید، و در سایه آن حضرت ایمن گردند، اما

جمله

«إذا احمرّ البأس» کنایه از شدّت کارزار است. در این باره سخنان متعدّدی گفته شده که بهترین آنها اینکه امام داغی جنگ را به شعله های سوزان آتش تشبیه کرده است، و از چیزهایی که این نظر را تقویت می کند، سخن پیامبر در جنگ حنین است، هنگامی که نبرد سخت شد و شمشیر زدن مردم را در جنگ «هوازن» مشاهده کرد فرمود: «الآن حمى الوطيس» اکنون تنور جنگ داغ شد، «وطيس» تنور آتش است، بنا بر این رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم داغی و گرمی جنگ را به افروختگی و شدّت شعله وری آتش تشبیه فرموده است).

ادامه حکمت‌ها

حکمت 261

مظلومیّت امام علی علیه السّلام

(سیاسی، تاریخی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: (آن هنگام که تهاجم یاران معاویه به شهر انبار، و غارت کردن آن را شنید، تنها و پیاده به طرف پادگان نظامی کوفه «نخيله» حرکت کرد، مردم خود را به او رسانده، گفتند ای امیر مؤمنان ما آنان را کفایت می کنیم، فرمود) شما از انجام کار خود درمانده اید چگونه کار دیگری را برایم کفایت می کنید اگر رعایای پیش از من از ستم حاکمان می نالیدند، امروز من از رعیت خود می نالم، گویی من پیرو، و آنان حکمرانند، یا من محکوم و آنان فرمانروایانند. وقتی سخن امام در یک سخنرانی طولانی که برخی از آن را در ضمن خطبه های گذشته آوردیم، به اینجا رسید. (دو نفر از یاران جلو آمدند و یکی گفت: من جز خود و برادرم را در اختیار ندارم، ای امیر المؤمنان فرمان ده تا هر چه خواهی انجام دهم، امام فرمود) شما کجا و آنچه من می خواهم کجا

حکومت 262

مشکل حقّ ناشناسی

(اعتقادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: (حارث بن حوث نزد امام آمد و گفت: آیا چنین پنداری که من اصحاب جمل را گمراه می دانم چنین نیست، امام فرمود) ای حارث تو زیر پای خود را دیدی، اما به پیرامونت نگاه نکردی، پس سرگردان شدی، تو حق را نشناختی تا بدانی که اهل حق چه کسانی می باشند و باطل را نیز نشناختی تا باطل گرایان را بدانی. (حارث گفت: من و سعد بن مالک، و عبد الله بن عمر، از جنگ کنار می رویم، امام فرمود) همانا سعد و عبد الله بن عمر، نه حق را یاری کردند، و نه باطل را خوار ساختند.

حکمت 263

مشکل هم نشینی با قدرتمندان

(سیاسی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: همنشین پادشاه، شیر سواری را ماند که دیگران حسرت منزلت او را دارند، ولی خود می داند که در جای خطرناکی قرار گرفته است.

حکمت 264

نیکی به بازماندگان دیگران

(اخلاق اجتماعی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: به بازماندگان دیگران نیکی کنید، تا حرمت بازماندگان شما را نگاه دارند.

حکمت 265

گفتار حکیمان و درمان

(علمی، درمانی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: گفتار حکیمان اگر درست باشد درمان، و اگر نادرست، درد جان است.

حکمت 266

روش صحیح پاسخ دادن

(علمی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: (شخصی از امام پرسید که ایمان را تعریف کن) فردا نزد من بیا تا در جمع مردم پاسخ گویم، که اگر تو گفتارم را فراموش کنی دیگری آن را در خاطرش سپارد، زیرا گفتار چونان شکار رمنده است، یکی آن را به دست آورد، و دیگری آن را از دست می دهد.

(پاسخ امام در حکمت 31 آمد که آن را نقل کردیم که ایمان را بر چهار شعبه تقسیم کرد)

حکمت 267

پرهیز از حرص ورزی در کسب روزی

(اعتقادی، معنوی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: ای فرزند آدم اندوه روز نیامده را بر امروزت میفزای، زیرا اگر روز نرسیده، از عمر تو باشد خدا روزی تو را خواهد رساند.

حکمت 268

اعتدال در دوستی ها و دشمنی ها

(اخلاق اجتماعی، سیاسی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: در دوستی با دوست مدارا کن، شاید روزی دشمن تو گردد، و در دشمنی با دشمن نیز مدارا کن، زیرا شاید روزی دوست تو گردد.

حکمت 269

روش برخورد با دنیا

(اعتقادی، اخلاقی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: مردم در دنیا دو دسته اند، یکی آن کس که در دنیا برای دنیا کار کرد، و دنیا او را از آخرتش بازداشت، بر بازماندگان خویش از تهیدستی هراسان، و از تهیدستی خویش در امان است، پس زندگانی خود را در راه سود دیگران از دست می دهد. و دیگری آن که در دنیا برای آخرت کار می کند، و نعمت های دنیا نیز بدون تلاش به او روی می آورد، پس بهره هر دو جهان را چشیده، و مالک هر دو جهان می گردد، و با آبرومندی در پیشگاه خدا صبح می کند، و حاجتی را از خدا درخواست نمی کند جز آن که روا می گردد.

حکمت 270

ضرورت حفظ اموال کعبه

(تاریخی، فقهی، اقتصادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: (در زمان حکومت عمر، نسبت به فراوانی زیور و زینت‌های کعبه صحبت شد، گروهی گفتند آنها را برای لشکر اسلام مصرف کن، کعبه زر و زینت نمی خواهد، وقتی از امیر المؤمنین علیه السلام پرسیدند، فرمود) همانا قرآن بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هنگامی نازل گردید که اموال چهار قسم بود، اموال مسلمانان، که آن را بر اساس سهم هر یک از وارثان، تقسیم کرد، و غنیمت جنگی که آن را به نیازمندان رساند، و خمس، که خدا جایگاه مصرف آن را تعیین فرمود، و صدقات، که خداوند راه‌های بخشش آن را مشخص فرمود. و زیور آلات و زینت کعبه از اموالی بودند که خدا آن را به حال خود گذاشت، نه از روی فراموشی آن را ترک کرد، و نه از چشم خدا پنهان بود، تو نیز آن را به حال خود واگذار چنانکه خدا و پیامبرش آن را به حال خود واگذاشتند. (عمر گفت: اگر تو نبودی رسوا می شدیم، و متعرض زیور آلات کعبه نشد)

حکمت 271

روش صحیح قضاوت

(قضایی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: (دو نفر دزد را خدمت امام آوردند که از بیت المال دزدی کرده بودند، یکی برده مردم، و دیگری برده ای جزو بیت المال بود، امام فرمود) برده ای که از بیت المال است حدّی بر او نیست، زیرا مال خدا مقداری از مال خدا را خورده است، اما دیگری باید حدّ دزدی با شدّت بر او اجرا گردد (سپس دست او را برید).

حکمت 272

ضرورت استقامت در برداشتن کجی ها

(سیاسی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: اگر از این فتنه ها و لغزشگاه با قدرت بگذرم، دگرگونی های بسیار پدید می آورم.

حکمت 273 ضرورت توکل به خداوند

(اعتقادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: به یقین بدانید خداوند برای بنده خود هر چند با سیاست و سخت کوش و در طرح و نقشه نیرومند باشد، بیش از آنچه که در علم الهی «و عده فرمود، قرار نخواهد داد، و میان بنده، هر چند ناتوان و کم سیاست باشد، و آنچه در قرآن برای او رقم زده حایلی نخواهد گذاشت، هر کس این حقیقت را بشناسد و به کار گیرد، از همه مردم آسوده تر است و سود بیشتری خواهد برد. و آن که آن را واگذارد و در آن شک کند، از همه مردم گرفتارتر و زیانکارتر است، چه بسا نعمت داده شده ای که گرفتار عذاب شود، و بسا گرفتاری که در گرفتاری ساخته شده و آزمایش گردد، پس ای کسی که از این گفتار بهرمنده می شوی، بر شکر گزاری بیفزای، و از شتاب بی جا دست بردار، و به روزی رسیده قناعت کن.

حکمت 274

ضرورت عمل گرایی

(اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: علم خود را نادانی، و یقین خود را شک و تردید مپندارید، پس هر گاه دانستید عمل کنید، و چون به یقین رسیدید اقدام کنید.

حکمت 275

ضد ارزش های اخلاقی

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: طمع به هلاکت می کشاند و نجات نمی دهد، و به آنچه ضمانت کند، وفادار نیست، و بسا نوشنده آبی که پیش از سیراب شدن گلو گیرش شد، و ارزش آنچه که بر سر آن رقابت می کنند، هر چه بیشتر باشد، مصیبت از دست دادنش اندوه بارتر خواهد بود، و آرزوها چشم بصیرت را کور می کند، و آنچه روزی هر کسی است بی جستجو خواهد رسید.

حکمت 276

پرهیز از دورویی ها

(اخلاقی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: خدایا به تو پناه می برم که ظاهر من در برابر دیده ها نیکو، و درونم در آنچه که از تو پنهان می دارم، زشت باشد، و بخواهم با اعمال و رفتاری که تو از آن آگاهی، توجّه مردم را به خود جلب نمایم، و چهره ظاهرم را زیبا نشان داده با اعمال نادرستی که درونم را زشت کرده به سوی تو آیم، تا به بندگان نزدیک، و از خشنودی تو دور گردم.

حکمت 277

سوگند امام علیه السّلام

(اعتقادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: نه، سوگند به خدایی که با قدرت او شب تاریک را به سر بردیم که روز سپیدی در پی داشت، چنین و چنان نبود.

حکمت 278

ارزش تداوم عمل

(اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: کار اندکی که ادامه یابد، از کار بسیاری که از آن به ستوه آیی امیدوار کننده تر است.

حکمت 279

شناخت جایگاه واجبات و مستحبات

(عبادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: هر گاه مستحبات به واجبات زیان رساند آن را ترک کنید.

حکمت 280

یاد قیامت و آمادگی

(اعتقادی، اخلاقی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: کسی که به یاد سفر طولانی آخرت باشد خود را آماده می سازد.

حکمت 281

برتری عقل از مشاهده چشم

(علمی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: اندیشیدن همانند دیدن نیست، زیرا گاهی چشم‌ها دروغ می نمایند، اما آن کس که از عقل نصیحت خواهد به او خیانت نمی کند.

حکمت 282

غرور، آفت پندپذیری

(اخلاقی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: میان شما و پندپذیری، پرده ای از غرور و خودخواهی وجود دارد.

حکمت 283

علل سقوط جامعه

(اجتماعی، سیاسی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: جاهلان شما پر تلاش، و آگاهان شما تن پرور و کوتاهی ورزند

حکمت 284

دانش نابود کننده عذرها

(علمی، اخلاقی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: دانش، راه عذر تراشی را بهانه جویان بسته است.

حکمت 285

ضرورت استفاده از فرصت‌ها

(اخلاقی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: آنان که وقتشان پایان یافته خواستار مهلتند، و آنان که مهلت دارند کوتاهی می‌ورزند.

حکمت 286

سرانجام خوشی‌ها

(سیاسی، اجتماعی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: مردم چیزی را نگفتند خوش باد، جز آن که روزگار، روز بدی را برای او تدارک دید.

حکمت 287

مشکل درک قضا و قدر

(اعتقادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: (از قدر پرسیدند، پاسخ داد:) راهی است تاریک، آن را می‌پمایید، و دریایی است ژرف، وارد آن نوشید، و رازی است خدایی، خود را به زحمت نیندازید.

حکمت 288

جهل و خواری

(علمی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: هر گاه خدا بخواهد بنده‌ای را خوار کند، دانش را از او دور سازد.

حکمت 289

الگوی کامل انسانیت

(اخلاقی، اجتماعی، تربیتی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: در گذشته برادری دینی داشتم

که در چشم من بزرگ مقدار بود چون دنیای حرام در چشم او بی ارزش می نمود، و از شکم بارگی دور بود، پس آنچه را نمی یافت آرزو نمی کرد، و آنچه را می یافت زیاده روی نداشت. در بیشتر عمرش ساکت بود، اما گاهی که لب به سخن می گشود بر دیگر سخنوران برتری داشت، و تشنگی پرسش کنندگان را فرو می نشاند. به ظاهر ناتوان و مستضعف می نمود، اما در برخورد جدی چونان شیر پیشه می خروشید، یا چون مار بیابانی به حرکت در می آمد. تا پیش قاضی نمی رفت دلیلی مطرح نمی کرد، و کسی را که عذری داشت سرزنش نمی کرد، تا آن که عذر او را می شنید، از درد شکوه نمی کرد، مگر پس از تندرستی و بهبودی، آنچه عمل می کرد می گفت، و بدانچه عمل نمی کرد چیزی نمی گفت، اگر در سخن گفتن بر او پیشی می گرفتند در سکوت مغلوب نمی گردید. و بر شنیدن بیشتر از سخن گفتن حریص بود. اگر بر سر دو راهی دو کار قرار می گرفت، می اندیشید که کدام یک با خواسته نفس نزدیک تر است با آن مخالفت می کرد، پس بر شما باد روی آوردن به اینگونه از ارزش های اخلاقی، و با یکدیگر در کسب آنها رقابت کنید، و اگر نتوانستید، بدانید که به دست آوردن برخی از آن ارزش های اخلاقی بهتر از رها کردن همه است.

حکمت 290

مسئولیت نعمت ها

(اعتقادی، اخلاقی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: اگر خدا بر گناهان وعده عذاب هم نمی داد، لازم بود به خاطر سپاسگزاری از نعمت هایش نافرمانی نشود.

حکمت 291

روش تسلیت گفتن

(اخلاق اجتماعی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: (جهت تسلیت گفتن به اشعث بن قیس در مرگ فرزندش) ای اشعث اگر برای پسر ت اندوهناکی، به خاطر پیوند خویشاوندی سزاواری، اما اگر شکیا باشی هر مصیبتی را نزد خدا پاداشی است. ای اشعث اگر شکیا باشی تقدیر الهی بر تو جاری می شود و تو پاداش داده خواهی شد و اگر بی تابی کنی نیز تقدیر الهی بر تو جاری می شود و تو

گناه کاری ای اشعث پُست تو را شاد می ساخت و برای تو گرفتاری و آزمایش بود، و مرگ او تو را اندوهگین کرد در حالی که برای تو پاداش و رحمت است.

حکمت 292

عزای پیامبر علیه السّلام و بی تابى ها
(اعتقادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: (به هنگام دفن رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم) همانا شکیبایی نیکوست جز در غم از دست دادنت، و بی تابى ناپسند است جز در اندوه مرگ تو، مصیبت تو بزرگ، و مصیبت های پیش از تو و پس از تو ناچیزند.

حکمت 293

دوستی با احمق هرگز
(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: همنشین بی خرد مباش، که کار زشت خود را زیبا جلوه داده، دوست دارد تو همانند او باشی.

حکمت 294

فاصله میان شرق و غرب
(علمی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: (از فاصله میان مشرق و مغرب پرسیدند، فرمود:) به اندازه یک روز رفتن خورشید.

حکمت 295

شناخت دوستان و دشمنان
(اخلاقی اجتماعی، سیاسی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: دوستان تو سه گروهند، و دشمنان تو نیز سه دسته اند، اما دوستان: دوست تو و دوست دوست تو، و دشمن دشمن تو است، و اما

دشمنانت، پس دشمن تو، و دشمن دوست تو، و دوست دشمن تو است.

حکمت 296

پرهیز از دشمنی ها

(اخلاقی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: (شخصی را دید که چنان بر ضد دشمنش می کوشید که به خود زیان می رسانید، فرمود:) تو مانند کسی هستی که نیزه در بدن خود فرو برد تا دیگری را که در کنار اوست بکشد

حکمت 297

ضرورت عبرت گرفتن

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: عبرت ها چقدر فراوانند و عبرت پذیران چه اندک

حکمت 298

اعتدال در دشمنی ها

(اخلاقی، سیاسی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: کسی که در دشمنی زیاده روی کند گناهکار، و آن کس که در دشمنی کوتاهی کند ستمکار است، و هر کس که بی دلیل دشمنی کند نمی تواند با تقوا باشد

حکمت 299

نماز در نگرانی ها

(اعتقادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: آنچه که بین من و خدا نارواست اگر انجام دهم و مهلت دو رکعت نماز داشته باشم که از خدا عافیت طلبم، مرا اندوهگین نخواهد ساخت.

حکمت 300

شگفتی روزی بندگان

(اعتقادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: (از امام پرسیدند چگونه خدا با فراوانی انسان‌ها به حسابشان رسیدگی می‌کند پاسخ داد:) آن چنانکه با فراوانی آنان روزیشان می‌دهد (و باز پرسیدند چگونه به حساب انسان‌ها رسیدگی می‌کند که او را نمی‌بینند فرمود) همان گونه که آنان را روزی می‌دهد و او را نمی‌بینند

حکمت 301

احتیاط در فرستادن پیک‌ها و نامه‌ها

(اجتماعی، سیاسی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: فرستاده تو بیانگر میزان عقل تو، و نامه تو گویاترین سخنگوی تو است

حکمت 302

نیاز انسان به دعا

(معنوی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: آن کس که به شدت گرفتار دردی است نیازش به دعا بیشتر از تندرستی است که از بلا در امان است نمی‌باشد.

حکمت 303

ارزش دنیا دوستی

(اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: مردم فرزندان دنیا هستند و هیچ کس را بر دوستی مادرش نمی‌توان سرزنش کرد.

حکمت 304

ضرورت پاسخ دادن به درخواستها

(اخلاقی، اقتصادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: نیازمندی که به تو روی آورده فرستاده خداست، کسی که از یاری او دریغ کند، از خدا دریغ کرده، و آن کس که به او بخشش کند، به خدا بخشیده است.

حکمت 305

غیرتمندی و ترک زنا

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: غیرتمند هرگز زنا نمی کند.

حکمت 306

نگهدارندگی اجل

(اعتقادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: اجل، نگهبان خوبی است. می گویم: معنای سخن امام این است که انسان بر کشته شدن فرزندان بردباری می کند اما در غارت و ربوده شدن اموال بردبار نیست.

حکمت 307

مشکل مال غارت شده

(اقتصادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: آدم داغدار می خوابد، اما مال غارت شده، نمی خوابد.

می گویم: (معنای سخن امام علیه السلام این است که انسان بر کشته شدن فرزندان بردباری می کند اما در غارت و ربوده شدن اموال بردبار نیست).

حکمت 308

ره آورد دوستی پدران

(اخلاق اجتماعی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: دوستی میان پدران، سبب خویشاوندی

فرزندان است، و خویشاوندی به دوستی نیازمندتر است از دوستی به خویشاوندی.

حکمت 309

ارزش گمان مؤمن

(اخلاقی، معنوی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: از گمان مؤمنان پرهیزید که خدا حق را بر زبان آنان قرار داده است.

حکمت 310

ضرورت اطمینان به وعده‌های الهی

(اعتقادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: ایمان بنده ای درست نباشد جز آن که اعتماد او به آنچه در دست خداست بیشتر از آن باشد که در دست اوست.

حکمت 311

نفرین امام علیه السلام

(اعتقادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: (چون به شهر بصره رسید خواست انس بن مالک را به سوی طلحه و زبیر بفرستد تا آنچه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در باره آنان شنیده یادشان آورد، انس، سر باز زد و گفت من آن سخن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را فراموش کردم، فرمود) اگر دروغ می گویی خداوند تو را به بیماری برص (سفیدی روشن) دچار کند که عمّامه آن را نپوشاند.

(پس از نفرین امام (ع)، انس به بیماری برص در سر و صورت دچار شد، که همواره نقاب می زد)

حکمت 312

روانشناسی عبادات

(علمی، عبادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: دل‌ها را روی آوردن و نشاط، و پشت کردن

و فراری است، پس آنگاه که نشاط دارند آن را بر انجام مستحبات وادارید، و آنگاه که پشت کرده بی نشاط است، به انجام واجبات قناعت کنید.

حکمت 313

جامعیت قرآن

(علمی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: در قرآن اخبار گذشتگان، و آیندگان، و احکام مورد نیاز زندگی تان وجود دارد.

حکمت 314

روش برخورد با متجاوز

(سیاسی، اخلاقی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: سنگ را از همان جایی که دشمن پرت کرده، باز گردانید، که شر را جز شر پاسخی نیست.

حکمت 315

روش نویسندگی

(علمی، هنری) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: (به نویسنده خود عبید الله بن ابی رافع دستور داد) در دوات، لایقه بینداز، نوک قلم را بلند گیر، میان سطرها فاصله بگذار، و حروف را نزدیک به یکدیگر بنویس، که این شیوه برای زیبایی خط بهتر است.

حکمت 316

پیشوایی مؤمنان و تبهکاران

(اعتقادی، اقتصادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: من پیشوای مؤمنان، و مال، پیشوای تبهکاران است.

می گویم: (معنای سخن امام این است که مؤمنان از من پیروی می کنند و بدکاران پیرو مال می باشند

آنگونه که زنبوران عسل از رئیس خود اطاعت دارند)

حکمت 317

اختلاف مسلمین و انحراف یهودیان

(اعتقادی، سیاسی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: (شخصی یهودی به امام گفت: هنوز پیامبران را دفن نکرده، در باره اش اختلاف کردید، امام فرمود: ما در باره آنچه که از او رسیده اختلاف کردیم، نه در خود او، اما شما یهودیان، هنوز پای شما پس از نجات از دریای نیل خشک نشده بود که به پیامبران گفتید: «برای ما خدایی بساز، چنانکه بت پرستان خدایی دارند» و پیامبر شما گفت: «شما مردمی نادانید»

حکمت 318

قاطعیّت در مبارزات

(سیاسی، نظامی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: (از امام پرسیدند، با کدام نیرو بر حریفان خود پیروز شدی فرمود) کسی را ندیدم جز آن که مرا در شکست خود یاری می داد می گویم: (امام به این نکته اشاره کرد که هیبت و ترس او در دلها جای می گرفت)

حکمت 319

ره آورد شوم تهیدستی

(اقتصادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: (به پسرش محمد حنفیه سفارش کرد) ای فرزند من از تهیدستی بر تو هراسناکم، از فقر به خدا پناه ببر، که همانا فقر، دین انسان را ناقص، و عقل را سرگردان، و عامل دشمنی^(۱) است.

حکمت 320

روش صحیح پرسیدن

(علمی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: (شخصی مسئله پیچیده ای سؤال کرد، فرمود) برای فهمیدن پرس، نه برای آزار دادن، که نادان آموزش گیرنده، همانند داناست، و همانا دانای بی انصاف چون نادان بهانه جو است.

حکمت 321

قاطعیّت رهبری در مشورت

(سیاسی، اجتماعی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: (عبد الله بن عباس در مسئله ای نظر داد که امام آن را قبول نداشت و فرمود) بر تو است که رأی خود را به من بگویی، و من باید پیرامون آن بیندیشم، آنگاه اگر خلاف نظر تو فرمان دادم باید اطاعت کنی.»

حکمت 322

ضرورت تقویت روحیه مردم پس از جنگ

(سیاسی، اجتماعی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: (وقتی امام از جنگ صفین باز می گشت به محله شبامیان رسید، آواز گریه زنان بر کشتگان جنگ را شنید، ناگاه حرب بن شرحبیل شبامی بزرگ قبیله شبامیان خدمت امام رسید به او فرمود) آیا آن گونه که می شنوم، زنان شما بر شما چیره شده اند چرا آنان را از گریه و زاری باز نمی دارید (حرب پیاده و امام سوار بر اسب می رفتند، به او فرمود) باز گرد، که پیاده رفتن رئیس قبیله ای چون تو پشت سر من، موجب انحراف زمامدار و زبونی مؤمن است.

حکمت 323

علل انحراف خوارج

(سیاسی، اعتقادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: (در جنگ نهروان هنگامی که از کنار کشتگان خوارج می گذشت فرمود) بدا به حال شما آن که شما را فریب داد به شما زیان رساند. (پرسیدند چه کسی آنان را فریفت، ای امیر المؤمنین علیه السلام فرمود) شیطان گمراه کننده، و نفسی

که به بدی فرمان می دهد، آنان را با آرزوها مغرور ساخت، و راه گناه را بر ایشان آماده کرد، و به آنان وعده پیروزی داد، و سرانجام به آتش جهنم گرفتارشان کرد.

حکمت 324

خدا ترس در خلوتگاهها

(اعتقادی، اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: از نافرمانی خدا در خلوتها پرهیزید، زیرا همان که گواه است، داوری کند.

حکمت 325

اندوه عزای محمد بن ابی بکر

(سیاسی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: (آنگاه که خبر کشته شدن محمد بن ابی بکر را به او دادند فرمود) همانا اندوه ما بر شهادت او، به اندازه شادی شامیان است، جز آن که از آنان یک دشمن، و از ما یک دوست کم شد.

حکمت 326

مهلت پذیرش توبه

(معنوی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: عمری که خدا از فرزند آدم پوزش را می پذیرد شصت سال است.

حکمت 327

پیروزیهای دروغین

(سیاسی، اخلاقی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: پیروز نشد آن کس که گناه بر او چیرگی یافت، و آن کس که با بدی پیروز شد شکست خورده است.

حکمت 328

وظیفه سرمایه‌داران

(اقتصادی، اجتماعی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: همانا خدای سبحان روزی فقراء را در اموال سرمایه داران قرار داده است، پس فقری گرسنه نمی ماند جز به کامیابی توانگران، و خداوند از آنان در باره گرسنگی گرسنگان خواهد پرسید.

حکمت 329

بی‌نیازی از عذر خواهی

(اخلاق اجتماعی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: بی‌نیازی از عذر خواهی، گرامی تر از عذر راستین است.

حکمت 330

مسئولیت نعمت‌ها

(اعتقادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: کمترین حق خدا بر عهده شما اینکه از نعمت‌های الهی در گناهان یاری نگیرید.

حکمت 331

ارزش اطاعت و بندگی

(عبادی، اعتقادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: خدای سبحان طاعت را غنیمت زیرکان قرار داد آنگاه که مردم ناتوان، کوتاهی کنند.

حکمت 332

مسئولیت رهبری

(سیاسی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: حاکم اسلامی، پاسبان خدا در زمین اوست.

حکمت 333

روانشناسی مؤمن

(علمی، اجتماعی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: (در توصیف مؤمن فرمود) شادی مؤمن در چهره او، و اندوه وی در دلش پنهان است، سینه اش از هر چیزی فراخ تر، و نفس او از هر چیزی خوار تر است. برتری جویی را زشت، و ریاکاری را دشمن می شمارد، اندوه او طولانی، و همت او بلند است، سکوتش فراوان، و وقت او با کار گرفته است، شکرگزار و شکیا و ژرف اندیش است. از کسی درخواست ندارد و نرم خو و فروتن است، نفس او از سنگ خارا سخت تر اما در دینداری از بنده خوار تر است.

حکمت 334

یاد مرگ و آرزوها

(اخلاقی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: اگر بنده خدا اجل و پایان کارش را می دید، با آرزو و فریب آن دشمنی می ورزید.

حکمت 335

آفات اموال

(اقتصادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: برای هر کسی در مال او دو شریک است: وارث، و حوادث.

حکمت 336

مسئولیت وعده دادن

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: کسی که چیزی از او خواسته اند تا وعده

نداده آزاد است.

حکمت 337

ضرورت عمل گرایی

(اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: دعوت کننده بی عمل، چون تیر انداز بدون کمان است.

حکمت 338

اقسام علم

(علمی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: علم دو گونه است: علم فطری و علم اکتسابی، علم اکتسابی اگر هماهنگ با علم فطری ﴿﴾ نباشد سودمند نخواهد بود.

حکمت 339

قدرت و حاکمیت اندیشه

(سیاسی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: استواری رأی با کسی است که قدرت و دارایی دارد، با روی آوردن قدرت، روی آورد، و با پشت کردن آن روی بر تابد.

حکمت 340

ارزش پاکدامنی و شکرگزاری

(اخلاقی، اقتصادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: پاکدامنی زیور تهیدستی، و شکرگزاری زیور بی نیازی (ثروتمندی) است.

حکمت 341

روز دردناک ظالم

(سیاسی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: روز انتقام گرفتن از ظالم سخت تر از ستمکاری بر مظلوم است.

حکمت 342

راه بی نیازی

(اخلاق اجتماعی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: برترین بی نیازی و دارایی، نومیدي است از آنچه در دست مردم است.

حکمت 343

شناخت مردم و ضد ارزشها

(سیاسی، علمی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: گفتارها نگهداری می شود، و نهانها آشکار، و هر کسی در گرو اعمال خویش است، و مردم گرفتار کمبودها و آفت‌هایند جز آن را که خدا نگهدارد، در خواست کنند گانشان مردم آزار، و پاسخگویان به زحمت و رنج دچارند، و آن کس که در اندیشه از همه برتر است با اندک خشنودی یا خشمی از رأی خود باز می گردد. و آن کس که از همه استوارتر است از نیم نگاهی ناراحت شود یا کلمه ای او را دگرگون سازد.

حکمت 344

ضرورت توجه به فنا پذیری دنیا

(اخلاقی، اقتصادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: ای مردم از خدا بترسید، چه بسا آرزومندی که به آرزوی خود نرسید، و سازنده ساختمانی که در آن مسکن نکرد، و گرد آورنده ای که زود آنچه را گرد آورده رها خواهد کرد، شاید که از راه باطل گرد آورده، و یا حق دیگران را باز داشته، و با حرام به هم آمیخته، که گناهش بر گردن اوست، و با سنگینی بار گناه در می گذرد، و با پشیمانی و حسرت به نزد خدا می رود که: «در دنیا و آخرت زیان کرده و این است زیانکاری آشکار»

حکمت 345

یکی از راههای پاک ماندن

(معنوی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: دست نیافتن به گناه نوعی عصمت است.

حکمت 346

مشکلات درخواست کردن

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: آبروی تو چون یخی جامد است که درخواست آن را قطره قطره آب می کند، پس بنگر که آن را نزد چه کسی فرو می ریزی.

حکمت 347

جایگاه ستایش

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: ستودن بیش از آنچه که سزاوار است نوعی چاپلوسی، و کمتر از آن، درماندگی یا حسادت است.

حکمت 348

سخت ترین گناه

(اخلاقی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: سخت ترین گناه، آن که گناهکار آن را کوچک بشمارد.

حکمت 349

الگوی انسان کامل

(اخلاقی، معنوی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: آن کس که در عیب خود بنگرد از عیب جوئی دیگران باز ماند، و کسی که به روزی خدا خشنود باشد بر آنچه از دست رود اندوهگین نباشد، و کسی که شمشیر ستم بر کشد با آن کشته شود، و آن کس که در کارها خود را به رنج اندازد خود

را هلاک سازد، و هر کس خود را در گردابه‌های بلا افکند غرق گردد، و هر کس به جاهای بد نام قدم گذاشت متهم گردید. و کسی که زیاد سخن می گوید زیاد هم اشتباه دارد، و هر کس که بسیار اشتباه کرد، شرم و حیاء او اندک است، و آن که شرم او اندک، پرهیزکاری او نیز اندک خواهد بود، و کسی که پرهیزکاری او اندک است دلش مرده، و آن که دلش مرده باشد. در آتش جهنم سقوط خواهد کرد. و آن کس که زشتی های مردم را بنگرد، و آن را زشت بشمارد سپس همان زشتی ها را مرتکب شود، پس او احمق واقعی است. قناعت، مالی است که پایان نیابد، و آن کس که فراوان به یاد مرگ باشد در دنیا به اندک چیزی خشنود است، و هر کس بداند که گفتار او نیز از اعمال او به حساب می آید جز به ضرورت سخن نگوید.

حکمت 350

روانشناسی مردان ستمکار

(سیاسی، اجتماعی، اخلاقی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: مردم ستمکار را سه نشان است: با سرکشی به ما فوق خود ستم روا دارد، و به زیردستان خود با زور و چیرگی ستم می کند، و ستمکاران را یاری می دهد.

حکمت 351

امیدواری در سختی ها

(معنوی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: چون سختی ها به نهایت رسد، گشایش پدید آید، و آن هنگام که حلقه های بلا تنگ گردد آسایش فرا رسد.

حکمت 352

اعتدال در پرداخت به امور خانواده

(اخلاق اجتماعی، خانوادگی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: (به برخی از یاران خود فرمود) بیشترین اوقات زندگی را به زن و فرزندان اختصاص مده، زیرا اگر زن و فرزندان از دوستان

خدا باشند خدا آنها را تباه نخواهد کرد، و اگر دشمنان خدایند، چرا غم دشمنان خدا را می خوری .

حکمت 353

بزرگترین عیب

(اخلاقی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: بزرگ ترین عیب آن که چیزی را که در خود داری، بر دیگران عیب بشماری .

حکمت 354

روش تبریک گفتن در تولد فرزند

(اجتماعی، اخلاقی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: (در حضور امام، شخصی با این عبارت، تولد نوزادی را تبریک گفت «قدم دلاوری یگه سوار مبارک باد»)) چنین مگو بلکه بگو: خدای بخشنده را شکر گزار، و نوزاد بخشیده بر تو مبارک، امید که بزرگ شود و از نیکوکاری اش بهرمند گردی.

حکمت 355

پرهیز از تجمل گرایی

(اقتصادی، سیاسی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: (وقتی یکی از کار گزاران امام خانه با شکوهی ساخت به او فرمود) سگه های طلا و نقره سر بر آورده خود را آشکار ساختند، همانا ساختمان مجلل بی نیازی و ثروتمندی تو را می رساند.

حکمت 356

قدرت خداوند در روزی رسانی

(اعتقادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: (از امام پرسیدند اگر در خانه مردی را به رویش بستند، روزی او از کجا خواهد آمد فرمود)

از آن جایی که مرگ او می آید .

حکمت 357

روش تسلیت گفتن

(اخلاق اجتماعی) و درود خدا بر او ، امام علی (ع) فرمود : (مردمی را در مرگ یکی از خویشاوندانشان چنین تسلیت گفت) مردن از شما آغاز نشده، و به شما نیز پایان نخواهد یافت. این دوست شما به سفر می رفت، اکنون پندارید که به یکی از سفرها، رفته، اگر او باز نگردد، شما به سوی او خواهید رفت.

حکمت 358

مسئولیت نعمت‌ها

(اخلاقی، اقتصادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: ای مردم، باید خدا شما را به هنگام نعمت همانند هنگامه کیفر، ترسان بنگرد. زیرا کسی که رفاه و گشایش را زمینه گرفتار شدن خویش نداند، پس خود را از حوادث ترسناک ایمن می پندارد، و آن کس که تنگدستی را آزمایش الهی نداند پاداشی را که امیدی به آن بود از دست خواهد داد.

حکمت 359

راه خودسازی

(اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: ای اسیران آرزوها، بس کنید زیرا صاحبان مقامات دنیا را تنها دندان حوادث روزگار به هراس افکند، ای مردم کار تربیت خود را خود بر عهده گیرید، و نفس را از عادت‌هایی که به آن حرص دارد باز گردانید.

حکمت 360

ضرورت پرهیز از بدگمانی

(اخلاق اجتماعی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: شایسته نیست به سخنی که از دهان کسی خارج شد، گمان بد ببری، چرا که برای آن برداشت نیکویی می توان داشت.

حکمت 361

روش خواستن از خدا

(عبادی، معنوی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: هر گاه از خدای سبحان درخواستی داری، ابتدا بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم درود بفرست، سپس حاجت خود را بخواه، زیرا خدا بزرگوارتر از آن است که از دو حاجت درخواست شده، یکی را برآورد و دیگری را باز دارد.

حکمت 362

ضرورت پرهیز از جدال و درگیری

(اجتماعی، اخلاقی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: هر کس که از آبروی خود بیمناک است از جدال پرهیزد.

حکمت 363

نشانه بی خردی

(اخلاقی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: شتاب پیش از توانایی بر کار، و سستی پس از به دست آوردن فرصت از بی خردی است.

حکمت 364

جایگاه پرسیدن

(علمی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: از آنچه پدید نیامده نپرس، که آنچه پدید آمده برای سرگرمی تو کافی است.

حکمت 365

ارزش‌های اخلاقی

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: اندیشه، آئینه‌ای شفاف و عبرت از حوادث، بیم‌دهنده‌ای خیراندیش است، و تو را در ادب کردن نفس همان بس که از آنچه انجام دادنش را برای دیگران نمی‌پسندی بپرهیزی.

حکمت 366

هماهنگی علم و عمل

(عملی، اخلاقی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: علم و عمل پیوندی نزدیک دارند. و کسی که دانست باید به آن عمل کند، چرا که علم، عمل را فراخواند، اگر پاسخ داد می‌ماند و گر نه کوچ می‌کند.

حکمت 367

روش برخورد با دنیا

(اخلاقی، معنوی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: ای مردم، کالای دنیای حرام چون برگه‌ای خشکیده و با خیز است، پس از چراگاه آن دوری کنید، که دل‌کنند از آن لذت بخش‌تر از اطمینان داشتن به آن است، و به قدر ضرورت از دنیا برداشتن بهتر از جمع‌آوری سرمایه فراوان است. آن کس که از دنیا زیاد برداشت به فقر محکوم است، و آن کس که خود را از آن بی‌نیاز انگاشت در آسایش است، و آن کس که زیور دنیا دیدگانش را خیره سازد دچار کور دلی گردد، و آن کس که به دنیای حرام عشق ورزید، درونش پر از اندوه شد، و غم و اندوه‌ها در خانه دلش رقصان گشت، که از سویی سرگرمش سازند، و از سویی دیگر رهایش نمایند، تا آنجا که گلایش را گرفته در گوشه‌ای بمیرد، رگ‌های حیات او قطع شده، و نابود ساختن او بر خدا آسان، و به گور انداختن او به دست دوستان است. اما مؤمن با چشم عبرت به دنیا می‌نگرد، و از دنیا به اندازه ضرورت برمی‌دارد، و سخن دنیا را از روی دشمنی می‌شنود، چرا که تا گویند سرمایه دار شد، گویند تهیدست گردید، و تا در

زندگی شاد می شوند، با فرا رسیدن مرگ غمگین می گردند، و این اندوه چیزی نیست که روز پریشانی و نومیدی هنوز نیامده است.

حکمت 368

فلسفه کیفر و پاداش

(عبادی، معنوی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: همانا خداوند پاداش را بر اطاعت، و کیفر را بر نافرمانی قرار داد، تا بندگان را از عذابش برهاند، و به سوی بهشت کشاند.

حکمت 369

خبر از مسخ ارزش‌ها

(اجتماعی، تاریخی سیاسی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: روزگاری بر مردم خواهد آمد که از قرآن جز نشانی، و از اسلام جز نامی، باقی نخواهد ماند. مسجدهای آنان در آن روزگار آبادان، اما از هدایت ویران است. مسجد نشینان و سازندگان بناهای شکوهمند مساجد، بدترین مردم زمین می باشند، که کانون هر فتنه، و جایگاه هر گونه خطاکاری اند، هر کس از فتنه بر کنار است او را به فتنه باز گردانند، و هر کس که از فتنه عقب مانده او را به فتنه ها کشانند، که خدای بزرگ فرماید: «به خودم سوگند، بر آنان فتنه ای بگمارم که انسان شکوبا در آن سرگردان ماند» و چنین کرده است، و ما از خدا می خواهیم که از لغزش غفلت‌ها در گذرد.

حکمت 370

هدفداری انسان و ضرورت تقوا (اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: (نقل کردند که امام علیه السلام کمتر بر منبری می نشست که پیش از سخن این عبارت را نگوید:) ای مردم از خدا بترسید، هیچ کس بیهوده آفریده نشد تا به بازی پردازد، و او را به حال خود وانگذاشته اند تا خود را سرگرم کارهای بی ارزش نماید، و دنیایی که در دیده ها زیباست، جایگزین آخرتی نشود که آن را زشت می انگارند، و مغروری که در دنیا به بالاترین مقام رسیده، چون کسی نیست که

در آخرت به کمترین نصیبی رسیده است.

حکمت 371

ارزش‌های والای اخلاقی

(اخلاقی، معنوی، اجتماعی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: هیچ شرافتی برتر از اسلام، و هیچ عزّتی گرامی‌تر از تقوا، و هیچ سنگری نیکوتر از پارسایی، و هیچ شفاعت‌کننده‌ای کارسازتر از توبه، و هیچ گنجی بی‌نیازکننده‌تر از قناعت، و هیچ مالی در فقر زدایی، از بین برنده‌تر از رضایت دادن به روزی نیست. و کسی که به اندازه کفایت زندگی از دنیا بردارد به آسایش دست یابد، و آسوده‌خاطر گردد، در حالی که دنیا پرستی کلید دشواری، و مرکب رنج و گرفتاری است، و حرص ورزی و خود بزرگ بینی و حسادت، عامل بی‌پروایی در گناهان است، و بدی، جامع تمام عیب‌ها است.

حکمت 372

عوامل استحکام دین و دنیا

(علمی، اخلاقی، اقتصادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: (به جابر بن عبد الله انصاری فرمود) ای جابر استواری دین و دنیا به چهار چیز است: عالمی که به علم خود عمل کند، و جاهلی که از آموختن سرباز نزند، و بخشنده‌ای که در بخشش بخل نورزد، و فقیری که آخرت خود را به دنیا نفروشد. پس هر گاه عالم علم خود را تباه کند، نادان به آموختن روی نیاورد، هر گاه بی‌نیاز در بخشش بخل ورزد، تهیدست آخرت خویش را به دنیا فروشد. ای جابر کسی که نعمت‌های فراوان خدا به او روی کرد، نیازهای فراوان مردم نیز به او روی آورد، پس اگر صاحب نعمتی حقوق واجب الهی راپردازد، خداوند نعمت‌ها را بر او جاودانه سازد، و آن کس که حقوق واجب الهی در نعمت‌ها را نپردازد، خداوند، آن را به زوال و نابودی کشاند.

حکمت 373

مراحل امر به معروف و نهی از منکر

(اخلاقی، اجتماعی، سیاسی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: (ابن جریر طبری در تاریخ خود از عبد الرحمن بن ابی لیلی فقیه نقل کرد، که برای مبارزه با حجاج به کمک ابن اشعث برخاست، برای تشویق مردم گفت من از علی علیه السلام «که خداوند در جاتش را در میان صالحان بالا برد، و ثواب شهیدان و صدیقان به او عطا فرماید» در حالی که با شامیان رو برو شدیم شنیدم که فرمود) ای مؤمنان! هر کس تجاوزی را بنگرد، و شاهد دعوت به منکری باشد، و در دل آن را انکار کند خود را از آلودگی سالم داشته است، و هر کس با زبان آن را انکار کند پاداش آن داده خواهد شد، و از اوّلی برتر است، و آن کس که با شمشیر به انکار برخیزد تا کلام خدا بلند و گفتار ستمگران پست گردد، او را رستگاری را یافته و نور یقین در دلش تابیده.

حکمت 374

مراحل امر به معروف و نهی از منکر

(اخلاقی، اجتماعی، سیاسی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: (و همانند حکمت گذشته، سخن دیگری از امام نقل شد) گروهی، منکر را با دست و زبان و قلب انکار می کنند، آنان تمامی خصلت‌های نیکو را در خود گرد آورده اند. گروهی دیگر، منکر را با زبان و قلب انکار کرده، اما دست به کاری نمی برند، پس چنین کسی دو خصلت از خصلت‌های نیکو را گرفته و دیگری را تباه کرده است. و بعضی منکر را تنها با قلب انکار کرده، و با دست و زبان خویش اقدامی ندارند، پس دو خصلت را که شریف تر است تباه ساخته اند و یک خصلت را به دست آورده اند. و بعضی دیگر منکر را با زبان و قل و دست رها ساخته اند که چنین کسی از آنان، مرده ای میان زندگان است. و تمام کارهای نیکو، و جهاد در راه خدا، برابر امر به معروف و نهی از منکر، چونان قطره ای بر دریای مواج و پهناور است، و همانا امر به معروف و نهی از منکر، نه اجلی را نزدیک می کنند، و نه از مقدار روزی می کاهند، و از همه اینها برتر، سخن حق در پیش روی حاکمی ستمکار است.

حکمت 375

مراحل شکست در مبارزه

(سیاسی، نظامی، اخلاقی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: (از ابی جحیفه نقل شد، گفت از امیر مؤمنان شنیدم که فرمود علیهم السّلام) اولین مرحله از جهاد که در آن باز می مانید، جهاد با دستانتان، سپس جهاد با زبان، و آنگاه جهاد با قلب هایتان می باشد، پس کسی که با قلب، معروفی را ستایش نکند، و منکری را انکار نکند، قلبش واژگون گشته، بالای آن پایین، و پایین قلب او بالا قرار خواهد گرفت.

حکمت 376

سرانجام حق و باطل

(اعتقادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: حق سنگین اما گواراست، و باطل، سبک اما کشنده.

حکمت 377

ضرورت ترسیدن از عذاب الهی

(اعتقادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: بر بهترین افراد این امت از عذاب الهی ایمن باشید زیرا که خدای بزرگ فرمود. «از کیفر خدا ایمن نیستند جز زیانکاران» و بر بدترین افراد این امت از رحمت خدا نومید باشید زیرا که خدای بزرگ فرمود. «همانا از رحمت خدا نومید نباشند جز کافران»

حکمت 378

آثار شوم بخل ورزی

(اخلاقی، اقتصادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: بخل ورزیدن کانون تمام عیبها، و

مهارى است كه انسان را به سوى هر بدى مى كشاند.

حکمت 379

اقسام روزى و پرهيز از حرص زدن

(اقتصادى، اعتقادى) و درود خدا بر او، امام على (ع) فرمود: اى فرزند آدم روزى دو گونه است، روزى كه تو آن را جويى، و روزى كه تو را مى جويد، كه اگر به سراغش نروى به سوى تو آيد. پس اندوه سال خود را بر اندوه امروزت منه، كه بر طرف كردن اندوه هر روز از عمر تو را كافى است. اگر سال آينده در شمار عمر تو باشد همانا خداى بزرگ در هر روز سهم تو را خواهد داد، و اگر از شمار عمرت نباشد تو را با اندوه آنچه كار است كه هرگز جوينده اى در گرفتن سهم روزى تو بر تو پيشى نگيرد، و چيره شونده اى بر تو چيره نگردهد، و آنچه براى تو مقدر گشته بى كم و كاست به تو خواهد رسيد.

مى گوييم: (اين سخن امام عليه السلام در حكمت 267 آمده، اما چون در اينجا همان مفاهيم آشكارتر و روشن تر بيان گرديد آن را بر اساس روشى كه در آغاز كتاب تذکر داديم آورديم).

حکمت 380

ضرورت ياد مرگ

(اخلاقى، معنوى) و درود خدا بر او، امام على (ع) فرمود: چه بسيار كسانى كه در آغاز روز بودند و به شامگاه نرسيدند، و چه بسيار كسانى كه در آغاز شب بر او حسد مى بردند و در پايان شب عزاداران به سوگشان نشستند.

حکمت 381

ضرورت راز دارى و كنترل زبان

(اخلاقى، تربيتى) و درود خدا بر او، امام على (ع) فرمود: سخن در بند توسست، تا آن را نگفته باشى، و چون گفتى، تو در بند آنى، پس زبانت را نگهدار چنانكه طلا و نقره خود را نگه مى دارى، زيرا چه

بسا سخنی که نعمتی را طرد یا نعمتی را جلب کرد.

حکمت 382

ارزش سکوت

(اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: آنچه نمی دانی مگو، بلکه همه آنچه را که می دانی نیز مگو، زیرا خداوند بزرگ بر اعضاء بدنت چیزهایی را واجب کرده که از آنها در روز قیامت بر تو حجت آورد.

حکمت 383

تلاش در اطاعت و بندگی

(اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: بترس که خداوند تو را به هنگام گناهان بنگرد، و در طاعت خویش نیابد، آن گاه از زیانکاری، هر گاه نیرومند شدی توانت را در طاعت پروردگار به کار گیر، و هر گاه ناتوان گشتی، ناتوانی را در نافرمانی خدا قرار ده.

حکمت 384

راه چگونه زیستن

(اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: به دنیا آرامش یافتن در حالی که ناپایداری آن مشاهده می گردد، از نادانی است، و کوتاهی در اعمال نیکو با وجود یقین به پاداش آن، زیانکاری است، و قبل از آزمودن اشخاص، اطمینان پیدا کردن از عجز و ناتوانی است.

حکمت 385

دنیا شناسی

(علمی، معنوی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: از خواری دنیا نزد خدا همان بس که جز در

دنیا، نافرمانی خدا نکنند، و جز با رها کردن دنیا به پاداش الهی نتوان رسید.

حکمت 386

ضرورت استقامت

(علمی، اخلاقی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: جوینده چیزی یا به آن یا به برخی از آن، خواهد رسید.

حکمت 387

شناخت خوبی ها و بدی ها

(اخلاقی، اعتقادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: خیری که در پی آن آتش باشد، خیر نخواهد بود، و شری که در پی آن بهشت است شر نخواهد بود، و هر نعمتی بی بهشت ناچیز است، و هر بلایی بی جهنم، عاقبت است.

حکمت 388

فقر زدایی و سلامت

(اقتصادی، بهداشتی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: آگاه باشید که فقر نوعی بلا است. و سخت تر از تنگدستی بیماری تن و سخت تر از بیماری تن، بیماری قلب است، آگاه باشید که همانا عامل تندرستی تن، تقوای دل است.

حکمت 389

ضرورت عمل گرایی

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: آن کس که کردارش او را به جایی نرساند، بزرگی خاندانش، او را به پیش نخواهد راند. [در نقل دیگری آمده که] آن کس که ارزش

خویش را دست بدهد، بزرگی خاندانش او را سودی نخواهد رساند.

حکمت 390

برنامه ریزی صحیح در زندگی

(اخلاقی، اجتماعی، اخلاق خانواده) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: مؤمن باید شبانه روز خود را به سه قسم تقسیم کند، زمانی برای نیایش و عبادت پروردگار، و زمانی برای تأمین هزینه زندگی، و زمانی برای واداشتن نفس به لذت‌هایی که حلال و مایه زیبایی است. خردمند را نباید جز آن که در پی سه چیز حرکت کند: کسب حلال برای تأمین زندگی، یا گام نهادن در راه آخرت، یا به دست آوردن لذت‌های حلال.

حکمت 391

ضرورت ترک حرام و غفلت زدگی

(اخلاقی، اعتقادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: از حرام دنیا چشم پوش، تا خدا زشتی‌های آن را به تو نمایاند، و غافل مباش که لحظه‌ای از تو غفلت نشود.

حکمت 392

راه شناخت انسان‌ها (سخن گفتن)

(علمی، اجتماعی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: سخن بگویید تا شناخته شوید، زیرا که انسان در زیر زبان خود پنهان است.

حکمت 393

روش برخورد با دنیا

(اخلاقی، اعتقادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: از دنیا آن مقدار که به تو می‌رسد، بردار، و از آنچه پشت کند، روی گردان، و اگر نتوانی، در جستجوی دنیا نیکو تلاش کن. (و از خداوند

اندازه آن در نگذر).

حکمت 394

ارزش سخن

(علمی، سیاسی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: بسا سخن که از حمله مسلحانه کارگرتراست.

حکمت 395

ارزش قناعت

(اقتصادی، اخلاقی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: هر مقدار که قناعت کنی کافی است.

حکمت 396

راه خوب زیستن

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: مرگ بهتر از تن به ذلت دادن و به اندک ساختن بهتر از دست نیاز به سوی مردم داشتن است. اگر به انسان نشسته در جای خویش چیزی ندهند. با حرکت و تلاش نیز نخواهند داد، روزگار دو روز است، روزی به سود تو، و روزی به زیان تو است، پس آنگاه که به سود تو است به خوشگذرانی و سرکشی روی نیاور، و آنگاه که به زیان تو است شکیا باش،

حکمت 397

عطر خوب

(تجمل و زیبایی، بهداشتی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: چه خوب است عطر مشک، تحمل آن سبک و آسان، و بوی آن خوش و عطر آگین است.

حکمت 398

ترک غرور و یاد مرگ

(اخلاقی، اعتقادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: فخر فروشی را کنار بگذار، تکبر و خود بزرگ بینی را رها کن، به یاد مرگ باش.

حکمت 399

حقوق متقابل پدر و فرزند

(اخلاقی، حقوقی، تربیتی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: همانا فرزند را به پدر، و پدر را به فرزند حقّی است. حق پدر بر فرزند این است که فرزند در همه چیز جز نافرمانی خدا، از پدر اطاعت کند، و حق فرزند بر پدر آن که نام نیکو بر فرزند نهد، خوب تربیتش کند، و او را قرآن بیاموزد.

حکمت 400

شناخت واقعیّت‌ها و خرافات

(علمی، اعتقادی) و درود خدا بر او، امام علی (ع) فرمود: چشم زخم حقیقت دارد، استفاده از نیروهای مرموز طبیعت حقیقت دارد، سحر و جادو وجود دارد، و فال نیک راست است، و رویداد بد را بد شگون دانستن، درست نیست، بوی خوش درمان و نشاط آور، عسل درمان کننده و نشاط آور، سواری بهبودی آور، و نگاه به سبزه زار درمان کننده و نشاط آور است.

پاسخ های عجیب و حکیمانه امام علی (ع) به پرسشهای مردم

امام علی (ع) فرمودند: سَلَوْنِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي. مجموعه پرسش و پاسخهای مردم پس از این کلام امام به خطبه سلونی مشهور است که در اینجا به چند نمونه از آنها اشاره می کنیم

نکته: توضیح بیشتر جزء کلام امام نیست

اول

: اولین سوال کننده از گوشه‌ی مسجد کوفه برخاست و پرسید

یا علی ، به من بگو از اینجا که من ایستاده ام تا عرش خدا چقدر فاصله است ؟

امیرالمومنین فرمود : اولاً فاصله فرش تا عرش ، یک فاصله‌ی مکانی نیست که من به تو بگویم از اینجا تا عرش چقدر فاصله است ؟! اما اگر یک مومنی خالصانه بگوید لا اله الا الله و این کلمه توحید را بر زبان خود جاری سازد ، او فاصله فرش تا عرش را پیموده است ، فرش و عرش را به یکدیگر دوخته است .

و بعد در ادامه فرمود : اگر می خواهی عرش پروردگار رحمان را جستجو کنی ، بدان قلب یک انسان . مومن عرش پروردگار رحمان است

. اولین سوال کننده جواب سوال خود را گرفت و نشست

دوم

: سائل دوم از گوشه‌ی دیگر مسجد برخاست ، پرسید

یا علی ، به من بگو واجب کدام است ؟ واجب تر کدام است ؟

نزدیک کدام است ؟ نزدیک تر کدام است ؟

عجیب کدام است ؟ عجیب تر کدام است ؟

مشکل کدام است ؟ مشکل تر کدام است ؟

:امیرالمومنین در پاسخ فرمود

.واجب ، ترک گناه است و واجب تر از آن توبه‌ی از گناه است

.نزدیک ، قیامت است و نزدیک تر از آن مرگ است

.عجیب ، بی وفایی دنیاست و عجیب تر از آن دل بستن به این دنیای بی وفاست

. مشکل ، سرازیر قبر شدن است و مشکل تر از آن با دست خالی سرازیر قبر شدن است .
این سائل دوم هم جواب سوال خود را گرفت و نشست

سوم

: سائل سوم از گوشه‌ی دیگر مسجد کوفه برخاست. پرسید
یا علی ، به من بگو من از کجا بفهمم خدا عبادت های مرا قبول کرد ؟
از کجا بفهمم خدا گناهان مرا آمرزیده است ؟
از کجا بفهمم خدا عبادت های مرا قبول نکرد و مردود اعلام شد ؟
از کجا بفهمم خدا گناهان مرا نیامرزید و در نامه ی عمل من ثبت شد ؟

:امیرالمومنین فرمود

اگر یک عبادتی انجام داده اید و بعد از آن عبادت ، خدا به شما توفیق داد عبادت دوم را انجام بدهید ، آن عبادت دوم دلیل بر آن است که خدا عبادت اول را از شما قبول کرد . چون عبادت اول تان را قبول کرد لذا به شما توفیق ورود به عبادت دوم را عنایت کرد .
اگر شما یک گناه و معصیتی مرتکب شدید ، منتهی بعد از آن گناه خدا به شما توفیق داد یک طاعت و عبادتی انجام داده اید ، این عبادت بعد از معصیت دلیل بر این است که خدا معصیت شما را آمرزیده است و مورد بخشش قرار داد لذا به شما توفیق داد که مرتکب طاعت و عبادتی بشوید

اگر اول یک طاعت و عبادتی انجام دادید ، بعد از آن عبادت مرتکب گناه و معصیتی شدید ، آن گناه بعد از عبادت دلیل بر این است که خدا عبادت شما را قبول نکرد و مردود اعلام شد لذا مرتکب گناه شدید ، چون اگر عبادت ، عبادت مقبول بود می بایست شما را از گناه بازدارد . همین که بعد از عبادت معصیت کردید ، این معصیت دلیل بر این است که آن عبادت مقبول نبود

اگر یک گناهی انجام دادید و بعد از آن مرتکب گناه دوم شدید ، آن گناه دوم دلیل بر آن است که خدا گناه اول تان را نیامرزید ، لذا مرتکب گناه دوم شدید. اگر مرتکب گناه سوم بشوید ، گناه سوم

دلیل بر این است که خدا گناه دوم را بر شما نبخشید .
این سومین سائل هم جواب سوال خود را گرفت و نشست

چهارم

: سائل چهارم از گوشه‌ی دیگر مسجد کوفه برخاست. پرسید
یا علی ، بچه‌ای به دنیا آمد ، این بچه یک تن دارد با دو سر . آیا با داشتن این دو سر ، او یک نفر
محسوب می شود و از پدر یک
سهم ارث می برد یا دو نفر به حساب می آید و از پدر دو سهم ارث می برد ؟
امیرالمومنین فرمود : این دو سر را بخوابانید ، وقتی هر دو سر به خواب رفتند آنگاه آهسته ، سر اول را
از خواب بیدار کنید . اگر همزمان با بیدار شدن سر اول ، سر دوم هم از خواب برخاست ، معلوم
می شود او یک نفر به حساب می آید و از پدر یک سهم ارث می برد . اما اگر با بیدار نمودن سر اول ،
دیدید که سر دوم همچنان در خواب است ، معلوم می شود او دو نفر محسوب می شود و از
پدر دو سهم ارث می برد .
سائل چهارم هم جواب سوال خود را گرفت و نشست

پنجم

: سائل پنجم از گوشه‌ی دیگر مسجد کوفه برخاست. پرسید
یا علی ، دو مادر بر سر دو بچه با هم به دعوا افتادند . این دو بچه یکی پسر است و دیگری دختر .
مادر اولی می گوید پسر مال من است ، دختر مال تو . مادر دوم می گوید نخیر ، پسر مال من است ،
دختر مال تو . چگونه به دعوی این دو مادر خاتمه بدهیم ؟
امیرالمومنین فرمود : دو ظرف بردارید ، از شیر این دو مادر بدوشید ، شیر دوشیده شده را وزن کنید ،
آن شیری که وزنش سنگین تر
است ، پسر مال اوست و آن شیری که وزنش سبک تر است ، دختر مال اوست
این پنجمین سائل هم جواب سوال خود را گرفت و نشست

ششم

: سائل ششم از گوشه‌ی دیگر مسجد کوفه برخاست. پرسید

یا علی، خدا در کتاب زبور داوود پیامبر وحی فرستاد که من چهار چیز را در چهار جا مخفی نمودم. به من بگو آن چهار چیز کدامند؟

:امیرالمومنین فرمود

1. خدا اولیای خود را در میان شما بندگان پنهان نمود پس هیچ بنده‌ای از بندگان خدا را کوچک .
مشمایید و او را مورد تحقیر قرار مدهید شاید او ولی‌ای از اولیای خدا باشد و شما ندانید
2. خدا رضا و خشنودی خود را در طاعت و عبادت شما بندگان پنهان کرد پس هیچ عبادتی را .
کوچک مشمایید و از آن صرف نظر نکنید شاید رضای خدا در همان عبادت کوچک شما نهفته باشد و شما ندانید

:توضیح بیشتر

ما در اسلام یک سری عبادت‌های کوچک داریم که به ظاهر کوچک اند اما ثواب عظیمی در پشت آن خوابیده است، مثلاً دو رکعت نافله‌ی نماز عشاء که بعد از نماز عشاء، بصورت نشسته خوانده می‌شود، ثواب این دو رکعت به اندازه ثواب صد حج و صد عمره مقبوله در رکاب پیامبر است، عبادت به ظاهر کوچک ولی ثوابی عظیم!! یا مثلاً دو رکعت نافله‌ی نماز صبح، یا وضو گرفتن قبل از خواب، همه‌ی اینها ثوابی بس عظیم دارند

3. خدا خشم و غضب خود را در گناه و معصیت شما بندگان پنهان نمود، پس هیچ معصیتی را .
کوچک مشمایید و آن را مرتکب نشوید شاید خشم خدا در همان معصیت کوچک شما نهفته باشد و شما ندانید

: توضیح بیشتر

همانطور که می‌دانید گناهان دو دسته اند. (گناهان صغیره، گناهان کبیره) حال می‌دانید در اسلام چند گناه و چند واجب وجود دارد؟ در اسلام 1553 تا واجب و 1448 تا گناه داریم. (توضیح بیشتر در کتاب اثبات الهداء علامه شیخ حر عاملی)

. شایسته‌ست زین پس گناهان را ساده نپنداریم، شاید فردایی نباشد

خدا اجابت خود را در دعا‌های شما بندگان پنهان کرد پس هیچ دعایی را کوچک شمارید و از 4 .
. آن صرف نظر نکنید شاید اجابت خدا در همان دعای کوچک شما نهفته باشد و شما ندانید

توضیح بیشتر:

چرا گاهی وقتها دعا‌های ما مستجاب نمی‌شود؟ قطعاً خدا دعا‌های ما را مستجاب می‌کند ولی گاهی
همانی را که از خدا خواستیم، خدا به ما می‌دهد اگر به مصلحت ما باشد. گاهی آن چیزی را که از
خدا خواستیم، خدا به ما نمی‌دهد چون به مصلحت ما نیست ولی در عوضش چیزی که ما از خدا
. نخواستیم و مصلحت ما در آن است، خدا آن را به ما می‌دهد

گاهی هم این دعا‌های ما ذخیره قبر و آخرت ما می‌شود و در عالم برزخ و قیامت آنقدر پاداش به ما
خواهد داد که آرزو می‌کنیم ای کاش هیچ دعای ما در دنیا مستجاب نمی‌شد و همه‌ی دعاها ذخیره
. قبر و عالم قیامت می‌شد

مثل فرزندی که بیمار است و از پدر شیرینی و شکلات می‌خواهد!! پدر نمی‌دهد چون به مصلحت
فرزند نیست، آیا این به این معنی است که پدر با فرزند دشمنی دارد؟ خیر، بلکه از شدت دوستی است
که خواسته اش را به او نمی‌دهد و پدر به فرزند دارویی می‌دهد که به مصلحت اوست گرچه فرزند
. این را از پدر نخواسته بود

. این ششمین سائل هم جواب سوال خود را گرفت و نشست

هفتم

: سائل هفتم از جا برخاست. پرسید

یا علی، به من بگو الان جبرئیل امین در کجاست؟

امیرالمومنین یک نگاه به آسمان کرد و یک نگاه به سمت راست و نگاه به سمت چپ و نگاه به پشت
. سر

فرمود: تمام آفرینش را نگریستم، جبرئیل را ندیدم. جبرئیل باید خودت باشی. ناگهان جمعیت
. دیدند این سوال کننده از وسط جمعیت خارج شد. فهمیدند او خود جبرئیل امین بود

هشتم

: سائل هشتم از گوشه‌ی دیگر مسجد کوفه برخاست. پرسید

یا علی، اگر سگی با گوسفندی مقاربت کردند، بچه‌ای متولد شد، این بچه حکم سگ را دارد یا حکم گوسفند را؟

توضیح بیشتر:

ابن ابی الحدید وقتی به اینجا رسید، تاسف می‌خورد. می‌گوید ای کاش آن شب در پای خطبه سلونی علی بن ابی طالب انسان‌های فهیم و فرهیخته‌ای حضور می‌داشتند که سوالات عمیق علمی و حکمی از محضر مولا می‌پرسیدند تا پاسخ مولا برای ما آیندگان بماند ولی افسوس ... بعضی آدمهایی که پای خطبه‌ی سلونی مولا علی نشسته بودند، آدمهای عوام کم سوادی بودند که سوالات شان از این نوع بود که چنین سوالی کردند!! مولا علی (علیه السلام) این سوال را هم بی پاسخ ... نگذاشتند

فرمود: بروید ببینید این بچه علف می‌خورد یا استخوان می‌چرد؟ اگر علف می‌خورد، گوسفند است. و اگر استخوان می‌چرد، سگ است.

. سائل بلند شد و گفت: یا علی، گاهی می‌بینیم علف می‌خورد، گاهی استخوان می‌چرد. فرمود: بروید ببینید آیا مانند گوسفند می‌نشیند یا مانند سگ؟

. سائل بلند شد و گفت: یا علی، گاهی مانند گوسفند می‌نشیند و گاهی مانند سگ

توضیح بیشتر:

. همانطور که می‌دانید گوسفند روی شکم می‌نشیند و سگ روی نشیمنگاهش

فرمود: بروید ببینید آیا مانند گوسفند آب می‌نوشد یا مانند سگ آب می‌خورد؟

. سائل باز هم گفت: گاهی مانند گوسفند آب می‌نوشد و گاهی هم مانند سگ آب می‌خورد

فرمود: بروید ببینید آیا مانند گوسفند بول می‌کند یا مانند سگ؟

. سائل باز هم بلند شد و گفت: یا علی، گاهی مانند گوسفند بول می‌کند و گاهی مانند سگ

فرمود: بروید ببینید آیا در اول و وسط گله راه می‌رود یا آخر گله؟ اگر اول و وسط گله راه می‌رود

. گوسفند است، اگر آخر گله راه می‌رود سگ است

. سائل باز هم بلند شد و گفت : یا علی ، گاهی اول ، گاهی وسط ، گاهی هم آخر گله راه می رود .
فرمود : پس او را بکشید ، اگر شکمه دارد ، گوسفند است و اگر شکمه ندارد ، سگ است .
این سائل هم جواب سوال خود را گرفت و نشست

توضیح بیشتر:

جناب جرج جرداق مسیحی در کتاب " امام علی صوت العدالة الانسانیة " می گوید : ای شیعیان ،
افتخار کنید به چنین پیشوایی . کدام رهبر را در تاریخ بشر سراغ دارید ، در هر زمینه ای از او پرسیده
باشند ، بی درنگ پاسخ داده باشد ؟
ای روزگار ، تو را چه شده است ؟ ای کاش تمام ثروت ها و سرمایه های خود را بسیج می کردی ...
تا در هر قرنی ، یک علی تحویل جامعه ی بشریت می دادی . کمبود جامعه ی بشری ما ، وجود یک
. پیشوایی به نام علی بن ابی طالب است
و در پایان می گوید : می دانید چرا علی را در محراب عبادت سر شکافتند ؟ علی را از شدت عدالتش
. کشتند !!!! و او تنها پیشوای عادل تاریخ بشر است که از شدت عدلش کشته شده از شدت ظلمش

نهم

از مولا پرسیدند : چه کنیم تا مشکلات زندگی در نظر ما کوچک آید ؟
:امیرالمومنین پنج نکته را در ارتباط با این سوال بیان فرمودند
هرگاه یک مصیبت و مشکلی در زندگی شما پدید آمد ، شما مشکل بزرگتر از آن را در ذهن . 1
خودتان مجسم کنید و به خود بگویید اگر به جای این مشکل وارده ، آن مشکل بزرگتر بر سر من
فرود می آمد ، چه می شد؟ اگر مشکل بزرگتر را در ذهن مجسم کنید ، تحمل این مشکلی که بر سر
. شما وارد شد ، بر شما آسان خواهد شد

توضیح بیشتر:

مثلا اگر خدایی نکرده در یک حادثه ای دست کسی شکست ، این شکسته شدن دست را اگر
بخواهیم تحمل کنیم ، در ذهن مان تجسم کنیم که اگر در این حادثه علاوه بر دست من ، پا و سر و

گرددن و کمرم می شکست ، چه می شد؟ وقتی آن مصیبت بزرگ تر را در ذهن مجسم کردید ، این مصیبت وارده تحملش آسان خواهد شد .

رنج یک مصیبت را بر گذر زمان پخش کنید ، تقسیم و توزیع کنید . 2

توضیح بیشتر:

پخش نمودن رنج یک مصیبت بر گذر زمان معنایش چیست ؟

به این معنی ست که غم و غصه های دیروز زندگی تان ، برای دیروز بود ، تمام شد و رفت! غم و غصه های فردا هم برای فرداست که هنوز نیامده ، و اصلا معلوم نیست شما فردایی داشته باشید یا نه ، پس برای امروز شما ، غم و غصه های همین امروز کافی ست

باور کنید که رنج و غم و مشکل زندگی پایان پذیر است . هیچ غم و غصه ای برای همیشه در . 3 زندگی شما باقی نمی ماند . هر مشکلی یک مدت زمانی دارد . تا یک مدتی در زندگی شما می ماند ، ماموریت خود را به انجام می رساند ، به اهداف خودش دست پیدا می کند و بعد زندگی شما را ترک خواهد گفت . مشکلات پایان پذیر است

آنچه بود و رفت ، مثل آن که نبود . 4

توضیح بیشتر:

خیلی وقتها غصه های ما بابت چیزهایی ست که به دست آوردیم ، بعد از دست ما رفت و می نشینیم و غصه می خوریم . مولا

می فرمایند این هم غصه خوردن ندارد ، چون آنچه بود و رفت ، مثل اینکه از اول آن را نداشتید ، !! خلاص

آنچه به دست نیامد ، مثل آن که بود و رفت . 5

توضیح بیشتر:

خیلی وقت ها غم و غصه های ما بابت چیزهایی ست که سعی کردیم آن را به دست بیاوریم ، ولی به دست نیامد . می نشینیم و غصه اش را می خوریم . این هم غصه خوردن ندارد چون آنچه به دست نیامد ، مثل آن که بود و رفت

. سوال کننده نهم هم ، جواب سوال خود را گرفت و نشست

دهم

: سائل دهم از گوشه ی دیگر مسجد کوفه بلند شد و پرسید

یا علی ، غذای روح انسان کدام است ؟

امیرالمومنین فرمود : سه چیز است ؛

1. ذکر ی که از زبان تان عبور نماید و به قلب شما راه پیدا کند .

2. توبه ای که نصوح باشد یعنی انسان دیگر به آن گناه بازگشت ننماید .

3. موعظه ای که بر جان بنشیند و قلب آدم را زیر و رو کند .

. سائل دهم هم جواب سوال خود را گرفت و نشست

یازدهم

: سائل یازدهم از گوشه ی دیگر مسجد کوفه بلند شد. پرسید

یا علی ، به من بگو خداوند چند قوه در وجود انسان قرار داد ؟ قوای وجودی انسان کدامند ؟

امیرالمومنین فرمود : چهار قوه ؛

1. قوه ی عاقله ، که بزرگترین سرمایه ای ست که خدا در اختیار بشر قرار داد .

2. قوه ی حافظه ، که سبب می شود آنچه را فرا می گیرید ، در ذهن و دلتان حفظ شود . اگر خدا این .

قوه ی حافظه را به شما نمی داد

. شما اسم تان را فراموش می کردید ، آدرس خانه تان از یادتان می رفت و راه را گم می کردید

3. قوه ی عاطفه ، خدا این سرمایه را به ما داده که به کمک این سرمایه آنچه را برای خود می .

خواهیم ، برای دیگران هم بخواهیم و

. آنچه را برای خود نمی پسندیم ، برای دیگران هم نپسندیم و به دیگران مهر بورزیم

قوه‌ی وجدان ، امکان ندارد انسان فرمان وجدان را زیر پا بگذارد مگر اینکه گرفتار تلخی عذاب . 4
. وجدان خواهد شد

. این سوال کننده یازدهم هم جواب سوال خود را گرفت و نشست

دوازدهم

:سائل دوازدهم پرسید

کدام جاندار بود که از شکم جاندار دیگر بیرون آمد در حالی که بین آنها نسبت و نسبی نبود ؟
امیرالمومنین فرمود : حضرت یونس پیامبر که از شکم ماهی بیرون آمد ، در حالی که هیچ نسبتی بین
. او و ماهی وجود نداشت

: توضیح بیشتر

حضرت یونس پیامبر وقتی از قوم خودش گریخت ، آمد کنار دریا و سوار کشتی شد . دیدند یونس
پیامبر مشغول ذکر و تسبیح خداست . این کشتی با نهنگی مواجه شد ، بین آدمهای داخل کشتی قرعه
. انداختند ، قرعه به نام یونس پیامبر افتاد

یونس را از کشتی به دریا انداختند ، باز هم دیدند او مشغول ذکر و تسبیح خداست . وقتی در دهان
نهنگ قرار گرفت ، باز هم مشغول ذکر و تسبیح خدا بود . از دهان نهنگ در شکم نهنگ فرو رفت ،
باز هم مشغول ذکر و تسبیح خدا بود . وقتی خدا اراده کرد و او را از تاریکستان شکم نهنگ به ساحل
. نجات یافکند ، باز هم دیدند او در حال ذکر و تسبیح خداست
. یعنی در همه حال ، به یک حال بود

حالات گوناگون زندگی تغییرش نداده بود . چه در داخل کشتی ، چه در دل دریا ، چه در دهان
... نهنگ ، چه در شکم نهنگ ، چه در ساحل نجات

. سوال کننده دوازدهم هم جواب سوال خود را گرفت و نشست

سیزدهم

: سائل سیزدهم برخاست و پرسید

یا علی ، من سه سوال از محضر شما دارم ؛

- کدام کوه بود که یک بار از جای خود کوچ نمود ؟ 1 .
- کدام درخت بود که صد سال راه سایه‌ی آن طول دارد ؟ 2 .
- کدام درخت است که بدون آبیاری روئیده شد ؟ 3 .

:امیرالمومنین فرمود

:اما آن کوهی که یک بار از جای خود کوچ نمود ، کوه طور است که قرآن کریم می فرماید . 1
وَإِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ ... (سوره مبارکه اعراف ، آیه شریفه 171)

اما آن درختی که صد سال راه سایه او طول دارد ، درخت طوبی در بهشت است که در تمام . 2
قصرهای بهشت شاخه ای از آن آویزان است ، همانطوری که قرص آفتاب در تمامی خانه ها ، شعاع
او می تابد

اما آن درختی که بدون آبیاری روئیده شد ، درختی بود که برای یونس پیامبر رویانده شد که . 3
:قرآن کریم می فرماید

وَأَنْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِّنْ يَقْطِينٍ (سوره مبارکه صافات، آیه شریفه 146)
. سوال کننده سیزدهم هم جواب سوال خود را گرفت و نشست

چهاردهم

:سائل چهاردهم برخاست و از امیرالمومنین پرسید

یا علی ، ما در زندگی چگونه به جنگ با سختی ها برویم ؟

:امیرالمومنین فرمود

.به مشکلات زندگی تان زمان بدهید تا با گذشت زمان ، مشکل برطرف شود
.شرایط بدتر را در نظر بگیرید تا تحمل آن شرایط موجود بر شما آسان شود
دیگران را شاد کنید ، غم را از دل دیگران بریاید تا خداوند نیز غم را از دل شما بریاید و مشکل شما
را حل کند

.محرم رازی داشته باشید و مشکلات تان را با او در میان بگذارید تا تسکین پیدا کنید

. به نقطه های مثبت و زیبای زندگی خود بیاندیشید

. این سوال کننده هم جواب سوال خود را گرفت و نشست

پانزدهم

:سائل پانزدهم برخاست و پرسید

یا علی ، آن پدیده چه بود که زنده اش ، می آشامید و مرده اش هم می خورد ؟

امیرالمومنین فرمود : عصای موسی ؛

موقعی که شاخه ای بر روی درخت بود ، می آشامید و موقعی که عصا شد ، سحر ساحران را بلعید و خورد .

. این سوال کننده هم جواب سوال خود را گرفت و نشست

شانزدهم

:سائل بعدی از گوشه ی دیگر مسجد کوفه برخاست و پرسید

یا علی ، اول درختی که روی زمین روئیده ، کدام درخت بود ؟

اول چشمه ای که روی زمین جاری شد ، کدام چشمه بود ؟

اول سنگی که بر روی زمین قرار گرفت ، کدام سنگ بود ؟

:امیرالمومنین فرمود

اول درخت ، خرما بود که حضرت آدم آن را با خود از بهشت به زمین آورد و آن را کاشت و تمام خرماهای عالم از آن اول درخت عالم پدید آمد

اما اول چشمه ای که بر روی زمین جاری شد ، آب حیات بود که هرکس آن را بیاشامد ، زنده

.خواهد ماند ، چنانکه خضر پیامبر آن را نوشید و زنده باقی ماند

و اول سنگی که بر روی زمین قرار گرفت ، سنگ حجرالاسود بود که حضرت آدم آن را از بهشت به

دنیا آورد و بر آن زاویه ی خانه ی کعبه نصب کرد ، ابتدا از برف سفیدتر بود ، بعد در اثر حسرت

دست زدن کفار و مشرکین به آن ، سیاه شد . (لذا به آن می گویند حجرالاسود ، سنگ سیاه)

. سوال کننده شانزدهم هم جواب سوال خود را گرفت و نشست

هفدهم

: سائل هفدهم از گوشه ی دیگر مسجد کوفه برخاست و پرسید

. یا علی ، زهد را در یک جمله برای من تعریف کن

: امیرالمومنین فرمود : خدا در یک جمله ی قرآن زهد را به زیبایی تعریف فرمود

لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ (سوره مبارکه حدید ، آیه شریفه 23)

زاهد کسی ست که آنچه از خوشی های زندگی نصیب او می شود ، خود را نبازد و آنچه از ناخوشی

. ها نصیب او می شود ، به ناله و زاری نیفتد

. این سوال کننده هم جواب سوال خود را گرفت و نشست

هجدهم

:سائل بعدی برخاست و پرسید

یا علی ، کدام عبادت است که هم انجام دادن آن عقوبت دارد و هم ترک آن ؟

امیرالمومنین فرمود : نماز خواندن انسان مست ، انجام این نماز عقوبت دارد چون در حالت مستی نماز

. گزاشت ، ترک آن هم عقوبت دارد چون نماز را ترک نموده است

. سوال کننده هجدهم هم جواب سوال خود را گرفت و نشست

نوزدهم

: سائل نوزدهم از گوشه ی دیگر مسجد کوفه برخاست و پرسید

یا علی ، تفاوت انسان با سایر موجودات در چیست ؟

امیرالمومنین فرمود : انسان تنها موجودی ست که در زمین زندگی می کند ولی موجودی آسمانی ست .

(ماهیتی آسمانی دارد)

:امیرالمومنین علی علیه السلام ﷺ

؟؟؟ اگر سه چیز را در زندگیتان اصلاح کنید ، خداوند سه چیز دیگر را برای شما اصلاح میکند ؟

باطنت را اصلاح کرد 1

خداوند ظاهرّت را اصلاح میکند و خوبی ات را سر زبانها می اندازد ؟

رابطه ات را با خدا اصلاح کن 2

خداوند رابطه ات را با مردم اصلاح میکند و باعث احترام خلق به تو میشود ؟

آخرتت را اصلاح کن 3

خداوند امر دنیای تو را اصلاح میکند ؟